

فتاویٰ
دارالعلوم
دیوبند

فارسی

تألیف

مفتی اعظم العارف بالله حضرت مولانا الشیخ عزیز الرحمن عثمانی دیوبندی رحمہ اللہ

تصحیح ترجمہ و ترتیب جدید

مولانا الحافظ محمد احمد الحقانی الأفغانی رحمہ اللہ

جلد دوم (۲)

مکتبہ حنفیہ

کاسی روڈ ، کوئٹہ . فون: 081-2662510

آگاهی: جملہ حقوق برای ناشر محفوظ است.
© All Rights Reserved for publisher.
al-ilmcorp@hotmail.com

چاپ اول

حوت ۱۳۸۸ \ ربیع الاول ۱۴۳۱ \ مارچ ۲۰۱۰

مکتبہ انصاریہ	Maktabah Hanafiyah
مؤسسه انتشارات	Publishing Organization
العلم کمپیوٹرز	AL - ILM Computers
کمپوزنگ مرکز	Composing Organization

کاسی روڈ، حاجی غیبی چوک، کوئٹہ، شماره تلفون: 0812662510 . Phone : Kasi Road, Quetta, Pakistan .
العلم کمپیوٹرز، کوئٹہ، پاکستان، شماره تلفون: 03218016371 . Mob: AL-ILM Computers, Quetta.

فہرست فتاویٰ دار العلوم دیوبند جلد دوم

صفحہ	مضمون	صفحہ	مضمون
۳۰	پابندی اوقات نماز	۲۶	کتاب الصلاة
۳۱	وقت مستحب نماز صبح	۲۶	اہمیت نماز و فضائل آن
۳۲	مقیاس الظل		برای مسلمانان ہر طبقہ صورت پابندی
۳۲	وقت پیشین و امام صاحب	۲۶	نماز چیست؟
	آیا اوقات پنج وقت نماز در قرآن		کسیکہ بہ پابندی نمازها را اداء
۳۲	کریم ثبت است		نمیکند برای او ثواب داده میشود یا
۳۳	وقت آخر پیشین بہ نزد احناف	۲۷	نہ؟
	سبب ممانعت نماز در وقت طلوع	۲۷	ایانماز شخص رشوت خور مقبول است
۳۳	و غروب		اگر متعلقین نماز گذار نماز نخوانند
	نماز دیگر در وقت غروب نیم آفتاب		آیا بہ این سبب بالایش کدام جرم
۳۴	جائز است یا نہ	۲۷	عائد است
۳۴	وقت نماز پیشین و نماز جمعہ		امامت این قسم شخص تعلقات نگاہ
	وقت نماز شام از چہ وقت تا چہ	۲۸	شود یا نہ
۳۴	وقت دوام میکند		کسی کہ نماز نخواند جرمانہ مالی از
	در انتظار هیچ کس وقت مستحب	۲۸	او جائز است یا نہ؟
۳۵	ضائع نشود	۲۸	آیا ذکر اللہ از نماز فرض بہتر است
۳۵	وقت خفتن در نینى تال		از جہت تجربات ساینسی فوت
۳۵	وقت ظہر الی المثلین	۲۹	کردن نماز جائز است یا نہ
۳۶	فاصلہ در بین اذان و اقامت شام	۲۹	نمازها چہ وقت فرض شدہ
۳۷	وقت نماز خفتن	۳۰	الباب الاول فی المواقیت وما يتصل بها
	در وقت نماز پیشین و نماز جمعہ	۳۰	فصل اول در بیان اوقات نماز
۳۸	تفاوت است یا نہ؟	۳۰	اذان صبح و جمعہ
۳۸	آیا وقت نماز جمعہ تادونیم بجہ میبشد	۳۰	در قطب شمالی و جنوبی طریقہ

صفحه	مضمون	صفحه	مضمون
۴۶	اندازه فاصله در بین نماز دیگر و شام	۳۸	یا نه؟
	اگر نماز دیگر دو ساعت پیش از	۳۹	وقت مستحب نماز خفتن
	نماز شام خوانده شود چه حکم	۳۹	در ابر احاطه کننده اندازه اوقات نماز
۴۶	است؟		خواب شدن پیش از نماز خفتن که
	نماز خفتن در آخر شب بعد از خواب	۴۰	جماعت فوت نشود
۴۷	کردن جائز است یا نه؟	۴۰	فاصله بین اذان شام و اذان خفتن
۴۷	تاخیر در جماعت از وقت مقرر		وقت اول نماز دیگر به نزد امام اعظم
۴۸	وقت نماز دیگر و بحث مثلین	۴۰	صاحب
۴۹	ابتداء وقت شام	۴۱	نماز صبح کدام وقت اداء شود
	اگر در مقتدیان هم احناف باشند	۴۱	اوقات نماز در لندن
	و هم شوافع در اوقات نماز کدام	۴۱	اوقات مستحب در روزهای باران
۴۹	مذهب مراعات شود		اگر نماز صبح در رمضان در وقت
۵۰	وقت نماز شام و خفتن	۴۲	اول خوانده شود بدی ندارد
۵۲	تحقیق وقت پیشین		برای افطار در نماز شام گنجایش تاخیر
۵۴	ثبوت پنج وقت نماز از قرآن کریم	۴۲	است یا نه؟
	وقت نماز پیشین عند الاحناف	۴۳	مقدار فاصله در بین شام و خفتن
۵۶	کدام است	۴۴	مسئله فی الزوال
۵۶	وقت دیگر	۴۴	مقدار وقت شام و قرآنت دراز
۵۲	تحقیق وقت پیشین	۴۴	وقت نماز صبح بعد از صبح صادق
۵۶	ثبوت پنج وقت نماز از قرآن کریم	۴۵	تاخیر در نماز صبح
۵۵	حکم بلغاریا	۴۵	وقت نماز شام
۵۶	وقت نماز و مقدار قرآنت در آن	۴۶	نماز ظهر در مثل دوم
	در القداء شافعی نماز صبح را در	۴۶	فاصله بین اذان و جماعت نماز خفتن
۵۶	اول وقت بخواند یا نه؟	۴۶	نماز دیگر در روز ابر آلود

صفحہ	مضمون	صفحہ	مضمون
۶۳	آپا پیش از سنت نوافل جائز است یا نہ؟	۵۷	وقت نماز خفتن بعد از غروب آفتاب بعد از چه مقدار داخل میشود
۶۳	در نصف روز جمعہ خواندن نفل جائز است یا نہ	۵۸	وقت سحر و دیگر کدام است و عمل حضرت گنگوہی چه بود؟
۶۳	آیا سنت جمعہ در نیم روزی روز جمعہ جائز است یا نہ؟	۵۹	نماز صبح در تاریکی بہتر است یا در روشنی
۶۳	آیا سنت جمعہ را در نصف النہار کردہ میتواند یا نہ؟	۵۹	وقت ظہر در تابستان کدام است
۶۳	بہ اثر پرکالی وضوء نہ شکست لہذا بہ اعادہ نماز ضرورت نیست	۶۰	در موسم زمستان جماعت صبح چہ وقت مناسب است
۶۳	در قضائی سنت ظہر از چہ جہت فرق است	۶۰	وقت ظہر و جمعہ
۶۴	در وقت زوال و چاشت حکم نفل و تلاوت چیست	۶۰	در لاپ لپند نماز و روزہ چہ قسم اداء شود
۶۴	بعد از طلوع آفتاب متصل نماز جائز نیست	۶۱	فصل ثانی اوقات مکروہہ: یعنی آن وقتی کہ اجازہ نماز در آن نیست
۶۴	بعد از نیم شب خواندن نماز مکروہ تحریمی است یا نہ؟	۶۱	در روز جمعہ در وقت چاشت نفل جائز است یا نہ؟
۶۴	وقت ابتدائی ظہر کدام است آیا در ساعت یازدہ نماز ظہر جائز است یا نہ؟	۶۱	در وقت استواء آفتاب نماز جائز است یا نہ؟
۶۵	تحقیق خواندن دو نماز در یک وقت آیا خواندن نماز ظہر و دیگر در یک وقت جائز است	۶۲	در وقت صبح بدون سنت و نماز قضائی نوافل جائز نیست
۶۶	یک وقت جائز است	۶۲	بعد از نماز دیگر خواندن نفل جائز نیست
۷۱		۶۲	آیا وقت بعد از ظہر ہم مثل بعد از نماز دیگر و صبح است

صفحہ	مضمون	صفحہ	مضمون
۷۵	اجابت اذان قولاً واجب است یا فعلاً	۷۲	الباب الثانی فی الاذان
۷۵	در وقت ضرورت یک شخص در دو مسجد اذان داده میتواند	۷۲	بر فرش مسجد اذان دادن جائز است یا نه؟
۷۶	اذان کردن بطرف چپ و اقامت گفتن بطرف راست هیچ حقیقت ندارد	۷۲	حکم آن مؤذن چیست کہ در نظافت والفاظ اذان احتیاط نمیکند
۷۶	در اذان از جهت باران صلوا فی رحالکم گفتن	۷۲	اگر اذان را در یک مسجد و نماز در مسجد دیگر بخواند حکم آن چیست؟
۷۷	در اقامت گشتاندن روی بطرف راست و چپ	۷۲	اگر در یک مسجد اذان بگوید و در مسجد دیگری امامت کند این عمل جائز است یا نه؟
۷۷	بوسه کردن انگشت کلان در وقت شهادتین	۷۳	در وقت دفن مرده وقحط و مرض و باء اذان ثابت است یا نه؟
۷۸	در جمعه و خفتن تئوب کردن	۷۳	اذان پسر نابالغ جائز است یا نه؟
۷۸	جواب دادن به اذان در جمعه	۷۳	در مابین مسجد اذان جائز است یا نه؟
۷۸	اذان شخص بی وضوء جائز است یا نه؟	۷۳	حکم اذان پسر هشت ساله چه قسم است؟
۷۹	اگر امام کر باشد بدون اقامت نماز را شروع کند چه حکم است؟	۷۴	اگر به جماعت حاضر نشود و در خانه اذان کند چه حکم است؟
۷۹	در وقت عروض طاعون و خشک سالی اذان ثابت است یا نه	۷۴	برای شخص جنب جواب دادن اذان جائز است یا نه؟
۸۰	اگر در وقت تلاوت قرآن کریم اذان را بشنود چه کند	۷۴	اگر مغموم اذان شخص دیگری را بشنود چه حکم است؟
۸۰	بحث ترجیع در اذان	۷۴	اقامت کننده در کدام جا استاد شود؟

فتاویٰ
دارالعلوم
دیوبند

فارسی

تألیف

مفتی اعظم العارف بالله حضرت مولانا الشیخ عزیز الرحمن عثمانی دیوبندی رحمۃ اللہ علیہ

تصحیح ترجمہ و ترتیب جدید

مولانا الحافظ محمد احمد الحقانی الأفغانی رحمۃ اللہ علیہ

جلد دوم (۲)

مکتبہ حنفیہ

کاسی روڈ ، کوئٹہ . فون: 081-2662510

آگاهی: جمله حقوق برای ناشر محفوظ است.

© All Rights Reserved for publisher.

al-ilmcorp@hotmail.com

جواب اوّل

حوت ۱۳۸۸ \ ربیع الأوّل ۱۴۳۱ \ مارچ ۲۰۱۰

مکتبہ حنفیہ	Maktabah Hanafiyah
مؤسسه انتشارات	Publishing Organization
العلم کمپیوٹرز	AL - ILM Computers
کمپوزنگ مرکز	Composing Organization

کاسی روڈ، حاجی غیبی چوک، کوئٹہ، شماره تلفون: 0812662510 . Kasi Road, Quetta, Pakistan . Phone :

العلم کمپیوٹرز، کوئٹہ، پاکستان، شماره تلفون: 03218016371 . AL-ILM Computers, Quetta. Mob:

فہرست فتاویٰ دار العلوم دیوبند جلد دوم

صفحہ	مضمون	صفحہ	مضمون
۳۰	پابندی اوقات نماز	۲۶	کتاب الصلاة
۳۱	وقت مستحب نماز صبح	۲۶	اہمیت نماز و فضائل آن
۳۲	مقیاس الظل		برای مسلمانان ہر طبقہ صورت پابندی
۳۲	وقت پیشین و امام صاحب	۲۶	نماز چیست؟
	آیا اوقات پنج وقت نماز در قرآن		کسیکہ بہ پابندی نمازها را اداء
۳۲	کریم ثبت است		نمیکند برای او ثواب داده میشود یا
۳۳	وقت آخر پیشین بہ نزد احناف	۲۷	نہ؟
	سبب ممانعت نماز در وقت طلوع	۲۷	ایانماز شخص رشوت خور مقبول است
۳۳	و غروب		اگر متعلقین نماز گذار نماز نخوانند
	نماز دیگر در وقت غروب نیم آفتاب		آیا بہ این سبب بالایش کدام جرم
۳۴	جائز است یا نہ	۲۷	عائد است
۳۴	وقت نماز پیشین و نماز جمعہ		امامت این قسم شخص تعلقات نگاہ
	وقت نماز شام از چہ وقت تا چہ	۲۸	شود یا نہ
۳۴	وقت دوام میکند		کسی کہ نماز نخواند جرمانہ مالی از
	در انتظار ہیچ کس وقت مستحب	۲۸	او جائز است یا نہ؟
۳۵	ضائع نشود	۲۸	آیا ذکر اللہ از نماز فرض بہتر است
۳۵	وقت خفتن در زینی تال		از جہت تجربات ساینسی فوت
۳۵	وقت ظہر الی المثلین	۲۹	کردن نماز جائز است یا نہ
۳۶	فاصلہ در بین اذان و اقامت شام	۲۹	نمازها چہ وقت فرض شدہ
۳۷	وقت نماز خفتن	۳۰	الباب الاول فی المواقیت وما يتصل بها
	در وقت نماز پیشین و نماز جمعہ	۳۰	فصل اول در بیان اوقات نماز
۳۸	تفاوت است یا نہ؟	۳۰	اذان صبح و جمعہ
۳۸	آیا وقت نماز جمعہ تا دونیم بجہ می باشد	۳۰	در قطب شمالی و جنوبی طریقہ

صفحہ	مضمون	صفحہ	مضمون
۴۶	اندازہ فاصلہ در بین نماز دیگر وشام	۳۸	یا نہ ؟
	اگر نماز دیگر دوساعت پیش از	۳۹	وقت مستحب نماز خفتن
	نماز شام خوانده شود چه حکم	۳۹	در ابر احاطہ کنندہ اندازہ اوقات نماز
۴۶	است؟		خواب شدن پیش از نماز خفتن کہ
	نماز خفتن در آخر شب بعد از خواب	۴۰	جماعت فوت نشود
۴۷	کردن جائز است یا نہ؟	۴۰	فاصلہ بین اذان شام و اذان خفتن
۴۷	تاخیر در جماعت از وقت مقررہ		وقت اول نماز دیگر بہ نزد امام اعظم
۴۸	وقت نماز دیگر و بحث مثلین	۴۰	صاحب
۴۹	ابتداء وقت شام	۴۱	نماز صبح کدام وقت اداء شود
	اگر در مقتدیان ہم احناف باشند	۴۱	اوقات نماز در لندن
	و ہم شوافع در اوقات نماز کدام	۴۱	اوقات مستحب در روزهای باران
۴۹	مذهب مراعات شود		اگر نماز صبح در رمضان در وقت
۵۰	وقت نماز شام و خفتن	۴۲	اول خوانده شود بدی ندارد
۵۲	تحقیق وقت پیشین		برای افطار در نماز شام گنجایش تاخیر
۵۴	ثبوت پنج وقت نماز از قرآن کریم	۴۲	است یا نہ؟
	وقت نماز پیشین عند الاحناف	۴۳	مقدار فاصلہ در بین شام و خفتن
۵۶	کدام است	۴۴	مسئلہ فی الزوال
۵۶	وقت دیگر	۴۴	مقدار وقت شام و قرأت دراز
۵۲	تحقیق وقت پیشین	۴۴	وقت نماز صبح بعد از صبح صادق
۵۶	ثبوت پنج وقت نماز از قرآن کریم	۴۵	تاخیر در نماز صبح
۵۵	حکم بلغاریا	۴۵	وقت نماز شام
۵۶	وقت نماز و مقدار قرأت در آن	۴۶	نماز ظهر در مثل دوم
	در اقتداء شافعی نماز صبح را در	۴۶	فاصلہ بین اذان و جماعت نماز خفتن
۵۶	اول وقت بخواند یا نہ؟	۴۶	نماز دیگر در روز ابر آلود

صفحہ	مضمون	صفحہ	مضمون
۶۳	آپا پیش از سنت نوافل جائز است یا نہ؟	۵۷	وقت نماز خفتن بعد از غروب آفتاب بعد از چه مقدار داخل میشود
۶۳	در نصف روز جمعہ خواندن نفل جائز است و یا نہ	۵۸	وقت سحر و دیگر کدام است و عمل حضرت گنگوہی چه بود؟
۶۳	آیا سنت جمعہ در نیم روزی روز جمعہ جائز است یا نہ؟	۵۹	نماز صبح در تاریکی بہتر است یا در روشنی
۶۳	آیا سنت جمعہ را در نصف النہار کردہ میتواند یا نہ؟	۵۹	وقت ظہر در تابستان کدام است
۶۳	بہ اثر پرکالی وضوء نہ شکست لہذا بہ اعادہ نماز ضرورت نیست	۶۰	در موسم زمستان جماعت صبح چہ وقت مناسب است
۶۳	در قضائی سنت ظہر از چہ جہت فرق است	۶۰	وقت ظہر و جمعہ
۶۴	در وقت زوال و چاشت حکم نفل و تلاوت چیست	۶۰	در لاپ لیند نماز و روزہ چہ قسم اداء شود
۶۴	بعد از طلوع آفتاب متصل نماز جائز نیست	۶۱	فصل ثانی اوقات مکروہہ: یعنی آن وقتی کہ اجازہ نماز در آن نیست
۶۴	بعد از نیم شب خواندن نماز مکروہ تحریمی است یا نہ؟	۶۱	در روز جمعہ در وقت چاشت نفل جائز است یا نہ؟
۶۴	وقت ابتدائی ظہر کدام است آیا در ساعت یازدہ نماز ظہر جائز است یا نہ؟	۶۱	در وقت استواء آفتاب نماز جائز است یا نہ؟
۶۵	تحقیق خواندن دو نماز در یک وقت	۶۲	در وقت صبح بدون سنت و نماز قضائی نوافل جائز نیست
۶۶	آیا خواندن نماز ظہر و دیگر در یک وقت جائز است	۶۲	بعد از نماز دیگر خواندن نفل جائز نیست
۷۱		۶۲	آیا وقت بعد از ظہر ہم مثل بعد از نماز دیگر و صبح است

صفحہ	مضمون	صفحہ	مضمون
۷۵	اجابت اذان قولاً واجب است یا فعلاً	۷۲	الباب الثانی فی الاذان
۷۵	در وقت ضرورت یک شخص در دو مسجد اذان داده میتواند	۷۲	بر فرش مسجد اذان دادن جائز است یا نه؟
۷۶	اذان کردن بطرف چپ و اقامت گفتن بطرف راست هیچ حقیقت ندارد	۷۲	حکم آن مؤذن چیست کہ در نظافت والفاظ اذان احتیاط نمیکند
۷۶	در اذان از جهت باران صلوا فی رحالکم گفتن	۷۲	اگر اذان را در یک مسجد و نماز در مسجد دیگر بخواند حکم آن چیست؟
۷۷	در اقامت گشتاندن روی بطرف راست و چپ	۷۲	اگر در یک مسجد اذان بگوید و در مسجد دیگری امامت کند این عمل جائز است یا نه؟
۷۷	بوسه کردن انگشت کلان در وقت شهادتین	۷۳	در وقت دفن مرده وقف و مرض و باء اذان ثابت است یا نه؟
۷۸	در جمعہ و خفتن تئیب کردن	۷۳	اذان پسر نابالغ جائز است یا نه؟
۷۸	جواب دادن به اذان در جمعہ	۷۳	در مابین مسجد اذان جائز است یا نه؟
۷۸	اذان شخص بی وضوء جائز است یا نه؟	۷۳	حکم اذان پسر هشت سالہ چه قسم است؟
۷۹	اگر امام کر باشد بدون اقامت نماز را شروع کند چه حکم است؟	۷۴	اگر بہ جماعت حاضر نشود و در خانہ اذان کند چه حکم است؟
۷۹	در وقت عروض طاعون و خشک سالی اذان ثابت است یا نه	۷۴	برای شخص جنب جواب دادن اذان جائز است یا نه؟
۸۰	اگر در وقت تلاوت قرآن کریم اذان را بشنود چه کند	۷۴	اگر مفہوم اذان شخص دیگری را بشنود چه حکم است؟
۸۰	بحث ترجیع در اذان	۷۴	اقامت کنندہ در کدام جا استاد شود؟

صفحه	مضمون	صفحه	مضمون
۸۳	تکرار کلمات الاذان در اقامت		دروقت محمد رسول الله، لفظ (صلی
۸۳	در تکبیر زیاد کردن وار غلط است	۸۰	الله علیه وسلم) چه قسم است
۸۴	اذان دادن یک مؤذن در دو مسجد	۸۰	اذان حضرت بلال <small>رضی الله عنه</small>
	زیاد کردن الصلاة خیر من النوم در		در بین اذان و اقامت درود گفتن چه
۸۴	اذان صبح	۸۱	قسم است
۸۴	دعاء بعد از اذان دوم جمعه		بعد از اذان بلند کردن دستها در دعاء
۸۴	اذان شخص جاهل	۸۱	اذان مسنون است یا نه
	اذان باید بیرون مسجد گفته شود		اگر در وقت تلاوت کریم یا در وقت
۸۴	یا داخل مسجد		خواندن درود شریف اذان را بشنود
۸۵	جواب کلمات اقامت	۸۱	چه کند
	بعد از اذان رفتن بطرف مسجد		اذان جمعه در نصف النهار جائز است
۸۵	ضرور است یا نه؟	۸۱	و یا نه؟
	اقامت گفتن از صف اول ضرور		اذان برای نمازهای فوت شده در خانه
۸۶	نیست	۸۲	وصحراء
۸۶	بدون وضوء اذان جائز است یا نه؟		در اذان قضائی نماز صبح الصلاة خیر
	بعد از اذان دعوت کردن امام	۸۲	من النوم بگوید یا نه؟
۸۷	و مقتدیان چی قسم است		آیا اقامت را آن کسی بگوید که اذان
	اگر در حال اذان بکدام چیز تکیه	۸۲	را گفته است
	کند و یا اقامت را به قاعده بگوید	۸۲	جواب اذان و دعاء
۸۷	مکروه است		در وقت اذان انداختن نگشتان در
	نغاره زدن برای جماعت چه قسم		سوراخهای گوش برای مؤذن سنت
۸۷	است	۸۳	است
	در اقامت کلمات قد قامت الصلاة		اذان جمعه خارج مسجد کرده شود
۸۷	باواز بلند چه قسم است؟	۸۳	یا داخل مسجد

صفحه	مضمون	صفحه	مضمون
۹۳	اقامت چی وقت شروع شود	۸۸	در جیل یازدنان اذان کرده شود یانه
۹۴	مقتدیان وامام چه وقت به نماز استاد شوند	۸۹	کسی که داخل مسجد باشد جواب اذان برای او ضرور نیست
۹۴	بسته کردن دستهای امام در وقت قد قامت الصلاة		پیش از شروع اذان رسم الصلاة والسلام علیک یا رسول الله جائز است یا نه؟
۹۴	اذان واقامت خنثی چه حکم دارد	۸۹	در وقت شهادتین اذان بوسه کردن انگشت چه قسم است
۹۵	اذان وجماعت در داخل خانه اگر در خانه جماعت کند ثواب مثل مسجد دارد یانه؟	۹۰	در اذان ممانعت دور دادن سینه نکردن اذان به اثر ضد
۹۵	اگر برای عادی ساختن کودکان در خانه اذان گفته شود چه حکم است؟	۹۰	در رفتار شروع کردن اقامت الفاظ زیاد دراذان اهل تشیع وخیثیت آن
۹۵	اذان اهل تشیع کافی است یانه؟	۹۱	به سر لوچ اذان دادن جائزاست یا نه؟
۹۶	در الله اکبر حرکت حرف (راء) ازبسته شدن دستار امام تکبیر پیش ختم شد آیا دوباره تکبیر گفته شود	۹۱	نمازشخص سرلوچ صحیح است یانه؟
۹۶	اگر شخص بالغ نباشد اذان نابالغ جائز است یانه؟	۹۲	آیا به سر لوچی اذان دادن ونماز خواندن طریقه روافض است
۹۷	تکبیر از کدام طرف گفته شود	۹۲	اگر نمازباطل شود دراعاده آن اقامت گفته شود یانه
۹۷	اگر بعد از اقامت در شروع جماعت تاخیر بیاید آیا اقامت اعاده شود	۹۲	بعد از اذان دعا کردن بدستان بلند ثابت است ویانه؟
۹۷	اگر جاهلان باهم جمع شوند وهر کدام نماز خود را انفرادی بخواند آیا اذان برای شان نیست	۹۳	دلیل جواب کلمات اذان چیست
۹۷		۹۳	آیا اذان واقامت صرف برای فرائض است

صفحہ	مضمون	صفحہ	مضمون
۱۰۱	اعادہ اقامت است یا نہ؟	۹۸	در صورت تکرار جماعت اقامت گفته شود یا نہ؟
۱۰۱	بدون اجازہ امام متعین امامت و اذان جائز است یا نہ؟	۹۸	در اذان در عوض حی علی الفلاح گفتن حی علی خیر العمل چه قسم است؟
۱۰۲	اذان صبح چه وقت گفته شود	۹۸	اگر شخص بلند اواز نباشد شخص پایین اواز اذان بگوید یا نہ؟
۱۰۲	اذان بدون ترجیح بہتر است	۹۹	برای ثبوت اذان بطرف چپ و اقامت بطرف راست هیچ ثبوت نیست
۱۰۲	جواب اذان خطبہ	۹۹	در نماز جمعہ کدام شخص اقامت بگوید و قتیکہ اذان اول را یک نفر و اذان دوم را شخص دیگری گفته باشد
۱۰۳	برای خبر کردن اہل نماز در مسجد نغارہ زدن چه حکم دارد	۹۹	وقتیکہ اذان یا اقامت را غلط بگوید اعادہ دوبارہ آن ضرور است یا نہ؟
۱۰۳	بہ شنیدن کلمہ محمد رسول اللہ بوسہ کردن انگشت کوچک چه حکم دارد	۹۹	در اذان بہ وقت محمد رسول درود گفتن چه حکم دارد
۱۰۳	عد از اذان اواز کردن بہ مقتدیان چه حکم دارد	۱۰۰	اگر درہای کسی پیزار باشد اذان گفتن او چه حکم دارد
۱۰۳	اذان پسر دوازده سالہ جائز است یا نہ	۱۰۰	اذان شخص بی وضو جائز است یا نہ؟
۱۰۴	برای نماز جمعہ اواز کردن مؤذن ثابت است یا نہ	۱۰۰	اگر شخص غیر مقلد برای نماز اقامت بگوید آیا در نماز کدام نقصان پیش نمی شود
۱۰۴	در وقت اذان انداختن انگشتان خاص برای اذان مسجد است و یا برای ہراذان	۱۰۱	اگر در اقامت وقت تیر شود ضرورت
۱۰۵	برای نماز قضائی حکم اذان و اقامت چیست، آہازن و مرد در حکم اذان و اقامت یک قسم یا تفاوت دارند		
۱۰۶	برای نماز در خانہ و دوکان و جنگل		

صفحہ	مضمون	صفحہ	مضمون
۱۰۸	جائز است یا نہ؟	۱۰۶	اذان گفتمہ شود پانہ
۱۰۹	نماز بر سر بروز		پیش از اذان دوم استوا رحمکم اللہ
	بہ بوریائی ساخت چمباران نماز	۱۰۶	چہ دارد
۱۰۹	کردن جائز است یا نہ؟		در وقت اذان سلام دادن بہ مؤذن
	اگر دریشی پوشیدہ باشد نماز در	۱۰۶	و شنوندہ چہ حکم دارد
۱۰۹	آن جائز است یا نہ؟		بعد از شروع اذان رفتن برای قضاء
	اگر بہ تیل حشرات زمینی خود را	۱۰۷	حاجت خورد و کلان چہ حکم دارد
۱۱۰	چرب کند نمازش جائز است یا نہ؟	۱۰۷	الباب الثالث فی شروط الصلاة
۱۱۰	در غسل خانہ نماز جائز است یا نہ؟	۱۰۷	فصل اول در بیان طہارت
	بدون قول مفتی بہ حکم نماز بغیر		اگر استخوان باخہ یا کجور در کدام
۱۱۰	غسل		حصہ بدن خود محکم کند نماز با آن
	در لباس داغ شدہ نماز خواندن چہ	۱۰۷	چہ حکم دارد
۱۱۱	قسم است		بہ کدام کاهیکہ جانور ماکول اللحم
۱۱۲	در لباس ناپاک نماز جائز نیست		شاش و یا سرگین کند نماز کردن بر
	استعمال جای نماز ساخت زندانیان	۱۰۷	آن جائز است و یا نہ
۱۱۲	درست است یا نہ؟		بعد از مالش تیل ناپاک نماز کردن
۱۱۲	در لباس نو نماز جائز است یا نہ؟	۱۰۷	جائز است یا نہ؟
	لباس ناپاک پشمین بدون شستن		در لٹھائی بازاری و ململ نماز جائز
	پاک نمیشود ونہ در این قسم	۱۰۸	است و یا نہ؟
۱۱۳	لباس نماز جائز است		آبادر رطوبت کم از درہم نماز صحیح
	کسی کہ بعد از وضوء پای لوچ بہ	۱۰۸	است
	زمین بگردد بدون استنجاء وضوء		در لباسیکہ مذی رسیدہ باشد نماز
۱۱۳	کند نماز او جائز است یا نہ؟	۱۰۸	در آن جائز است یا نہ؟
۱۱۴	بہ چہارپائی پاک نماز جائز است	۱۰۹	بکدام لباس کہ مذی برسد نماز در آن

صفحہ	مضمون	صفحہ	مضمون
۱۱۹	فصل چہارم در بیان نیت		در زیر بالا خانہ زن رقاصہ و غزل
۱۱۹	آیا نیت بہ زبان شرط است	۱۱۴	خوان نماز جائز است یا نہ؟
۱۱۹	آیا نیت بہ زبان بدعت است	۱۱۴	حکم نماز در لباس ناپاک
۱۱۹	نیت بہ زبان ضرور نیست		بعد از جماع لباس را بدل نکرد و نماز
	اجازہ امام برای مقتدی شرط	۱۱۵	خواند نمازش صحیح شدہ یا نہ؟
۱۲۰	نیت		ملازمین شفاخانہ چہ قسم نماز بخوانند
۱۲۰	نیت بہ زبان ضرور است یا در دل	۱۱۵	در لباس ناپاک نماز جائز نیست
۱۲۰	آیا نیت نماز بہ زبان بدعت است	۱۱۵	فصل دوم در بیان ستر عورت
	آیا نیت نماز بہ زبان عربی ضرور		اگر قدم زن لوچ باشد نمازش صحیح
۱۲۰	است	۱۱۵	خواہد شد
	اگر مقتدی زن باشد برای امام نیت		آیا زن برای ستر پاهای خود موزہ ہا
۱۲۰	امامت زن ضرور است ...	۱۱۶	پہوشد
۱۲۰	الباب الرابع فی صفۃ الصلاۃ		کسی کہ لباس غیر دوختہ شدہ از
۱۲۰	فصل اول در بیان فرائض نماز	۱۱۶	خود تاو کردہ باشد نمازش است یا نہ؟
	تکبیر تحریمہ بدون فرق بر مرد		اگر بہ بالای نیکر لنگ بزند نماز
۱۲۱	وزن یک قسم فرض است	۱۱۶	در آن صحیح یا نہ؟
	در ریل استقبال قبلہ حتی الامکان		در لباس مراعت ستر عورت ضرور
۱۲۱	ضرور است	۱۱۷	است یا نہ؟
۱۲۱	سجدہ در نماز	۱۱۷	فصل سوم در بیان استقبال قبلہ
	اگر در نماز انگشت کوچک پای	۱۱۷	بحث سمت قبلہ
۱۲۲	حرکت کند حکم آن چیست	۱۱۷	آیا وسیلہ قطب مندرجہ مذکور اصول
	اگر بہ قاعدہ نماز بخواند رکوع	۱۱۷	عام و کلی برای ہندوستان است
۱۲۲	را چہ قسم اداء کند		بحث استقبال قبلہ در داخل نماز داخل
۱۲۲	آیا بالای کاه و گیاه نماز جائز است	۱۱۸	ریل

صفحہ	مضمون	صفحہ	مضمون
	نماز ہائیکہ بدون تعدیل ارکان اداء	۱۲۲	یا نہ؟
۱۲۶	شدہ حکم آن چیست؟		برای زنان جائز نیست کہ بدون عذر
	فصل سوم در بیان سنت نماز	۱۲۳	نماز را بہ قاعدہ بخواند
۱۲۶	و کیفیات آن	۱۲۳	بہ چہار پائی نماز جائز است
۱۲۶	تعداد تسبیحات رکوع و سجدہ		اگر مقتدی در قاعدہ آخر خواب شود
۱۲۷	رفع یدین در کدام حصہ نماز است		و ہمراہ امام سلام بگرداند آیا نمازش
	دلیل منسوخ شدن رفع الیدین	۱۲۳	صحیح است
۱۲۷	چیست		فاصلہ بین دو قدم در حال قیام چہ قسم
۱۲۸	بعد از نیت ترتیب بستن دو دست	۱۲۳	است؟
۱۲۸	ترتیب نماز بہ قاعدہ		اگر در سجدہ دو پای بلند شود چہ
۱۲۸	شرائط نماز بہ قاعدہ چیست؟	۱۲۴	حکم دارد؟
	در سلسلہ رفع الیدین حال یک		کسی کہ گشت و گذر کردہ میتواند
۱۲۹	حدیث	۱۲۴	برای او نماز بہ قاعدہ جائز است
	زن در سجدہ و جلسہ پاہای خود را	۱۲۴	فصل دوم در بیان واجبات نماز
۱۲۹	چہ قسم بماند	۱۲۴	در نوافل قاعدہ اول واجب است یا نہ؟
	در سلسلہ نماز خواندن بہ قاعدہ	۱۲۴	بعد از رکوع باید مستقیم استاد شود
۱۲۹	یک روایت غلط		اگر در بین دو سجدہ مستقیم نہ شیند
	پیش از شروع سورۃ گفتن بسم اللہ	۱۲۴	اعادہ نماز واجب میشود
۱۲۹	چہ قسم است	۱۲۵	تشہد در نماز واجب است
۱۳۰	در تشہد حلقہ کردن انگشت		حکمت چیست کہ در چہار رکعت
	اگر آمین را بطور بخواند کہ صرف		فرض دو رکعت خالی است و بدون
۱۳۰	یک دو نفر بشنود چہ خواہد بود	۱۲۵	فرض تمام رکعتہای ہر نماز پُر است
	اداء کردن سجدہ شکر چہ قسم		آیا بہ کراہیت تحریمی اعادہ نماز
۱۳۰	است؟	۱۲۵	واجب است

صفحه	مضمون	صفحه	مضمون
۱۳۳	روبرو شدن و دعاء کردن		در وقت بلند شدن از رکوع مقتدی
	رواج انصراف به طرف راست		همراه ربنا لک الحمد اللهم بگوید یا
۱۳۳	وچپ در هندوستان	۱۳۰	نه؟
	آیا انصراف موافق مذهب حنفی		اگر در وقت سلام دادن مقتدی بیش
۱۳۴	است یا نه؟	۱۳۱	از امام فارغ شود
	در حدیث شریف مراد از انصراف		در لفظ الله اکبر خواندن حرف (راء)
۱۳۴	چیست	۱۳۱	به اواز بلند (دال) چه حکم دارد
۱۳۴	دلیل انصراف برای دعاء	۱۳۱	طریقه سجده
	در تسبیحات رکوع و سجده زیاد		زنان در سجده آنگشتان پاهای خود را
۱۳۴	کردن (و بحمد) جائز است یا نه	۱۳۲	چه قسم بمانند؟
	بعد از گشتاندن سلام رفتن مقتدی		امام که سبحانک اللهم بگوید متصل
۱۳۵	بدون دعاء چه قسم است		آن قرائت را شروع کند و یا بانتظار ثنا
	در خواندن درود شریف زیاد کردن	۱۳۲	خواندن مقتدی باشد؟
۱۳۵	(سیدنا)		کسی که در وقت سلام گشتاندن در
	وقتیکه مقتدی دعاء بعد از درود را		تشهد نماز جماعت شریک شود
	نخوانده باشد و امام سلام بگرداند	۱۳۲	تشهد را مکمل بخواند یا نه؟
۱۳۶	مقتدی چه کند		اگر در وقت سلام گشتاندن سلام
	بعد از نماز (لا اله الا الله) گفتن		کدام مقتدی دعا را مکمل نخوانده
۱۳۶	با اواز بلند چه حکم دارد	۱۳۲	باشد در این صورت چه کند
۱۳۶	روایت تطبیق دارد رکوع		وقتیکه شخص مقیم به امام مسافر
۱۳۶	دعاهای مختلف در قاعده نماز		افتداء کند در رکعتهای باقی مانده
	اگر کسی در تسبیحات رکوع عظیم	۱۳۳	تحمید بگوید یا تسمیع
	گفته نتواند در عوض آن کریم	۱۳۳	بعد از نماز فرض خواندن آیه الكرسي
۱۳۷	بگوید و یا نه	۱۳۳	در وقت سحر و دیگر به سمت جنوب

صفحه	مضمون	صفحه	مضمون
۱۴۲	دلیل منسوخ شدن رفع الیدین	۱۳۷	دعاء در بین دو سجده
۱۴۲	بسم الله بین فاتحه و سوره	۱۳۷	سبب بلند کردن انگشت شهادت
۱۴۳	بستن دستها زیر ناف		برای زنان در سجده کشیدن پاها
۱۴۳	مقدار جهر در قراءه و تکبیر	۱۳۷	بطرف راست ثابت است یا نه؟
	بلند کردن انگشت شهادت در		در حال قیام ماندن دستها به سینه جائز
۱۴۴	تشهد	۱۳۸	است یا نه؟
	زن در جلسه و سجده پاهای خود را		در تشهد بلند کردن انگشت چه قسم
۱۴۵	چه قسم بماند	۱۳۸	است؟
	به یک بویا یا یک جای نماز زن	۱۳۹	رفع سبابه و حضرت مجدد صاحب
۱۴۵	و مرد نماز خوانده میتواند		اگر نماز را به قعدہ بخواند رکوع را
	بسم الله در بین فاتحه و سوره جهرًا	۱۳۹	چه قسم اداء کند؟
۱۴۵	است یا سرا	۱۳۹	بعد از تحریمه دعاهای دیگری
۱۴۶	در نمازهای جهری منفرد چه کند		اگر در نماز نفل خشوع ترک شود
۱۴۶	ماندن دستها بالای ناف	۱۴۰	اعاده آن چه قسم است؟
۱۴۶	بعد از فاتحه خاموشی و بعدا سوره		اگر تسبیح را پرنخواند آیا کدام حرج
	خواندن بسم الله پیش از فاتحه	۱۴۰	است
۱۴۷	و سوره	۱۴۰	قرائت چرا صرف در دور رکعت میشود
	بعد از تکبیر تحریمه اویزان کردن		در نماز دستها به کدام حصه بسته
۱۴۷	دستها جائز نیست	۱۴۰	شود
	برای دور خوردن امام به طرف		اگر در الله کبر همزه به مد خوانده
	راست یا چپ تعداد مقتدیان محدود	۱۴۱	شود نماز میشود
۱۴۷	نیست	۱۴۱	جواب یک استفسار
	در وقت بلا شدن از سجده بدست	۱۴۱	لفظ آمین خفیه گفته شود
۱۴۷	تکیه کردن جائز است یا نه؟	۱۴۲	رفع الیدین

صفحه	مضمون	صفحه	مضمون
۱۵۵	بحث بسم الله در بین فاتحه و سوره		بحث خواندن فاتحه خلف الامام
	برای امام بعد از کدام نمازها	۱۴۸	و غیره
۱۵۵	انحراف عن القبلة مستحب است		تحقیق فاتحه خلف الامام، آمین بالجهر
	آمین به جهر و رفع یتذین سنت		رفع الیدین و ماندن دستها بر سینه
۱۵۶	است یا نه؟	۱۴۹	و بستن آن
	شریک شدن غیر مقلد در نماز	۱۵۰	رفع سبابه ضرور است یا نه
۱۵۶	جماعت		حدیث آمین بالغفیه حدیث کدام
	ختم کردن نماز به السلام علیکم	۱۵۱	درجه است
۱۵۶	ضرور است		در تشهد که انگشت را بالا کند بکدام
	بعد از آن نمازهای فرض که نماز	۱۵۱	کلمه آن را پائین کند
	سنت نباشد دعاء بعد از فرض را	۱۵۱	اشاره به انگشت شهادت
۱۵۷	دراز کند	۱۵۲	از رکعت دوم چه قسم بالا شود
	لفظ آمین و غیره به خفیه مناسب	۱۵۲	بعد از سلام شرکت مقتدی در دعاء
۱۵۸	است	۱۵۲	جلسه استراحت جائز است یا نه؟
	هیئت رکوع در نماز به قعود چه		در وقت اشاره حلقه کردن انگشتان
۱۵۸	قسم است	۱۵۲	جائز است یا نه؟
	بعد از نماز پنج وقته دعاء سنت		اگر انگشت دست راست را بالا کرده
۱۵۸	است	۱۵۳	نتواند چه کند
	بعد از ثناء و تشهد و غیره خواندن		بعد از گشتاندن سلام امام باید روی
۱۵۹	بسم الله نیست	۱۵۳	خود را بکدام طرف دور دهد
	بعد از اداء فرض پیش از خواندن	۱۵۴	آیا امام باواز بلند دعاء کرده میتواند
۱۵۹	سنت مقدار دعاء کدام است		در لفظ السلام علیکم ورحمة الله از
۱۶۰	پیوست کردن کعبین در رکوع	۱۵۴	امام سبقت و پیش شدن
۱۶۰	دعاء بعد از فرض	۱۵۴	اشاره انگشت در تشهد

صفحہ	مضمون	صفحہ	مضمون
	در حالت تشهد نظر نماز گذار به کجا باشد	۱۶۰	ذکر رفع سبابه چرا جائز نیست
۱۶۶	پیش از فرض (انی وجہت) گفتن چه قسم است؟	۱۶۱	در عوض اللہ اکبر یا اللہ گفتن جائز است یا نہ؟
۱۶۷	امی چه قسم نماز بخواند	۱۶۱	حلقہ آنگشت در تشهد تا کدام وقت باقی بماند
۱۶۷	بعد از نمازهای فرض دعا جائز است یا نہ	۱۶۱	در حال رکوع پیوستن بجلگ پاها به شخص ہم جوار سنت است یا نہ؟
۱۶۷	تحقیق امین بالجہر و آمین به خفیہ بعد از فرض ماندن دست به سر	۱۶۳	بحث رفع سبابه در تشهد از سجده مستقیم بالا شدن مطابق سنت است
۱۶۸	ودعا کردن ثابت است یا نہ؟	۱۶۴	رفع سبابه و حضرت مجدد صاحب اگر امام از قعدہ اول بالا شود و مقتدی تشهد را پورہ نکرده باشد در این حال مقتدی چه کند
۱۶۹	متعلق مسائل مختلف فیہا	۱۶۴	در درود شریف، تشهد زیاد کردن کلمہ از واج و ذریات چه قسم است؟
۱۶۹	فصل چہارم در بیان آداب نماز	۱۶۵	در سلام دادن صرف روی را بگرداند سینہ را نگرداند
	وقتیکہ امام به جای نماز حاضر باشد در آن وقت مقتدیان ہم نشسته باشند	۱۶۵	ضم سورۃ واجب است
۱۶۹	بستن نیت امام بہ قد قامت الصلاة کسی کہ بہ قعدہ نماز میخواند در وقت قعدہ و رکوع بہ کجا نظر کند	۱۶۶	آیا امامت بدون دستار ثابت است یا نہ؟
۱۷۱	آیا در وقت اقامت ضرور است کہ امام و مقتدیان ہم نشسته باشند	۱۶۶	وقتیکہ در رکوع امام چالاکی کند نماز مقتدی صحیح میشود یا نہ؟
۱۷۱	فصل پنجم در بیان قرائت فی الصلاة	۱۶۶	زنان چه قسم سجده کنند
۱۷۲	قرائت خلف الامام	۱۶۶	

صفحہ	مضمون	صفحہ	مضمون
۱۷۸	ترک سورہ کوتاہ مکروہ است	۱۷۳	در نماز صبح خواندن سورہ سجدہ
۱۷۸	در نماز ماندن آیت سجدہ مکروہ است	۱۷۳	و سورہ دھر مستون است
۱۷۸	در آخر سورہ امین گفتن و گفتن	۱۷۳	دراز کردن رکعہ دوم از رکعہ اول
۱۷۸	کلمات دیگر در نماز جماعت	۱۷۳	و ترک سورہ در مابین مکروہ است
۱۷۸	جائز نیست	۱۷۳	خواندن بسم اللہ پیش از سورہ
۱۷۹	آیا بسم اللہ جزء قرآن است یا نہ؟	۱۷۳	سوال متعلق چند صورتهای قرائت
۱۷۹	تعریف سورہ کوتاہ	۱۷۴	برای زن در نماز خواندن قرآن بہ جہر
۱۸۰	قرائتہای متواتر در نماز	۱۷۴	جائز نیست
۱۸۰	بحث استاد شدن و تیر شدن از رموز اوقاف	۱۷۴	فتحہ دادن در نماز فرض
۱۸۱	از مسلک متفق علیہ حنفی مخالف	۱۷۴	آمین و فاتحہ خلف الامام
۱۸۱	قول شاہ ولی اللہ معتبر نیست	۱۷۵	یک آیت را میخواند و آن را ترک
۱۸۱	اگر امام بہ رموز اوقاف وقف نکند	۱۷۵	کرد و از جای دیگری شروع کرد
۱۸۱	ہم صحیح است	۱۷۵	مقدار قرائت بعد از فاتحہ
۱۸۱	اگر در سورہ فاتحہ سکتہ نشود نام	۱۷۵	بعد از قرائت قدر واجب فتحہ دادن
۱۸۱	شیطان ساختہ نمیشود	۱۷۶	در رکعت دوم قرائت دراز مکروہ
۱۸۱	اگر وقف را در جای خود نکند یا	۱۷۶	تنزیہی است
۱۸۲	جزء سورہ را در نماز بخواند نماز	۱۷۶	قرائت مکروہہ
۱۸۲	صحیح میشود	۱۷۷	در نماز خفیہ فاتحہ خلف الامام
۱۸۲	خواندن جزء سورہ چہ حکم دارد	۱۷۷	لحاظ ترتیب در قرائت
۱۸۲	اگر بعض نماز گذاران نماز امام را	۱۷۷	بہ فاتحہ خلف الامام بحث عمل
۱۸۲	مکروہ بگوید برای ترک امامت	۱۷۷	کردن
۱۸۲	دلیل شدہ میتواند یا نہ؟	۱۷۸	خواندن سورتہا در نماز بدون ترتیب
			مکروہ تحریمی است و اعادہ نماز
			واجب است

صفحہ	مضمون	صفحہ	مضمون
۱۸۶	مکمل رابخواند چی حکم دارد		وقتیکہ قاری مذکور بدون وقف
	اگر در رکعت اول یک حصہ کدام		اضطراری قرائت خواندہ میتواند آیا
	سورت و در رکعت دوم حصہ کدام		از این قرائت وقف اضطراری کردہ
	سورت دیگری رابخواند این عمل	۱۸۲	شود یا نہ؟
۱۸۷	جائز است یا نہ؟		خواندن فاتحہ امام بہ قصد ثناء چہ
	اگر در نماز وتر سورتہای کوتاہ	۱۸۳	حکم دارد
	و کلان رابخواند نماز صحیح است		اگر در نماز ترجمہ قرآن خواندہ شود
۱۸۷	یا نہ؟	۱۸۳	نماز صحیح میشود یا نہ؟
	در مابین ترک سورت کوتاہ	۱۸۴	مقصود از قرآن لفظ است یا معنی
۱۸۷	مناسب نیست		بعد از خواندن مقدار واجب در قرابت
۱۸۷	لحاظ ترتیب سورتہا در نماز		بند شد بہ رکوع نرفت و نماز را
	اگر وقت تنگ باشد در نماز صبح	۱۸۴	شکستند حکم آن چیست
	خواندن سورتہای کوتاہ صحیح		بعد از خواندن دو آیت در قرائت بند
۱۸۸	میشود یا نہ؟		شد امام یک آیت را ترک کرد و آیہ
	در رکعت اول یک حصہ سورہ	۱۸۵	بعدي را قرائت نمود
	مزمّل و در رکعت دوم یک حصہ		اگر بعد از خواندن دو آیت در قرائت
	سورہ بقرہ را خواند نماز صحیح	۱۸۵	بند شد سورہ دیگری را بگوید یا نہ؟
۱۸۸	شدہ یا نہ؟	۱۸۵	در بعض الفاظ دو قرائت
	تکرار کردن آیت نماز را فاسد		در قرائت عاعیت ترتیل ضرور است
۱۸۸	نمی سازد	۱۸۶	و یا نہ؟
	در نماز فرض از حضور ﷺ		در ہر رکعت ہمراہ سورہ، خواندن
۱۸۹	خواندن جزء سورت ثابت نیست	۱۸۶	سورہ اخلاص چی قسم است؟
	در سکتہای فاتحہ خواندن ثناء جائز		اگر در رکعت اول کدام رکوع را
۱۸۹	نیست	۱۸۶	قرائت کند در رکعت دوم کدام سورہ

صفحہ	مضمون	صفحہ	مضمون
	وقف کردن به (یوم یقوم الروح والملائکة صفا)	۱۸۹	فاتحہ خلف الامام
۱۹۲	وقف کردن به علامہ (لا) به آیت (لا) وقف کردن کدام حرج میشود		اگر در رکعت اول اذا جاء را ودر رکعت دوم قل هو الله را بخواند نقصان آمده یا نه؟
۱۹۲	یا نه؟	۱۹۰	قرآئت بدون حرکت لبان معتبر نیست
۱۹۳	در نماز صبح طوال مفصل	۱۹۰	شروع قرائت از نیم آیه صحیح نیست
۱۹۳	ترک کردن آیتہای سجده	۱۹۰	در لفظ الحمد وایاکہ تکان کردن خواندن سه آیات فرض است یا واجب بود؟
۱۹۳	سورت کوتاه به کدام مقدار است	۱۹۱	اگر در رکعت اول از پاره بیست و هفتم ودر رکعت دوم از پاره اول قرائت کند حکم ان چه خواهد؟
۱۹۳	وآن سورتها کدام اند	۱۹۱	خواندن فاتحہ در نماز کہ در اولش بسم الله خواندہ نشود
۱۹۳	علامت آیت	۱۹۱	کدام سورة را کہ در رکعت اول خواندہ بود در رکعت دوم سهوا آن را باز خواند
۱۹۴	اگر به نستعین وقف نکند چه حکم است	۱۹۱	اگر کسی در رکعت اول نیم سوره الناس ودر رکعت دوم نیم دیگری ان را بخواند نماز او صحیح است یا نه؟
۱۹۴	اگر در رکعاتہای نماز رکوعہای سورتہای مختلف خواندہ شود هیچ بدی ندارد	۱۹۱	دوہر رکعت نماز فرض تکرار سوره اخلاص مناسب نیست
۱۹۵	جواب حدیث فاتحہ خلف الامام	۱۹۲	به رب العالمین ۞ نفس تازه کردن
۱۹۵	به خواندن سوره فاتحہ فرض قرائت اداء میگردد	۱۹۲	در لفظ فعال به حرف عین جزم کردن
۱۹۵	صیغہ واحد را به لفظ جمع وجمع را به لفظ واحد خواندن غلط است		
۱۹۵	قرائت وامامت در نماز منفرد		
۱۹۵	در نماز فرض چرا دو رکعت پروردو خالی است		
۱۹۵	اگر قرائت رکعت دوم صبح از		

صفحہ	مضمون	صفحہ	مضمون
۲۰۳	حکم فاتحہ خلف الامام است یا نہ؟	۱۹۵	رکعت اول دراز شود نماز مکروہ میشود یا نہ؟
۲۰۳	اگر در نماز جہری چند آیات را خفیہ بگویند چہ کند	۱۹۷	کراہیت قرائت بہ خلاف ترتیب خواندن تمام قرآن در نماز ہای چند ماہہ
۲۰۳	فاتحہ خلف الامام ودستہارا زیر ناف بستہ کردن	۱۹۷	برای امام حکم کردن بہ سورتہای مخصوص
۲۰۴	در قرائت خلاف ترتیب چہ حکم دارد	۱۹۸	احادیث قرائت خلف امام و درجہ آن و بہ عدم قرائت ثبوت استدلال بہ آیہ خواندن رکوعہای سورتہای مختلف در نماز چہ حکم دارد
۲۰۵	منفرد در نماز قراءۃ را بہ جہر بخواند یا بہ خفیہ	۱۹۸	در قرائت فاتحہ خلف امام احناف چہ میگویند و چرا
۲۰۵	در نماز از سپارہ ہای مختلف قراءۃ جائز است	۲۰۰	برای زن در تراویح خواندن قرآن بہ جہر جائز است یا نہ؟
۲۰۵	حکم خواندن آیتہای متفرق در وتر	۲۰۰	بزی خوانندہ فاتحہ خلف الامام کافر گفتن غلط است؟
۲۰۵	قرائت در نماز صبح جمعہ	۲۰۱	جواب آیتہا در نماز
۲۰۶	فاتحہ خلف الامام	۲۰۱	دردراز شدن رکعت دوم اعتبار بکدام چیز است
۲۰۶	مقدار قرائت در نماز صبح	۲۰۲	خواندن دو سورت در یک رکعت چہ حکم دارد
۲۰۶	اگر ضاد را بہ قسم ظاء بخواند چہ حکم است؟	۲۰۲	قرائت خلف الامام جائز است یا نہ؟
۲۰۶	کسی کہ ضاد را درمخرج میانہ میخواند امامت او جائز است یا نہ؟	۲۰۲	آمین بہ جہر جائز است یا نہ؟
۲۰۶	در رکعت سوم وتر ضم سورہ ضرور است یا نہ؟		
۲۰۷	از اصحاب پاک حضرت آمین بالجہر وبالاخفاء ثابت است یا نہ؟		
۲۰۸	در فرائض ونوافل بہ ترک یک		

صفحہ	مضمون	صفحہ	مضمون
	اگر در یک رکعت نماز صبح	۲۰۸	سورہ درمابین قرآنت جائز است یا نہ؟
	یک رکوع بخواند و در دوم یک		حصہ اول آیت را ترک نمود و قرأت
۲۱۰	سورت بخواند حکم چیست	۲۰۸	کرد نماز صحیح شد یا نہ؟
۲۱۱	قرآنت خلف الامام جائز است یا نہ؟		در رکعت اول سورۃ اذا جاء و در دوم
	برای مسبوق در قرآنت ترتیب امام		سورہ قل ہواللہ شریف بخواند حکم
۲۱۱	لازم است یا نہ؟	۲۰۸	چیست؟
	در حدیث مشکوٰۃ و بخاری راہ		اگر یک سورت را ما بین ترک کند
۲۱۱	تطبیق چیست قرأت	۲۰۸	یا بی موقع وقف کند حکم چیست؟
۲۱۲	خلاف ترتیب چه حکم دارد		خواندن ترجمہ قرآن در نماز چه حکم
	اگر مابین سورہ را بخواند بسم اللہ	۲۰۹	دارد؟
۲۱۲	را بخواند یا نہ؟		زن نماز جہری قرأت را بخواند یا نہ
	ہم چنین در قنوت و جنازہ در شروع	۲۱۰	خفیہ
۲۱۲	دعاء گفتن بسم اللہ چه حکم دارد؟	۲۱۰	مقدار فرض قرأت کدام است



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله وكفى وسلام على عباده الذين اصطفى:

این یک سخن پوشیده نیست که دنیا بسیار به سرعت پیش روان است هر دور و زمان برای خود خصوصیات جداگانه دارد دور موجوده یک حقیقت معلوم است که به نزد خاکسار پالیدن دریافت عاجل حتی امکان انسانی وسهولت است با این همه تلاش وجستجو هر شخصی خواه به فقه و فتاوی اثنائی داشته باشد و یا نه تنقید و تبصره بر هر حکم حق اول و فریضه او ست دریافت انسانی وسرعت کردن در طبیعت انسانی چنین ممزوج ومخلوط گردید که هیچ کدام لفظ را بدون آن خوش ندارد هر شخص وهر جای را که مشاهده نمایند میدانند که از راه و رسم و رفتار زمانه بسیار مرعوب است از همین سبب تفکر، تدبیر، دور اندیشی ومعامله فهمی رو به اختتام است، غور وفکر بالکل سطحی مانده است وقتیکه من فکر میکنم که نتیجه وانجام این نظر سرسری دین آخری، مکمل وخوش کرده خداوند است و هیچ کدام انسان آئین وقوانین این دین مقدس را نساخته بلکه خالق کائنات اصول وقوانین این دین را به حکمت کامله خود ساخته است که تشریح وتوضیح آن را رحمت عالم ﷺ در دور بیست و سه ساله نبوت خود کرده واصحاب کرام ﷺ به عملی ساختن آن را روشن وصفا کرده اند، و هیچ قسم صعوبت را در آن باقی نمانده وبعد از آن ائمه مجتهدین وعلماء امت در پرتو کتاب الله وسنت رسول الله ﷺ این دفعات ومراحل را مدون ساختند که تفصیل آن در حصه اول این کتاب من حیث مقدمه بیان شده مگر مطابق نشر ووسعت حالات در آن زیادت رخ میداد و قتیکه مسائل نو وجدید پیدا می شد، علماء راسخین فی العلم راجع به آن تلاش میکردند وعوام را از آن خبردار می ساختند ودر آینده نیز مطابق احوال همین قسم خواهد شد واین سلسله به هیچ منزل استاد ومتوقف نمیشود مگر بسیار جای تعجب است که با وجود شناخت ومشاهده همه این چیزها به علماء امت اتهام والزام تنگ نظری، کم مایگی وبی خبری زده میشود واین پروپاگند مکروه به زبان خاص وعام جاری است بلکه زیادت از این یک طبقه حضرات تعلیم یافته که صلاحیت دور بینی ودین فهمی در آنها نیست به دنبال وعقب آن کسی روان میشوند که آنها دین حق خداوند را مطابق ذوق وخواش غلط خود من حیث حلقه منسوخ شده پیش میکنند وبه تحریف معنوی گرفتار لعنت شده اند حالا

برای عوام و خواص امت چه قسم یقین داده شود که طبقه علماء ذمه دار امت از زمانه و تیز قدمی زمانه یک لحظه هم غافل و بی خبر نیستند و انگشتان این علماء همیشه به نبض رفتار زمانه و نظر دور بینانه ایشان به رخ زیبای دور جدید مانده شده است و آنها میدانند که در عملی ساختن امور دینی مطالبه کسالت به شدت جاری است و این گیله و شکایت عام است که گویا علماء دین مطابق تقاضای زمانه رفتار نمیکنند و شکایات ما را نمیشنوند از این جهت دنیا روز به روز درباره ما بر گمان میشود با وجود این شکایات و الزامات پیشنهاد این طبقه را مثل پیشنهاد پیروان مسیحیان و پیروان مذاهب دیگری میدانند که از علماء و پیشوایان خود میکردند و علماء امت محمدی علیهم السلام آن تاریخ مختل را ثبت کرده اند و نمیخواهند که آن تاریخ مختل ضد کتاب و سنت در امت محمد علیهم السلام تکرار شود و علماء این امت میدانند که علماء بنی اسرائیل و غیره چه قسم برای خوش ساختن عوام نقشه دین و مذهب خود را مختل و ویران کردند و بالاخره دین خداوند را به چه چیز مبدل ساختند آیا علماء این امت احساس آن ذمه واری عظیم الشان را ندارند که از طرف خداوند خداوند جل جلاله و رسول پاک صلی الله علیه و آله بدوش شان مانده شده نتیجه همین احساس است که علماء دین به مردانگی کامل به مقام خود استاد مانده اند و این اعمال را محکم کرده اند که در کتاب الله و سنت رسول صلی الله علیه و آله برای شان مناسب دیده و در روشنی این کتاب مقدس و سنت مطهر آن حضرت صلی الله علیه و آله زندگی خود را بدون ترس و هراس فساق و فجار بسر می برند رحمة الله علیهم و از خداوند پاک تمنا داریم که در این استقامت و مردانگی ایشان بقدر موی سر فرق پیش نشود این سخن از این جهت به زبانم میاید که اگر از مطالبه عوام کدام ترس و هراس کرده شود و مطابق تقاضای عوام کدام قدم برداشته شود ممکن است که دین به ملعبه اطفال مبدل شود و شیشه تقدس و وقار او میده، میده خواهد شد راپور کمیशन پاکستان اجتهاد مسخ کننده منکرین حدیث و تعبیرهای غلط جماعات دیگر روشن فکر دینی و انجام لرزه خیز آنها در نظر چشم ما موجود و محسوس است این یک سخن جدا است که انقلاب زمانه کدام ذمه واری جدید را بدوش علماء قائمین بالحق و راستین فی العلم انداخته است ایشان بجا آوردن آن را فرض خود میدانند و در این سلسله که برای ایشان کدام عمل مناسب است انشاء الله همیشه آن را دوام خواهد داد خوب یاد داشته باشید که (الدین یسر) اسانی نام دوم دین است که نه در آن کمبود است نه سخن نه تنگی و نه زیادت بلکه در ریشه آن برابری و مساوات است و مطابق گذارشات و روزگار هر دور

قوت بی فناء است دین در ذات خود بسیار صفائی و جاذبیت دارد از طرف پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله به مصلحین دین هدایت و ارشاد شده: که اسانی کنید سختی نکند خوش خبری دهید و نفرت آور نباشید کدام همه گیری، رفق و سهولت که در احکام دین موجود است هر کس آن را میدانند در باب طهارت حکم استعمال آب است مگر در حال نبودن آب و یا در صورت عدم قدرت به استعمال آب خاک پای قائم مقام آن شده است که هم برای وضوء و هم برای جنابت کفایت میکند که به خاک یا آن چیز یک در حکم دو دفعه دست خود را میزند بار اول دستها را به روی خود و بار دوم هر دو دست را تا ارنجها مسح میکند کدام مناسبت که در بین خاک و آب مرموز است شاید به آن افراد معلوم باشد که علم دارند که این هر دو یعنی آب و خاک در پیدایش ونشو و نموی اسانی، و مخلوق دیگری چه سهم دارد نماز در تمام عبادات یک عبادت عظیم المرتبه است و آن قدر عام است که برای هیچ مسلمان عاقل و بالغ معاف نیست، یا اینکه قیام در نماز فرض است مگر وقتی که قدرت قیام را کسی نداشته باشد برایش اجازه است که به قاعده نماز خود را اداء کند و به قاعده نیز قدرت ندارد دراز یافته و نماز خود را اداء نماید هم چنین نماز به جماعت سنت مؤکده بلکه واجب است مگر وقتی که عذر شرعی برایش پیش آید اجازه ترک جماعت برایش داده شده هم چنین برای مقیم ضرور است که تمام نماز فرض و سنت خود را اداء کند مگر برای مسافر در این باره اسانی اختیار شده که در فرض چهار رکعتی صرف دو رکعت بخواند و سنت برایش معاف است، و در هیئت ترکیبی نماز، شرائط و صفات آن هیچ کدام مشکل و دشواری وجود ندارد و چیزی را که دائماً ضرور گردانیده تمام آن نافع و زندگی ایشان را زیبا و پاکیزه میسازد، مختصر اینکه دین هم آسان است و هم در وقت کم اداء میشود و این سهولتها کم و بیش در تمام عبادات حاصل است کاشکی تمام مسلمانان بطریقه کامل از دین واقف باشند تا بدانند که اسلام بکدام اندازه دین اسانی و سهولت است و بکدام اندازه به خواهشات و نفسیات انسان نزدیک است در ترتیب این حصه نیز لحاظ تمام آن امور نگاه شده که تفصیل آن در حصه اول آمده است در اول اراده بود که تمام کتاب الصلاة در یک جلد و یا در جلد ترتیب شود مگر برای سهولت و اسانی مردم در جلدهای متعدد تهیه کرده شد در حذف مسائل تکراری در این جلد هم اهتمام شده است مگر در بعض مسائل از جهت اهمیت و اختلاف نوعیت سوالات مطابق ضرورت تکرار صرف برای نام است مطلب تکرار این

نیست که گویا یک سوال و جواب تکرار شده بلکه سائل هم شخص دیگری است و الفاظ سوال و جواب نیز بدل و متفاوت است و در دو وقت نوشته شده آیا از نسیان بشری کسی محفوظ است که این خاکسار از آن محفوظ بماند و دعواه کند که از غلطي و نسیان بشري مصون و محفوظ است فکر تا حدیکه میتوانستم در جد و جهد، محنت و خواری خود هرگز کوتاهی نکرده ام کامیابی بدست رب العزت است دعاء است که الله تعالی خدمت این حقیر را قبول کند و این خدمت را در نظر علماء و قیّع و پسندیده و برای عوام قابل استفاده عظیم بگرداند و به معیت آن برای مرتب این مجموعه را ذریعه فلاح و نجات دنیا و آخرت ثابت کند.

به امید دعا محمد ظفیر الدین غفر له پوره نودبھاری

دار الافتاء دار العلوم دیوبند ۱۵ ربیع الثانی سنۃ ۱۳۸۳ هـ



بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على سيد المرسلين وعلى آله واصحابه أجمعين.

کتاب الصلاة

اهمیت نماز و فضائل آن

سوال: (۱) برای مسلمانان هر طبقه صورت پابندی نماز چیست؟ پابندی هر طبقه مسلمانان

به نماز چه قسم شده میتواند؟

جواب: الله تعالى فرموده است: **وإنها لكبيرة إلا على الخاشعين الذين يظنون أنهم ملاقوا ربهم** وانهم إليه راجعون، ^(۱) ترجمه: و بیشک نماز وزمین است مر به آن مردم نیست که عاجزی میکنند کسانی که یقین دارند که ایشان به الله ﷻ ملاقات میکنند و ایشان به خدا باز میگردند، پس معلوم شد که اول فکر خوف خداوند بر خوف قیامت و احوال قیامت و پیش شدن به بارگاه الهی را در دل خود پیدا کنند و در آن فکر کنند و باز آن بشارت و ثواب که در احادیث پیغمبر اکرم ﷺ برای نماز گذاران ثابت شده مطالعه نمایند و یا بشنوند و فضائل نماز را در حضور مشاهده کنند امید است که به این طریق شوق نماز برایش پیدا خواهد شد و اگر به این حدیث شریف غور و فکر کند که "أحب الاعمال إلى الله ادمها" ^(۲) یعنی عمل محبوبترین به نزد الله تعالى آن است که بر آن مداومت کرده شود و هم چنین در این حدیث شریف غور و فکر کنند که رسول پاک ﷺ گفته: **أرايت لو أن نهرا باب احدكم يفتل فيه كل يوم خمسا هل يبقی من درنه شيء قالوا لا یبقی من درنه قال فذلك مثل صلاة الخمس یصحو الله بهن الخطایا**، رواه البخاری و مسلم ^(۳)، حاصل این حدیث شریف این است که نبی کریم ﷺ از اصحاب کرام ﷺ سوال کرد که اگر پیش روی دروازه کسی یک نهر باشد که در یک روز پنج دفعه در آن غسل کند آیا به بدن او کدام چرک باقی خواهد ماند اصحاب ﷺ گفتند که باقی نخواهد ماند حضور ﷺ فرمود که همین مثال پنج وقت نماز است که به آن انسان از گناه پاک میشود پس آن شخص نمازگذار پخته و محکم خواهد شد و وقتاً فوقتاً یعنی همیشه در تحقیق

(۱) البقرة رکوع ۳ آیت: ۶۶۴۵. ظهیر

(۲) مشکوٰۃ باب القصد فی العمل، الفصل الاول ص ۱۱۰. ظهیر

(۳) مشکوٰۃ کتاب الصلوة ص ۵۷. ظهیر

مسائل نماز مشغول خواهد بود و به حکم: من جد وجد، ضرور در کوشش خود کامیاب خواهد شد، پس ضرور شد که کدام احادیث در بلندی مقام و فضیلت نماز وارد شده ان را در کتاب الصلاة مشکوة شریف مطالعه کند و یا از کسی دیگری بشنود و اگر این شخص به زبان عربی نمیداند در این صورت کتاب (مظاهر حق) ترجمه مشکوة مذکوره بهره و منفعت خواهد رسید و شوق نماز در دلش پیدا خواهد شد و کسیکه به این قسم مطالعه و غیره توان ندارند مردم دیگری که در این مسائل واقف اند برای شان توضیح دهند و مسائل خوف و بشارت را از ترجمه آیات و احادیث برای شان بیان کنند پس ضرور است که به حکم: و ذکر فان الذکری تنفع المؤمنین،^(۱) برای آنها این نصاب نافع و ممد شود این نصاب نه تنها در مسائل و فضائل نماز بلکه به اتباع تمام احکام نافع است.

سوال: (۲) کسیکه به پابندی نمازها را اداء نمیکند برای او ثواب داده میشود یا نه؟

کسیکه بعض نمازها را ترک میکند و بعض نمازها را اداء میکند برای او ثواب نمازهای اداء شده داده میشود یا نه؟

جواب: ثواب نمازهای اداء شده برایش داده میشود و برای نماز ترک شده برایش عذاب است.^(۲)

سوال: (۳) آیا نماز شخصی رشوت خور مقبول است؟ یک شخص علاوه از معاش ماهانه

رشوت میگیرد نماز او مقبول است یا نه؟

جواب: نمازش مقبول است و ثواب نماز برایش حاصل میشود و گناه رشوت به گردن او است،

قال تعالی: و آخرون اعترفوا بذنوبهم خلطوا عملاً صالحاً و آخر سیئاً.^(۳) الآية

سوال: (۴) اگر متعلقین نمازگذار نماز نخوانند آیا به این سبب بالایش کدام جرم عائد

است؟ (الف) مسلمانان یک محله چنین انتظام کرده اند که کسی کدام نماز را ترک کند

جرمانه را اداء کند و همراه تارک نماز قطع تعلقات میکنند در این محله زید نماز میخواند مگر

مبتعلقین او تارک الصلاة اند و قتیکه به زید گفته شد زید در جواب گفت که آنها نماز نمیخوانند

من چه کنم مجبوری است باز برایش گفته شد که تعلقات را با آنها قطع کن زید در جواب گفت

(۱) المآیات رکوع ۲ . ظفر

(۲) و تارکها عمداً معانة ای تکسلا فاسق بحسب حتی یصلی و قبل یضرب حتی یسبل مه الدم و عند الشافعی بصلاة واحدة حدّاً و قبل کثیر

(الدر المختار علی هامش رد المحتار، کتاب الصلوة ج ۱ ص ۳۲۶، ط.س. ج ۱ ص ۳۲۶). ظفر

(۳) سورة التوبة، رکوع ۱۳ . ظفر

کہ این قسم ہم کردہ نمیتوانم مجبوری است:

(ب) این گفتار زید کہ مجبوری است قابل عفوہ است یا نہ؟

سوال: (۵) (۱) امامت این قسم شخص جائز است یا نہ؟ و تیکہ زید ہمراہ تارک الصلاة

تعلقات داشتہ باشد پیش بہ عقب زید نماز خواندن جائز است یا نہ؟

سوال: (۶) (۲) ہمراہ این قسم شخص تعلقات نگاہ شود یا نہ؟ ہمراہ زید تعلقات نگاہ شود

یا نہ؟

سوال: (۷) (۳) کسی کہ نماز نخواند جرمانہ مالی از او جائز است یا نہ؟ بہ خاطر بہ نماز

آوردن مردم از این قسم اثر کار گرفتن در شریعت جائز است یا نہ؟

جواب: (۱) اگر زید بہ متعلقین خود نصیحت کرد و انہا قبول نکردند بر ذمہ زید مؤاخذہ

نیست، قال اللہ تعالیٰ: ولا تزر وازرة وزر اخرى^(۱) وقال تعالیٰ: لا تکلف إلا نفسک وحرص

المؤمنین.^(۲)

جواب: (۲) امامت زید در این صورت مکروہ نیست بہ عقب او نماز جائز است.

جواب: (۳) در تعلقات داشتن با زید هیچ گناہ نیست.

جواب: (۴) در بارہ نماز موافق قوت خوب نصیحت کامل لازم است مگر جرمانہ مالی در این

بارہ جائز نیست و این عمل را ترک کنند یعنی جریمہ مالی را نگیرند.^(۳)

تنبیہ: و ترساندن تارک الصلاة بہ ہر قسم مناسب است و اگر نصیحت را قبول نکنند در این

صورت قطع تعلقات و مقاطعہ با او مناسب است بلکہ ضرور است.^(۴)

سوال: (۸) آیا ذکر اللہ از نماز فرضی بہتر است؟ یک گروہ از صوفیان میگویند کہ ذکر اللہ

تعالیٰ از نماز پنجگاہ و فرائض دیگر الفضل واولیٰ است اگر کسی در ذکر مشغول باشد و نماز

(۱) سورة بنی اسرائیل، رکوع ۲، ظہیر

(۲) سورة النساء رکوع ۱۱، ظہیر

(۳) لا یأخذ مال فی المذهب بحر، وفيه عن البرازية قبل يجوز ومعه ان يمسه مدة لينزجر ثم يعيده له فان أيس من توبته صرفه إلى ما يرى، وفي المجتبى انه كان في ابتداء الاسلام ثم نسخ (درمختار) قوله: لا يأخذ مال قال في الفتح وعن أبي يوسف يجوز التعزير للسلطان بأخذ المال وعندهما وباقى الائمة لا يجوز آه ومثله في المعراج فظاهره ان ذلك رواية ضعيفة عن أبي يوسف قال في الشرنبلالية ولا يفنى بهذا لما فيه من تسلط الظلمة على أخذ مال الناس الخ (ردالمحتار باب التعزير مطلب في التعزير بأخذ المال ج ۳ ص ۲۴۶، ط. س. ج ۱ ص ۲۶۱) ظہیر

(۴) ولارکھا عمداً محامی ای نکاسلا فاسق بحس حتى یصلی الخ وقیل یضرب حتی یسئل مہ الدم (الدر المحتار علی هامش رد المحتار.

کتاب الصلوة ج ۱ ص ۳۲۶، ط. س. ج ۱ ص ۳۵۲، ظہیر

الباب الاول في المواقيت وما يتصل بها

فصل أول در بیان اوقات نماز

سوال: (۱۱) اذان صبح وجمعه: جماعت نماز صبح باید به کدام مقدار وقت پیش از طلوع آفتاب استاد شود و دیگر اینکه اذان صبح به کدام مقدار وقت از جماعت صبح پیش اداء شود؟

جواب: در شامی ذکر شده: قال ابو حنیفة: یؤذن للفجر بعد طلوعه ^(۱) یعنی بعد از صبح صادق اذان کردن بهتر است اگر فوراً بعد از صبح اذان نگوید پس آن بگوید غرض این است تمام وقت نماز وقت اذان هم است کما فی الشامی: ولعل المراد بیان الاستحباب والا فوقت الجواز جمیع الوقت الخ ^(۲) وجماعت صبح در وقت اسفار بهتر است یعنی کدام وقت که خوب روشنی شود مقدار این را در الدر المختار چنین نوشته است که از طلوع آفتاب آنقدر پیش نماز را شروع کند که چهل آیات به ترتیل خوانده شود فرضاً اگر به دوباره خواندن نماز ضرورت پیش گردد که پیش از طلوع آفتاب اعاده شده بتواند ^(۳) غرض این است که نیم ساعت پیش از طلوع آفتاب جماعت کند. فقط

سوال: (۱۲) در قطب شمالی وجنوبی طریقه پابندی اوقات نماز: پابندی اوقات نماز در قطب شمالی وجنوبی چه قسم شده میتواند در این ممالک تا سه ماه آفتاب نمی خیزد علی هذا القیاس تا سه ماه غروب آفتاب نمیشود در این جاها نماز چه قسم اداء گردد؟

جواب: احکام این قسم جاها رانیز فقهاء بیان ونوشتہ کرده اند که در آن جاها باندازه کردن وقت نماز اداء گردد ^(۴) مثلیکه در حدیث آمده که در وقت ظهور دجال یک روز به اندازه یک سال خواهد بود در این باره پاک حضرت محمد ﷺ در جواب سوال اصحاب کرام رضی اللہ عنہم گفت که

== إلی موسی فقال مثله فرجع فوجع عی غشراً فأمرت بعشر صلوات کل یوم فرجعت إلی موسی فقال مثله فرجعت فأمرت بخمس صلوات کل یوم الخ متفق علیہ (مشکوٰۃ باب فی المعراج فصل اول ص ۵۲۸). ظفیر

(۱) رد المختار، باب الادان ص ۳۵۷، ط.س. ج ۱ ص ۳۸۵. ظفیر

(۲) ایضاً، ط.س. ج ۱ ص ۳۸۵. ظفیر

(۳) والمستوجب لرجل الابتداء فی الفجر باسفار والعجم به هو المختار بحیث یرتل اربعین ایه ثم یعیده بطهارة ولو فسد (الدر المختار علی هامش رد المختار کتاب الصلوة ج ۱ ص ۳۳۹، ط.س. ج ۱ ص ۳۶۶). ظفیر

(۴) وفائدہ کہلما فان فیها یطلع الفجر قل غروب الشفق فی اربعین الشاء مکلف بهما فبقدر لهما ولا یوئ القضاء (در المختار) وقد وجد وهو ما تواطأت علیہ اخبار الاسراء من فرض الله تعالی الصلوة خمساً بعد ما امر اولاً بخمسین ثم استقر الامر علی الخمس شرعاً عاماً لاهل الاطلاق لا تفصیل بین قطر وقطر. ظفیر

باندازه کردن وقت نمازها را اداء کنید^(۱) مطلب حدیث شریف این است که در هر بیست چار ساعت پنج نماز را اداء کنید بان مقدار وقت که در ممالک عادی نمازها اداء میگردد یعنی در بین یک نماز تا نماز دیگر آن قدر وقفه شود مثلیکه در ممالک عادی وقفه میشود یعنی در ممالک عام که کدام فاصله وقت در بین نمازها مراعت میشود در ممالک قطب شمالی و قطب جنوبی همان فاصله را عملی کند و در بیست و چهار ساعت نماز پنجگانه را اداء نمایند و در کدام ممالک که شش ماه روز و شش ماه شب میباشد به نزد محققین نیز همین حکم است که به اندازه کردن وقت و فاصله بین نمازها در بیست و چهار ساعت نماز پنجگانه را اداء نمایند.^(۲)

سوال: (۱۳) وقت مستحب نماز صبح: درباره نماز صبح در بین یک تعداد مردم اختلاف است در حیدرآباد طلوع آفتاب در ساعت پنج بجہ و چهل و پنج دقیقه میباشد و غروب آفتاب به چهار دقیقه کم هفت بجہ میباشد از این جهت در این جا شب و روز برابر میباشد مگر مردم اکثر این جا به اثر اختلاف نماز صبح را در تاریکی یعنی چهار و نیم بجہ نماز میخوانند و بعض مردم نماز صبح را در روشنی بعد از پنج بجہ میخوانند لهذا کدام وقت که در مذهب حنفی اصح و متفق علیه باشد آن را به ما معرفی و تحریر فرمائید.

جواب: در نماز صبح به نزد احناف اسفار مستحب است و از لفظ مستحب معلوم میشود که در تاریکی نیز جواز دارد مگر در روشنی مستحب است معنای اسفار این است که بعد از اذان صبح روشنی پیدا و تاریکی دور شود و قتیکه آفتاب به پنج بجہ و چهل و پنج دقیقه طلوع میکند در این وقت بعد از پنج بجہ وقت مناسب و عمدۀ اسفار یعنی روشنی است^(۳) و کسانیکه چهار و نیم بجہ

(۱) روی انه ﷺ على الرعد وسلم وذكر الدجال فلما ما لبثه في الارض قال اربعون يوما. يوم كسنة ويوم كشهري ويوم كجمعة وسائر ايامه كما يملك فلما با رسول الله فذلك اليوم الذي كسنة اتكبتا فيه صلاة يوم قال لا، المدروا له. رواه مسلم الخ (رد المحتار، كتاب الصلوة ج ۱ ص ۳۳۷، ط. س. ج ۱ ص ۳۶۲). ظهير

(۲) قال الرملي في شرح المنهاج ويجري ذلك فيما لو مكث الشمس عند قوم مدة اده ج. قال في إمداد الفتح قلت وكذلك يفيد لجميع الأجل كالصوم والزكاة والحج والعمرة وأجل البيع والسلم والإجارة وينظر ابتداء اليوم فيقدر كل فصل من الفصول الأربعة بحسب ما يكون كل يوم من الزيادة والنقص كذا في كتب الأئمة الشافعية ونحن نقول بمثله إذ أصل التقدير مقول به إجماعا في الصلوات الخ (رد المحتار، كتاب الصلوة ج ۱ ص ۳۳۷، ط. س. ج ۱ ص ۳۶۲). ظهير

(۳) عن رافع بن خديج قال قال رسول الله ﷺ اسفروا بالهجر فانه اعظم للاجر رواه الترمذی و ابو داود والدارمی (مشکوٰۃ، باب تعمل الصلوة ص ۶۱). ظهير

صبح نماز میخواند قابل ملامتی نیستند چرا که خواندن نماز در تاریکی نیز از احادیث ثابت شده^(۱) اختلاف صرف در الفضلیت وعدم الفضلیت است در جواز وعدم جواز کدام اختلاف نیست: والمستحب للرجل الابتداء فی الفجر باسفار والختم به هو المختار "در المختار" وفي انشامی قوله باسفار ای فی وقت ظهور النور وانکشاف الظلمة^(۲) الخ. فقط

سوال: (۱۴) مقیاس الظل: در دائره، هندیه اندازه کردن سایه از سر مناسب است و یا از بیخ و سایه اصلی در کدام صورت میباید؟

جواب: مقیاس سایه که در وقت زوال میباید آن را سایه اصلی گفته میشود در هر دو صورت یک اندازه را نشان میدهد باقی دائره هندیه و فیء الزوال یعنی سایه زوال و سایه مثل و مثلین که در شرح وقایه تشریح شده آیا آن وبه حق نزدیک است.^(۳) فقط

سوال: (۱۵) وقت پیشین و امام صاحب: آیا رجوع امام ابوحنیفه از مثلین وقت پیشین، والشفق هو البیاض، واز جواز مسح جراب که منعل یا مجلد باشد ثابت است یا نه؟

جواب: در باره وقت پیشین از سایه مثلین و در وقت شام از شفق ابیض ثابت نیست و در این باره قول امام صاحب اصح واحوط است کما حققه العلامة شامی^(۴) وبه جراب منعل یا مجلد جواز مسح ثابت و مسلم است^(۵) فقط

سوال: (۱۶) آیا اوقات وقت نماز در قرآن کریم ثبت است؟ زید استدلال میکند که نماز صبح، شام و خفتن به آیت کریمه: اقم الصلاة طرفی النهار وزلفا من اللیل، ثابت شده آیا از کدام آیت قرآن شریف اوقات نماز پنجگانه صریحا ثابت میشود یا نه؟

(۱) وعن عائشة قالت كان رسول الله ﷺ يصلي الصبح فتصرف النساء متلفعات بمروطهن ماعرفن من العلى، متفق عليه (ابن حبان ص ۶۰). ط

(۲) ردالمحتار كتاب الصلاة ج ۱ ص ۳۳۹، ط.س. ج ۱ ص ۳۶۶. ظفر

(۳) شرح وقایه، كتاب الصلاة ص ۱۴۴ و ۱۴۵. ظفر

(۴) الشفق وهو الحمرة عندهما وبه قالت الثلاثة وإليه رجع الإمام كما في شروح المجمع وغيرها فكان هو المذهب (ردمخار) قوله: و إليه رجع الإمام أي إلى قولهما الذي هو رواية عنه أيضا الخ ورده المحقق في الفتح بأنه لا يساعده رواية ولا دابة وقال تلميذه العلامة قاسم في تصحيح القدوري إن رجوعه لم يثبت الخ ثبت أن قول الإمام هو الأصح الخ (ردالمحتار كتاب الصلاة ج ۱ ص ۳۳۴ - ۳۳۵، ط.س. ج ۱ ص ۳۶۱). ظفر

جواب: در آیه کریمه: اقم الصلاة طرفي النهار وزلفاً من الليل ^(۱) فرضیت پنج نماز ثابت میگردد به این قسم که در یک طرف روز نماز صبح است و در طرف دوم یعنی از اول آفتاب تا غروب آفتاب نماز پیشین و نماز دیگر و نماز شام مراد است و از کلمه: زلفاً من الليل، نماز خفتن مراد است چرا که حصه اول روز تا زوال است و حصه دوم روز بعد از زوال تا غروب آفتاب است و اگر در حصه دوم یعنی از زوال تا غروب آفتاب وقت نماز پیشین و وقت نماز دیگر مراد شود در این صورت مراد از زلفاً من الليل نماز شام و خفتن مراد میشود و مفسرین کرام از آیت کریمه: فسبحان الله حين تمسون وحين تصبحون وله الحمد في السماوات والارض وعشيا وحين تظهرون ^(۲) اوقات نماز پنج گانه را مراد کرده اند.

سوال: (۱۷) وقت آخر پیشین به نزد احناف: به نزد احناف وقت نهائی نماز پیشین از کدام وقت تا کدام وقت است تا یک مثلی سایه و یا تا دو مثلی سایه یعنی نماز پیشین در کدام وقت فوت میشود که بقسم قضائی خوانده شود و نماز دیگر تا کدام وقت خوانده شود؟

جواب: قال في الدر المختار: وقت الظهر من زواله الخ إلى بلوغ الظل مثليه وعنه مثله وهو قولهما وزفر والائمة الثلاثة قال الامام الطحاوي وبه نأخذ وفي غرر الاذكار هو المأخوذ به وفي البرهان وهو الاظهر الخ وفي الشامي قوله إلى بلوغ الظل مثليه هذا هو ظاهر الرواية عن الامام نهاية وهو الصحيح بدائع ومحيط وينابيع وهو المختار غياثيه واختاره الامام المحبوبي وعول عليه النسفي وصدر الشريعة تصحيح قاسم واختاره اصحاب المتون وارتضاه الشارحون، فقول الطحاوي وبقولهما نأخذ لا يدل على انه المذهب الخ ثم قال وقد قال في البحر لا يعدل عن قول الامام إلى قولهما الخ ^(۳) پس معلوم شد که راجع به نزد احناف قول امام اعظم است و وقت پیشین تا دو چند شدن سایه است بدون سایه اصلی یعنی سایه چاشت و وقت دیگر بعد از مثلی است.

سوال: (۱۸) سبب ممانعت نماز در وقت طلوع و غروب: در وقت طلوع آفتاب و غروب آفتاب

(۱) أو جوبه ولو من غزل أو شعر التبيين الخ والمنعین ما جعل علی أسفله جلد والمجلدين (درمختار) ما ذكره المصنف من جوازه علی المجلد والمنع مطلق علیه ههنا (ردالمحتار باب المسح علی الخفين ج ۱ ص ۲۴۹، ط.س. ج ۱ ص ۲۶۹). ظفر

(۲) سورة هود ركوع: ۱۰. ظفر

(۳) سورة الروم ركوع: ۲. فسبحان الله حين تمسون ليمسون الخ قبل المراد بالنسيح هنا الصلوات الخمس فقله حين تمسون صلاة المغرب والعشاء وقله حين تصبحون صلاة الفجر وقله وعشيا صلاة العصر وقله حين تظهرون صلاة الظهر كذا قال الضحاك وسعيد بن جبر وغيرهما الخ (فتح القدير للشوكاني ج ۴ ص ۳۱۱). ظفر

(۴) رد المحتار، كتاب الصلوة ج ۱ ص ۳۳۲، ط.س. ج ۱ ص ۳۵۹. ظفر

چرا خواندن نماز ممنوع است؟

جواب: در حدیث شریف آمده که در این اوقات کافران به آفتاب عبادت میکنند از این جهت در این اوقات نماز نخوانید. ^(۱)

سوال: (۱۹) نماز دیگر در وقت غروب نیم آفتاب جائز است یا نه؟ نماز فرض دیگر در

وقت غروب آفتاب که نصف آفتاب غائب شده باشد ونیم آن بیرون باشد جائز است یا نه؟

جواب: نماز دیگر در این وقت جائز است یعنی اگر آفتاب در حال مذکوره هم باشد نماز دیگر در آن روا است و باید نماز را اداء کند ^(۲) مگر قصد این عمل را نکند که گناه است.

سوال: (۲۰) وقت نماز پیشین و نماز جمعه: اذان پیشین و اذان جمعه همیشه پاور بالا دوازده

بجه و جماعت این دو نماز به دوازده ونیم بجه جائز است یا نه؟

جواب: در اوقات و موسمهائی مختلف حکم مختلف میشود پیش از زوال وقت نماز پیشین و وقت

نماز جمعه نیست در موسم گرمی در نماز پیشین تأخیر مستحب است و در نماز جمعه در هر

موسم تعجیل مستحب است مگر متوجه باشند که وقت داخل شود پیش از دوازده ونیم بجه اذان

جمعه گفته نشود و جماعت نماز جمعه به یک بجه اداء شود و در موسم گرمی در نماز پیشین

تأخیر عمل نیک است ^(۳) اذان پیشین موسم گرمی یک ونیم بجه یا دو بجه و نماز پیشین موسم

گرمی پاور بالا دویچه یادونیم بجه اداء شود و نماز پیشین موسم زمستان یک ونیم بجه اداء شود

سوال: (۲۱) وقت نماز شام از چه وقت تا چه وقت دوام میکند؟ وقت شام در رمضان

شریف و غیره صرف به غروب آفتاب میشود یا تاریک شدن ضرور است؟

جواب: وقت نماز شام همیشه به غروب آفتاب داخل میشود و وقت افطار روزه رمضان و غیره نیز

به غروب آفتاب داخل میشود در کتاب الصوم در مختار ذکر شده: هو امساک من المفطرات الخ

فی وقت مخصوص وهو الیوم (الدرا المختار) ای الیوم الشرعی من طلوع الفجر إلى الغروب والمراد

(۱) قال رسول الله صلى الله عليه وسلم ولا تحبوا بصلواتكم طلوع الشمس ولا غروبها فإنها تطلع بين قرني الشيطان، متفق عليه، وفي رواية قال ثم العصر عن الصلاة حتى تطلع الشمس حتى ترتفع فإنها تطلع حين تطلع بين قرني شيطان وحسبنا بسجدة لهذا الكفار (مشكرة باب اوقات النهي ص ۹۴). ظفر

(۲) لا تحوز الصلاة عند طلوع الشمس ولا عند قيامها ولا عند غروبها الخ الاّ عصر يومه عند الغروب اهداه فصل في الاوقات التي تكره فيها الصلاة ص ۸۰ ج ۱). ظفر

(۳) والمستحب في الفجر باسفار الخ وتأخير طهر الصبب بحيث يمتنى في الظل مطلقا الخ وجمعة كظهر اصلا واستحبابا في الرمضاني لانه خلفه (در المختار) لكن جزم في الاشياء انه لا يسن لها الابرار الخ (رد المختار كتاب الصلاة ج ۱ ص ۳۴۰. ط. س. ح ۱ ص ۳۶۶). ضير

بالغروب زمان غیوبه جرم الشمس بحیث تظفر الظلمة فی جهة الشرق الخ ج ۲ ص ۸۰، شامی (۱) حواله این صفحات شامی است که مطبعه مجتبائی دهلی آن را چاپ کرده و در حاشیه مطبعه شامی است فقط دار الخلافه مکتبه عثمانیه است.

سوال: (۲۲) در انتظار هیچ کس وقت مستحب ضائع نشود: در نزدیک خانه یک شخص یک مسجد است و در محله مردمی مسلمان دیگری نیز زیاد اند مگر همان شخص که نزدیک مسجد سکونت دارد میگوید که تا من به مسجد حاضر نشوم امام مسجد جماعت را شروع نکند در اکثر جاها این عمل دیده شده که به خاطر انتظار یک شخص جماعت در وقت مکروه اداء شده حالا امام در وقت مقرر جماعت کند یا برای آن شخص انتظار نماید؟

جواب: در وقت مستحب نماز مناسب است انتظار شخص مذکور کرده نشود اگر خوف فساد و فتنه باشد در این صورت فقهاء اجازه انتظار را داده است. (۲) فقط

سوال: (۲۳) وقت خفتن در نینى قال: در علاقه نین تال وقت نماز شام مطابق وخت مدارس به هفت بجه و بیست دقیقه میشود حالا به همین اعتبار وقت نماز خفتن به چند بجه میشود و وقت انتهائی صلاة وتر و پس شبی کدام خواهد بود؟

جواب: اگر آفتاب به هفت بجه و بیست دقیقه غروب کند در این صورت وقت خفتن به هشت بجه و پنجا و چهار دقیقه داخل خواهد شد و اگر آفتاب به پنج بجه و ۲۲ دقیقه یا چهل و نه دقیقه صبح صادق خواهد بود، و همین وقت برای پس شبی وقت آخری است.

سوال: (۲۴) وقت ظهر إلى المثلین: ما قولکم فی وقت الظہر عند الحنفیة هل هو باق الی المثلین او خرج مع ظل واحد امامنا ابو حنیفة رحمه الله تعالی هل رجع الی قول الصحابین یعنی الی المثل والی هذا القول مال وافتی مولانا الفاضل عبد الحی اللمکوی رحمه الله تعالی فی مجموع فتاواه فان رجع بای قول یعمل وما حکم قوم احناف یصلون عند ختم المثل هل یجوز فان جاز فلا کراهة او معها وما حکم اقتداء غیر المقلد هل یجوز، و ترجمه الخطبة بغیر العربی و بجوازه الفتی بعض علماء مدراس هل هو بلا کراهة او معها؟

الجواب: قال فی الدر المختار: و وقت الظہر من زواله الی بلوغ الظل مثلیه و عنه مثله و هو قولهما الخ

(۱) رد المحتار کتاب الصرم جلد ثانی ص ۱۱۰. ط س ج ۱ ص ۳۷۱. همین رد المحتار به نام شامی مشهور است فطیر

(۲) رئیس المحله لا ینتظر مالم یکن شریراً و الوقت متسع (الدر المختار باب الاداء ص ۳۷۲ ج ۱. ط س ج ۱ ص ۴۰۰) فطیر

وفی رد المحتار: قوله: (إلى بلوغ الظل مثليه) هذا ظاهر الرواية عن الامام. نهاية، وهو الصحيح بدائع ومحیط وینایع، وهو المختار غیائیة. واختاره الامام المحبوبي وعول عليه النسفي وصدر الشريعة. تصحيح قاسم. واختاره أصحاب المتن، وارتضاه الشارحون، فقول الطحاوي: بقولهما نأخذ، لا يدل على أنه المذهب، وما في الفیض من أنه یفتی بقولهما في العصر والعشاء مسلم في العشاء فقط على ما فيه، وتماهه في البحر. الخ وفيه ایضاً: قال فی البحر لا یعدل عن قول الامام الى قولهما او قول احدهما الا بضرورة من ضعف دليل او تعامل بخلافه الخ وقد قال قُبیلہ: ان الادلة تكافئت ولم يظهر ضعف دليل الامام بل ادلته قوية ایضاً الخ^(۱) فالحاصل ان وقت الظهر ضعف یبقى الى المثلین والامام ابو حنیفة رحمہ اللہ ما رجع فی هذا الى قول الصحابین بل یروی عنه كقولهما ولكن ظاهر الرواية خلافه فما یروی بعد المثل فهو اداء والاحسن الاحوط ما فی السراج عن شیخ الاسلام: ان الاحتیاط ان لا یؤخر الظهر الى المثل وان لا یصلی العصر حتی یبلغ المثلین لیكون مؤدیا للصلوتین فی وقتہما بالاجماع الخ شامی^(۲).

وفی اقتداء غیر المقلد قیل وقال وتفصیل واجمالاً فالاحوط تركه الا بضرورة داعية.

وترجمة الخطبة بغير العربي مكروهة على التحقيق صرح به فی المسوی والمصفی شرح الموطاء وجوازه بغير العربي مختلف فيه فالحذر كل الحذر من اختلاف فانه خلاف الاحتیاط. فقط

سوال: (۲۵) فاصله در بین اذان واقامت شام: زید مطابق معمول اذان شام را اداء كرد وبعد از آن دعاء اذان را قرأنت نمود و مطابق مسلك حنفی تأخیر كرد وبعد از آن اقامت نمود بعد از وضوء تازه به نماز تیار و آماده بود و خادم امام مسجد یعنی بكر و نماز گذاران دیگر بعد از نماز به زید گفت كه شما يك اندازه انتظار هم نمیكنید فوراً به نماز استاد می‌شوید در حالیكه زید بعد از وقفه جائزه اقامت كرده بود زید و يك نماز گذار دیگر در جواب گفتند چونكه وقت كم است لذا تأخیر خوب نیست گوش نمیگرفت سوال این است كه در بین اذان واقامت نماز شام چه مقدار تأخیر و فصل مناسب است و یا تعجیل و وصل مناسب است و در زمان رسول اكرم صلی اللہ علیہ وسلم در بین اقامت و اذان كدام نماز از كدام حدیث صحیح فیصل ثابت شده و یا نه؟

جواب: اقول وبالله التوفیق قال فی المختار: و قبل صلوٰة مغرب لكراهة تأخیره الا یسیراً^(۳) الخ

(۱) رد المحتار، كتاب الصلوة ج ۱ ص ۳۴۲ - ۳۴۳، ط.س. ج ۱ ص ۳۹۹، ظفر

(۲) رد المحتار، كتاب الصلوة ج ۱ ص ۳۴۳، ط.س. ج ۱ ص ۳۹۹، ظفر

وفیه ایضاً و بیجلس بینهما بقدر ما یحضر الملازمون مراعیاً لوقت الندب الا فی المغرب، فیسکت قائماً قدر ثلث آیات قصار و یکره الوصل اجماعاً الخ^(۱) و فی الشامی و یتحب التحول للإقامة الی غیر موضع الاذان و هو متفق علیه^(۲) و ایضاً فی الشامی قوله و قبل صلوة مغرب علیه اکثر اهل العلم منهم اصحابنا و مالک و واحد الوجهین عن الشافعی لما ثبت فی الصحیحین و غیرهما مما ینفید انه رضی اللہ عنہ کان یواطب علی صلوة المغرب باصحابه عقب الغروب و لقول ابن عمر رضی اللہ عنہما ما رأیت احداً علی عهد رسول الله صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم یصلیہما، رواه ابو داؤد و سکت عنه و المنذری فی مختصره و استاده حسن و روی محمد عن ابی حنیفة عن حماد انه سئل ابراهیم النخعی عن الصلوة قبل المغرب قال فنهی عنها و قال ان رسول الله صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم و ابا بکر و عمر لم یكونوا یصلونها و قال القاضي ابوبکر بن العربی: اختلف الصحابة فی ذلك و لم یفعله احد بعدهم فهذا یعارض ما روی من فعل الصحابة و من امره رضی اللہ عنہ بصلاتہما، لانه إذا اتفق الناس علی ترک العمل بالحديث المرفوع لا یجوز العمل به لانه دلیل ضعفه علی ما عرف فی موضعه، ولو کان ذلك مشتهراً بین الصحابة لما خفی علی ابن عمر، أو یحمل ذلك علی أنه کان قبل الامر بتعجیل المغرب، و تمامه فی شرح المنیة و غیرهما. الخ^(۳) از این روایات کتابهای فقه معلوم شد که در بین اذان و اقامت نماز شام هیچ قسم نماز خواندن مناسب نیست و این هم معلوم شد که کدام وقفه بعد از اذان در خواندن دعاء مأثورہ و تحویل من الاذان الی موضع الإقامة میگذرد همین فاصله کفایت میکند و دافع وصل مکروه است و این سخن واضح است که خواندن سه آیات کوتاه در وقت کم از نیم دقیقه خوانده میشود غرض این است که در عبارات مذکوره جواب تمام سوالات واضح میشود. فقط

سوال: (۲۶) وقت نماز خفتن: در این زمان در رمضان المبارک اکثر مردم در نماز خفتن بسیار تعجیل میکنند بطور عام مطابق ساعت ریل که شفق سرخ هنوز باقی باشد اذان میکنند و پیش از ۹ نه بجه نماز میکنند دریافت طلب این امور است: آیا اذان خفتن پیش از وقت یعنی پیش از داخل شدن وقت جائز است؟ در بین اذان شام و خفتن کدام اندازه فاصله ضرور و محتاط است؟ در مذهب حنفی که اذان شام به هفت و نیم بجه کرده شود در این صورت اذان خفتن چه

(۳) البصر المختار علی حاشی رد المحتار، کتاب الصلوة، ۴۴۹ ج ۱، ط. س. ج ۱ ص ۳۷۹، ظفر

(۱) و (۲) رد المحتار، باب الاذان ج ۱، ۳۶۲، ط. س. ج ۱ ص ۳۸۹، ظفر

(۳) رد المحتار، کتاب الصلوة، ج ۱، ۳۴۹، ط. س. ج ۱ ص ۳۷۹، ظفر

مقدار وقت بعد از اذان شام کرده شود؟

جواب: در روز پانزده و بیست ماه جون آفتاب به هفت بجہ و بیست و هفت دقیقه غروب میکند و وقت نماز خفتن موافق مذهب حنفی به ۹ نه بجہ و چهار دقیقه داخل میشود پس معلوم شد کہ فاصله بین اذان شام و اذان خفتن یا داخل شدن وقت خفتن در تاریخیای مذکورہ یک ساعت و سی و هفت دقیقه موافق مذهب حنفی محسوب شدہ در تاریخیای مذکورہ اذان خفتن پیش او ۹ بجہ به نزد احتلاف جواز ندارد البتہ به قول صاحبین جائز است و یک قول دیگر امام را نیز نوشته کردہ مگر در شامی گفته شدہ کہ احتیاط در آن است کہ به قول امام صاحب عمل کردہ شود و از غروب شفق ابیض پیش نماز خفتن خواندہ نشود^(۱) و اذان خفتن در هیچ مذهب پیش از دخول وقت خفتن جائز نیست.^(۲)

سوال: (۲۷) در وقت نماز پیشین و نماز جمعه تفاوت است یا نہ؟ وقت نماز جمعه چہ وقت شروع میشود و بہ حساب ساعت مدارس چند بجہ وقت نماز جمعه داخل میشود در حال موجودہ وقت زوال تا کدام وقت میباشد آیا نماز جمعه پیش از دخول وقت شدہ میتواند وقت نماز پیشین و وقت نماز جمعه بہ یک حساب است یا در بین این هر دو کدام تفاوت میباشد؟

جواب: وقت نماز جمعه و وقت نماز پیشین با هم کدام تفاوت ندارد، وقت این دو نماز بعد از زوال آفتاب شروع میشود پیش از زوال آفتاب نہ نماز جمعه جائز است و نہ نماز پیشین^(۳) در این جا بہ ساعت مدارس تقریباً دوازده و نیم بجہ زوال میشود وقت زوال آنجا را نظر کنید غالباً در آنجا ہم زوال بہ همین وقت و یا نزدیکتر بہ این وقت خواهد بود و بعد از زوال نماز جمعه جائز میگردد و پیش از آن جواز ندارد، فقط

سوال: (۲۸) آیا وقت نماز جمعه تا دو نیم بجہ میباشد یا نہ؟ آیا وقت نماز جمعه تا دو نیم بجہ میباشد و یا نہ؟ اکثر مردم پنجاب اعتراض میکنند کہ برای نماز جمعه وقت دو نیم بجہ صحیح نیست؟

(۱) فہست ان قول الامام هو الاصح و منی علیہ فی البحر (رد المحتار کتاب الصلوٰۃ جلد اول ص ۳۳۵، ط.س. ج ۱ ص ۳۶۱)، ظفر

(۲) لیمان اذان و لغ قبلہ کلاماً خلافاً للثانی فی الفجر (الدر المحتار علی هامش رد المحتار باب الاذان ج ۱ ص ۳۵۸، ط.س. ج ۱ ص ۳۸۵)، ظفر

(۳) و جمعہ کظہ اصلاً و استحباباً فی الزمان لانہا خلفہ (الدر المحتار علی هامش رد المحتار کتاب الصلوٰۃ جلد اول ص ۳۴۰، ط.س. ج ۱ ص ۳۶۷)، ظفر

جواب: وقت نماز جمعہ مانند وقت نماز پیر ۹۰ من است کہ از زوال آفتاب شروع میشود و بنا بر اختلاف قولین تا یک چندی و یا دو چند شدہ سہ ہر چیز باقی می باشد لکن در نماز جمعہ تعجیل مستحب و بہتر است مثلاً بہ وقت ریلوی درازندہ و سہ بجہ زوال آفتاب میشود پس تا یک بجہ و یا یک و نیم بجہ خواندن نماز جمعہ مناسب است مگر قصداً تاخیر کردن آن ہمہ وقتہ تا دو نیم بجہ عمل پسندیدہ و مشروع نیست ^(۱) در نامی ذکر شدہ: لکن جزم الاشبہانہ لا یسن لها الإبراد الخ ^(۲) فقط

سوال: (۲۹) وقت مستحب نماز خفتن: وقت بہتر نماز خفتن کدام است کہ برای عوام در آن تکلیف نباشد؟

جواب: در حصہ سوم اول شب نماز خواندن خفتن مستحب است اگر بہ اثر کدام ضرورت بیشتر از آن خواندہ شود هیچ خرج نیست. ^(۳)

سوال: (۳۰) در ابر احاطہ کنندہ اندازہ اوقات نماز: در موسم بانہا در قریہ ہا و دہات چنین واقعہ پیش میشود کہ چندین روز آفتاب دیدہ نمیشود ونہ در آنجا ساعت و وسیلہ دیگری است کہ ذریعہ آن وقت معلوم گردد در این حالت برای معلوم کردن وقت نماز مردم بسیار بہ تکلیف می باشد خصوصاً در نماز پیشین و دیگر پس در این حالت مردم نماز پیشین و دیگر را چہ قسم اداء کنند و اگر یک نماز را اداء کردند و بعداً آفتاب معلوم شد و نماز را کہ بہ فکر تحریر خواندہ بودند بی وقت بود در این صورت اعادہ آن ضرورت یا نہ؟

جواب: در این قسم حالت وقت را بہ فکر خود تخمین و اندازہ و موافق ظن غالب نماز را اداء نمایند اگر خطائی آن ظاہر نشد نماز صحیح است و اگر خطائی آن ظاہر وثابت شد در این صورت اعادہ نماز ضرور و لازم است. ^(۴) فقط

(۱) و جمعتہ کظهر اصلاً واستحبنا فی الزمان لانہا خلفہ (درمختار) اصلاً ای من جہۃ اصل وقت الجوار وما وقع فی آخرہ من الخلاف. قوله واستحبنا فی الزمان ای الشتاء والصیف ج. لکن جزم فی الاشیاء من فی الاسکام انہ لا یسن لها الإبراد الخ وقال الجمهور ولیس بمشروع لانہا نقام بجمع عظیم فتاخيرها معص إلی الحرج ولا كذلك الطهر (ردالمحتار کتاب الصلاۃ ج ۱ ص ۳۴۰، ط.س. ج ۱ ص ۳۶۷، طبر

(۲) رد المحتار کتاب الصلوۃ جلد اول ص ۳۴۰، ط.س. ج ۱ ص ۳۶۷، طبر

(۳) و لاخیر عشاء الی ثلث اللیل قبلہ فی العائتہ وغیرہا بالشاء اما الصیف فیندب تعجلاً (درمختار) قوله: فی العائتہ الخ ولی الہدایۃ ولیل فی الصیف یحتمل کیلاً یقلل الجماعۃ (ردالمحتار کتاب الصلاۃ ج ۱ ص ۳۴۱، ط.س. ج ۱ ص ۳۶۸) و یستحب تعجیل المغرب فی کل زمان کذا فی الکافی و کذا لاخیر العشاء الی ثلث اللیل الخ و فی یوم الغیم یبور الفجر الخ و یعجل العشاء کیلاً یجمع مطر یرتفع عن الجماعۃ فکذا فی معبط السرخسی هذا فی الازمۃ کتبا (عالمگیری مصری الباب الاول فی الموالیت فصل ثانی ج ۱ ص ۴۸، ط. ماجدہ ج ۱ ص ۵۱) طبر =

سوال: (۳۱) خواب شنن پیش از نماز خفتن کہ جماعت قوت نشود: اگر شخص بعد از نماز شام خواب شود و در وقت نماز خفتن بیدار شد و نماز را اداء نمود آیا در نماز خفتن او کدام خلل پیش نخواهد شد؟

جواب: در نماز خفتن او کدما نقصان پیش نمیشود مگر پیش از نماز خفتن خوابیدن خوب نیست. ^(۱)
سوال: (۳۲) فاصله بین اذان شام و اذان خفتن: در بین اذان شام و خفتن چه مقدار فاصله ضرور است ایا در کدما جا کہ به حساب ساعت آفتاب نماز شام به هفت بجہ و پانزده دقیقه اداء میشود اگر در همان جا به هشت بجہ نماز بخوانند صحیح است یا نه و شنیده ایم کہ در بین اذان شام و اذان خفتن یک ساعت و بیست و پنج دقیقه فاصله ضرور است حکم آن چیست؟

جواب: بعد از غروب آفتاب به نزد امام ابو حنیفہ وقت نماز خفتن در آن وقت داخل میشود کہ شفق سفید غائب شود ^(۲) مقدار فاصله بین اذان شام و خفتن در بعضی موسما یک ساعت و بیست و چهار دقیقه یا بیست و پنج دقیقه میباشد و در بعضی موسما یک ساعت و بیست و هفت دقیقه و در بعضی موسما زیادتر از این هم میباشد پس در بین اذان شام و خفتن کمتر از یک نیم ساعت فاصله مناسب نیست و برای احتیاط پاو کم دوسا عت فاصله خوب است و طلوع آفتاب و غروب آن و صبح صادق و غیره در هر وقت و زمان در جنتری معلوم شده میتواند. فقط
سوال: (۳۳) وقت اول نماز دیگر به نزد امام صاحب: به نزد امام اعظم صاحب وقت نماز دیگر روایت یک مثل شدن سایه معتبر و مفتی به است یا روایت دو چند شدن سایه یا در هر دو فتوی عمل به یک درجه صحیح و معتبر است؟

جواب: به نزد احناف فتوی به هر دو قول صحیح و معتبر است ^(۳) احتیاط زیاد دران است کہ سایه

(۴) و اذا كان اليوم يوم غيم فالمتحجب في الفجر والظهر والمغرب تاخيرها يعني بالتأخير عدم التعجيل اول الوقت لا التأخير الشديد الذي يشك بسببه في بقاء الوقت وذلك لان التعجيل في الفجر يؤدي الى تقليل الجماعة بسبب الظلمة وربما تقع قبل الوقت وكذا في الظهر والمغرب لا يؤمن بالتعجيل من وقوعهما قبل الزوال والغروب. قال في المحيط المراد من تأخير المغرب قدر ما يحصل اليقين بالغروب الخ (غنية المستطلى شرط خاص ص ۲۴۴). ظهير

(۱) قال في البرهان ويكره اليوم قبلها والحدث بعدها لئلا يسي صلى الله عليه وسلم عنهما الخ وقال الطحاوي إنما كره اليوم قبلها لمن حشي عليه قوت وقتها أو قوت الجماعة فيها وأما من وكل نفسه إلى من يوقظه فيباح له اليوم (رد المحتار كتاب الصلاة تحت قول وتأخير عشاء إلى ثلث الليل ج ۱ ص ۳۴۱، ط.س. ج ۱ ص ۳۶۸). ظهير

(۲) وأول وقت المغرب إذا غربت الشمس وآخر وقتها مالم يعب الشفق الخ ثم الشفق هو البياض الذي في الأفق بعد الحمرة عند أبي حنيفة رحمه الله تعالى وعندهما هو الحمرة (هذه كتاب الصلاة باب المواقيت ج ۱ ص ۷۷ - ۷۸). ظهير

دو چند شود بعدا نماز دیگر خوانده شود و مشائخ ما نیز به همین فتوی عمل میکنند. فقط

سوال: (۳۴) نماز صبح کدام وقت اداء شود؟ بعد از نماز صبح چه اندازه وقت مناسب است؟

جواب: مذهب امام ابو حنیفہ این است کہ نماز صبح در اسفار بہتر و مستحب است. ^(۱) یعنی تاخیر خوب است بہ این معنی کہ بعد از اداء کردن نماز آن قدر وقت باقی باشد کہ ضرورت اعادہ کردن نماز پیش از طلوع آفتاب در آن شدہ بتواند، و بعد از اعادہ نماز تا طلوع آفتاب مقدار بیست و یا پانزدہ دقیقہ وقت ہم باقی بماند. فقط:

سوال: (۳۵) اوقات نماز در لندن: در کدام منطقہ کہ سہ بجہ روز میاید و در ۹ بجہ شب

میشود یعنی در لندن شب و روز بہ ہمین حساب است کہ از این جہت در آن ہجده ساعت روز و شب ساعت شب مییابد آیا در این جا نماز شام را بعد از غروب آفتاب اداء کند و یا بہ حساب دوازده ساعت اداء شود و ہم نماز خفتن بکدام ترتیب و کدام وقت اداء شود؟

جواب: نماز شام را بہ غروب لندن بخواند و تمام نمازها را بہ حساب همان جایی اداء کند. فقط

سوال: (۳۶) اوقات مستحب در روزهای باران: وقت مستحب برای نمازهای پنجگانه در

روزهای بارانی بہ حساب ساعت بہ چند بجہ میشود؟

جواب: در اوقات شرعا وسعت زیاد است از این جہت بہ ساعت و دقیقہ معین کردن وقت آن

ضرور نیست و شرعا کدام وقت خاص برای آن مقرر نشدہ کہ گویا با این ساعت و این دقیقہ

خاص نماز فلان و فلان خواندہ شود حکم شریعت این است کہ نماز آنقدر مؤخر نشود کہ وقت

مکروه داخل شود و بہ فکر خود وقت مستحبہ را مراعت کند مثلا نماز پیشین را از یک بجہ

تا سہ بجہ کہ نماز گذاران در آن حاضر شوند صحیح است مگر از یک بجہ تاخیر واز سہ بجہ

تقدیم بہتر است مثلا در این عصر و زمان اگر در موسم باران دو بجہ یا دو نیم بجہ یا کمی بعد

از آن نماز پیشین خواندہ شود بہتر است و نماز دیگر در روز باران از ساعت پنج بجہ تا شش

بجہ خواندہ شود یعنی در میان پنج و شش بجہ بخوانند و اگر نماز صبح را بہ پنج بجہ و پانزدہ

(۳) ووقت الظہر من زوالہ الی بلوغ الظل منلہ و عنہ منلہ و هو قولہما الخ و بہ یفتی (درمختار) قوله إلى بلوغ الظل منلہ هذا ظاهر الروایۃ عن الإمام وهو الصحيح بدائع ومحیط وبتابع وهو المختار حاشیۃ واختاره الإمام المحبوبي الخ وفي رواية عنه أيضا أنه بالمثل يخرج وقت الظہر ولا يدخل وقت العصر إلا بالمثلين ذكرها الزيلعي وغيره الخ (ردالمحتار كتاب الصلاة ج ۱ ص ۳۳۲، ط.س. ج ۱ ص ۳۵۰، مطبعہ

(۱) والمستحب للرجل الابتداء في الفجر بالسفار والجمع به هو المختار بحيث يرثل اربعين اية ثم يعيده بظہارة لو لفسد (الردالمختار على هامش ردالمحتار، كتاب الصلوة ج ۱ ص ۳۳۹، ط.س. ج ۱ ص ۳۶۹، مطبعہ

دقیقه یا پنج و نیم بجہ بخوانند کدام حرج نیست چرا کہ آفتاب نزدیک فرا رسیدن شش بجہ طلوع میکند اگر بہ ساعت پنج و نیم بجہ نماز خواندہ اعادہ نماز ضرور شود. ^(۱) در ہمین نیم ساعت اداء شدہ میتواند غرض اینکہ در نماز صبح خوب تاخیر واسفار بہتر است قال عز و جل (اسفروا بالفجر فإنه اعظم للاجر). ^(۲) کتبہ بندہ عزیز الرحمن عفی عنہ

سوال: (۳۷) اگر نماز در رمضان در وقت اول خواندہ شود بدی ندارد: اگر در رمضان

شریف بعد از پس شب نماز صبح در اول وقت خواندہ شود جائز است و یا نہ؟

جواب: جائز است هیچ کدام حرج در آن نیست. ^(۳) فقط

سوال: (۳۸) برای افطار در نماز شام گنجایش تأخیرات است یا نہ؟ اگر مردم بہ مسجد

طعام بیاورند و پیش از اداء نماز آن را بخورند و در نماز کمی تأخیر بیاید جائز است یا نہ اگر یک شخص بہ این معمول اعتراض کند و بہ مردم بگوید کہ طعام را بعد از نماز بخورید و روزہ را بعد از اذان بہ خرما افطار نمائید و فوراً بہ نماز استاد شوید و این شخص ناراض شود و نماز خود را بہ تنہائی بدون جماعت بخواند در این صورت شرعاً چہ حکم است؟

جواب: بہ سبب افطار کردن روزہ شرعاً یک اندازہ تأخیر جائز است در این عمل کدام حرج

نیست مردم بہ اطمینان روزہ را افطار کنند آب را بنوشند و طعامیکہ بہ پیش شان موجود است آن را بخورند و بعداً نماز خوانند و شخصیکہ از این معمول ناراض شدہ و بدون جماعت بہ تنہائی نماز خواند او خطائی کردہ برای او لازم است کہ در جماعت شریک شود و این تأخیر اندک کہ بہ سبب افطار روزہ معمول است بہ خلاف شرع نداند ^(۴) و این عیناً حکم شریعت است. فقط

(۱) ابن اوقات بہ حساب منقطع دیوبند و ما حول دیوبند است و در مقامات دور و بعید المسافت تفاوت میکند لہذا ضرور است کہ در ہر حال و ہر موسم این فرق و تفاوت مراعت شود.

(۲) مشکوٰۃ شریف، کتاب الصلوٰۃ، طبر

(۳) وقت صلوٰۃ الفجر الخ من اول طلوع فجر الثاني الخ الی قبل طلوع ذکاء (الدر المختار علی هامش رد المحتار، کتاب الصلوٰۃ ج ۱ ص ۳۳۱ - ۳۳۲، ط. س. ج ۱ ص ۵۹۰ رس قنادة عن انس او البی رضی اللہ عنہ وزید بن ثابت لسمرا فلما فرغا من سحورهما قام نسی اللہ صلی اللہ علیہ وسلم الی الصلوٰۃ ففعلی لنا لانی رضی اللہ عنہ کم من بین فراغهما من سحورهما ودخولهما فی الصلوٰۃ قال قدر ما یقرء الرجل حمسین آیۃ، رواہ البہاری (مشکوٰۃ باب تعجیل الصلوٰۃ، فصل ۱ ص ۶۰) محمد طبر الدبر غفر لہ

(۴) اگر در وقت گنجایش شد و بہ سبب یک کار ضروری کمی وتأخیر باید در این عمل قطعاً کدام بدی نیست: و وقت المغرب الی غیوبۃ الشفق (عالمگیری کشوری اوقات الصلوٰۃ ج ۱ ص ۴۹، ط. محدثہ ج ۵ ص ۵۰) عن امی ایوب قال قال رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم لا یزال منی بحیر او قال علی الفطرۃ ما لم یؤخرا المغرب الی ان تشتک النجوم، رواہ ابوداؤد و مشکوٰۃ باب تعجیل الصلوٰۃ فصل ثانی ص ۶۱، از ابن حداث نیز معلوم شد و لقبکہ ستارہ ہای زیاد در آسمان پیدا و نشر نشود در تأخیر هیچ بدی نیست: ولی القیۃ بکرہ تأخیر المغرب عند =

به دوازده دقیقه مساوی شده است.

سوال: (۴۰) مسئله فی الزوال: بعض مردم غیر مقلد میگویند که مسئله فی الزوال هیچ اصل ندارد چرا که در مدینه منوره فی الزوال نبود؟

جواب: گرفتن مثل یا مثلی بدون سایه اصلی یعنی فی الزوال یک مسئله متفق علیه و تحقیق این مسئله در کتابهای فقه موجود است من شاء فلیراجع إليها یعنی کسی که وضاحت این مسئله را خواسته باشد به کتابهای فقه مراجعه کند. ^(۱)

سوال: (۴۱) مقدار وقت شام و قرائت دراز: امام مسجد سورت دواز را که مردم از آن به تنگ میشود خوانده میتواند یا نه؟

جواب: به مذهب امام اعظم صاحب از غروب آفتاب تا غائب شدن شفق ابیض وقت شام باقی میباشد که مقدار آن تقریباً یک ساعت و پانزده دقیقه و یا کمی زیاتر یعنی چند دقیقه زیاتر است ^(۲) و به نزد صاحبین تا غائب شدن شفق احمر وقت شام باقی میباشد که از مقدار ذکر شده دوازده دقیقه کم میباشد ^(۳) و در نماز شام خواندن قصار شام مستحب است و از سوره لم یکن تا آخر قرآن شریف هر سورت قصار مفصل است پس خواند صورت بسیار دراز در نماز شام خوب نیست و خلاف سنت است. ^(۴)

سوال: (۴۲) وقت نماز صبح بعد از صبح صادق: اگر چهار بجه صبح شود پس وقت اصلی جماعت صبح کدام خواهد بود؟

جواب: مثلاً اگر صبح صادق به چهار بجه داخل شود جماعت صبح به پنج بجه و پانزده دقیقه یا از این هم تا وقت بعدی صحیح شده میتواند غرض این است که از طلوع آفتاب ده و یا پانزده دقیقه

(۳) رد المحتار کتاب الصلوة جلد اول ص ۳۴۴، ط.س. ط.س. ج ۱ ص ۳۵۹، ظفر

(۱) و وقت الظهر من زواله الى بلوغ الظل مثله الى سوی فی بكون للاشياء قبل الزوال و يختلف باختلاف الزمان و المكان الى (رد المحتار على هامش رد المحتار کتاب الصلوة ج ۱ ص ۳۴۳، ط.س. ج ۱ ص ۳۵۹)، ظفر

(۲) لم الشفق هو البياض الذي في الاق بعد الحمرة عند ابي حنيفة و عندهما هو الحمرة (هداية، باب المواقيت جلد اول ص ۷۸)، ظفر

(۳) و وقت المغرب منه الى غروب الشفق وهو الحمرة عندهما (رد المحتار على هامش رد المحتار کتاب الصلوة جلد اول ص ۳۴۴، ط.س.

ج ۱ ص ۳۶۱)، ظفر

(۴) و یسن فی الحضر لایام و مفرد و الناس عنه غافلون طوال المفصل من الحجرات الى آخر البروج فی الفجر و الظهر و منها الى اخر لم یکن واسطه فی العصر و العشاء و بالية قصاره فی المغرب ای فی کل رکعة (ایضاً، فصل فی القرائة جلد اول ص ۵۰۳، ط.س. ج ۱ ص ۵۴۹ -

پیشتر از نماز فارغ شوند. ^(۱) فقط

سوال: (۴۳) تاخیر در نماز: امام مسجد این جا در نمازها تأخیر میکند تا اینکه زردی آفتاب ظاهر میشود و در نماز پیشین تا دو چندی سایه تأخیر میکند و نماز دیگر را در آن وقت میکند که به شام یک ساعت مانده باشد و میگوید که در نمازها تأخیر لازم است حال آنکه در قرآن شریف تأکید اول اوقات وارد شده است.

جواب: امام صاحب مسجد شما که در کدام اوقات نماز صبح، پیشین و دیگر را ادا کند موافق مذهب حنفی و موافق کتابهای فقه میباشد در نماز صبح خوب اسفار کردن و در نماز دیگر آن مقدار تأخیر که یک ساعت و یا پانزده دقیقه یک ساعت وقت به شام مانده باشد مستحب است و در موسم گرمی در نماز پیشین سردی کردن و تأخیر مستحب است مگر پیش از دو چندی شدن سایه اشیاء نماز را بخواند. ^(۲) حکم و فضیلت اسفار در نماز صبح و تأخیر در نماز دیگر و سردی کردن در نماز پیشین موسم گرمی در احادیث شریف وارد شده است و وقت اول و آخر هر نماز معروف و مشهور است، مگر اوقات بهتر آن است که مذکور شده. ^(۳)

سوال: (۴۴) وقت نماز شام: آیا بمجرد تاریکی وقت نماز شام داخل میشود یا به زوال سرخی شرقی و در بلاد ما به فاصله شش کوه یک کوه در جانب مغرب بسیار بلند واقع است پس در این چه قسم وقت نماز شام معلوم میگردد؟

جواب: وقت مغرب بغروب آفتاب شروع میشود و به مجرد غروب تاریکی شرقی محسوس میگردد و به همین اعتبار افطار روزه نماز شام از شارع علیه السلام ثابت شده است و شما باید

(۱) وقت صلوٰۃ الفجر الخ من طلوع الفجر الثاني الخ الى قبل طلوع ذكاه الخ والمستحب للرجل الابتداء في الفجر باسفار والعتم به هو المختار بحيث يبرئ اربعين امة لم يعده بظهارة لو لشد (الدرا المختار على هامش رد المحتار كتاب الصلوة ج ۱ ص ۳۳۹، ط. س. ج ۱ ص ۳۵۹، ظفر

(۲) ويستحب في صلوٰۃ الفجر الاسفار بها بان نصلي في وقت ظهور النور واكتشاف الظلمة والغلب الخ لقوله ﷺ اسفروا بالفجر فانه اعظم للاجر رواه الترمذی وقال حديث حسن الخ لم استحب الاسفار عندنا عام في الازمنة كلها الا في صلوٰۃ الفجر يوم البحر بمزدلفة فان المستحب فيها التغلب اجماعاً الخ ويستحب ايضاً عندنا الابراد بالظهر في الصيف لما تقدم من الحديث اذا اشتد الخ فابعدوا بالصلوة الخ وهو عام في جميع البلاد بجميع الناس لاطلاق الحديث ويستحب ايضاً عندنا تاخير العصر في كل الازمنة الا يوم اليم مالم تتغير الشمس الخ كما ورد عنه ﷺ في حديث برودة ﷺ انه ﷺ صلى العصر مرتفعة بيشاء نقيه (غنية المستعصر ص ۲۴۰)، ظفر

(۳) والمستحب للرجل الابتداء في الفجر باسفار والعتم به الخ وتاخير ظهر الصيف مطلقاً الخ وتاخير عصر صيفا وشتاء ترسة للنوافل ما لم يتغير ذكاه الخ وتاخير عشاء الى ثلث الليل الخ (الدرا المختار على هامش رد المحتار كتاب الصلوة جلد اول ص ۳۳۹، ط. س. ج ۱ ص ۳۶۶، ظفر

نقشه طلوع و غروب را کہ مجرب اکثر بلاد است داشته باشید هرگاه موافق ان نقشه غروب معلوم شود و علایم تاریکی شرقی محسوس گردد نماز مغرب را باید اداء کنید و انتظار زوال سرخی را باید نکنید. ^(۱) فقط

سوال: (۴۵) نماز ظهر در مثل دوم: دیده و دانسته اداء کردن نماز ظهر را در مثل دوم چه قسم است؟

جواب: وفي الشامي عن الطحاوي عن الحموي عن الخزائنة: الوقت المكروه في الظهر ان يدخل في الاختلاف ^(۲) پس معلوم شد کہ در نماز ظهر آنقدر تأخیر کردن کہ در حد اختلاف داخل شود یعنی سایه هر چیز به یک مثل برسد مکروه است وفيه قبيله: والاحسن ما في السراج عن شيخ الاسلام أن الاحتياط أن لا يؤخر الظهر إلى المثل الخ. ^(۳) فقط

سوال: (۴۶) فاصله بين اذان وجماعت نماز خفتن: بعد از اذان خفتن چه قدر وقت بعد از جماعت کردن مناسب است؟

جواب: در نماز خفتن تأخیر مستحب است و بعد از اذان کدام حد و اندازه وقت نیست بلکه بعد از اذان کہ به هر اندازه وقت بگذرد و نماز خوانان حاضر شوند نماز جماعت در همان وقت اداء شود یا جماعت را در آن وقت بخوانند کہ باتفاق نماز خوانان به غرض سهولت تعیین شده باشد مثلاً هشت و نیم بجه یا نه ۹ بجه یا چه قدر کم و زیاد جماعت کرده شود. ^(۴)

سوال: (۴۷) (۱) نماز دیگر در روز ابر الود: اگر آفتاب در ابر پوشیده و پنهان باشد کہ اندازه مثلین سایه شده نمیتواند و اختلاف ساعتهاي مساجد هم ظاهر است در این صورت نماز دیگر به کدام اندازه وجه قسم خوانده شود؟

سوال (۴۸) (۲) اندازه فاصله در بين نماز دیگر و شام: فاصله مفتی به و اتفاقی در بين شام و دیگر به کدام اندازه است؟

سوال: (۴۹) (۳) اگر نماز دیگر دو ساعت پیش از نماز شام خوانده شود چه حکم است؟

(۱) واول وقت المغرب اذا غربت الشمس بالاجماع. (غنية المستملی ص ۲۲۶). ظهر

(۲) رد المحتار کتاب الصلوة جلد اول ص ۳۴۰، ط.س. ج ۱ ص ۳۵۹. ظفر

(۳) رد المحتار کتاب الصلوة جلد اول ص ۳۳۳، ط.س. ج ۱ ص ۳۵۹. ظفر

(۴) ویحسن بیہما (ای بین الاذان والاقامة) بقدر ما یحضر الملازمون مراعیاً لوقت البدل الا فی المغرب فیکت قاتماً قدر ثلاث ايات نقصا ویکره الوصل اجتماعاً (الرد المحتار علی هامش رد المحتار باب الاذان جلد اول ص ۳۶۲، ط.س. ج ۱ ص ۳۸۹). ظفر

اگر نماز دیگر دو ساعت پیش از شام خوانده شود آیا اعاده دوباره آن لازم است یا نه؟

جواب: (۱ تا ۳) نظر به اختلاف موسم اوقات نماز هم مختلف میگردد چونکه حالا روزها بسیار کلان است لهذا خواندن نماز دیگر دو ساعت پیش از شام جائز است چرا که در روزهای کلان وقت دیگر از دو ساعت پیش از شام داخل میشود یعنی دو ساعت پیش از شام سایه دو چند میشود و عینا وقت دیگر داخل میگردد و غروب آفتاب به هفت بجہ و بیست و هشت و یا بیست و نه دقیقه میباشند از این عبارت معلوم شد که در موسم گرمی درین دو مثل شدن سایه و در بین مغرب از دو ساعت زیاد است و به همین قسم در ماه می و جون هم در بین دو مثل شدن سایه و در بین مغرب فاصله به دو ساعت نزدیک است، و اختلاف بین ساعتها یا دو یا چهار دقیقه میباشد لهذا در روز ابر احتیاط لازم است مثلاً در نقشه وقت دو چند شدن سایه به پنج و بیست و سه دقیقه میباشد یعنی وقت دیگر داخل میشود لهذا در این باره احتیاط کرده شود که از پنج و نیم بجہ تا پانزده کم شش بجہ نماز دیگر اداء شود. فقط

سوال: (۵۰) نماز خفتن در آخر شب بعد از خواب کردن جائز است یا نه؟ اگر یک

شخص نماز خفتن را بعد از خواب در وقت دو بجہ یا سه بجہ اداء کند این عمل شرعاً چه قسم است؟

جواب: در حدیث شریف آمده که پاک حضرت ﷺ پیش از نماز خفتن خواب کردن را مکروه می گفت و در کتابهای فقه واضح بیان شده که بعد از نیم شب نماز خواندن خفتن مکروه است لهذا این عادت آن شخص خوب نیست بلکه این عادت مکروه و ممنوع است و بهتر این است که نماز خفتن را پیش از خواب اداء کند^(۱).

سوال: (۵۱) تأخیر در جماعت از وقت مقروءه: در مساجد اوقات نمازها تعیین شده و متصل

زنگ ساعت جماعت استاد میشود اگر کدام مقتدی پیش از زنگ ساعت نیت سنت را بسته کرده باشد و در این وقت آواز زنگ شنیده شود در این وقت امام مسجد تا فراغت آن شخص انتظار کند یا نه اگر انتظار کند ممکن است که شخص دیگری هم برای نفل و یا سنت نیت بسته کند

(۱) و يستحب تعجيل المغرب الخ وتأخير العشاء الى ما قبل ثلث الليل الخ وتأخير الى نصف الليل مباح لان دليل الكراهة وهو تقليل الجماعة عارضة دليل المذهب وهو قطع السرور بواحد فثبت الإباحة الى النصف وإلى النصف الآخر مكروه (هنا، باب المواقيت جلد اول ص ۷۹) وتأخيرها الى ما بعده أي بعد نصف الليل الى طلوع العجر مكروه اذا كان بعذر الخ ام اذا كان بعذر فالحصوات تسحب المحظورات (غنية المستملی ص ۲۲۳، رد المحتار ط. س. ج ۱ ص ۳۶۸) ظفر

و به همین طرز این عمل جاری خواهد بود در این باره شرعاً چه حکم است؟

جواب: این مسئله واضح برای تمام مردم معلوم است که اوقات نماز شرعاً وسیع و فراخ است در وقفهای نماز تنگی نیست و قتیکه نماز در وقت مستحب اداء شود بهتر است، و استحباب تأخیر و تعجیل در کتابهای فقه مفصل ذکر شده که در فلان نماز تأخیر مستحب است و در فلان نماز تعجیل اگر بعد از آن برای انتظام و سهولت کدام وقت مقرر و معین میگردد در این صورت شرعاً کدام تنگی و حرج نیست لکن وقت مقرر شده و معین را آنقدر حتمی و لازمی نگردانند که از جهت کدام ضرورت امکان دو یا سه دقیقه تأخیر هم در آن میباشد چرا که این کدام حکم شرعی نیست که گویا در فلانی ساعت و فلانی دقیقه ضرورت جماعت استاد شود این سخن به نظام و مصالح خود بناء شده ^(۱) اگر برای آن شخص که نیت بسته کرده دو یا سه دقیقه انتظار شود در این قسمت ممانعت شرعی وجود ندارد بلکه اولی و بهتر است تا اینکه آن شخص هم واجد فضیلت جماعت شود و مراعات مقتدیان شرعاً ستایش و بهتر بیان شده لکن آن قسم رعایت نیست که در آن برای مردم زیاد حرج باشد غرض این است که در این قسم امور به هر قسم که مصلحت و مقتضای غلام باشد موافق شریعت به آن عمل کنند از روی شریعت هر طرف گنجایش میرسد. ^(۲)

سوال: (۵۱) وقت نماز دیگر و بحث و مثیلین: در این جا امام یک مسجد که خود را حنفی میگوید نماز دیگر را بعد از دو چندی سایه اداء میکند چونکه اکثریت مقتدیان شوافع اند آنها میخواهند که جماعت را به یک چندی سایه اداء کنند لهذا به درخواست مقتدیان توجه امام بطرف قول صاحبین مبذول گردید امام صاحب مسجد درخواست آنها را قبول نمیکند آیا به مذهب امام ابو حنیفه و قول صاحبین وقت دیگر از چه وقت شروع میشود و به نزد احتلاف نماز دیگر به یک چندی سایه صحیح میشود یا نه؟

(۱) بنظر المؤذن الناس و یقیم للضعیف المستعمل ولا ینتظر رئیس المحلة و کبیرها کذا فی معراج الدرایة بنهی أن یؤذن فی أول الوقت و یقیم فی وسطه حتی ینقرغ المؤذن من وضوئه و المصلی من صلاته و المعتصر من قضاء حاجته کذا فی التارخانیة (عالمگیری مصری الباب الثاني فی الاذان فصل لانی ج ۱ ص ۵۳، ط. ماجدیه ج ۱ ص ۵۷). ظفر

(۲) رئیس المحلة لا ینتظر مالک یکن شریراً او الوقت متسع (الدراالمختار علی هامش ردالمحتار باب الاذان ج ۱ ص ۳۷۲، ط. س. ج ۱ ص ۴۰۰) و یجلس بهما بقلر ما یحضر الملازمون مراعاة الوقت الذنب الا فی المغرب فیکتفان ثلاث آیات (ایضا ج ۱ ص ۳۶۲، ط. س. ج ۱ ص ۳۸۹). ظفر

جواب: مذهب صاحبین این است که وقت دیگر به یک چندی سایه شروع میشود و در یک روایت از امام ابو حنیفہ نیز همین قول نقل شده و مذهب ائمہ ثلاثہ دیگر نیز همین است و در الدر المختار گفته است کہ مأخوذ بہ مفتی بہ و معمول بہ همین قول است ^(۱) مگر علامہ شامی در رد المحتار نقل کرده در ظاهر الروایۃ از امام صاحب این است کہ وقت دیگر بہ دو چندی سایه شروع میشود و در بدائع وغیرہ نوشته است کہ همین قول صحیح میباشد. قوله: إلى بلوغ ظل كل شيء مثله الخ هذا ظاهر الرواية عن الامام نهاية وهو الصحيح بدائع ومحیط وینابع وهو المختار غیائیہ و اختاره الامام المحبوبي وعول عليه النسفي وصدر الشريعة الخ ^(۲) عرض این است کہ بدون شک احتیاط زیاد در قول و مذهب امام صاحب است و اگر نماز دیگر بہ یک چندی سایه خواندہ شود خوف آن است کہ نماز پیش از دخولی وقت اداء شدہ باشد مگر وقتیکہ سایہ دو چندی برسد باتفاق تمام امامان نماز در آن صحیح است و بہ مذهب شوافع نیز در این وقت کدام کراہیت نیست لہذا برای شوافع مناسب نیست کہ امام حنفی را بہ نماز خواندن در یک مثلی سایہ مجبور کنند چرا کہ بہ نزد شوافع ہم تا دو چند شدن سایہ تاخیر نماز کراہیت نمیآید و بہ اتفاق نماز در آن صحیح است و آنها از این جهت بہ یک مثلی تأکید واز دو مثلی مخالفت میکنند کہ البتہ بہ قول ظاهر الروایۃ امام اعظم نماز صحیح نمیشود: قال فی الشامی والاحسن ما فی السراج عن شیخ الاسلام ان الاحتیاط ان لا یؤخر الظهر الى المثل وان لا یصلی العصر حتی یبلغ المثلین لیكون مؤدیا للصلاتین فی وقتہما بالاجماع الخ شامی جلد اول ص ۴۴۰. فقط

سوال: (۵۳) ابتداء وقت شام: وقت شام از غروب آفتاب شروع میشود یا چہ وقت در این بارہ قول مفصل کدام است؟

جواب: وقت اول شام بعد از غروب آفتاب شروع میشود بہ اتفاق علماء کما نقل فی السؤال من الدلائل وهذا لاخفاء فيه ولا خلاف. ^(۳) فقط

سوال: (۵۴) اگر در مقتدیان احناف باشند وہم شوافع در اوقات نماز کدام مذهب مراعات

(۱) ووقت الظهر من زواله الخ إلى بلوغ الظل مثله وعنه مثله وهو قولهما وزفر والأئمة الثلاثة قال الإمام الطحاوي وبه تأخذ وفي حرر الأذکار وهو المأخوذ به وفي البرهان وهو الأطهر لبان جبريل وهو نص في الباب وفي القیض وعليه عمل الناس اليوم وبه يفتي (الدر المختار على هامش رد المحتار كتاب الصلاة ج ۱ ص ۳۳۲ - ۳۳۳، ط.س. ج ۱ ص ۳۵۹). ظفر

(۲) رد المحتار كتاب الصلوة جلد اول ص ۳۳۳، ط.س. ج ۱ ص ۳۵۹. ظفر

(۳) ووقت المغرب منه أي بعد الغروب إلى غروب الشفق (الدر المختار على هامش رد المحتار كتاب الصلوة ج ۱ ص ۳۳۴، ط.س. ج ۱ ص ۳۶۱) ط

شود؟ فی بلدہ کثیر الاحناف ودونہم الشوافع وامام اہل المذہبین حنفی ففی ہذہ الصورۃ ہل یعین وقت الظہر وانتہائہ وشروع وقت العصر علی مذهب الحنفی او علی مذهب الشافعی وکیف الفترۃ؟

الجواب: وفی المسئلۃ الثانیۃ ینبغی ان یراعی الامام فی اوقات الصلوٰۃ مذهب الامام الاعظم رحمۃ اللہ علیہ فان الاحتیاط فی صلوٰۃ الظہر والعصر فی مذهبہ رحمۃ اللہ علیہ کما فی رد المحتار: والاحسن ما فی السراج عن شیخ الاسلام ان الاحتیاط ان لا یؤخر الظہر الی المثل وان لا یصلی العصر حتی یبلغ المثلین لیکون مؤدیا للصلاحتین فی وقتہما بالاجماع الخ. ^(۱) فقط

سوال: (۵۵) وقت نماز شام وخفتن: کدام وقت شام میشود ووقت خفتن از چه وقت شروع میشود یک صاحب میگردد کہ وقت خفتن ۹ بجہ میشود ویک صاحب میگردد کہ وقت خفتن ۸ بجہ میشود آیا سوال بہ موسم گرمی جون وجولای متعلق است یا نہ؟

جواب: مذهب امام ابو حنیفہ رحمۃ اللہ علیہ این است کہ بعد از غائب شدن سفیدی وقت خفتن شروع میشود وسفیدی بعد از سرخی میباشد غائب شدن سفیدی در زمان موجودہ بہ ۹ بجہ نزدیک است لہذا وقتیکہ نماز شام ۸ بجہ ووقت خفتن بہ ۹ بجہ نزدیک میباشد چرا کہ در این زمان فاصلہ بین شام وخفتن تقریباً یک ونیم ساعت است پس قول ان شخص کہ وقت خفتن را بہ ۹ بجہ میداند صحیح است در این زمان وقت خفتن بہ مذهب صحیح امام ابو حنیفہ بہ ۸ بجہ ونیم بجہ داخل نمیشود البتہ صاحبین کہ شفق را سرخی میدانند موافق مذهب ایشان ۸ بجہ ونیم بجہ وقت خفتن داخل میشود مگر بہ ۸ بجہ ونیم بجہ نفر بہ اصل مذهب امام ابو حنیفہ وقت خفتن داخل نمیشود اگر چه بہ قول صاحبین کہ از امام صاحب ہم روایت شدہ مگر قول صحیح آن است کہ شفق بہ نزد امام صاحب سفیدی است کہ بعد از سرخی ظاہر میشود مطابق آن وقت خفتن در آن وقت داخل میشود کہ سفیدی غائب گردد واین وقت بہ ۹ بجہ نزدیک میباشد یعنی چہار دقیقہ بہ ۹ بجہ باقی میباشد این سخن صحیح است کہ در بین شام وخفتن کدام وقت دیگری نیست مگر ہر وقت کہ وقت شام تا غائب شدن سفیدی است ووقت خفتن بعد از سفیدی داخل شود بعداً از آن هیچ اشکال باقی نمی ماند. ^(۲)

(۱) رد المحتار کتاب الصلوٰۃ ج ۱ ص ۳۳۳، ط.س. ج ۱ ص ۳۵۹، ظہیر

(۲) در الدر المختار آمدہ: ووقت المغرب منہ (ای العروب) الی غروب الشفق وهو الحمرة عندہما وبہ قالت الثلاثة ووقت العشاء والوتر =

سوال: (۵۶) وقت نماز پیشین عندالاحناف کدام است: وقت پیشین که بدون سایه اصلی به

دو چندی سایه است این موضوع را باحادیث صحیحہ تحریر فرمائید؟

جواب: علامہ شامی گفته: ان الأدلة تكافأت ولم يظهر ضعف دليل الامام، بل أدلته قوية أيضا كما يعلم من مراجعة المطولات وشرح المنية. ^(۱) اقول: وقد استدلل شارح المنية لقول الامام بحديثين صحيحين حيث قال وله حديث ابى هريرة رضي الله عنه انه ﷺ اذا اشتد الحر فابردوا بالصلوة فان شدة الحر من فيح جهنم، رواه الستة. وعن ابى ذر رضي الله عنه قال كنا مع النبي ﷺ في سفر فاراد المؤذن فقال له ابرد ثم اراد ان يؤذن فقال له ابرد حتى ساوى الظل التلول فقال النبي ﷺ ان شدة الحر من فيح جهنم رواه البخارى، ^(۲) ثم بين وجه الاستدلال بالحديثين ^(۳) فراجعہ. فقط

سوال: (۵۷) وقت دیگر: در این جا بعض مردم نماز را به یک مثلی سایه میکنند و میگویند که وقت اول همین است و حصه دوم آن مردم اند که در جماعت شریک نمیشوند می نشینند و بسیار وقت بعد جماعت میخوانند در این صورت سخن صحیح کدام است؟

جواب: احتیاط در این است که نماز دیگر پیش از دو چند شدن سایه خوانده شود و همین مذهب امام ابو حنیفه است و از احادیث ثابت شده مثلیکه در شرح منیه احادیث صحیحہ را راجع به مذهب امام صاحب برای دلیل نقل کرده در شامی ذکر شده: فيه ان الأدلة تكافأت ولم يظهر ضعف دليل الامام بدلالته قوية أيضا كما يعلم من مراجعة المطولات وشرح المنية الخ ^(۴) پس بنده نیز آن عمل میکند مثل کسانی که به یک مثلی سایه نماز دیگر را نمیخوانند بلکه به دو مثلی سایه

= منه الى الصبح (رد المحتار على هامش رد المحتار ج ۱ ص ۳۴۳، ط.س. ج ۱ ص ۳۶۱) و رد المحتار آمده: قال في الاختصار الشفق البياض وهو مذهب الصليقي ومعاذ بن جبل وعائشة رضي الله عنهن مخ ته ليكي: قال: للامامة فاسم فثبت ان قول الامام هو الاصح (ج ۱ ص ۳۷۶، ط.س. ج ۱ ص ۳۶۱) واول وقت صلوة المغرب اذا غربت الشمس بالاجماع ايضا وآخر وقتها مالم يغب الشفق اى الجزء الكائن قبل غيوبها الشفق من الزمان وهو اى المراد بالشفق هو البياض الذى فى الاقل الكائن بعد الحمرة التى تكون فى الاقل عند ابي حنيفة - وقالوا اى ابويوسف - ومحمد - وهو قول الامامة الثلاثة رواية اسد بن عمر وعن ابي حنيفة ايضا المراد بالشفق هو الحمرة نفسها لا البياض الذى بعدهم الخ ولا وقت مهمل بينهما فبمخرج وقت المغرب يدخل وقت الغشاء اتفاقا (غنية المستعلى ص ۲۲۶ - ۲۲۷). ظهير

(۱) رد المحتار كتاب الصلوة ج ۱ ص ۳۴۳، ط.س. ج ۱ ص ۳۵۹. ظهير

(۲) غنية المستعلى ص ۲۲۶. ظهير

(۳) شارح منیه نوشته است: وجه الاستدلال بالحديث الاول ان شدة الحر فى ديارهم اذا كان ظل الفسي وبالثاني بانه صرح بان الظل لد ساء التلول ولا قدر يذكر لفسى الزوال ذلك الزمان فى ديارهم فثبت انه ﷺ صلى الظهر حين صار ظل الشيء مثله (غنية المستعلى ص ۲۲۶)

رد المحتار ط.س. ج ۱ ص ۳۵۹. ظهير

(۴) رد المحتار كتاب الصلوة ج ۱ ص ۳۴۳، ط.س. ج ۱ ص ۳۵۹. ظهير

انتظار میکنند چرا که در عبادات احتیاط لازم است اگر در یک مثلی سایه نماز دیگر خوانده شود احتمال دارد که نماز را پیش از دخول وقت خوانده باشد و اگر در دو مثلی سایه نماز دیگر خوانده شود بدون شک و احتمال شب در وقت اصلی خود نماز خوانده میشود پس معلوم است که یک عمل اشتباهی به خلاف احتیاط است خصوصا در امور عبادات و بتأخیر نماز عصر احادیث متعدد وارد شده اگر نماز در یک مثلی سایه خوانده شود آن فضائل که در احادیث بیان شده نیز ترک میشود لذا کسانی که در یک مثلی جماعت فهماندن آنها مناسب است که آنها نیز نماز دیگر را در دو مثلی بخوانند برای اینکه در این وقت همه شان شریک شوند^(۱). فقط

سوال: (۵۸) تحقیق وقت پیشین: جواب جناب در لفافه ما به رسید مگر از جهت عدم کفایت جواب شک به جای خود باقی مانده بنده سوال کرده بود که حدیث ابو هریره مرویه موطاء امام: صل الظهر إذا كان ظلك مثلك بصراحة النص مثبت إلى المثليين وقت ظهر است یا نه شما به حواله ابضاح الادلة ما را موقوف و محول کردید لهذا ابضاح الادلة را مطالعه کردم پس مفهوم نص دلالة حدیث مذکور یعنی دلالة النص بقاء وقت ظهر بعد از یک مثلی سایه نشان داده شده به این عبارت ص ۳۳۳: صل الظهر إذا كان ظلك مثلك که از این عبارت به شرط انصاف این مطلب مفهوم میشود که بعد از یک مثلی سایه نیز وقت ظهر باقی میباشد انتهى ص ۱۳۴. مگر تحدید وقت ظهر به مثلی از حدیث مذکور مراد نیست، ص ۱۳۸، وقت نماز پیشین اگر چه بطور یقینی تا یک مثلی سایه است مگر به اثر ضرورت یا کدام غفلت اگر برای کسی در این وقت یقینی اداء نماز باتفاق نه افتد برای او لازم است که در مابین مثلین نماز را اداء کند اگر چه مثلین وقت احتمالی است مگر باز هم از اوقات دیگری عمده است، ص ۱۴۶، مطلب این نیست که وقت مذکوره بالیقین وقت ظهر است مثلیکه بقاء وقت ظهر یک مثلی یقینی نمیگوئیم که این مذهب صحیح نیست ما به صحت این قول اقرار میکنیم، ص ۱۴۷، و آن را روایت ابو هریره و ابو ذر رضی اللہ عنہما و غیره میدانم از احادیث معلوم میشود که در وقت ظهر زیادت شده است و به همین قسم مولانا مدظله در تقریر درس ترمذی در منقولہ مولوی اصغر حسین میفرماید که از این احادیث سخن روشن و میدانی بدست نمیاید بدون حدیث جبرئیل که او سخن را میدانی کرده

(۱) قال المشايخ ينبغي ان لا يهمل العصر حتى يبلغ المثليين ولا يؤخر الظهر الى ان يبلغ المثل ليخرج من الخلاف ليهما الخ (غنية

لہذا سخن عمدہ این است کہ وقت ظہر تا یک مثلی است و بہ ہمین قسم مولانا تہانوی در (الاقتصار) میفرماید ص ۷۱: کہ از حدیث ابو ذر ثابت میشود کہ وقت ظہر بعد از یک مثلی ہم باقی میباشد و حضرت گنگوہی قدس سرہ سہ در مکاتیب رشیدیہ ص ۲۲ بنام مولوی صدیق احمد صاحب تحریر نمودہ کہ مثل بہ نزد بندہ بسیار قوی است از روایت حدیث ثبوت مثل میشود ثبوت مثلین در حدیث نیست، در فتاویٰ رشیدیہ جلد دوم ص ۱۴: الجواب: این عبارت از بستان المحدثین و تفسیر مظہری از مثلین بطور قطعی و صریح نفی میشود. لہذا مذهب مثلین مرجوح است و مذهب یک مثلی قوی و معمول بہ اکثر فقہاء است و بہ ہمین قسم قطب الدین خان صاحب مرحوم در تنویر الحق در زیر حدیث ابو ہریرۃ رضی اللہ عنہ میفرماید: کہ از این حدیث ثابت شد کہ وقت ظہر تا دو مثلی دلالت میکند و مولوی ارشاد حسین صاحب رامپوری در (انتصار الحق) میفرماید و ہم این کلام حضرت ثناء اللہ بانی پتی را ذکر میکند و: و آخر وقت الظہر فلم يوجد في حدیث صحیح ولا ضعیف أنه لا یبقی بعد ظل کل شیء مثله ولہذا خالف أبا حنیفۃ فی هذه المسئلة صاحیاء ووافقا الجمهور، اگر معنای ان این باشد کہ در یک حدیث ہم بطور صراحت این لفظ نیست کہ بعد از یک مثلی وقت ظہر باقی میباشد مسلم است و برای ما مضر نیست چرا کہ عدم ذکر صراحت نہ برای ثبوت ضرور است و نہ مدعاء ما آن است و مولانا عبد الحی صاحبی مرحوم در تعلیق الممجد علی موطاء امام محمد میفرماید: والانصاف فی هذا المقام أن احادیث المدلل صریحة وأخبار المثلین لیست بصریحة انتہی، حاصل این است کہ از کلام حضرات اکابر ثابت میشود کہ حدیث مذکور و هیچ یک حدیث در بارہ مثلین وقت ظہر بصراحت النص موجود نیست اگرچہ از طرق ثلاثۃ یعنی اشارة النص، دلالة النص، واقتضاء النص حضرات فقہاء استشہاد و استنباط کردہ اند و این توجیہ در کلام حضرت مولانا گنگوہی رحمۃ اللہ علیہ از مکاتیب رشیدیہ ص ۲۴ منقول شدہ کہ ثبوت دو مثل از حدیث ثابت نیست.

و از فتاویٰ رشیدیہ جلد سوم ص ۹۴ بطور قطعی و صریحی نفی مثلین شدہ لہذا قول زید کہ حدیث مذکورہ در بارہ توقیت ظہر إلی المثلین بصراحت النص است بہ نزد شما و بہ نزد مولانا محمود الحسن صاحب مدظلہ العالی صحیح است و یا نہ؟

جواب: در فتاویٰ رشیدیہ جلد سوم ص ۶۴ در جوابات سؤالات عشرۃ این تحقیق شدہ است کہ مسئلہ (۹) را بخاری روایت کردہ: عَنْ أَبِي ذَرٍّ قَالَ كُنَّا مَعَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي سَفَرٍ فَأَرَادَ

الْمُؤَدَّنُ أَنْ يُؤَدَّنَ فَقَالَ لَهُ أَبْرِدْ ثُمَّ أَرَادَ أَنْ يُؤَدَّنَ فَقَالَ لَهُ أَبْرِدْ حَتَّى سَاوَى الظِّلَّ التَّلَوَّى، اگر دل کسی میخواید مشاهده کند که آنها بعد از یک مثلی نماز خوانده اند یعنی بعد از یک مثلی وقت ظهر باقی بود لهذا آنها نماز خوانده اند بعد از این روایت صحیح طعن کردن جهالت است از این تقریر مولانا گنگوہی رحمۃ اللہ علیہ صفا ظاہر میگردد که بعد از یک مثلی سایه وقت ظهر باقی میباشد و بعداً از احادیث دیگری ثابت میگردد که تا دخول وقت نماز دیگر وقت ظهر باقی میباشد و در بین وقت ظهر و دیگر حد فاصل و وقت مهممل نیست لهذا باقی ماندن وقت ظهر تا دو مثلی سایه ثابت شد و بعداً از اینکه از حدیث بخاری باقی ماندن وقت ظهر تا دو مثلی ثابت شده به این معنی که بعد از یک مثلی هم وقت ظهر دوام دارد بعد از این قسم سوال کردن که این ثبوت صراحة یا دلالة یا اشاره است بی فائده میباشد چرا که هر کدام آنها وجوب را افاده میکند کدام حکم که باشاره و یا دلالت نص ثابت شود در حکم آن است که بصراحت ثابت شده باشد و افاده وجوب را میکند شما نظر کنید که زدن و دشنام کردن والدین را که در آیه مبارکه: و لا تقل لهما أف، به دلالت نص ثابت شد مگر حکم حرمتش به مثل حرمت (اف) است یعنی هر قسم تکلیف آوردن به مادر و پدر آن قسم حرام است مثلیکه گفتن اف در مقابل آنها حرام است اگر چه ضرب و شتم و غیره در آیه مبارکه ذکر هم نشده مگر حرمت آن از اف هم سخت و اشد است پس این قسم تحقیق کردن که این ثبوت باشاره است یا به دلالت بی فائده میباشد الخ و تمام اقوال، عبارات و روایات این مسئله پیش نظر شما است به جستجوی و پالیدن مکرر آن چه حاجت است همین قدر بدانید که این مسئله ثابت است کفایت میکند مگر کوبیدن دیگران به آن جهالت است کما قال المحقق الگنگوہی قدس سرہ العزیز، فقط واللہ تعالی اعلم.

سوال: (۵۹) ثبوت پنج وقت نماز از قرآن کریم: نماز پنج وقتہ در کدام آیه قرآن کریم ذکر شده است؟

جواب: قال الله تعالى: وَأَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفَيِ النَّهَارِ وَزُلْفًا مِنَ اللَّيْلِ إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبُنَ السَّيِّئَاتِ ذَلِكَ يُكَذِّرُ لِلَّذَاكِرِينَ، فی الجلالین^(۱) طرفی النهار الغداة والعشي: أي الصبح والظهر والعصر وَزُلْفًا

جمع زلفه. ای طائفة من اللیل ای المغرب والعشاء. وقال تعالى: فَسُبْحَانَ اللَّهِ حِينَ تُمْسُونَ وَحِينَ تُصْبِحُونَ وَلَهُ الْحَمْدُ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَعَشِيًّا وَحِينَ تُظْهِرُونَ، قال فی الجلالین: حِينَ تُمْسُونَ وفيه صلاتان: المغرب والعشاء وَحِينَ تُصْبِحُونَ وفيه صلاة الصبح وَعَشِيًّا وفيه صلاة العصر وَحِينَ تُظْهِرُونَ وفيه صلاة الظهر. ^(۱) وفي الحديث عن عبادۃ بن الصامت رضی اللہ عنہ قال قال رسول الله ﷺ خمس صلوة الفرضهن الله تعالى من احسن وضوئهن وصلاهن لوقتہن واتم ركوعهن وخشوعهن كان له على الله عهد ان يغفر له الحديث رواه احمد وابوداؤد وغيرهما ^(۲) وعن ابی امامة رضی اللہ عنہ قال رسول الله ﷺ صلوا خمسکم وصوموا شهرکم وادوا زکوة اموالکم واطيعوا اُملائکم تدخلوا جنة ربکم رواه احمد والترمذی. ^(۳)

از این آیات واحادیث فرضیت پنج نماز واضح است وبه همین قسم آیات واحادیث دیگری به فرضیت پنج نماز نصوص یقینی مییابد ورکعتهای هر نماز نیز معروف ومشهور وقطعی است وانکار از آن کفر است. فقط

سوال: (۶۰) حکیم بلغاریا: در فتاوی محمدی مع شرح دیوبندی تصنیف مولانا اصغر حسین صاحب نوشته است که بلغاریا یک شهر است نوشته شده در مختار وشامی که کتابهای معتبر فقه است این مسئله در آن نوشته شده معلوم نیست که آن شخص چرا انکار میکند اگر انکار میکند که در بلغاریا این قسم نمیشود پس واضح باشد که بلغاریا ومربوطات آن یک منطقه بسیار فراخ است شاید در آن مناطق یک حصه ومنطقه باشد که این حالت در آن پیش میاید فقهاء کرام نیز بنابر تجربه ومشاهده این حالت را نوشته کرده که انکار کردن از آن جهالت ونادانی است باقی میماند این سخن که در کدام جا که وقت خفتن نباشد در آن جا نماز خفتن لازم است یا نه مذهب بعضی فقهاء این است که نماز خفتن در آن جا فرض نیست چرا که در آنجا وقت خفتن نیست مثلیکه مولوی اصغر حسین صاحب در فتاوی محمدی نیز همین قسم نوشته است مگر فقهاء محققین مثل ابن الهمام وغیره میگویند که نماز خفتن در آن جا فرض است اگر چه وقت خفتن هم در آن جا نباشد دلیل شان این است که خداوند پاک ﷻ بر تمام بندگان خود پنج نماز را

(۱) جلالین ص ۳۹۲. ظہیر

(۲) و(۳) مشکوٰۃ، کتاب الصلوة ص ۵۸. ظہیر

فرض کرده است پس این پنج نماز بر هر مسلمان هر جا که باشد فرض است مثلیکه در حدیث دجال وارد شده که در وقت ظهور دجال یک روز باندازه یک سال دراز خواهد بود اصحاب کرام علیهم السلام عرض نمودند که در این وقت خواندن نمازها بکدام حال خواهد بود رسول پاک صلی الله علیه و آله فرمود که در این وقت نماز باندازه وقت خوانده میشود یعنی در وقت مقدر شده باندازه یک شب و روز پنج نماز خوانده شود که در بیست و چهار ساعت باید پنج نماز خوانده شود. ^(۱)

سوال: (۶۱) (۱) وقت نماز و مقدار قرات در آن: یک شخص نماز صبح را در آن وقت میخواند که از صبح صادق تا طلوع آفتاب نیم وقت گذشته و نیم وقت مانده باشد و در نماز چهل آیات و یا زیاتر از آن میخواند و شخص دیگر سنت صبح را میخواند و می نشیند و در جماعت شریک نمیشود و قتیکه جماعت ختم شود بعد از آن جماعت جدا میکند آیا در این دو نوع عمل کدام شان موافق مذهب امام اعظم است؟

سوال: (۶۲) (۲) در اقتداء شافعی نماز صبح را در اول وقت بخواند یا نه؟ اگر مردم شافعی مذهب بعد از اذان صبح در وقت اول صبح به جماعت استاد شوند آیا اشتراک احناف در این جماعت لازم است یا نه؟

سوال: (۶۳) (۳) شخصی که به تقاضای خواهش نفسانی خود در وقت آخر جماعت دوم میکند آیا همان شخص در حکم آیتهای ذیل میاید یا نه: ومن یعص الله ورسوله، ومن لم یحکم بما أنزل الله، الآية.

سوال: (۶۴) (۴) آیا این سخن صحیح است که در هر موسم به شروع حصه هفتم شب صبح صادق میشود.

جواب: (۱) در مذهب امام اعظم صاحب نماز صبح در روشنی مستحب است و در حدیث شریف نیز این استحباب تأکید و تحکیم شده: اسفروا بالفجر فإنه اعظم للاجر ^(۲) موافق این حدیث شریف از طلوع آفتاب نیم ساعت پیش شروع کردن جماعت سحر کافی است دوم و قتیکه با این عمل

(۱) وفاد و فیهما کلمات فان فیها یطلع الفجر قبل غروب الشفق فی أوجبتیه الشتاء مکلف بهما لیقدر لهما ولا یبزی القضاء لفقده وقت الأداء به آتئی البرهان الکبیر واعتباره الکمال وبقیه ابن الشحنة فی المأازیه فصحه فزع المصنف أنه المذهب و قبل لایکلف بهما لعدم سببهما و به جزم فی الکفر والدرر والمطی و به آتئی المالکی ووافقه الحلواني والمرغباني الخ والدرالمختار علی هامش ردالمحتار مطلب فی فاد وقت العشاء کاهل بلغار ج ۱ ص ۳۳۶، ط.س. ج ۱ ص ۳۶۲ وانظر تحفیل المسائل فی ردالمحتار. ط

(۲) مشکوٰۃ، باب تعجیل الصلوة ص ۶۱. ظفر

در بین نماز خوانان تفرق وجدائی پیدا میشود و قتیکه مسلمانان در جماعت اول شریک نمیشوند و در بر پا کردن جماعت دوم مرتکب کراهیت میشوند چرا این قسم عمل میکنند که خلاف مذهب هم باشد و به سبب آن در بین مسلمانان تفرق وجدائی ایجاد میگردد و مقتدیان کدام جماعت که احناف نباشند ضرور است که برای آن امام شافعی مذهب و یا امام غیر مقلد مقرر شود شخصی که عملی او خلاف مذهب حنفی است.

جماعت دوم به نزد احناف خواه نخواه مکرره است، مگر قتیکه اهل محله و نماز گذاران احناف باشند در این صورت بخلاف ایشان برای شافعی و شخص غیر مقلد عجله پسندی مناسب نیست و این آیتها که سائل آن را در سوال سوم درج کرده در باره کفار و معاندین اسلام است اگر مسلمانان مصداق این آیات قرار داده شود این هم در ذات خود یک گمراهی است در هر موسم در حصه هفتم شب صبح صادق شروع نمیشود و این مقرر غلط است در شبهای زمستان که شب تقریباً چهارده ساعت میباشد در این وقت از صبح صادق تا طلوع آفتاب یک ساعت و بیست و دو دقیقه وقت میباشد اگر حصه هفتم شب همیشه صبح صادق شود در این صورت لازم است که از صبح صیادق تا طلوع آفتاب دو ساعت وقت باشد در حالیکه چنین نیست اهل تجربه و مشاهده عامه و قواعد حسابیه مخالف این قول است و نسبت دادن این سخن به مذهب حنفی نیز غلط است که گویا نماز جماعت در وقت اندر میانه بین صبح صادق و طلوع آفتاب اداء گردد این سخن نه در مذهب امام صاحب است و نه به نزد محققین احناف قابل اعتبار است در الدر المختار ذکر شده: *والمستحب للرجل الابتداء في الفجر بالإسفار والختم به هو المختار بحيث يرتل أربعين آية ثم يعيده ببطارة لو فسد وقيل يؤخر جدا لأن الفساد موهوم، قوله: قيل يؤخر جدا الخ قال في البحر وهو ظاهر إطلاق الكتاب ای الكنز لکن لا يؤخرها بحيث يقع الشك في طلوع الشمس الخ.* (۱) فقط

سوال: (۶۵) وقت نماز خفتن بدل از غروب آفتاب بعد از چه مقدار داخل میشود؟ وقت نماز خفتن بعد از غروب آفتاب بعد از چند ساعت داخل میشود و در کدام کتاب فقه و فنی تخمینی خفتن موافق مذهب احناف نوشته شد؟ بعض مردم میگویند که بعد از یک و نیم ساعت وقت خفتن داخل میشود و بعض مردم از این مقدار انکار میکنند.

(۱) مطالعه کنید: رد المحتار کتاب الصلوة ج ۱ ص ۳۳۹، ط. س. ج ۱ ص ۳۶۶ بعد مطلب طلوع الشمس من مغربها. ظفر

جواب: در کتابهای فقه این قدر نوشته شده که به غائب شدن شفق ایضاً به نزد امام صاحب وقت خفتن داخل میشود^(۱)، حساب دقیقه وساعت در کتابهای فقه نیست، این سخن به مشاهده تعلق دارد که آیا بعد از غروب آفتاب چند ساعت پس سفیدی شفق غائب میشود و حالا مقدار این وقت موافق نوشته اهل تجربه ماهای دسمبر، جنوری و فروری تقریباً یک ونیم ساعت است و در تابستان بعضی اوقات دو سه یا چهار دقیقه زیاد میشود و در بعضی موسم کم میشود.

سوال: (۶۶) وقت سحر و دیگر کدام است و عمل حضرت گنگوهی چه بود؟ اوقات نماز گنگوهی صاحب یعنی پیش از طلوع آفتاب در کدام وقت سحر و نماز دیگر را چه مقدار وقت پیش از غروب آفتاب اداء میکرد این اوقات را به حساب ساعت و دقیقه به ما تحریر فرمائید اگر به انتظار جماعت نماز صبح نیم ساعت پیش از طلوع آفتاب خوانده شود بهتر است یا اینکه در اول وقت آن را بخواند و بعداً در جماعت شریک شود در مشارق الانوار یک حدیث شریف ذکر شده که یک زمان خواهد آمد که مردم در نا وقتی نماز میخوانند در آن وقت شما نمازهای خود را اداء کند و بعداً در جماعت هم شریک شوید آیا حالا همان زمانه است یا نه و این حدیث قابل عمل است؟

جواب: برای اوقات نماز مقرر کردن ساعت و دقیقه نیست در نماز سحر و دیگر به نزد احتیاف تأخیر بهتر است در نماز دیگر آنقدر تأخیر کرده شود که در حد کراهیه داخل نشود یعنی وقت مکروهه داخل نشود مثلاً یک ساعت یا پانزده یک ساعت باید به غروب آفتاب مانده باشد و نماز دیگر اداء شود بهتر است^(۲)، و در نماز سحر اسفار مستحب است و در حدیث نیز همین قسم آمده است بناءً اگر نماز صبح را نیم ساعت و یا پانزده یک ساعت پیش از طلوع آفتاب بخواند این عمل بسیار خوب و وقت ثواب است خصوصاً در آن صورت که منتظر جماعت باشد تا اینکه نیم ساعت به طلوع آفتاب مانده باشد جماعت اداء شود این عمل بسیار خوب است^(۳)،

(۱) واول وقت المشاء اذا غاب الشفق وأخر وقتها ما لم يطلع الفجر الثاني (هدایه باب المواعیت) لم الشفق هو البهاس الذی =

= فی الاصل بعد الحمرة عند ابی حنیفة (ایضاً، ط.س. ج ۱ ص ۳۹۱). ظهیر

(۲) ولاحیر عصر صفاء وشاء توسعة للنوافل مالم یتفر ذکاء بان لا تحار العین فیها فی الاصح (در المختار علی هامش رد المحتار ج ۱ ص ۳۹۱، ط.س. ج ۱ ص ۳۹۷). ظهیر

(۳) والمستحب للرجل الابتداء فی الفجر باسفار والعتیم به هو المختار بحیث یرتل اربعین آیه ثم یعبده بطهارة لو فسد (در مختار) قوله فی الفجر ای صلاة الفرض، باسفار ای فی وقت ظهور النور وانکشاف الظلمة الخ لقوله (اسفروا بالفجر لانه اعظم للاجر رواه الترمذی وحسنه (رد المحتار ج ۱ ص ۳۳۹، ط.س. ج ۱ ص ۳۵۵). ظهیر

حضرت مولانا رشید احمد صاحب گنگوہی نیز همین قسم می‌کرد و کدام حدیث را که شما از مشارق الانوار نوشته کرده اید مطلب این حدیث چنین نیست که تأخیر نماز صبح باسفار وتأخیر نماز دیگر تا وقت مستحب ممنوع است بلکه مطلب حدیث شریف این است که کدام وقت مردم آنقدر تأخیر کنند که وقت مکروهه داخل شود از این صورت، حکم این است که شما تنها نماز بخوانید این حکم برای آن نیست که نیم ساعت پیش نماز خوانده شود بلکه این عمل موافق حدیث است.

سوال: (۶۷) نماز صبح در تاریکی بهتر است یا در روشنی: یک نفر نماز صبح را در تاریکی به مردم جماعت داد یک مولوی صاحب گفت که همان صبح در روشنی بهتر است و جماعت دهنده برای دلیل این آیت را بیان کرد: فسیحه وادبار النجوم، مطلب و مراد این آیه کریمه چیست؟

جواب: در حدیث شریف آمده که: اسفروا بالفجر فإنه اعظم فی اللاجر، الحدیث ^(۱)، یعنی نماز صبح را در روشنی بخوانید از جهت اینکه در آن بسیار ثواب است و مذهب امام ابو حنیفه نیز همین است که خواندن نماز در روشنی بهتر است و به قول بعض مفسرین از آیه مبارکه: فسیحه وادبار النجوم، دو رکعت سنت صبح مراد است و ضحاک می‌گوید که مراد از آیه مذکور نماز فرض صبح مراد است، معالم التزیل.

سوال: (۶۸) وقت ظهر در تابستان کدام است: در این عصر در موسم تابستان وقت نماز ظهر به چند بجه مناسب است؟

جواب: در زمستان و تابستان و یا هر موسم وقت ظهر بعد از زوال آفتاب شروع میشود و تا دو مثل شدن سایه باقی می‌باشد و زوال آفتاب تقریباً دوازده و نیم بجه میشود، در این صورت وقت نماز ظهر از دوازده و نیم بجه شروع و تا بعد از سه بجه باقی می‌باشد و در "جیت هار" از این هم تا ناوقت ظهر خواهد بود حاصل این است که باید در نماز ظهر وقت مستحب یعنی تأخیر مراعت شود اگر چه نماز همیشه بعد از دوازده و نیم بجه نیز جائز است در این عصر از دو بجه تا سه بجه وقت خوب و مناسب نماز ظهر است، اگر دو نیم بجه یا پاو کم سه بجه و یا تا سه بجه موافق وقت ریلوی نماز ظهر کرده شود بسیار وقت خوب و مناسب است در این کدام حرج نیست و پاو

(۱) رواه الترمذی عن رافع بن عدیج (مشکوٰۃ باب تعجیل الصلوة). طفر

بالا دو بجہ ودو نیم بجہ نیز وقت خوب است غرض این است کہ ازدو بجہ تا سه بجہ همه خوب وقت است کدام وقت کہ میخواہید نماز بخوانید بہ جنگ وجدال هیچ حاجت نیست. فقط

سوال: (۶۹) درموسم زمستان جماعت صبح چہ وقت مناسب است: درموسم زمستان کہ طلوع آفتاب ہفت بجہ میشود جماعت صبح چہ وقت مناسب است بہ حساب ساعت ودقیقہ برای ما نوشتہ فرمائید؟

جواب: اگر جماعت صبح از طلوع آفتاب نیم ساعت پیش کردہ شود بسیار خوب است مثلاً در این وقت کہ آفتاب پانہ ہفت بجہ طلوع میکند اگر جماعت صبح بہ پانہ کم ہفت بجہ خواندہ شود بسیار سخن عمدہ است ووقت سحر از طلوع صبح صادق شروع وبہ طلوع آفتاب ختم میشود تا وقتیکہ گنجایش نماز وجماعت باشد تاخیر کردن جائز است ش ودر ما بین این وقت کہ در ہر وقت آن نماز خواندہ شود خوب است مگر مذهب امام ابو حنیفہ این است کہ خوب روشنی شود بعد از آن جماعت صبح اداء شود ودر تعیین ایت وقت بہ حد خاص تعیین ساعت ودقیقہ ضرور نیست^(۱). فقط

سوال: (۷۰) وقت ظہر وجمعہ: نماز ظہر ونماز دیگر بہ موجب مذهب مختار امام اعظم صاحب در کدام وقت مناسب است وقت اول کدام ووقت آخر کدام است ووقت نماز جمعہ از کدام وقت تا کدام وقت میباشد؟

جواب: وقت ظہر بہ نزد امام ابو حنیفہ تا دو مثل شدن سایہ است وقت نماز دیگر بعد ازدو مثل شدن سایہ شروع میشود واداء کردن نماز ظہر پیش از دو مثل شدن سایہ مناسب است ونماز دیگر بعد از دو مثل شدن سایہ مناسب است مگر بہتر این است کہ بعد از شروع شدن وقت تاخیر زیاد نکند تا یک مثل شدن سایہ نماز ظہر را بخوانید وبعد از دو مثلی سایہ کمی بعد نماز دیگر را بخوانید، وقت نماز جمعہ مثل وقت نماز ظہر است کہ بعد از زوال آفتاب شروع میشود وتا کدام وقت کہ وقت ظہر است وقت نماز جمعہ نیز تا همان وقت میباشد. فقط

سوال: (۷۱) در لاپ لیند نماز وروزہ چہ قسم اداء شود؟ درجزیرہ لاپ لیند کہ شش ماہ روز

(۱) فی الدر المختار والمستحب للرجل الابتداء فی الفجر باسفار والعتم بہ وهو المختار وقال فی ردالمحتار ای وقت ظہر التزوینکشاف النظمہ سنی بہ لانه یسفر ای یکشف عن الاشیاء والحاصل انه حد الاسفار ان یمکنہ اعادۃ الطہارۃ ولو من حدث اکبر واعادۃ الصلاۃ علی الحالۃ الاولی قل طلوع الشمس (ردالمحتار ج ۱ ص ۳۳۹، ط.س. ج ۱ ص ۱۶۶). ظہر

و مدّة شش ماه شب می باشد در آن جا نماز پنج وقتہ چہ قسم اداء گردد و در ماه مبارک رمضان روزہ چہ قسم گرفته شود و در گرفتن روزہ رمضان شرط است و یا نہ اگر شرط باشد ماه رمضان چہ قسم معلوم گردد؟

جواب: نمازها را باندازه کردن اوقات بخواند مثلاً در بیست و چهار ساعت نمازهای شب و روز باندازه مقررہ جدا کند و پنج نماز را تکمیل نماید و دربارہ روز رمضان بلاد اقرب خود را مراعات کند از این لحاظ ماه رمضان برای شان معلوم خواهد شد.

فصل ثانی اوقات مکروہہ

یعنی آن وقتی کہ اجازه نماز در آن نیست

سوال: (۷۴) در روز جمعہ در وقت چاشت نقل جائز است یا نہ؟ ان الصلوة النافلة نصف النهار يوم الجمعة هل تباح او تكره؟

جواب: اقول وبالله التوفيق ان الاحتياط في عدم التفتل في ساعة الزوال يوم الجمعة كما عليه الشروح والمتون ومذهب الامام راجع من حيث الدليل فينبغي عليه التعميل.^(۱)

سوال: (۷۳) در وقت استواء آفتاب نماز جائز است یا نہ؟ نوافل چاشت در وقت دوازده بجہ جائز است یا نہ؟ و در جنتري اسلامي وقت زوال یا وقت نماز قضائي را دوازده بجہ و بیست و چهار دقیقہ نوشته است؟

جواب: در وقت زوال نوافل و هیچ قسم نماز جواز ندارد و نہ در آن وقت نماز جائز است کہ وقت زوال در ما بین نماز بایند پس در کدام ساعت کہ زوال بہ دوازده بجہ و بیست و چهار دقیقہ میشود مطابق آن اگر نوافل یا نماز قضائي را بہ این قسم بخواند کہ از زوال پیشتر از نماز فارغ شود جائز است مگر ہر وقت کہ وقت زوال نزدیک شود در آن وقت هیچ نماز را شروع نکند برای اینکه در ما بین نماز وقت زوال عارض نشود^(۲). فقط

(۱) لا يجوز الصلوة عند طلوع الشمس ولا عند قيامها في الظهيرة ولا عند غروبها لحديث عقیة بن عامر[ؓ] الخ (هدایہ باب المواظبات جلد اول ص ۸۰). و کرہ تحریمًا الخ صلوة مطلقًا الخ مع شروق الخ واستواء^۱ الا يوم الجمعة علی قول الثانی المصحح المعتمد کذا فی الاشیاء (در المختار) و رواه الشافعی فی مسنده ہی عن الصلوة نصف النهار حتی تزول الشمس الا يوم الجمعة. قال الحافظ بن حجر فی اسنادہ انقطاع الخ قوله المصحح المعتمد اعراض بان المتون والشروح علی خلاف الخ سراج الہدیہ انصرو، نقول الامام واجابوا، عن الحديث المذكور الخ (رد المحتار کتاب الصلوة ج ۱ ص ۲۴۳ - ۲۴۵، ط س ج ۱ ص ۳۷۰ - ۳۷۱). نظیر

(۲) و کرہ تحریمًا و کل ما لا يجوز مکروه صلاہ مطلقًا ولو قضاء، او واحدة او علًا او علی جذرة وسعدة تلاوة وسهر لا شکر مع شروق الخ =

سوال: (۷۴) (۱) در وقت صبح بدون سنت و نماز قضائی نوافل جائز نیست: برای من معلوم است که در وقت سحر علاوه از نماز مقررہ صرف نماز قضائی کہ فرض و واجب یعنی وتر ہم شدہ میتواند دراین بارہ اطمینان مزیدی رامیخواهم کہ بعض جاهلان دراین وقت نفل میخوانند و بعد از نماز فرض سنت ہم میخوانند کہ در وقت جماعت آن را کردہ نمیتوانست.

سوال: (۷۶) (۲) بعد از نماز دیگر خواندن نفل جائز نیست: بعد از نماز دیگر مثل بعد از نماز صبح نفل ممنوع است درباره هم آن چیزها را سوال میکنم کہ درباره نماز صبح کردہ ام اگر حکم بعد از نماز دیگر با حکم وقت بعد از نماز صبح تفاوت داشتہ باشد راجع بہ آن اطلاع میخواهم؟

جواب: (۱) بعد از طلوع صبح صادق بدون سنت صبح و نماز قضائی اقسام نوافل دیگری بہ هیچ صورت جائز نیست و بعد از اداء فرض صبح اعادہ دو رکعت سنت صبح ہم جائز نیست در در المختار ذکر شدہ: وکرہ نفل الخ ولو سنة الفجر بعد صلاة الفجر وصلاة العصر الخ ولایکرہ قضاء فاتتہ ولو وتر الخ ^(۱)، و مراد از این کراهیت تحریمی است: قال فی الشامي والکراهية ههنا تحريمية أيضا كما صرح به فی الحلبة ولذا قال فی الخانية والخلاصة بعدم جواز والمراد عدم الحل لا عدم الصحة كما لا یخفى. ^(۲)

جواب: (۲) بعد از نماز دیگر نیز بدون خواندن نماز قضائی اقسام دیگری نوافل جائز نیست. ^(۳)
سوال: (۷۷) آیا وقت بعد از ظهر مثل بعد از نماز دیگر و صبح است؟ مثلیکہ بعد العصر و بعد الفجر خواندن هر قسم نوافل ممنوع است آیا ہم چنین بعد از نماز ظهر ہم هیچ کدام نفل جائز نیست و اگر جائز باشد جواز آن در کدام کتاب فقہ ثابت است و یا نہ؟
جواب: نہ اینطور نیست، بعد از عصر و بچ نوافل درست نیست.

= واستواء (المختار علی هامش رد المحتار کتاب الصلوة ج ۱ ص ۳۴۳ - ۳۴۴ ، ط.س. ج ۱ ص ۳۷۰) لما روی مسلم وغيره من حديث عقبة بن عامر لك ساعات كان رسول الله ﷺ ينهاها ان نعلي فيها او نقبر موتانا حين تطلع الشمس بازغة حتى ترتفع وحين يقوم قائم الظهيرة حتى تميل الشمس وحين تصيف للغروب حتى تغرب (غنية المستملی ص ۲۳۵) . ط

(۱) البحر المختار علی هامش رد المحتار کتاب الصلوة ج ۱ ص ۳۴۷ ، ط.س. ج ۱ ص ۳۷۴. ظفر

(۲) رد المحتار کتاب الصلوة ج ۱ ص ۳۴۸ ، ط.س. ج ۱ ص ۳۷۵. ظفر

(۳) واما الوقتان الاخران الخ فانه يكره فيهما التطوع فقط ولا يكره فيهما الفرض الخ وهما أى الوقتان المذكوران ما بعد طلوع الفجر الى ان ترتفع الشمس فانه يكره فى هذا الوقت النوافل كلها الا سنة الفجر الخ وما بعد صلاة العصر الى غروب الشمس لمحدث ابن عباس الخ (غنية المستملی ص ۲۳۷ ج ۱). ظفر

سوال: (۷۸) آیا پیش از سنت نوافل جائز است یا نه؟ پیش از دو رکعت سنت صبح خواندن

نوافل جائز است یا نه؟

جواب: بعد از طلوع صبح صادق پیش از دو رکعت فرض بدون دو رکعت سنت دیگر جواز ندارد^(۱).

سوال: (۷۹) (۱) در نصف روز جمعہ خواندن نفل جائز است یا نه؟ آیا در نیم روز جمعہ خواندن نوافل جائز است یا نه؟

سوال: (۸۰) (۲) آیا سنت جمعہ در نیم روزی روز جمعہ جائز است یا نه؟ آیا سنت جمعہ را در نصف النهار کرده می‌تواند یا نه؟

جواب: (۱) به مذهب امام اعظم صاحب جائز نیست و امام ابو یوسف آن را جائز می‌گوید مگر احتیاط زیاد در قول امام اعظم صاحب است.^(۲) فقط

جواب: (۲) کرده نمی‌تواند.^(۳) فقط

سوال: (۸۱) به اثر پرکالی وضوء نه شکست لهذا به اعاده نماز ضرورت نیست؟ بعد از نماز تہجد تسبیحات خواندم بر سر پای نشسته بودم که پرکالی بر سرم آمد بعد از وقت کم دیدم که وقت سنت است و یقین داشتم که وضوء من نه شکسته سنت خواندم و به مسجد رفتم بعدا شک برآیم پیدا شد که وضوء ام شکسته خواهد بود یا نه لهذا دوباره وضوء نمود بعدا دو رکعت سنت را نیز اعاده کردم و در جماعت فرض شریک شدم شرعاً جائز است یا نه؟

جواب: کدام سنت را که قبلاً خوانده بودید صحیح بود و اعاده آن ضرور نبود^(۴) و جائز هم نبود لکن از جهت بی علمی که چیزی شده است در آن کدام مؤاخذه و عذاب نیست^(۵). فقط

(۱) وكذا الحكم عن كراهية نفل وواجب لغیره لا لفرض وواجب لغیره بعد طلوع فجر سوى سنه لشغل الوقت به تقدیراً (ابن ج ۱ ص ۳۴۸، ط.س. ج ۱ ص ۳۷۵) لما روی مسلم عن حفصة رضی اللہ عنہا قالت كان رسول الله صلی اللہ علیہ وسلم اذا طلع الفجر لا یصلی الا رکعتین خفیفین (بخاری المستطی ج ۱ ص ۳۳۷). غیر

(۲) وكره تحريماً الخ صلاة مطلقاً ولو قضاء او واجبة او نفلا الخ مع شروقي الخ واستواء الا يوم الجمعة على قول الثاني المصحح المعتمد كذا في الاشياء (رد المحتار) لكن شراح الهاديّة انصروا لقول الامام واجابوا عن الحديث المذكور باحدث النهى عن الصلوة وقت الاستواء (رد المحتار ط.س. ج ۱ ص ۳۷۰ - ۳۷۱). غیر

(۳) وجمعة كظهر اصلاً واستحبها في الزمانين لانها خلفه (الذکر المختار على هامش رد المحتار كتاب الصلاة ج ۱ ص ۳۴۰، ط.س. ج ۱ ص ۳۶۷). غیر

(۴) از این جهت که وضوء اش شکسته بود: ولی الحائنه الناس لا ينقض الوضوء وهو قليل نوم (رد المحتار نوافل الوضوء ج ۱ ص ۱۳۲) چونکه وضوء او باقی بود لهذا کدام نماز را که به آن وضوء اداء نموده جائز شد اعاده آن ضرور نیست والله اعلم.

سوال: (۸۲) در قضائی سنت ظهر از چه جهت فرق است؟ این چه سبب است که قضائی سنت ظهر بعد از فرض ظهر متصل خوانده میشود و قضائی سنت صبح بعد از فرض صبح متصل خوانده نمیشود و بعد از طلوع آفتاب خواندن آن جائز است و اگر این دو رکعت بالکل ترک شود نیز کدام عذاب و مواخذہ نیست؟

جواب: فرق آن از این جهت است که وقت ظهر باقی است و وقت نماز صبح بعد از طلوع آفتاب باقی نمیماند. ^(۱) فقط

سوال: (۸۳) در وقت زوال و جاشت حکم نفل و تلاوت چیست؟ در عین وقت زوال و جاشت نفل و تلاوت قرآن شریف چیست؟

جواب: در وقت زوال و استواء تلاوت قرآن شریف جائز است و نوافل به نزد امام ابو حنیفہ جائز نیست و امام ابو یوسف صاحب در این وقت نوافل را جائز میگوید، در الدر المختار ذکر گردیده: و کره صلاة مطلقا تحريما ولو قضاء او واجبة أو نفلا الخ مع شروق الخ و استواء إلا يوم الجمعة على قول الثاني المصحح المعتمد الخ وفي الشامي لكن شراح الهداية انتصروا لقول الامام ^(۲) و احتياط در قول امام اعظم میباشد و قول وسیع و فراخ قول امام ابو یوسف است. فقط

سوال: (۸۴) بعد از طلوع آفتاب متصل نماز جائز نیست: به متصل طلوع آفتاب نماز خواندن جائز است و یا نه آیا وقت اشراق آن است که آفتاب یک نیزه بالا شود؟

جواب: متصل طلوع آفتاب خواندن نماز جائز نیست مناسب است در کن وقت نماز خوانده شود که آفتاب به مقدار یک نیزه و یا دو نیزه بلند شود. ^(۳)

سوال: (۸۵) بعد از نیم شب خواندن نماز مکروه تحریمی است یا نه؟ خواندن نماز خفتن بعد از نیم شب مکروه تحریمی است و یا نه و اگر بعد از نیم شب خوانده شود واجب الاداء است و یا نه یعنی نماز او اداء میشود یا نه مولانا عبد الحی صاحب در مجموعه فتاویٰ ص ۳۳ جلد اول

(۵) چرا که در این وقت بدون سنت صبح برای هیچ قسم نفل اجاره نیست: و کذا الحكم من كراهة نفل الخ بعد طلوع فجر سوى سنة (الدر المختار علی هاشم رد المحتار کتاب الصلوة ج ۱ ص ۳۴۹، ط.س. ج ۱ ص ۳۷۵). ظفر

(۱) وقت صلاة الفجر الخ من اول طلوع الفجر الثاني الخ الى قبل طلوع ذكاء و وقت الظهر من زواله الخ الى بلوغ الظل مثله (الدر المختار علی هاشم رد المحتار کتاب الصلوة ج ۱ ص ۳۳۱، ط.س. ج ۱ ص ۳۵۹). ظفر

(۲) رد المحتار کتاب الصلوة جلد اول ص ۴۴۳، ط.س. ج ۱ ص ۳۷۰. ظفر

(۳) مکروه تحریم الخ مع شروق الخ و استواء (مرمختار) قوله مع شروق الخ ما لم ترتفع الشمس قدر رمح (رد المحتار کتاب الصلوة ج ۱ ص ۳۴۴، ط.س. ج ۱ ص ۳۷۰ - ۳۷۱). ظفر

فرموده است کہ مکروه تحریمی است و خواندن نماز خفتن بعد از نیم شب واجب الاداء است و اگر آن را اعاده نکند گناهکار خواهد بود و مولانا آشوف علی صاحب در زیور بهشتی نوشته کرده است کہ وقت نماز خفتن تا صبح صادق باقی می باشد و بعد از نیم شب مکروه است و ثواب آن کم میشود پس در این دو تحریر کدام تحریر صحیح است؟

اگر نماز خفتن بعد از نیم شب خوانده شود اعاده آن لازم است یا نه و اگر اعاده آن واجب نباشد پس مطلب فتویٰ مولوی عبد الحی صاحب چیست؟

جواب: بعد از نیم شب خواندن نماز خفتن مکروه است بعضی علماء آن را مکروه تحریمی و بعضی علماء آن را مکروه تنزیہی میگویند: فإن آخرها إلى ما زاد إلى النصف كره لتقليل الجماعة، الدر المختار، قوله: كره أي تحريماً كما يأتي تقييده في المتن أو تنزيهاً وهو الاظهر كما ذكره عن الحلية شامي، ^(۱) ثم قال تحت قول الماتن تحريماً كذا في بحر عن القنية لكن في الحلية أن كلام الطحطاوي يشير إلى أن الكراهة تأخير العشاء تنزيهية وهو الاظهر، ^(۲) شامي. پس کدام علماء کہ آن مکروه تحریمی میگویند به نزد آنها واجب الاداء است و کسانی که آن را مکروه تنزیہی میگویند به نزد آنها واجب الاداء نیست چرا کہ میلان مکروه تنزیہی به طرف خلاف اولی است از قول علامه شامی و روایت حلیه معلوم شد کہ کراهیة تنزیہی آن ظاهر است و سبب آن کراهیة این است کہ در آن تقلیل جماعت خفتن به میان میاید یعنی کسی کہ نماز خفتن را در نیم شب بخواند از این جهت مکروه است کہ در جماعت خفتن تعداد نماز گزاران کم میشود و این از این تنها خواندن ترک جماعت است و هم یک تفریق اندازی نه اینکه در این وقت کدام خرابی است، پس معلوم شد کہ مولانا عبد الحی صاحب آن را به این سبب واجب الاداء میگوید کہ مکروه تحریمی است و در اعاده آن احتیاط است اشرف علی صاحب کہ آن را مکروه تنزیہی میگوید آنها قول دوم را اختیار کرده کہ واضح و ظاهر است و همین قول به حق هم نزدیک است کہ گویا مکروه تنزیہی است و اعاده آن ضرور نیست.

سوال: (۸۶) وقت ابتدائی ظهر کدام است آیا در ساعت یازده نماز ظهر جائز است یا

نه؟ وقت اول ظهر کدام است اگر کسی به اثر شدت ضرورت نماز ظهر را در یازده بجہ بخواند

(۱) رد المحتار کتاب الصلوة جلد اول ص ۳۴۱، ط.س. ج ۱ ص ۳۶۸، ظفر

(۲) رد المحتار کتاب الصلوة جلد اول ص ۳۴۲، ط.س. ج ۱ ص ۳۶۸، ظفر

نماز صحیح خواهد بود یا نه؟

جواب: وقت اول ظهر یعنی ابتداء وقت ظهر بعد از زوال آفتاب است که در این زمان مطابق وقت ریلوی تقریباً دوازده و نیم بجہ زوال میشود و خواندن نماز ظهر یازده بجہ به هیچ صورت نماز ظهر اداء شده نمیتواند^(۱)، بعد از گذشتن وقت نماز بطریقه قضائی نماز جواز دارد مگر پیش از وقت خواندن نماز به هیچ صورت جواز ندارد.^(۲)

سوال: (۸۷) تحقیق خواندن دو نماز در یک وقت: زید خرد را اهل حدیث میگوید و بکر حنفی است هر دوی شان باتفاق سفر میکنند زید در وقت ظهر هم نماز ظهر را خواند و هم نماز دیگر بکر بالای زید اعتراض کرد که وقت نماز دیگر داخل نشده و شما نماز دیگر را اداء کردید زید در جواب گفت که جمع کردن نماز ظهر و نماز دیگر در اکثر احادیث آمده و حضور سرور عالم رحمۃ اللہ علیہ در سفر و خانه نماز ظهر و نماز دیگر را در وقت ظهر اداء میکرد به لحاظ اینکه به امت من آسانی باشد و برای دلیل حدیث مسلم را پیش میکند که برای ملاحظه ارسال خدمت است و میگوید اگر به یک حدیث قناعت و تسلی شما حاصل نمیشود احادیث دیگری را هم پیش کرده میتوانم و یا اینکه شما درباره عدم جواز آن از کتابهای معتبر کدام حدیث را به من پیش کنید که گویا رسول الله صلی اللہ علیہ وسلم جمع بین صالحین را نکرده و آنرا منع کرده زید میگوید: که در جمع کردن دو نماز در یک وقت قول حضور صلی اللہ علیہ وسلم موجود است و قول امام صاحب این است که دو نماز را در یک وقت جمع نکند و قتیکه حدیث موجود باشد چرا به قول امام صاحب عملاً کرده شود حال آنکه امام صاحب میگوید که در صورت دریافت حدیث که قول من از آن مخالف باشد قول مرا ترک کنید در این وقت برای بکر که حنفی مذهب است چه عمل مناسب است اگر در باره عدم جواز آن احادیث باشد آن را به حواله کتابهای معتبر مفصل تحریر فرمائید حضرت ابن عباس رضی اللہ عنہ روایت کرده که رسول الله صلی اللہ علیہ وسلم در مدینه منوره نماز ظهر؟ نماز دیگر را در یک وقت اداء کرد در حالیکه وقت خوف و سفر هم نبود ابو الزبیر گفته که من از سعید رضی اللہ عنہ سوال کردم که رسول الله صلی اللہ علیہ وسلم به چه سبب دو نماز را در یک وقت اداء کرد سعید گفته

(۱) وقت الظهر من زواله ای میل ذکاء عن کبد السماء الی بلوغ الظل مثله (در المختار علی هامش رد المحتار کتاب الصلوة جلد اول ص ۳۳۲، ط.س. ج ۱ ص ۳۵۹)، ظہر

(۲) و شرط فی اداها الخ دخول الوقت واعتقاد دخوله (در المختار) الوقت ای وقت المکبوتة واعتقاد دخوله او ما يقوم مقام الاعتقاد من حلبة الظن للشرع شاکا له لا تجزیه (رد المحتار باب شروط الصلوة ج ۱ ص ۴۲۱، ط.س. ج ۱ ص ۴۵۱)، ظہر

که من از ابن عباس سوال کردم مثلیکه شما از من سوال کردید ابن عباس برایم گفت که حضرت پیغمبر ﷺ در این عمل خود اراده کرده بود که در امت من برای کسی حرج پیش نشود، رواه مسلم.

جواب: نحمدہ ونصلی علی رسولہ الکریم، جمع کردن دو نماز باین شکل که نماز دیگر را در وقت ظهر اداء کند و یا نماز ظهر را در وقت عصر اداء کند این عمل نه در سفر جائز است و نه در خانه از رسول ﷺ در سفر وحضر خواندن دو نماز در یک وقت باین شکل ثابت نشده حضرت عبدالله بن مسعود رضی اللہ عنہ که همیشه در خدمت آن حضرت رضی اللہ عنہ حاضر میبود که مساواک، تکبیه وغیره آن حضرت رضی اللہ عنہ بدست او بود و آب وضوء آن حضرت رضی اللہ عنہ را هم در اکثر اوقات تیار میکرد از همین جهت لقب صاحب السواک والوسادة والطهارة بر او مانده شده بود او فرموده است: قال ما رایت رسول الله ﷺ جمع بین الصلاتین إلا بجمع، رواه البخاری ومسلم، ترجمه من ندیده ام که آن حضرت رضی اللہ عنہ دو نماز را در یک وقت خوانده باشد مگر در مزدلفه که نماز شام وخفتن را در یک وقت خوانده است رواه البخاری ومسلم ^(۱) ودر روایت نسائی ذکر شده عن عبد الله قال: کان رسول الله ﷺ یصلی الصلاة لوقتها إلا بجمع وعرفات، ترجمه: از حضرت عبد الله ابن مسعود روایت شده که رسول ﷺ همیشه نماز را در وقت خود میخواند مگر در مزدلفه وعرفات واز خود ابن عباس رضی اللہ عنہ که روایت او برای جوار بین الصلاتین پیش کرده شده روایت کرده من جمع بین الصلاتین من غیر عذر فقد أتى بابا من الکبائر رواه الترمذی ^(۲) ترجمه: کسی که جمع کرد دو نماز را بدون عذر گناه کلان کرده رواه الترمذی، البته در اسناد این حدیث ضعیف است که ترمذی آن را بیان کرده واین سخن را هم پیوسته با او نوشته کرده که عمل جمهور امت با وجود ضعف این حدیث به همین حدیث عمل میکنند یعنی جمع بین الصلاتین را بدون عذر جائز نمیدانند که از این سبب به ضعف این حدیث جبیره مانده شد یعنی در جبیره پوشیده شده علاوه ازین خاتم الحفاظ حافظ ابن حجر عسقلانی شافعی در تلخیص تخریج زیلعی ص ۱۳۱ میفرماید: واخرجه البيهقي عن عمر مرفوعاً، ترجمه واین روایت را بیهقی از حضرت عمر به قسم مرفوع روایت کرده وبعد از همین قدر گفتار مختصر سکوت کرده در

(۱) نصب الرأية للزيلي ج ۲ ص ۱۹۴. طبر

(۲) نصب الرأية للزيلي ج ۲ ص ۱۹۳. طبر

اسناد وغیره این حدیث هیچ بحث نکرده پس معلوم شد که اگر در اسناد این حدیث شریف کدام نقص می بود ضرور آن را بیان میکرد بعد از نقل اسناد ترمذی آن را ضعیف گفته است و به همین قسم از ابن عباس بنا بر اسناد صحیح روایت شده عن طاووس عن ابن عباس رضی اللہ عنہ قال: لا یفوت صلاة حتی یجیء وقت الاخری رواه الطحاوی واسنادہ صحیح^(۱) ترجمه طاووس از ابن عباس رضی اللہ عنہ روایت کرده که فرموده است که هیچ کدام نماز فوت نمیشود تا وقتی که وقت نماز دیگری نیاید رواه الطحاوی. این حدیث را طحاوی روایت کرده پس معلوم شد که هر گاه وقت نماز دیگری داخل شود نماز ترک شده وقت قبل از فوت شده یاد میشود اگر جمع بین صلاتین جائز باشد در این صورت برای نماز فوت شده هیچ معنی نیست، معنای اعاده نماز فوت شده همین است که نماز در وقت خود خوانده نشود و وقت آن تمام شود در این صورت نماز ترک شده بنام نماز فوت شده یاد میگردد نه اینکه آن را بکدام نماز غیره ضم کند و بنام جمع بین صلاتین آن را یاد کند کسانیکه جمع بین صلاتین را عملی میکنند معلوم نیست که نماز فوت شده به نزد آنها کدام نماز خواهد بود از حضرت ابو هریره رضی اللہ عنہ روایت شده عن عبد الله بن موهب قال: سئل أبو هريرة رضی اللہ عنہ ما التفریط فی الصلاة قال أن تؤخر حتی یجیء وقت الاخری رواه الطحاوی^(۲)، ترجمه: از حضرت عبد الله بن موهب روایت است که از حضرت ابو هریره رضی اللہ عنہ سوال کرده شد که تفریط در نماز چیست او فرمود که در نماز تأخیر شود تا آنکه وقت نماز دیگر داخل شود طحاوی ص ۹۸، از این دلائل و احادیث معلوم شد که تأخیر کردن نماز از وقت خودش تفریط و تقصیر است.

و از ابو قتاده مرفوعا روایت است ان رسول الله ﷺ قال: أما أنه ليس في النوم تفریط إنما التفریط علی من لم یصلی حتی یجیء وقت الاخری رواه مسلم وغیره^(۳) ترجمه: رسول الله ﷺ فرموده است اگر به سبب خواب کدام نماز اتفاقاً همانند در آن تقصیر نیست البته تفریط و قصور بر آنکس است که بیدار باشد و تا آن وقت نماز نخواند که وقت نماز دیگری بر آن داخل شود مسلم وغیره این حدیث را روایت کرده است، و امام طحاوی فرموده است که حضور ﷺ این سخن را

(۱) شرح معانی الآثار باب الجمع بین الصلواتین ج ۱ ص ۹۸. ظفر

(۲) شرح معانی الآثار باب الجمع بین الصلواتین ج ۱ ص ۹۸. ظفر

(۳) مصاباة للزیلعی جلد دوم ص ۱۹۴. ظفر

در آن وقت فرموده بود که در سفر بود ومخاطبین این حکم هم مسافرین بودند از این حدیث شریف واضح شد که در این حکم صرف حضر داخل نیست بلکه در سفر نیز همین حکم است از این جهت در سفر نیز تأخیر کردن یک نماز از وقت خود وخوان آن در وقت نماز دیگری تفریط وتقصیر است آیا برای آن مردم شرم نیست که به رسول الله ﷺ نسبت میکنند که گویا آن حضرت ﷺ یک نماز را از وقت خود کشیده ودر وقت نماز دیگری آن را اداء کرده است ومرتکب تفریط وتقصیر شده است: تعالی شان النبوة عنه، علاوه از این بسیار شهادات قرآن کریم واحادیث بر این حقیقت موجود است که شارع علیه السلام برای هر نماز وقت جدا را مقرر کرده است که تأخیر کردن هر نماز از آن وقت مقرر هرگز جائز نیست قال الله تبارک وتعالی: إن الصلاة كانت علی المؤمنین کتاباً موقوتاً^(۱) ترجمه: محافظت کنید بر تمام نمازها و بر نماز میانه در تفسیر این آیه مفسرین بسیار چیزها را بیان کرده اند که در آن جمله این معنی را نیز روشن ساخته اند که نماز را در وقت خود اداء کنید، واز حضرت ابن عمر رضی الله عنهما روایت شده: أن رسول الله قال: الوقت الأول من الصلاة رضوان الله والاخر عفو الله رواه الترمذي^(۲) ترجمه: بیشک رسول الله ﷺ فرموده است که وقت اول نماز رضاء الله تعالی است، ووقت آخر نماز معافی الله تعالی است این حدیث را ترمذی روایت کرده یعنی کسی که در وقت اول مستحب نماز میخواند الله تعالی برای او معافی میکند و او را مأخوذ نمیکند از این حدیث واضح معلوم میشود که اگر نماز را بالکل از وقت خود بکشد باز برای او در قانون شرعی معافی نیست الله تعالی او را مأخوذ میکند این یک مسئله جدا است که الله به رحمت خود مثل گناهان دیگری این گناه را نیز معاف کند مگر به استناد حدیث شرعاً مرتکب جرم شده، از این چند آیات قرآن عظیم الشان واحادیث نبوی به حمد الله تعالی به نهایت وضاحت ثابت شد که جمع کردن دو نماز به این معنی که یکی را در وقت دیگری بخواند نه در حضر جائز است و نه در سفر در این وقت به همین چند آیات واحادیث اکتفاء میکنیم چرا که برای اهل انصاف این هم از کفایت بالا تر است و اگر بعد از این هم به اسناد ودلائل ضرورت پیدا شود شاید گذارشات دیگری ارائه خواهد شد آیا کدام حضرت است که بعد از این روایات صحاح وحسان به این گفتار تیار وآماده

(۱) سورة النساء رکوع ۱۵. ظہیر

(۲) مشکوٰۃ باب تعجیل الصلوة ص ۶۱. ظہیر

شود که گویا بر عدم جواز جمع بین الصلاتین هیچ دلیل نیست بلکه این صرف قول امام صاحب است و آن حدیث شریف مسلم را که ابن عباس رضی اللہ عنہ آن را روایت مذکور متروک العمل مثلیکه امام ترمذی در علل صغری خود ص ۲۵۷ فرموده است که این روایت حضرت ابن عباس را در امت هیچ کس نگرفته که علت آن هم در کتاب ترمذی بیان شده و آن روایات که از خود حضرت ابن عباس رضی اللہ عنہ به خلاف جمع الصلاتین ذکر شده شاهد آن است که خود ابن عباس رضی اللہ عنہ نیز جمع بین الصلاتین را به معنای مذکوره جائز نمیگوید، و این عمل چه قسم جایز دیده خواهد شد در حالیکه پاک حضرت رضی اللہ عنہ آن را تفریط و تقصیر گفته است از این بیان معلوم شد که در حدیث مذکوره ابن عباس از جمع کردن دو نماز این مطلب نیست که گویا یک نماز در وقت نماز دیگری اداء شود بلکه مطلب این است که به غرض سهولت یک نماز را در وقت آخرش و نماز دوم را در وقت اولش اداء کند برای اینکه صورتی در بین جمع کردن دو نماز سهولت پیدا شود و یکشدن نماز از وقت خود به حکم حدیث شریف مرتکب تفریط و تقصیر هم نشود و به مراعات این شکل در بین هر دو قسم احادیث تعارض نیز مدفوع و مرفوع خواهد شد و این سخن اجتهاد و قیاس خود ساخته ما نیست بلکه در مسلم نیز در بعض طرق روایت خود ابن عباس تصریح آن موجود است که از روایت مذکوره چند سطر بعدتر است، و هی هذه عن جابر بن زید عن ابن عباس رضی اللہ عنہ قال صلیت مع النبی صلی اللہ علیہ وسلم ثمانیا جمیعا و سبعا جمیعا، قلت: یا ابا الشعثاء اظنه اخر الظهر وعجل العصر اخر المغرب وعجل العشاء قال وانا اظن ذلك رواه مسلم ^(۱)، ترجمه: از حضرت جابر بن زید روایت است و او از حضرت ابن عباس رضی اللہ عنہ روایت کرده او میگوید که من نماز خواندم همراه رسول الله صلی اللہ علیہ وسلم هشت رکعت در یک جا و هفت رکعت را در یک جا یعنی نماز شام و خفتن را من عرض کردم که ای ابو الشعثاء (اسم کنیه حضرت ابن عباس رضی اللہ عنہ است) من گمان میکنم که شما این نمازها را در یک وقت جمع نکرده اید بلکه نماز ظهر را مؤخر و نماز دیگر را مقدم کرده اید و به همین قسم نماز شام را مؤخر و نماز خفتن را مقدم کرده اید حضرت ابن عباس رضی اللہ عنہ گفت که من هم به همین گمان هستم این روایت واضح بیان کرد که در روایت ابن عباس رضی اللہ عنہ بدون جمع بین الصلاتین دیگر هیچ مراد نیست که یک نماز را در آخر وقت خودش و نماز دیگر را در اول وقت خودش به این قسم اداء کرده شد که صورتی

جمع شده است.

از همین جهت حافظ الدنيا حافظ ابن حجر عسقلانی با وجود اینکه یک شخص شافعی مذهب است و جمع بین الصلاتین را جائز میگفت مگر در این روایت قبول کرد که مراد از جمع بین الصلاتین به آن شکل صحیح است که احناف آن را توجیه و توضیح کرده اند که عبارت از جمع صوری است به همین قسم در کدام روایات دیگری که جمع بین الصلاتین ثابت شده مراد از آن جمع صوری است برای اینکه در میان احادیث ثبوت عدم جواز جمع بین الصلاتین واحادیث ثبوت جمع بین الصلاتین کدام تعارض و مخالفت پیش نشود و هر دو اقسام احادیث مذکوره عملی شود و ترک عمل و مخالفت هیچ کدام کرده نشود از همین جهت قاضی شوکانی که از جمله اهل ظواهر است به ظاهر حدیث عمل میکند و مقلد هیچ کدام امام نیست و مردم غیر مقلد از کتابهای او تقلید میکنند و مغز تقریر و تحریر آنها از کتابهای قاضی شوکانی است قبل از نيل الاطوار جمع بین الصلاتین را جائز میگفت مگر وقتی که نوبت غور و تتبع روایات به پیش آمد از آن قول و عمل خود بازگشت و رجوع نمودند و بعداً یک رساله را بنام تشنیف السمع فی ابطال ادلة الجمع تصنیف کردند که در آن تصنیف ادله جمع بین الصلاتین را باطل کرده اند و حقیقت عدم جواز بین الصلاتین را ثابت کرده اند امید است که به نظر انصاف و تأمل آن را ملاحظه فرمایند و از فکر و تصور سابقه خود رجوع نمایند در این وقت به همین قدر گذارش اکتفا میکنیم و اگر به این گذارش و ادله قناعت و تسلی حاصل نشود ان شاء الله بعد از این راجع به این موضوع خدمت زیاد و ادله فراوان تقدیم خواهد شد به شرط اینکه مقصود آن تحقیق حق باشد نه کدام معارضه و مجادله، والله یهدی من یشاء إلى سواء السبیل. فقط

سوال: (۸۸) آیا خواندن نماز ظهر و دیگر در یک وقت جائز است: آیا خواندن نماز ظهر و عصر در یک وقت جائز است و یا نه؟ اگر بخواید که تمام وقت نماز عصر برای کاروبار دنیائی فرصت زیاد برایش پیدا شود، پس در کدام وقت جمع کردن نماز ظهر و نماز عصر جائز است؟

جواب: اداء کردن نماز ظهر و نماز عصر تنها در وقت ظهر جائز نیست و اگر این عمل را انجام داد صرف نماز ظهر او اداء گردیده و نماز عصر او فوت شده و اعاده آن به ذمه او باقی است به نزد احناف صرف در عرفات آیام حج برای حج کننده جمع کردن نماز ظهر و نماز عصر در وقت

ظہر جائز اُست در غیر آن در هیچ جا و در هیچ وقت خواندن نماز ظہر و نماز عصر در وقت ظہر جائز نیست و همین قسم نماز شام و خفتن بدون مزدلفہ در هیچ جا و هیچ وقت جمع شدہ نمیتواند^(۱)، و شرط جمع کردن این دو نماز آن است کہ شخص مشغول اداء احکام حج باشد و اگر کسی مشغول اداء فریضہ حج نباشد برای او جائز نیست.

الباب الثاني في الاذان

سوال: (۸۹) بر فرش مسجد اذان دادن جائز است یا نه؟ اگر بہ فرش مسجد استاد شود و اذان گریہ حکم آن چیست؟

جواب: اذانہای پنجگاہ بہ فرش مسجد جائز است مگر بہتر آن است کہ در بیرون مسجد بہ کدام جای بلند استاد شود و اذان گویہ.^(۲)

سوال: (۹۰) حکم آن مؤذن چیست کہ در نظافت و الفاظ اذان احتیاط نمیکند؟ کدام مؤذن کہ نظافت بدن و لباس خود را مراعت نمیکند و الفاظ اذان او بکلی غلط باشد مقرر کردن این قسم مؤذن جائز است یا نہ؟

جواب: مقرر کردن این مؤذن جائز نیست و اذان او دوبارہ اعادہ شود.^(۳)

سوال: (۹۱) اگر اذان را در یک مسجد و نماز در مسجد دیگر بخواند حکم آن چیست؟ اگر مؤذن مؤظف در یک مسجد اذان بگوید و بہ خانہ، خود برود و نماز را در مسجد دیگری بخواند این عمل جائز است یا نہ؟
جواب: این عمل خوب نیست.^(۴)

سوال: (۹۲) اگر در یک مسجد اذان بگوید و در مسجد دیگری امامت کند این عمل جائز است یا نہ؟ ہر در یک مسجد امام و در مسجد دیگری مؤذن است و تہیکہ در یک مسجد

(۱) ولا جمع بین فرضین فی وقت بعذر سفر و مطر خلاصہ للخالعی وما وراءہ محمول علی الجمع لعلہ لا ولما لان جمع لشد ولو قدم الفرض علی وقتہ حرم لوعکس ای اخرہ عنہ وان صح بطریق القضاء الا لحاج بعرفۃ و مزدلفۃ (الدر المختار علی هامش رد المحتار کتاب الصلوٰۃ جلد اول ص ۳۵۴، ط. س. ج ۱ ص ۳۸۱ - ۳۸۲). ظہیر

(۲) و ینبغی ان یؤذن علی المنبتۃ او خارج المسجد ولا یؤذن فی المسجد کذا فی فتاویٰ قاضی خان و السنۃ ان یؤذن فی موضع عال بکون اسبح لجمہراتہ یرفع صوته و عالمگیری کشوری الباب الثانی فی الاذان جلد اول ص ۵۴، ط. ماجدنیہ ج ۱ ص ۵۵). ظہیر

(۳) و یتوجب ان یکون المؤذن عالما بالسنۃ نقیاً فیکرہ اذان الجاہل و الفاسق الخ (غنیۃ المستملی ص ۳۵۹). ظہیر

(۴) و الا فضل ان یکون المؤذن ہوالمقیم (عالمگیری کشوری الباب الثانی فی الاذان جلد اول ص ۵۲، ط. ماجدنیہ ج ۱ ص =

۵۴) ای لحدیث من ادن فہو یمیم (رد المحتار جلد اول ص ۳۶۷). ظہیر

اذان بگوید میرود در مسجد دیگری نماز می‌دهد آیا این عمل جائز است و در اذان او کدام حرج نیست؟

جواب: در اذان هیچ نقص نیست و امامت او هم در مسجد دیگری جائز است ^(۱). فقط

سوال: (۹۳) در وقت دفن مرده وقطع ومرض وباء اذان ثابت است یا نه؟ در زمان عروض

قطع ومرض وباء ودفن مرده و بعض حوادث غیره اذان گفتن چه قسم است؟

جواب: در عروض این حوادث از شارع علیه السلام و از افعال و اقوال سلف صالحین ثابت نشده لهذا این عمل بدعت است ^(۲).

سوال: (۹۴) اذان پسر نابالغ جائز است یا نه؟ اذان پسر نابالغ جائز است و یا نه؟

جواب: اگر بچه مراقب یعنی به بلوغ نزدیک باشد پس اذان او بدون کراهیت جائز است ^(۳). فقط

سوال: (۹۵) در مابین مسجد اذان جائز است یا نه؟ اذان پنج و نهم و اذان جمعه در مابین

مسجد جائز است یا نه؟

جواب: هیچ کدام اذان در مسجد مکروه نیست خصوصاً اذان خطبه در مسجد پیش روی خطیب مسنون است ^(۴). فقط

سوال: (۹۶) حکم اذان پسر هشت ساله چه قسم است؟ اذان گفتن پسر چند ساله جائز

است یک پسر هشت ساله نماز هم می‌خواند و مراعات نظافت یعنی پاکی و نا پاکی را نیز میکند اذان این قسم پس نابالغ جائز است یا نه؟

جواب: اگر بچه مراقب و قریب البلوغ باشد در این صورت اذان او بدون کراهیت با اتفاق صحیح است و غیر مراقب که عاقل باشد باز هم در ظاهر الروایت در اذان او کراهیت نیست و در بعض روایات مکروه است در البدر المختار ذکر شده: و يجوز بلا کراهية اذان صبي مراقب ولي الشامي

(۱) وان اذن رجل وامام آخر ان غاب الاول جاز من غير كراهة وان كان حاصراً بلحله الوحشة بالائمة غيره بكرة وان رضى به لا يكره عندنا كذا في المحيط (رحمہ اللہ) كشرى الباب الثاني في الاذان الفصل الاول جلد اول ص ۵۲. ط. ماجدہ ج ۱ ص ۵۴. ظفر

(۲) في الاختصار على ما ذكر من الوارد اشارة الى انه لا يسن الاذان عند ادخال البيت في قبره كما هو المعتاد الآن وقد صرح ابن حجر في فتاويه بانه بدعة ومن ظن انه سنة فليسا على نديهما للمولود الحالة لخاصة الامر بابتدائه فلم يصب آه (ردالمحتار باب صلاة الجنائز ص ۸۳۷ ج ۱، ط. ب. ص ۲ ج ۲ ص ۲۳۵). ظفر

(۳) و يجوز بلا كراهة اذان صبي مراقب (الدر المختار على هامش رد المحتار باب الاذان جلد اول ص ۳۶۳. ط. ب. ص ۱ ج ص ۳۹۱). ظفر

(۴) و يوزن ثانيا بين يديه اي الخطيب. ظفر

قوله: صبی مراهق، المراد به العاقل وإن لم يراهق كما هو ظاهر البحر وغيره وقيل بكرة لكنه خلاف ظاهر الرواية الخ شامي.^(۱)

سوال: (۹۷) اگر به جماعت حاضر نشود ودرخانه اذان کند چه حکم است؟ اگر به اثر عذر شرعی به جماعت حاضر شده نتواند یا در اذان وجماعت مسجد تأخیر باشد و او به اثر مرض یا کدام عذر دیگر عجله باشد پس در این صورت اذان او در خانه جائز خواهد بود یا نه؟ اگر تا اذان وجماعت مسجد معطل نمیکند و خود او هم اذان نمیکند و نماز میخواند پس از ثواب محروم میشود پس در این موقع چه کند اذان بگوید یا نه یا تا اذان مسجد معطل کند اگر به اثر عذر جماعت از نزدش فوت شد و او در مصراست پس اذان هم ساقط میشود شامی ج ۱ ص ۲۸۳: لکن لا بکراهة لمصلي تركه في بيته في المصرا لأن اذان الحي يكفي.^(۲)

سوال: (۹۸) برای شخص جنب جواب دادن اذان جائز است یا نه؟ در حالت جنابت جواب دادن اذان جائز است یا نه؟

جواب: في الدر المختار من سمع الاذان ولو جنباً الخ يعني کسی که اذان بشنود آن را جواب دهد اگر چه جنب هم باشد: وعلمه في الشامي إجابة الاذان ليست بأذان بحر عن الخلاصة.^(۳) فقط

سوال: (۹۹) اگر مغموم اذان شخص دیگری را بشنود چه حکم است؟ یک واعظ صاحب میگفت اگر غم و خفگان برای کسی رسیده باشد کسی را بگوید که در گوش او اذان کید و او بشنود؟

جواب: در این عمل هیچ حرج نیست در شامی نقل کرده که در گوش مغموم و مغموم اذان کردن مستحب است.^(۴)

سوال: (۱۰۰) اقامت کننده در کدام جا استاد شود؟ برای اقامت گفتن نماز فرض اقامت

(۱) ردالمحتار باب الاذان جلد اول ص ۳۶۳، ط.س. ج ۱ ص ۳۹۱. ظفر

(۲) بخلاف مصل ولو بجماعة في بيته بمصر او قرية لها مسجد فلا بكرة تركهما إذ اذان الحي يكفيه (الدر المختار على هامش ردالمحتار باب الاذان جلد اول ص ۳۶۶، ط.س. ج ۱ ص ۳۹۵). ظفر

(۳) رد المحتار باب الاذان جلد اول ص ۳۶۷ - ۳۶۸، ط.س. ج ۱ ص ۳۸۵. ظفر

(۴) وفي حاشية البحر لغیر الرملي راجع في كتب الشافعية انه قد بين الاذان لغیر الصلوة كما في اذان المولود والمهموم والمصرع الخ (ردالمحتار باب الاذان ج ۱ ص ۳۶۷ - ۳۶۸، ط.س. ج ۱ ص ۳۹۶). ظفر

گورینده در کدام جا استاد شود آیا در برابر امام استاد شود یا بطرف راست و یا چپ آن؟

جواب: شرعاً کدام حد تعیین نشده یعنی برای اقامت هیچ کدام جای در برابر امام یا طرف راست و چپ آن معین نشده بنا بر ضرورت و حسب موقع که به هر جا و هر طرف استاد شود و تکبیر بگیرد جائز است فقهاء روی همین دلیل برای اقامت گورینده هیچ طرف را تعیین نکرده اند در هیچ کدام کتاب فقه راست یا چپ یا در بین و محاذ برای اقامت گورینده تعیین نشده و کدام سخن که در بین عوام مشهور است که گویا اذان بطرف چپ مسجد و اقامت بطرف راست محراب گفته شود این سخن بی بنیاد است. فقط

سوال: (۱۰۱) إِجَابَتُ أَذَانٍ قَوْلًا وَاجِبٌ أَمْ لَا؟ إِبْجَابُ أَذَانٍ قَوْلًا وَفَعْلًا وَاجِبٌ أَمْ لَا؟ اول واجب است و دوم مستحب یا بعکس آن؟

جواب: إِبْجَابُ أَذَانٍ قَوْلًا مستحب است و برای رفتن مسجد واجب است قال فی الشامی ای قال الحلوانی ان الإجابة باللسان مندوبة والواجبة بالقدم الخ ^(۱) والتحقیق فی الشامی وقد ذکر اشکالا فی وجوبها ثم اجاب عنه فلینظر ثمه. ^(۲)

سوال: (۱۰۲) در وقت ضرورت یک شخصی در دو مسجد اذان داده میتواند؟ برای یک نفر در یک وقت در دو مسجد اذان دادن جائز است یا نه اگر جائز باشد نماز را در کدام مسجد بخواند؟

جواب: اگر ضرورت باشد جائز است ^(۳)، هر جا که بخواند نماز را بخواند مگر بدون ضرورت اذان یک نفر در دو مسجد را فقهاء مکروه گفته اند: ویکره أن يؤذن فی مسجدین لانه یکون داعیا إلى ما لا یفعل غیة المستملی ج ۱ ص ۳۶۱.

(۱) رد المحتار باب الاذان جلد اول ص ۳۶۷ - ۳۶۸، ط.س. ج ۱ ص ۳۹۹، ظفر

(۲) قال فی التهر و قوله بوجوب الإجابة بالقدم مشکل لانه یلزم علیه وجوب الاداء فی اول الوقت ولی المسجد الا لا معنى لإيجاب الدعاب دون الصلاة وما فی شهادات المجتبی سماع الاذان و إنتظر الإقامة فی بيته لاتقبل شهادته مخرج علی لوله كما لا یحیی وقد سئل شیخنا الاج. عن هذا فلما ید جواباً أقول وبالله التوفیق ما قاله الإمام الحلوانی سبی علی ما کلن فی زمن السلف من صلاة الجماعة مرة واحدة وعدم تکرارها كما هو فی زمنه علی الله علیه وسلم وزمن الخلفاء بعده وقد علمت ان تکرارها مکروه فی ظاهر الرواية الا فی رواية عن الإمام ورواية عن ابی یوسف كما قلناه قریباً وسبائی ان الراجح عند اهل المذهب وجوب الجماعة وانه یأثم بتفويتها اتفاقاً وحبس السبی بالقدم لا لأجل الاداء فی اول الوقت او فی المسجد بل لأجل إقامة الجماعة والا لزم قولنا اصلاً، او تکرارها فی مسجد إن وجد جماعة اخرى وکل منهما مکروه لکذا بوجوب الإجابة بالقدم، لا یقال یمکنه ان یجمع باهله فی بيته فلا یلزم شی من المحذورین، لاننا نقول ان مذهب الإمام الحلوانی انه بذلك لا یلزم لواب الجماعة وانه یکون بدعة وسکروها بلعذر، وسبائی فی الامامة ان الاصح انه لو جمع باهله لایکروه وتقال لواب فضيلة الجماعة لکن جماعة المسجد الفضل (رد المحتار باب الاذان جلد اول ص ۳۶۸، ط.س. ج ۱ ص ۳۹۶)، ظفر

سوال: (۱۰۳) اذان کردن بطرف چپ و اقامت گفتن بطرف راست هیچ حقیقت ندارد:

اذان کردن بطرف چپ مسجد و اقامت گفتن بطرف راست مسجد و دست راست امام مشهور است و اکثر اهل علم به این عمل دیده میشود بلکه این قید را ضرور شرعی میگویند و مخالفین این عمل را ملالت و گناهکار میگویند و در دعاء روی گشتاندن امام و نشستن او را بطرف چپ نهایت بد میگویند در این صورت شرعا چه حکم است؟

جواب: برای اذان در طرف چپ و اقامت بطرف راست هیچ دلیل شرعی نیست و در کتب احادیث و کتابهای فقه این حکم موجود نیست این سخن غلط مشهور است کسی که این قسم عمل میکنند و یا میگویند برای آنها دلیل ضرور است بدون دلیل زیادت این قسم قید از طرف خود در شریعت جائز نیست و روی گشتاندن امام بعد از فراغ نماز در وقت دعاء طرف راست و بطرف چپ هر دو صورت در حدیث شریف ذکر شده و برای هر دو طرف در شریعت اجازه میباشد و حضرت عبد الله بن مسعود رضی الله عنه فرموده است که هیچ کدام شما در نماز خود برای شیطان حصه ندهد که روی گشتاندن امام را بطرف راست ضرور بدانند من بسیار دیده ام که رسول صلی الله علیه و آله روی خود را بطرف چپ میگشتاند ^(۱) انتهی و این سخن هم در حدیث آمده که در اکثر اوقات رسول الله صلی الله علیه و آله بطرف راست میگشت ^(۲)، لهذا مناسب است که در اکثر اوقات روی خود را بطرف راست و در بعض اوقات بطرف چپ هم بگردانند. ^(۳)

سوال: (۱۰۴) در اذان از جهت باران صلوا فی و حالکم گفتن: در وقت زیادت باران که مؤذن در عوض حی علی الصلاة و حی علی الفلاح صلوا فی و حالکم بگوید جائز است و یا نه در آن وقت که مردم به مسجد رفته نتوانند؟

(۳) بکروه له ان یؤذن فی مسجدین (و فرماتند) لانه اذا صلی فی المسجد الاول یكون مغفلا بالاذان فی المسجد الثاني الخ (رد المحتار باب الاذان ص ۳۷۲ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۴۰۰) از این معلوم شد که مکروه است مگر در صورت مسئله چون ضرورت است بعد از آن هیچ ضرور نیست که او در کدام مسجد به نیت نفل بطور لازمی در جماعت شرکت شود.

(۱) عن عبد الله بن مسعود رضي الله عنه قال لا يجعل احدكم للشيطان شيئا من صلاته يرى ان حقا عليه ان لا ينصرف الا عن يمينه لقد رأيت رسول الله صلى الله عليه وسلم كثيرا ينصرف عن يساره متفق عليه (مشکوٰۃ باب الدعاء فی التشهد ص ۸۷). ظہیر

(۲) عن انس رضي الله عنه قال كان النبي صلی الله علیه و آله ينصرف عن يمينه رواء مسلم (ایضا). ظہیر

(۳) لانا تمت صلوة الامام فهو مخیر ان شاء الحرف عن يساره وجعل القبلة عن يمينه وان شاء الحرف عن يمينه وجعل القبلة عن يساره وهذا اولی لما فی مسلم من حدیث البراء کما اذا صلينا خلف النبي صلى الله عليه وسلم احبنا ان نكون عن يمينه حتی یقبل علینا بوجهه فان مفهومه ان وجهه عند الایمال علیهم کان یقابل من هو عن يمينه و ذالك انما یكون اذا كان المسجد عن يمينه والقبلة عن يساره الخ (غنیة السمعانی ص ۳۳۰ ج ۱). ظہیر

جواب: مؤذن حی علی الصلاة وحی علی الفلاح بگوید واز جهت زیادت باران که مردم به مسجد آمده نتوانند برای شان جائز است و ترک جماعت به علت باران جائز است ^(۱)، مگر در اذان هیچ قسم تغیر آوردن ضرور نیست و علماء احناف در اذان هیچ قسم تغیر را اختیار نکرده اند.

سوال: (۱۰۵) در اقامت گشتاندن روی بطرف راست وجب: آیا در اقامت گفتن در وقت حی علی الصلاة وحی علی الفلاح مثل اذان روی خود را بطرف راست وجب بگرداند و یا نه؟

جواب: از کتابهای فقه شریف ظاهر شده که اقامت مثل اذان است ^(۲)، و در مواضع اختلاف فقهاء و محققین روی گشتاندن را نوشته نکرده اند بلکه در روی گشتاندن اقامت را مثل اذان گشتانده اند لهذا راجح این است که در اقامت هم روی گشتانده شود مگر چونکه بعض علماء به سبب اینکه اقامت اعلام حاضرین است از این جهت روی گشتاندن را در وقت حی علی الصلاة وحی علی الفلاح سنت نگفته اند مگر کدام علماء که تحویل روی را ضرور نمیگویند پس به این لحاظ عمل روی گشتاندن اولی و بهتر است نظر به ترک آن لهذا مناسب است که تحویل روی در اقامت عملی شود.

سوال: (۱۰۶) بوسه کردن انگشت کلان در وقت شهادتین: در وقت اذان بوسه کردن آنگشت کلان در وقت شهادتین اذان و به چشم مالیدن آن و قره عینی یک یا رسول الله گفتن چه حکم دارد؟

جواب: علامه شامی از کنز العباد نقل کرده که در اذان در وقت شهادتین این عمل مستحب است و بعداً از جراحی نقل کرده: ولم یصح فی المرفوع من کل هذا شیء ^(۳)، یعنی در حدیث مرفوع گفته شده که این عمل و یا مانند این در اذان صحیح نیست پس معلوم شد که به نیت سنت عملی کردن آن صحیح نیست یعنی این عمل سنت نیست چونکه در این زمانه اکثر مردم این عمل را به نیت عمل سنت اداء میکند و تارک این عمل را ملامت و گناهکار میگویند از این

(۱) فلا تلعب (ای الصاعقة) علی مريض الخ ولا علی من حال بینه و بینها مطر وطن (در مختار) اشارة بالحويلة الی ان المراد المطر الکثیر (رد المحتار باب الامامة ص ۵۱۹ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۵۵۵). ظفر

(۲) والالامة كالالذان لهما مر (در مختار) و اراد بها مر احکام الاذان المشتركة المذكورة فی المتن وهي انه سنة للراعي و انه یعاد ان قدم علی الوقت و انه یبدأ بأربع تکبیران و عدم الرجوع و عدم اللحن و الترسل و الالتفات و الاستدانة و زيادة الصلاة خیر من النوم فی الاذان الفجر و اصعبه فی اذنه لم استثنی من العشر ثلاثة احکام لایكون فی الالامة فایدل الترسل بالحد الصلاة و الصلوة خیر من النوم بقدر قامت الصلوة و ذکر انه لا یضیع اصعبه فی اذنه فلیقت الاحکام السبعة مشتركة (ع) (رد المحتار باب الاذان جلد اول ص ۳۶۰، ط.س. ج ۱ ص ۳۸۸) ظفر

(۳) و رد المحتار باب الاذان جلد اول ص ۳۷۰، ط.س. ج ۱ ص ۳۹۸. ظفر

جہت علماء محققین آن را ترک کرده اند.

سوال: (۱۰۷) دو جمعه و خفتن ثواب گردن: در بعض شهرها معمول است کہ اول برای نماز جمعه اذان میکنند وبعد از آن به اواز بلند دو دفعه الصلاة، الصلاة میگویند و یا این اواز مردم را به نماز دعوت میدهند و بعدا اذان خطبه اداء میشود و در رمضان شریف بعد از نماز فرض خفتن نیز دو دفعه الصلاة، الصلاة را با اواز بلند میگویند در این باره شرعاً چه حکم است؟

جواب: این اواز یا ثنویب مختلف فیه است و در احادیث اطلاق بدعة بر آن شده است یعنی در احادیث با این عمل بدعت گفته شده و بعض علماء آن را جائز گفته اند و امام ابو یوسف رحمة الله علیه برای قاضی، مفتی و غیره آن را جائز گفته و فتاوی قاضی خان نیز سخن امام ابو یوسف را اختیار کرده لهذا احتیاط زیاد در آن است کہ متروک شود. ^(۱) فقط

سوال: (۹۰۸) جواب دادن به اذان دو جمعه: اذان دوم کہ در روز جمعه و ربوئی منبر گفته میشود جواب دادن آن را در مختار مکروه گفته است مگر حاشیه آن رد المختار یعنی شامی و طحطاوی و غیره فقهاء محققین جواز آن را ترجیح داده به خلاف آن استحباب جواب دادن آن را ثابت کرده و جواب دادن اذان دوم را تأیید و ترجیح داده؟

جواب: اقول لکن فی الشامی باب الجمعة والظاهر ان مثل ذلک یقال ایضاً فی تلقین المرقی الاذان للمؤذن والظاهر ان الکراهیة دون المرقی لان سنة الاذان الذی بین یدی الخطیب تحصل باذان المرقی فیکون المؤذن مجبیا لاذان المرقی وإجابة الاذان حینئذ مکروهة الخ ص ۵۵۱ شامی جلد اول، و فیه ایضاً و ذکر الزیلعی أن الاحوط الانصات فقط، حاصل این است کہ جواب دادن اذان دوم مکروه است. ^(۲)

سوال: (۱۰۹) اذان شخص بی وضوء جائز است یا نه؟ برای شخص بی وضوء اذان دادن جائز است یا نه آیا به ساکنین محله کدام گناه است یا نه؟

(۱) و الترتیب فی الفجر حی علی الصلوة حی علی الفلاح مرتین بین الاذان والاقامة حسن لانه وقت نرم و غفلة و کره فی سائر الصلوة و معناه العود الی الاعلام و هر علی حسب ما تعارفوه و هذا لترويب احده علماء الکوفة بعد عهد الصحابة لتغير احوال الناس و خصراً الفجر به لما ذکرنا و المتأخرون استحسنوه فی الصلوات کلها لظہر التوالی فی الامور الدینیة و قال ابو یوسف رحمته الله لا اری باساً ان یقول المؤذن للامیر فی الصلوات کلها السلام عنیک ایها الامیر الخ و استبعده محمد لان الناس سواسیة فی امر الجماعة و ابو یوسف حصهم بذلك لریادة اشتغالهم بامور المسلمین کلا نہ نهم الجماعة و علی هذا القاضی و المعنی (هدایہ باب الاذان جلد اول ص ۸۴). طغیر

(۲) رد المختار باب الجمعة، مطلب فی حکم المرقی بین یدی الخطیب جلد اول ص ۷۶۹، ط.س. ج ۲ ص ۱۶۹. طغیر

جواب: اذان دادن شخص بی وضوء جائز است در این باره مؤاخذہ و وبال به کسی نیست البتہ بہتر والفضل آن است کہ برای اذان وضوء کردہ شود^(۱)، از این جہت علماء اذان شخص بی وضوء را مکروہ گفتہ است: ویری اُنہ یکرہ الاذان اُیضاً اُی علی غیر وضوء ہدایۃ، وقیل یکرہ اُی الاذان علی غیر الوضوء لجدید الترمذی عن اُبی ہریرۃ رضی اللہ عنہ قال قال رسول اللہ ﷺ لا یؤذن إلا متوضئ، البحر الرائق باب الاذان ج ۱ ص ۲۷۷.

سوال: (۱۱۰) اگر امام کر باشد بدون اقامت نماز را شروع کند چه حکم است؟ امام مسجد در محراب ایستاد شد و باندازہ وقت اقامت انتظار کرد در اقامت بہ اثر کدام عذر تأخیر آمد چونکہ امام مسجد کر بود و فکر میکرد کہ البتہ اقامت خواندہ شدہ نماز را بدون اقامت شروع کرد دراین صورت بہ فضیلت جماعت و یافضیلت نماز کدام نقصان پیش خواہد شد یا نہ؟ **جواب:** در این صورت نماز صحیح شدہ و در ثواب جماعت نقصان پیش نمیشود و اقامت مسنونہ ترک شدہ^(۲)، چونکہ بہ علت عدم سماع ونہ شنیدن امام این قسم صورت بہ پیش آمد از این جہت بہ هیچ کس هیچ گناہ نیست^(۳). فقط

سوال: (۱۱۱) در وقت عروض طاعون و خشک سالی اذان ثابت است یا نہ؟ در وقت عروض و باء یا قحط یا خشک سالی یا طاعون و غیرہ بعد از نماز اذان گفتن روا است یا نہ؟ اگر جائز باشد دلیل شرعی آن چیست و اگر ممنوع باشد برای دفع بلاہای بیابانی یماء و باء جنیات، حدیث شریف، واذا تغولت الغیلان نادى بالاذان، وحديث شريف: وإذا رأى الجيراني فليطفنه بالتكبير سند جواز ان شده میتواند یا نہ؟

جواب: در وباء اذان منقول نشده و کدام اذان کہ در وقت تغول غیلان مستحب است مطلب از آن این است کہ غیلان جنیات محمود مثلاً در کدام جنگل، بیابان و غیرہ برای کسی احساس جنیات واقع شود دران صورت حکم استحباب اذان است در امراض و باء قحط و غیرہ اذان وارد نشدہ و حالات و باء قحط، طاعون و غیرہ بہ حالت جنیات قیاس کردہ نمیشود چرا کہ دراین قسم

(۱) ویکرہ اذان جنب و اقامتہ و اقامتہ محدث لا اذالہ علی المذاهب (الدرالمختار علی ہمش رد المحتار باب الاذان جلد اول ص ۳۶۴). ظہیر

(۲) ویکرہ اداء المکوبۃ الجماعۃ فی المسجد بغير اذان و اقامتہ کلنا فی فتاویٰ قاضی خان (عالمگیری مصری: الباب الثاني فی الاذان جلد اول ص ۵۰، ط. س. ط. ماجدہ ج ۱ ص ۵۳). ظہیر

(۳) والالامۃ کالاذان لہما مر (درمختار) و اراد ہما مر احکام الاذان العشرۃ المذكورۃ فی المتن وھی انہ سنۃ للفرائض الخ (ردالمحتار باب الاذان جلد اول ص ۳۶۰، ط. س. ط. ج ۱ ص ۳۸۸). ظہیر

جواب: (۳) اذان حضرت بلال رضی اللہ عنہ آن قسم بود مثلیکه حالا گفته میشود. ^(۱)

سوال: (۱۱۶) (۱) دربین اذان واقامت درود گفتن چه قسم است؟ دربین اذان واقامت مؤذن به آن حضرت رضی اللہ عنہ درود بگوید و یا بهتر چی قسم است؟

سوال: (۱۱۷) (۲) بعد از اذان بلند کردن دستها در دعاء اذان مسنون است یا نه؟ اگر دعاء بعد از اذان را به بلند کردن دستها بخواند حکم آن چه خواهد بود؟

سوال: (۱۱۸) (۳) اگر در وقت تلاوت کریم یا در وقت خواندن درود شریف اذان را بشنود چه کند؟ اگر کسی مشغول تلاوت قرآن کریم و یا مشغول خواندن درود شریف باشد

و اذان شروع شود آیا جواب اذان را بدهد و یا به خواندن قرآن کریم و درود ادامه دهد؟

جواب: (۱) برای مؤذن در بین اذان حکم درود شریف نیست و نه این قسم ثابت شده.

جواب: (۲) هر قسم جائز است لیکن معمول این است که دستها بلند نشود. ^(۲) فقط

جواب: (۳) در درالمختار و شامی ذکر شده که در تلاوت قرآن کریم وقفه کند و جواب اذان را بدهد و درباره درود شریف نیز همین حکم است. ^(۳) فقط

سوال: (۱۱۹) اذان جمعه در نصف النهار جائز است و یا نه؟ اذان جمعه در نیم روزی جائز است یا نه؟

جواب: اذان قبل الوقت جائز نیست از همین جهت فقهاء حکم اعاده آن را فرموده است ^(۴) وقت نماز جمعه مثل وقت نماز ظهر بعد از زوال شروع میشود لهذا اذان جمعه باید بعد از زوال آفتاب اداء شود و پیش از آن جائز نیست. ^(۵)

= الاذان مكرهة (البحر الرائق، باب الاذان ج ۱ ص ۲۷۵). ظفر

(۱) یعنی در اذان حضرت بلال رضی اللہ عنہ ترجیح نمیشد، در این باره کتابهای احادیث شریف را مطالعه فرمائید. ظفر

(۲) ویدعو عند فراغه بالوسيلة لرسول الله صلی اللہ علیہ وسلم (الدر المختار) ای بعد از بصلی علی النبی صلی اللہ علیہ وسلم لذا رواه مسلم الخ (ردالمحتار باب الاذان جلد اول ص ۳۷۰، ط.س. ج ۱ ص ۳۹۸). ظفر

(۳) لوكان في المسجد حين سمع ليس عليه الاجابة ولو كان خارجا اجاب الخ ليقطع فرائد القرآن لو كان يقره بمنزله و يجب لو اذان مسجده ولو بمسجد لا (الدر المختار) الظاهر ان المراد المسارعة للاجابة وعدم التعمد لاجل المقررات لاخلال القعود بالسمي الواجب و الا فلا مانع من المقررات ماشيا الا ان يراد بقطعه ندبا للاجابة باللسان ايضا الخ (رد المختار باب الاذان ص ۳۷۰ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۳۹۸). ظفر

(۴) وهو سنة مؤكدة للفرائض الخمس في وقتها الخ فيكاد اذان وقع بعنه قبله (الدر المختار) على هامش (رد المختار باب الاذان ص ۳۵۶ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۳۸۴). ظفر

(۵) وجمعه كظهر اصلا واستحبها في الزمانين لأنها خلفه (الدر المختار على هامش (رد المختار كتاب الصلوة ج ۱ ص ۳۴۰، ط.س. ج ۱ ص ۳۶۷). ظفر

سوال: (۲۲۰) اذان برای نمازهای فوت شده درخانه و صحراء: درخانه یا در صحراء که از

کسی نماز فوت شده باشد حکم اذان و اقامت آن چه قسم است؟

جواب: از کسی که در حال سفر و یا در حال اقامت حضر نماز فوت شده باشد اذان و اقامت برای مسنون است در الدرامختار گفته است که اول برای فوت شده اذان مسنون است و برای نمازهای دیگری منکر است مگر گفتن اذان برای هر نماز بهتر است و اقامت برای هر نماز مسنون است. فقط (۱)

سوال: (۱۲۱) در اذان قضائی نماز الصلاة خیر من النوم بگوید یا نه؟ اگر نماز صبح فوت

شود و در وقت اعاده آن اذان گفته شود در این الصلاة خیر من النوم را بگوید یا نه؟

جواب: اگر نماز فوت شده صبح را به جماعت اعاده کند در این صورت اذان دادن برای آن سنت است و این اذان را مثل اذان صبح با کلمات الصلاة خیر من النوم اداء کند: کما یفیده اطلاق قول القهستانی و لیس ان یؤذن و یقیم لفاتنة رافعا صوته لو بجماعة او صحراء الخ در المختار. (۲) فقط

سوال: (۱۲۳) آیا اقامت را آن کسی بگوید که اذان را گفته است؟ آیا صرف مؤذن

اقامت را بگوید اگر مؤذن یک فرد مشخص باشد و یا هر کس اذان بگوید چه حکم است؟

جواب: اگر مؤذن فرد مشخص و ملازم اذان و تنخواه دار باشد یا این قسم نباشد بلکه هر کس اذان بگوید در هر حال بدون مؤذن برای هر کس اقامت کردن جائز است مگر بهتر این است که هر کس اذان گفته باشد اقامت را نیز همان شخص بگوید یا برای کسی دیگری اجازه کند. (۳) فقط

سوال: (۱۲۴) جواب اذان و دعاء: حکم حدیث این است که برای اذان جواب داده شود مگر

مردم در این زمان بعد از ختم اذان صرف کلمه طیه میگویند در این باره چه حکم شرعی است؟

(۱) و لیکن ان یؤذن و یقیم لفاتنة رافعا صوته لو بجماعة او صحراء لا یبینه منفردا و کذا یسن لاولی القرائت لفاسدة و یخیر لیه للمبایع لو لم یجلس و لعله اولی و یقیم للکل (در مختار) ای لا ینخیر فی القامة للمبایع بل بکرة ترکها (رد المحتار باب الاذان ج ۱ ص ۳۶۲ - ۳۶۳، ط. س. ج ۱ ص ۳۹۰)، ظفر

(۲) الفکر المختار علی هامش رد المحتار باب الاذان جلد اول ص ۳۶۲، ط. س. ج ۱ ص ۳۹۰، ظفر

(۳) اقام غیر من اذن بایینه ای المؤذن لا بکرة مطلقا او ان بحضوره کرة لا لحقه وحشة کما کرة مشیه فی القامة (در مختار) ان لحقه وحشة ای بان لم یرض به و هذا اعتبار خواهر زاده الخ و قال فی البحر و بدل علیه اطلاق قول المجمع و لانکرهها من غیره الخ لا بأس بان یاتی بکل واحد رجل اخر و لکن الافضل ان یکون المؤذن هو المقیم اذ ای لحدیث من اذن فهو یقیم (رد المحتار باب الاذان جلد اول ص ۳۶۷، ط. س. ج ۱ ص ۳۹۰)، ظفر

جواب: کسی کہ اذان میگوید برای سامعین مستحب است کہ آن کلمات را اذان نیز بگویند و در وقت حی علی الصلاة و حی علی الفلاح لاحول و لا قوة بگویند و بعد از ختم اذان دعاء مأثوره: اللهم رب هذه الدعوة التامة را بخواند و معلوم است کہ اتباع مأثور اولی واجب. فقط

سوال: (۱۲۵) در وقت اذان انداختن نگشتن در سوراخهای گوش برای مؤذن سنت است: اگر اذان دهنده دستهای خود را در وقت اذان اویزان بماند و یا در اذان رخس بطرف قبله نباشد جائز است یا نه؟

جواب: این همه طرق مخالف است مگر اذان جائز است. ^(۱)

سوال: (۱۲۶) اذان جمعه خارج مسجد کرده شود یا داخل مسجد؟ اگر اذان جمعه بیرون مسجد کرده شود جائز است یا نه؟

جواب: اذان کردن در داخل مسجد یا بیرون مسجد برابر است و از زمان رسول الله ﷺ تا این زمان جاری اذان خطبه در داخل مسجد میشود ^(۲) و اذانهایی بدون خطبه در داخل مسجد و بیرون مسجد جائز است و اذان بالای مناره را فقهاء مشروع گفته اند ظاهر است کہ مناره بیرون مسجد میباشد در این باره حاجت کدام دلیل نیست ^(۳). فقط

سوال: (۱۲۷) تکرار کلمات اذان در اقامت: ما عموماً دو دفعه تکبیر میگویم آیا یکدفعه جائز است و قد قامت الصلاة دو دفعه جائز است؟

جواب: به نزد احناف اقامت مثل اذان است یعنی در اقامت هم اول چهار دفعه الله اکبر و کلمات باقی دو دفعه گفته میشود و قد قامت الصلاة نیز دو دفعه گفته میشود صرف یک یک دفعه تکبیر گفتن مذهب احناف نیست. ^(۴) فقط

سوال: (۱۲۸) در تکبیر زیاد کردن واو غلط است: در نماز یا اذان الله اکبر گفتن صحیح است و یا الله اکبر؟

جواب: الله کبر صحیح است و بعد از حرف هاء زیادت واو غلط است. ^(۵)

(۱) و جعل لنا اصحبه في صياح اذنه لاذانه بديوه حسن وبه احسن والدر المختار علي هامش رد المحتار باب الاذان ص ۳۶۰ ط.س. ج ۱ ص ۳۸۸. ط

(۲) رويون لانا بين يديه اي الخطيب (الدر المختار علي هامش رد المحتار باب الجمعة ص ۷۷۰) و اذا جلس الامام علي المنبر اذن المودنون بين يديه الاذان الثاني للتوارث (غنية المستعني ص ۵۲۰). ظهير

(۳) وبنهي ان يردن علي المنصة او خارج المسجد ولا يردن في المسجد (عالمگیری مصري ص ۶۷ ج ۱، ط. ماجدیه ج ۱ ص ۵۵). ظهير

(۴) والائمة مثل الاذان عنده الخ ولنا ما روي ابوداؤد عن ابن ابي ليلى عن معاذ الخ (غنية المستعني جلد اول ص ۳۵۹). ظهير

سوال: (۱۲۹) اذان دادن یک مؤذن در دو مسجد: یک مؤذن در دو مسجد اذان میدهد این عمل جائز است یا نه؟

جواب: این عمل خوب نیست بلکه مکروه است. ^(۱) فقط

سوال: (۱۳۰) زیاد کردن الصلاة خیر من النوم در اذان صبح: در اذان صبح کلمات الصلاة خیر من النوم چرا زیاد میشود؟

جواب: زیاد شدن الصلاة خیر من النوم از حدیث شریف ثابت شده ^(۲) چونکه وقت صبح وقت خواب و غفلت است از این جهت گفتن این کلمات در این وقت مستحب است چرا که مطلب الصلاة خیر من النوم این است که نماز از خواب بهتر است. ^(۳) فقط

سوال: (۱۳۱) دعاء از اذان دوم جمعه: جواب دادن برای اذان دوم جمعه وبعد از اذان خواندن دعاء اللهم رب هذه الدعوة التامة الخ جائز است یا نه؟

جواب: صحیح این است که اجابت اذان یعنی جواب دادن اذان دوم جمعه است مکروه است و هم چنین خواندن دعاء مأثوره اللهم رب هذه الدعوة الخ نیز مکروه است. ^(۴)

سوال: (۱۳۲) اذان شخص جاهل: اذان شخص جاهل که الفاظ زبان مثل الفاظ شخص با سواد نیست جائز است یا نه؟

جواب: کدام شخص که الفاظ اذان را صحیح گفته نمیتواند اذان نکند اذان را کسی بکند که کلمات اذان را صحیح بگوید خواه او باسواد باشد یا بی تعلیم. فقط

سوال: (۱۳۳) اذان باید بیرون مسجد گفته شود یا داخل مسجد: اذان باید بالای فرش مسجد گفته شود یا بیرون مسجد گفته نشود اذان گفته میشود اذان خطبه چرا در داخل مسجد

(۵) اذا اراد الشروع في الصلوة كبر لو قادر الافتتاح اي قال وجوباً الله اكبر الخ والتميز المختار على هامش ردالمحتار باب صفة الصلوة فصل في تأليف الصلوة ج ۱ ص ۴۷، ط.س. ج ۱ ص ۴۷۹. ظهير

(۱) يكره له ان يؤذن في مسجدین (التميز المختار على هامش ردالمحتار باب الاذان ج ۱ ص ۳۷۲، ط.س. ج ۱ ص ۴۰۰). ظهير

(۲) عن ابي حمزة قال قالت يا رسول الله علمني سنة الاذان قال لمسح مقدم راسه قال تقول الله اكبر الله اكبر الخ لان كان صلوة الصبح قلت الصلوة خير من النوم الخ رواه ابو داود (مشكوة باب الاذان ص ۲۳). ظهير

(۳) ويقول ندبا بعد فلاح اذان الفجر الصلوة خير من النوم مرتين لانه وقت نوم (التميز المختار على هامش ردالمحتار باب الاذان ج ۱ ص ۳۹۰، ط.س. ج ۱ ص ۳۸۸). ظهير

(۴) ويبيح ان لا يجيب بلسانه اتفاقاً في الاذان بين يدي العطيف (التميز المختار على هامش ردالمحتار باب الاذان ص ۳۷۱) واجابة الاذان حينئذ مكروه (ردالمحتار باب الجمعة ج ۱ ص ۷۶۹، ط.س. ج ۲ ص ۱۶). ظهير

گفته میشود در بین اذان خطبه و اذان پنجگانه چه فرق است اگر بیرون مسجد یک جانی بلند ساخته شود و در بالای آن اذان گفته شود حکم آن چه خواهد بود؟

جواب: بدون اذان جمعه اذانهای پنجگانه بر یک جانی بلند بهتر و افضل است و بیرون مسجد نیز بهتر است اگر چه در مسجد نیز جائز است چونکه اذان خطبه پیش روی منبر ضرور است برای اینکه اذان خطبه در داخل مسجد گفته شود و در جای بلند اذان گفتن از این جهت مشروع است که اواز اذان تا جای دور برسد و اذان خطبه برای اعلام حاضرین است و رفتن اواز تا جانی دور ضرور نیست و در زمان پاک حضرت ﷺ اذان پنج و قه بیرون مسجد میشد از همین جهت در بعض مکانات نزدیک مسجد بالای چنجا اذان گفته میشود بعد از دور این غیر الازمنة اذان پنج و قه در بیرون مسجد اختیار گردد ید^(۱) مگر در داخل مسجد هم ممنوع نیست چرا که مسجد برای ذکر خداوند ﷻ ساخته شده و اذان هم ذکر الله تعالی میباشد قال الله تعالی: ومن أظلم ممن منع مساجد الله أن يذكر فيها اسمه^(۲) الآية. فقط

سوال: (۱۳۴) جواب کلمات اقامت: آیا جواب کلمات اقامت مثل جواب کلمات اذان مستحب است؟ و یا سنت مؤکده مگر چونکه برای امام در وقت قد قامت الصلاة حکم نیت بستن است پس مقتدیان جواب کلمات متبای اقامت را بدهد یا چه قسم؟

جواب: برای کلمات اقامت جواب دادن مستحب است^(۳) و برای اداء کردن آن علامه شامی چنین فرموده است که بهتر این است که امام بعد از ختم اقامت تکبیر تحریمه بگوید^(۴) فقط

سوال: (۱۳۵) بعد از اذان رفتن بطرف مسجد ضرور است یا نه؟ شنیده ایم که بعد از اذان کسی به مسجد نرود گناهکار است^(۵) و اگر به تاکید شخص دیگری هم به نماز نرود کافر میشود.

(۱) یعنی آن برون علی المذنة او خارج المسجد الخ والسنه ان یؤذن فی موضع علی یکون اسمع لجهرا نه و یرفع صوته ولا یجهد نفسه (عالمگیری مصری باب الاذان ص ۵۲ ج ۱ ط. ماجدیة ج ۱ ص ۵۵). ظفر

(۲) سورة البقرة رکوع ۱۴. در عالمگیری آمده "ولا یؤذن فی المسجد" مشا این معانیت خلاف اولویت یعنی در مسجد اولی و بهتر نیست مطلب این نیست که در مسجد جائز نیست. ظفر

(۳) و وجوب الاقامة لهما اجماعا کلاذان (المرالمختار علی هامش ردالمحتار باب الاذان ج ۱ ص ۳۷۱ ط.س. ج ۱ ص ۴۰۰). ظفر

(۴) و ضرورع امام فی الصلوة مذ قبل له قامت الصلوة و لا اخر حتی تمها لانه به اجماعا الخ و اعدل المصناب الخ و فی القهستانی مغزها للصلوة انه الاصح (ردمختار) لان له محاطة علی فضيلة متابعة المؤذن واعانة له علی الشروع مع الامام (ردالمحتار باب صلة الصلوة اداب الصلوة ص ۴۴۷ ج ۱ ط.س. ج ۱ ص ۴۷۹). ظفر

(۵) الجماعة سنة مؤکدة لقوله علیه السلام الجماعة من سنن الهدی لا یخلف عنها الا اتفاق (هدایه باب الامامة جلد اول ص ۱۰۹). ظفر

جواب: در این مسئله شک نیست که کسی اذان بشنود و به مسجد برای اداء نماز نرود و نماز را به جماعت نخواند گناهکار است و اگر بالکل نماز نخوانم که نه به مسجد برود و نه درخانه خود نماز میخواند او شدید فاسق و عاصی است و بعضی امامان او را کافر میگویند مثلیکه در حدیث شریف: من تری الصلاة متعمداً فقد کفر^(۱) نیز این حکم واضح است، معنای حدیث شریف این است که کسی قصداً نماز را ترک کند کافر میشود یعنی به کفر نزدیک میشود و انکار کردن از فرضیت نماز باتفاق کفر است یعنی منکر فرضیت نماز کافر است اعاذنا الله تعالی منه. فقط

سوال: (۱۳۶) اقامت گفتن از صف اول ضرور نیست: مؤذن اقامت را از صف اول بگوید یا در کدام صف که بخواهد مستحب است؟

جواب: در کدام صف که باشد در همان صف اقامت کرده میتواند در این باره کدام قید اقامت از صف اول ضرور نیست. ^(۲) فقط

سوال: (۱۳۷) بدون وضوء اذان جائز است یا نه؟ امام مسجد که به وضوء اذان بگوید یا بعد از اذان به چلم کشیدن یا قضاء حاجت بول و غیره برود این عمل جائز است یا نه؟

جواب: در کتابهای فقه حکم این است که اذان شخص بی وضوء مکروه نیست، یعنی مکروه تحریمی نیست کما فی الدر المختار: ویکره اذان جنب و اقامته و اقامت محدث لا اذانه علی المذهب^(۳) مگر در شامی منقول است که اذان گفتن در حال وضوء مسنون است یعنی سنت این است که مؤذن وضوء داشته باشد و در همین کتاب نیز ذکر شده: ثم اعلم انه ذکر فی الحاروی القدسی من سنن المؤذن کونه رجلاً عاقلاً صالحاً عالماً بالسنن والاقوات مواظباً علیه محتسباً ثقة مطهراً مستقبلاً^(۴) الخ از این عبارت معلوم شود که اذان در حال وضوء سنت و مستحب است و همیشه عادت گرفتن باذان بی وضوء بد است و از این بدی احتراز و خود داری مناسب است اگر اول اذان را به وضوء اداء کند و بعداً ضرورت بول خورد و کلان برایش پیش شود برای دفع

(۱) در این وقت این حدیث باین الفاظ پیدا نمیشود و در مشکوٰۃ شریف این الفاظ موجود است که لا یتراک صلاة مکتوبة متعمداً لمن ترکها فقد برأت منه الذمة الخ مشکوٰۃ کتاب الصلاة فصل ثالث: ص ۵۹. ظفر

(۲) و یقیم علی الارض هكذا فی القیة و فی المسجد هكذا فی البحر الرائق (عالمگیری کشوری باب الاذان فصل ثانی جلد اول ص ۵۴، ط. ماجدیه ج ۱ ص ۵۶). ظفر

(۳) الدر المختار علی هامش رد المختار باب الاذان جلد اول ص ۳۶۴، ط.س. ج ۱ ص ۳۹۲. ظفر

(۴) رد المختار باب الاذان جلد اول ص ۳۶۵، ط.س. ج ۱ ص ۳۹۳. ظفر

ورفع آن برود و کشیدن چلم اصلاً خوب نیست و احتراز و خود داری از این عمل بسیار خوب است فقط، و اگر کسی چلم بکشد پیش داخل شدن به مسجد دهن خود را خوب بشوید برای اینکه از بد بوئی او به کسی تکلیف نباشد.

سوال: (۱۳۸) بعد از اذان دعوت کردن امام و مقتدیان چه قسم است: برای مؤذن جائز است که امام و مقتدیان را بعد از اذان به مسجد دعوت کند یا نه؟

جواب: این عمل خوب نیست مگر به ضرورت اگر احیاناً این عمل کرده شود مضائقه نیست. ^(۱)

سوال: (۱۳۹) اگر در حال اذان بکدام چیز تکیه کند و یا اقامت را به قاعده بگوید مکروه است: اگر مؤذن ضعیف باشد و در اذان دادن بکدام چیز تکیه کند و یا اقامت را به قاعده بگوید این عمل مکروه است یا نه؟

جواب: در الدر المختار ذکر شده که: ویکره اذان جنب و اقامت و اقامت محدث لا اذانه و اذان امرأة و ختنی و فاسق (الی) و قاعد الا اذن لنفسه و راكب الی المسافر ^(۲) و این سخن هم در الدر المختار آمده که: و الاقامة مثل الاذان ^(۳) عذر به قاعده مکروه است و به اثر عذر ضعف اگر به دیوار و غیره تکیه کند این صورت اذان او مکروه نیست. فقط

سوال: (۱۴۰) نفاذه زدن برای جماعت چه قسم است؟ در محله شیش گران، صرف یک مسجد است و محله بسیار کلان و پراخ است و اذان به همه مردم نمیرسد و باشندگان و ساکنین این محله همه نماز گذاران در اوقات نماز مشغول کار اند و بند کردن کار باعث ترتیب گرفته شد که اذان را در اول وقت می‌کنند و در وقت جماعت به وسیله نغاره که بیرون مسجد مانده شده بود به همه آنها اطلاع داده میشد به این وسیله کارگران می‌آمدند و بدون انتظار تعداد نماز گذاران در جماعت زیاد می شد حالا بعضی حضرات نغاره را ممنوع ساخته حالا جماعت شکسته شده هر کس حسب توفیق نماز انفرادی میخواند و یا هیچ آن را ضرور نمیدانند در این صورت اگر بوسیله

(۱) و کره فی سائر الصلوة و معناه التردد الی الاعلام وهو علی حسب ما نفاذوه و هذا لترويب احده علماء الکوفه بعد عهد الصحابة لغير احوال الناس الخ و المعاصرون استحسنوه فی الصلوات کلها لظهور التواتر فی الامور الدينية وقال ابو يوسف لا اری باسا ان یقول المردن لتأخیر فی الصلوات کلها السلام علیک ایها الامیر الخ و استجده محمد ﷺ لان الناس سواسية فی امر الجماعة الخ و هذا فی باب الاذان جلد اول ص ۸۴. ظفر

(۲) الدر المختار علی هامش رد المحتار باب الاذان جلد اول ص ۳۶۴، ط.س. ج ۱ ص ۴۹۲. ظفر

(۳) ایضاً ص ۳۶۰، ط.س. ج ۱ ص ۳۸۸. ظفر

نظارہ بیرون مسجد بہ دم اعلان جماعت شود چه قسم خواهد بود و برای اعلان کدام وسیلہ مناسب است؟

جواب: اعلام بعد الاذان کہ بنام تثویب یاد میشود علماء متقدمین آن را مکروه و بدعت گفته است و علماء متأخرین از جهت سستی و تکاسل مردم تثویب و اعلام بعد از اذان راجائز میگویند پس بناء بر مذهب متأخرین اگر کدام صورت و ترتیب اعلام برای جماعت نباشد در این صورت اعلام نظارہ (الدر المختار) کتینح او قامت الصلاة ولو احدثوا اعلاما مخالفا لذلك جاز^(۱) شامی فقط. و اگر اواز اذان بہ مردم برسد در این صورت بدون ضرورت از نظارہ زدن اجتناب مناسب است از جهت اینکه در وقت ابتداء مشروعیت اذان تمام اقسام این چیزها رد و ممنوع شدہ بود.

سوال: (۱۴۱) در اقامت کلمات قد قامت الصلاة باواز بلند چه قسم است؟ در اقامت لفظ

قد قامت الصلاة را باواز بلند چه حکم دارد؟

جواب: هیچ حرج در آن نیست.^(۲)

سوال: (۱۴۲) در جیل یا زندان اذان کردہ شود یا نہ؟ دربندی خانہ بہ جماعت نماز

خواندہ میشود در آنجا اذان ضرور است یا نہ؟ یا صرف باقامت اکتفاء کردہ شود؟

جواب: اگر در محبس کدام ممانعت و بندش اذان نباشد در این صورت اذان کردن خوب است و ثواب دارد و اگر اذان نکنند و صرف باقامت اکتفاء کنند این ہم بدون کراهیت جائز است، در الدر المختار ذکر شدہ کہ: بخلاف مصلی ولو بجماعة^(۳) فی بیتہ بمصر او قرية لها مسجد فلا یکرہ ترکہما اذ اذان الحی یکفیہ، و در شامی آمدہ است: قوله فی بیتہ ای فیما یعلق بالبلد من الدار والکرم وغیرہما الخ.^(۴) فقط.

(۱) مطالعہ کنید: ردالمحتار للشامی باب الاذان جلد اول ص ۳۶۳، ط.س. ج ۱ ص ۳۸۹، ظفیر

(۲) والاقامة مثل الاذان الا انه یزید لہا بعد الفلاح قد قامت الصلوة مرتین ہکذا فعل الملک النازل من السماء و هو المشہور (ہدایۃ باب

الاذان جلد اول ص ۸۳). ظفیر

(۳) قوله ولو بجماعة وعن ابی حنیفہ ؓ لو اکتلوا باذان الناس اجزاءهم وقد اساءوا (ردالمحتار باب الاذان جلد اول ص ۳۶۷، ط.س. ج ۱ ص ۳۹۵) از این عبارت معلوم شد کہ بہتر این است کہ اذان کردہ شود. ظفیر

(۴) رد المحتار باب الاذان جلد اول ص ۳۶۷، ط.س. ج ۱ ص ۳۹۵ و مطالعہ فرمائید. ظفیر

سوال: (۱۴۳) کسی که داخل مسجد باشد جواب اذان برای او ضرور نیست: زید پیش از اذان شام در مسجد شسته بود و برای چند نفر کدام مسئله را بیان میکرد و قتیکه اذان شام شروع شد زید تقریر خود را بند نکرد و اذان را گوش نگرفت و به اذان جواب نداد او میگوید کسی که در تعلیم دادن علم دین مشغول باشد جواب اذان به او واجب نیست پس در این باره شرعا چه حکم است؟

جواب: کسی که در وقت اذان در داخل مسجد باشد جواب زبانی اذان برای او مستحب است اگر به سبب بیان کدام مسئله خاموش نشد و جواب اذان را نداد گناهکار نمیشود بهتر آن است که خاموش شود و جواب اذان را بدهد لکن به ترک مستحب طعن شده نمیتواند اگر چه بعضی علماء به وجوب جواب زبانی قائل اند مگر صحیح و راجح عدم وجوب است. ^(۱) فقط

سوال: (۱۴۴) پیش از شروع اذان رسم الصلاة والسلام علیک یا رسول الله جائز است یا نه؟ پیش از شروع اذان الصلاة والسلام علیک یا رسول الله، و غیره که بنام صلاة یاد میشود و در مکه معظمه و مدینه منوره عملی میگردد جائز است یا نه؟

جواب: این عمل در شریعت اصل ندارد لهذا ضرور نیست. ^(۲)

سوال: (۱۴۵) در وقت شهادتین اذان بوسه کردن انگشت چه قسم است؟ در وقت شهادتین اذان بوسه کردن انگشت ریزه دست چه قسم است؟ و کدام شخص که از این عمل ممانعت میکند اقتداء نماز به عقب آن جائز است یا نه؟ و کسی که انگشتان را بوسه نکند گناهکار است یا نه اگر بوسه کردن انگشتان مستحب و یا سنت باشد دلیل آن چیست؟

جواب: دلیل استحباب بوسه کردن دو انگشت ریزه دستها در این عبادت شامی است: يستحب ان یقال عند سماع الاولى من الشهادتين صلى الله عليه و عند الثانية منها قرأ عینی بک یا رسول الله ثم یقول اللهم تعنی بالسمع والبصر بعد وضع ظفري الابهامين علی العينين فإنه علیه السلام یكون قاعدا له فی الجنة کذا فی کثر العباد و قهستانی ونحوه فی الفتاوی الصوفیة و فی کتاب الفردوس قبل ظفري ابهامیه عند سماع اشهد أن محمدا رسول الله ﷺ فی الاذان أنا قاعده و مدخله فی صفوف الجنة و تمامه فی حواشی البحر للملی عن المقاصد الحسنة للسخاوی و ذکر

(۱) و يجب وجوبا و قال العلواني ندبا من سمع الاذان (و دمعار) اي قال العلواني ان الاجابة باللسان مندوبة و واجبة هي الاجابة بالقدم (و رد المحتار باب الاذان جلد اول ص ۳۹۶، ط. ج ۱ ص ۳۹۹، ظفر

(۲) زیرا که این عمل در شریعت هیچ اصل ندارد لهذا اجتناب از آن مناسب است. لفظ

ذلک الجراحی واطال ثم قال ولم یصح فی المرفوع من کل هذا شیء^(۱) شامی: ج ۱ ص ۲۶۷، باب الاذان. از عبارت آخر شامی این سخن هم واضح شد که هیچ کدام حدیث مرفوع در این باره نیست منتہی اینکه در باره فضائل اعمال به حدیث ضعیف هم عمل کردن جائز است مگر بشرط آنکه این عمل را مستون نگویند، کذا فی الدر المختار چونکہ بعضی عوام در این عمل غلو و افراط میکنند و این عمل است میگویند و تارک این عمل را طعن و ملامت میکنند لهذا علماء محققین عدم زیادت و عدم افراط را در این عمل احتیاطی میدانند و آن شخص گناهکار نیست و اقتداء به عقب آن جائز است. فقط

سوال: (۱۴۶) در اذان ممانعت دور دادن سینه: یک مؤذن سینه خود را در اذان طرف راست و طرف چپ دور میداد من آن را منع کردم کہ دور دادن سینه در اذان ممنوع است این صحیح است یا نه؟

جواب: این صحیح است کہ در اذان در حی علی الصلاة و حی علی الفلاح سینه خود را به طرف راست و چپ دور ندهد صرف روی خود را در حیعتین مذکورہ بطرف راست و چپ دور دهد مگر سینه مؤذن بطرف قبلہ باشد^(۲) فقط.

سوال: (۱۴۷) نکردن اذان به اثر ضد: یک مسجد دو امام دارد هر دوی شان برادران سکه اند مگر در بین خود ناراض اند در مسجد اذان نمیکند به گمان اینکه امام دیگری شاید اذان کرده باشد هرامام کہ به مسجد باید جماعت میدهد در این قسم حالت شرعا نماز صحیح است یا نه؟

جواب: در این قسم حال نماز صحیح است مگر گناه ترک اذان به گردن آنها میباشد قال فی الدر المختار: وهو سنة للرجال في مكان عالی مؤکدة هي كالواجب في لحوق الائم^(۳) فقط

سوال: (۱۴۸) در وقتار شروع کردن اقامت: اگر مؤذن در حال رفتار اقامت را شروع کند و تا رسیدن به جای خود اقامت خلاص شود این عمل خلاف است یا نه؟

جواب: این عمل خلاف اولی و خلاف سنت است: إلا ان یکون احیانا عن ضرورة قال فی الدر

(۱) رد المحتار باب الاذان جلد اول ۳۷۰، ط.س. ج ۱ ص ۴۹۸. ظفر

(۲) و یستعمل بهما (ای الاذان و الاقامة) القبلة ولو ترک الاستقبال جاز و بکرة کذا فی الہدایة و اذا انتہی الی الصلوة و الفلاح حول وجهه یبینا و شمالا و لقمہا مکالمہما (عالمگیری کشوری باب الاذان جلد اول ص ۵۴، ط. ماجدیه ج ۱ ص ۵۶). ظفر

(۳) الدر المختار علی هامش رد المحتار باب الاذان جلد اول ص ۳۵۶، ط.س. ج ۱ ص ۳۹۴. ظفر

المختار ويستقبله غیر الراكب القبلة بهما ويكره تركه تنزيهاً^(۱) الخ واضح است كه در رفتار بعض وقت استقبال قبله هم ترك ميشود قوله غير الراكب عبارة الامداد إلا أن يكون راكبا مسافرا لضرورة السير الخ^(۲) شامي.

سوال: (۱۴۹) الفاظ زیاد در اذان اهل تشيع وحیثیت آن: اهل تشيع در مساجد خود ومقامات غيره در وقت اذان باواز بلند كلمه اشهد ان امير المؤمنين وامام المتقين عليا ولي الله ووصي رسول الله يا حجة الله را آداء ميكنند آیا باهل سنت والجماعت شنیدن اين قسم كلمات جائز است؟

جواب: دراذان روافض زياد كردن اين كلمات خلاف احاديث صحيحه است كه درباره اذان روايت شده^(۳) لهذا لايق عمل آنها بدعت وممنوع است واگر به آن كلمات لفظ خليفه رسول الله بدون فصل زياد کرده شود مثليکه در بعض جاها همین قسم شده است هنوز بسيار بدتر ميگردد چرا كه اين لفظ كذب والبراء است وخليفه اول ابوبكر صديق است وخليفه دوم عمر رضي الله عنه است وبعد از آن حضرت عثمان رضي الله عنه ذو النورين است بعد از آن علي رضي الله عنه است چون ترتيب خلافت به اين طريقه است پس عقیده مخالف اين طريقه حرام وبدعت است^(۴) لهذا زياد كردن اين كلمات كه در سوال منقول است به نزد اهل سنت والجماعت جائز نيست واين كلمات از بدعات ومخترعات روافض خذلهم الله تعالى است، احناف، شوافع وغيره اجازه اين قسم كلمات را دراذان نداده اند. فقط

سوال: (۱۵۰) (۱) به سر لوج اذان دادن جائز است يا نه؟ اذان دادن شخص سر لوج جائز است يا نه؟

سوال: (۱۵۱) (۲) نماز شخصی سر لوج صحيح است يانه؟ نماز شخص سر لوج جائز است يانه؟ وكسي كه اين عمل ميکند برای او چه حكم است؟

(۱) ردالمحتار، باب الاذان جلد اول ص ۳۶۱، ط.س. ج ۱ ص ۳۸۹، بعد ازین ذکر شده است: لان بلالا اذن وهو راكب ثم نزل واقام على الارض (يعني) . ظهير

(۲) ردالمحتار، باب الاذان جلد اول ص ۳۶۱، ط.س. ج ۱ ص ۳۸۹، بعد ازین ذکر شده است: لان بلالا اذن وهو راكب ثم نزل واقام على الارض (يعني) . ظهير

(۳) برای تفصيل مطالعه كنيد: مشكوة باب الاذان ص ۶۳. ظهير

(۴) والفضل الناس بعد رسول الله ﷺ الخ ابوبكر الصديق الخ ثم عمر بن الخطاب الخ ثم عثمان الخ ثم علي بن ابي طالب الخ (شرح فقه اكبر ص ۷۴) . ظهير

سوال: (۱۵۲) (۳) آیا به سر لوجی اذان دادن و نماز خواندن طریقه روافض است؟ آیا

به سر لوچ اذان دادن وینماز خواندن از عادات روافضی است یا نه؟

جواب: فقهاء به سر برهنه نماز را مکروه نوشته کرده اند مگر درباره اذان این موضوع را تصریح نکرده اند و در نماز چنین صراحت نموده اند که به اثر سستی و تکاسل برهنه کردن سر مکروه است و اگر به اثر تذلل انکسار، خشوع و خضوع سر برهنه نماز بخواند مکروه نیست ^(۱) مگر اولی و افضل این است که به سر برهنه اذان نکند و اگر این عمل شعار روافض باشد در این صورت ضرور است که مخالفت آنها کرده شود و به سر برهنه اذان نگوید تا این که به آنها مشابهت کرده نشود در الدرالمختار ذکر شده: و صلاحه حاسرا ای کاشفا راسه للتکاسل ولا بأس به للتذلل الخ ولو سقطت قلنسوة فاعادتها افضل، در المختار. ^(۲) فقط

سوال: (۱۵۳) اگر نماز باطل شود در اعاده آن اقامت گفته شود یا نه؟ امام در نماز دیگر سهواً پنج رکعت را اداء نمود و هیچ مقتدی او را فتح نداد چونکه بعداً ثابت شد که نماز باطل شده در این حال نماز را بطور اعاده کرد که از اول آن اقامت گفته شد حالا خواندن اقامت چه حکم دارد جائز است یا نه؟

جواب: در این وقت دوباره باقامت ضرورت نیست و اگر دوباره گفته شود از جهت اینکه فصل طویل شده است کدام گناه و حرج نیست در کتابهای فقه نوشته شده: صلی الستة بعد الاقامة او حضرت الامام بعدها لا یعیدها برایه وینیفی ان اطال الفصل او وجد ما یعد قطعاً کاکل ان تعاد الخ درالمختار. ^(۳) فقط

سوال: (۱۵۴) بعد از اذان دعا کردن بدستان بلند ثابت است و یا نه؟ بعد از اذان دعا

کردن و مناجات با دستهای بلند ثابت است و یا نه؟

جواب: بعد از اذان دعا کردن بادرستان بلند بطور خاصی ثابت نشده اگر چه استحباب دعا بعد الاذان تقاضا میکند که بلند کردن دستها در موقع دعا مستحب خواهد بود مگر این تقاضا عملی.

(١) وكره كنه الخ وصلاحه حاسراً أى كاشفاً رأسه للتكاسل وبأنى به للتذلل وأما لالهاته بها كثر (دومستتر) قوله: ولا بأس للتذلل قلل في شرح الصية فيه الإشارة إلى أن الأولى لا يفعله وإن يتذلل ويحشع بقلبه فانها من الحال القلب اهـ وتعبه في الإمداد الخ (والتحصن باب ما يفسد الصلاة وما يكره فيها ج ١ ص ٥٩٩، ض.س. ج ١ ص ٩٤١ - ٩٤١). ظهير

(٦) الدر المختار على هامش ردالمحتار باب أيضاً حلة أول ص ٥٩٩ - ٦٠٠، ط.س. ج ١ ص ٦٤١، ظهير

(٢) الدر المختار على هامش رد المختار باب الاذان تحت الفروع جلد اول ص ٣٧١، ط.س. ج ١ ص ٤٠٠. ظهير

نشده و یا عملی نمیشود. ^(۱) فقط

سوال: (۱۵۵) دلیل جواب کلمات اذان چیست؟ وجواب کلمات اذان عینا بکلمات خود اذان داده میشود وجواب حی علی الصلاة وحی علی الفلاح والصلاة خیر من النوم به کلمات ولا حول ولا قوة الا بالله وصدقت وبررت داده میشود دلیل عقلی آن چیست؟
جواب: در این باره صرف دلیل نقلی کفایت میکند ^(۲) فقط دلیل عقلی در این قسمت این است که بنده اعتراف میکند که بجا کردن اعمال نیک و تمام عبادات خاص به توفیق رب العزة میباشد و در جواب دعوت دهنده که گویا خود او به کار نیک و عبادت دعوت میکند سخن موافق عقل نیست. ظفر

سوال: (۱۵۶) آیا اذان واقامت صرف برای فرائض است؟ اقامت صرف پیش از فرائض گفته میشود و یا پیش از سنت هم گفته میشود؟

جواب: اذان واقامت صرف برای فرائض است برای سنت نیست ^(۳) کما فی الدر المختار.
سوال: (۱۵۷) اقامت چه وقت شروع شود؟ آیا وفتیکه امام به جای نماز استاد شود پیش از آن اقامت گفته شود یا اینکه امام به جای نماز نه آورده باشد پیش از آن اقامت گفته شود آیا رسول الله ﷺ به شنیدن اقامت به محراب تشریف میاورد و در بعض اوقات این عمل معمول او بود؟
جواب: این ضرور نیست که بعد از استاد شدن امام به جای نماز اقامت شروع شود بلکه هر وقت که امام در مسجد حاضر باشد اقامت گفته جائز است و فتیکه امام اقامت را بشنوند خودش

(۱) عن عکرمه عن ابن عباس قال السئلة ان ترفع یدیک حلو منکیک او نحوها رواه ابوداؤد (مشکوٰۃ کتاب الدعوات ص ۱۹۶). ظفر
 (۲) در جواب حی علی الصلاة وحی علی الفلاح نیز الفاظ جواب تکرار شود: لا حول الخ، و لا حول ولا قوة هم تکرار شود چرا که روایت تکرار جواب وعدم تکرار هر دو در روایت موجود است و اختار فی الفتح عملا الجمع بهما عملا بالا حدیث (رد المحتار) و سبب خواندن ولا حول ولا قوة شاید غالبا این باشد که مؤذن بطرف نماز و فلاح دعوت میدهد پس شنونده در جواب آن میگوید که این یک ذمه واری عظیم الشان است و بجا کردن آن کار اهم است چرا که این یک امانت کلان است که زمین و آسمان از قبول آن به نرزه آمدند و از قبول آن انکار کردند: فاین را بچنینها واشفقن منها (قرآن کریم) پس ما ضعیفان و ناتوانان چه قسم آن را بجا آوریم مگر آنکه توفیق خود رب العزت همراه ما باشد و ما معارفت فرمایند چرا که مفهوم ولا حول ولا قوة الا بالله خاص همین است که نجات از معاصی و بدحالی و بجا کردن طاعت و کار نیک همه خاص به توفیق الله شده میتواند والله اعلم، و در جواب الصلاة خیر من النوم به کلمات صدقت وبررت، قانید و تصدیق مؤذن میشود، اظهار مسرت و خوشی قلب خود را میکند چونکه در این کلمات عظمت خداوند عزوجل و شهادتین ذکر نشده لهذا تکرار آن مفید نیست صرف یکدفعه گفته شود، والله اعلم. ظفر

(۳) والاقامة کالاذان لهما (در مختار) و اراد بیمار احکام الاذان العشرة المذكورة فی المتن وهي انه سنة للفرائض الخ (رد المحتار باب الاذان جلد اول ص ۳۶۰، ط. س. ج ۱ ص ۳۸۸). ظفر

به جای نماز خود تشریف خواهد آورد مثلیکه از عبارت درالمختار این حکم ظاهر میگردد: و يقوم الامام والمؤتم حين حي على الفلاح اذا كان الامام بقرب المحراب والا فيقوم كل صف ينتهي اليه الامام على الاظهر^(۱) الخ. فقط

سوال: (۱۵۸) مقتدیان وامام چه وقت به نماز استاد شوند؟ دروقت اقامت بکدام فرصت مقتدیان وامام به نماز استاد شوند؟ یک مولوی صاحب در وقت حي على الفلاح استاد شدن مقتدیان رامستحب میگوید؟

جواب: در اداء کردن نماز فقهاء چنین نوشته اند که دروقت حي على الفلاح تمام نماز خوانان حاضران مسجد استاد شوند و اگر پیش از حي على الفلاح استاد شوند هم کدام اعتراض برانها وارد نمیشود چرا که به ترک مستحب و ادب هیچ قسم طعن (اعتراض) شده نمیتواند مگر بهتر آن است که فقهاء نوشته اند و درالدر المختار نوشته کرده که اگر امام از طرف پیش روی مقتدیان به محراب بیاید و فتیکه مقتدیان امام را دیدند برای نماز استاد شوند به مرحال دراین مورد هر قسم سهولت وجود دارد مگر اتباع تصریحات فقهاء اولی و افضل است.^(۲) فقط

سوال: (۱۵۹) بسته کردن دستهای امام دروقت قد قامت الصلاة: اگر امام تا آخر اقامت انتظار نکند و در وقت (قد قامت) نیت بسته کند چه قسم است؟

جواب: بهتر این است که بعد از ختم اقامت امام نیت خود را بسته کند و اگر دروقت قد قامت الصلاة نیت بسته کند نیز جائز است در کتابهای فقه عین این حکم بیان شده مگر اولویت و افضلیت درسرخ اول است.^(۳)

سوال: (۱۶۰) اذان واقامت خنثی چه حکم دارد: یک شخص نه نر است و نه زن بلکه خنثی است اذان واقامت او شرعا جائز است یا نه؟

جواب: اگر او خنثی مشکل نباشد و علامات مردی و ذکوریت در او زیاد باشد اذان واقامت و در

(۱) الدرالمختار علی هامش و درالمختار باب صفة الصلوة اذاب الصلاة جلد اول ص ۴۴۷، ط.س. ج ۱ ص ۳۱۸، ظفر

(۲) و التمام للإمام و مؤتم حين قيل حي على الفلاح خلافا لأمره فعند عني على الصلوة ان كان الإمام بقرب المحراب والا فيقوم كل صف ينتهي اليه الإمام على الاظهر وان دخل من قدام قاموا حين يقع بصرهم عليه الا اذا قام الإمام بنفسه في مسجد فلا يلقوا حتى يتم القامه وان خارج قام كل صف ينتهي اليه والدر المختار على هامش و درالمختار اذاب الصلوة جلد اول ص ۴۴۷، ط.س. ج ۱ ص ۴۷۹، ظفر

(۳) و شرع الإمام في الصلوة مذ قبل قد قامت الصلوة ولو آخر حتى اتى لها لباس به اجماعا وهو قول الثاني والثلاثة وهو اعدل للطلاب كما في شرح المجمع لمفسره وفي الفهستاني معزيا للتلاصة انه الاصح (درمختار) لان فيه محافظة على فضيلة متابعة المؤذن واعانة له على

الشروع مع الإمام (درالمختار باب صفة الصلوة فصل اذاب الصلاة جلد اول ص ۴۴۷، ط.س. ج ۱ ص ۴۷۹)، ظفر

صف مردان استاد شده او جائز است ^(۱).

سوال: (۱۶۱) (۱) اذان و جماعت در داخل خانه: متصل خانه زید مسجد اهل تشیع است آنها بطریقه خود اذان و نماز میکنند در این حال اگر زید داخل خانه خود اذان و جماعت کند و به مسجد اهل تشیع نرود حکم آن چیست؟

سوال: (۱۶۲) (۲) اگر در خانه جماعت کند ثواب مثل مسجد دارد یا نه؟ آیا در این صورت ثواب جماعت مسجد برایش داده میشود یا نه؟

سوال: (۱۶۳) (۳) اگر برای عادی ساختن کودکان در خانه اذان گفته شود چی حکم است؟ محض برای بند کردن دروازه فساد و ضلالت در خانه اذان میگویند برای اینکه پسران اذان و نماز خود را فراموش نکنند چه حکم دارد؟

جواب: (۱) در خانه برای اذان هیچ ضرورت نیست مثلیکه وارد شده که اذان مسجد محله کافی است البته اقامت بگویند و جماعت بخوانند مگر در زمان موجوده اگر پسران به اذان مسجد محله اصلاح نشوند، و بغرض عادت و تعلیم آنها در خانه اذان گفته شود جائز است. ^(۲)

جواب: (۲) ثواب مسجد برایش نخواهد بود مگر ثواب جماعت برایش داده خواهد شد. ^(۳)

جواب: (۳) این توجیه معقول است در این حالت در خانه اذان کردن باکی ندارد. فقط

سوال: (۱۶۴) اذان اهل تشیع کافی است یا نه؟ یک مسجد را اهل تشیع خاص برای خود شان ساخته اند و بعدا برای احناف اجازه کرد که در همین مسجد جماعت کنند مگر اهل تشیع این قید و شرط را علاوه نمودند که در این مسجد صرف یک اذان گفته شود اگر شما اذان کردید ما اذان خود را نمیگوئیم و اگر اذان ما پیشتر گفته شد در این صورت اذان شما گفته نشود و به همین اذان ما جماعت کنید در این صورت نماز جماعت احناف به اذان اهل تشیع جائز است یا نه؟

(۱) ویکره اذان جنب الخ واذان امرأة وغنی (ردالمحتار علی هامش ردالمحتار باب الاذان جلد اول ص ۳۶۶، ط.س. ج ۱ ص ۳۹۲، ط. وکره ترکهما لمسافر ولو منفردا الخ بغلاف وصل ولو بجماعة فی بینه بمصر او قریة لها مسجد فلا یکره ترکهما اذا اذان الحي بکبیه (ردمختار) وعن ابی حنیفة لو اکتفوا باذان الناس اجزاءهم وقد اساءوا ففرق بین الواحد والجماعة فی هذه الرواية بصر (قوله فی بینه) ای فیما یصلق بالبلد من الدار والکرم وقرهما لفتنای الخ قوله لها مسجد ای فیہ اذان واقامة والا لعمکمه کالمسافر مصدر الشریعة (ردالمحتار باب الاذان ج ۱ ص ۲۶۶ - ۳۶۷، ط.س. ج ۱ ص ۳۹۴، طغیر

(۲) والجماعة سنة مؤكدة للرجال الخ واقفها اثنان واحد مع الإمام الخ فی مسجد و غیره (ردمختار) قال فی الفیة واختلف العلماء فی اقامتها فی البیت والاصح انها کلامها فی المسجد الامی الاصلی اهـ (ردالمحتار باب الامامة جلد اول ص ۵۱۵ - ۵۱۷، ط.س. ج ۱ ص ۵۵۳) محمد طغیر الدین غفرله

جواب: بہ اذان اہل شیعہ سنت اذان اداء شدہ نمیتواند لہذا موافق اہل سنت والجماعت دوبارہ اذان ضرور است و این قید و شرط اہل شیعہ را قبول نکنند و قبل از ہر نماز اذان خود را بکنند اگر اہل شیعہ قبول نکنند درمسجد آنہا نماز خواندہ نشود زیرا کہ اذان فی جملہ شاعر اسلام است ترک کردنش جائز نیست چونکہ اذان اہل شیعہ درشریعت اعتبار ندارد لہذا کالعدم است یعنی اذان آنہا چنان است مثلیکہ هیچ اذان شدہ باشد بلکہ بعض کلمات اذان اہل شیعہ گناہ و معصیت است کہ خود داری واجتناب ازآن لازم است. ^(۱) فقط

سوال: (۱۶۵) در اللہ اکبر حرکت حرف (واء): دراذان واقامت و تکبیرات لفظ اللہ اکبر اللہ اکبر و درحالت وصل حرکت حرف راء باید مفتوح خواندہ شود یا مضموم در ردالمحتار فتحہ راست گفتہ؟

جواب: راء اللہ اکبر اولی را ساکن یا مفتوح بخواند و راء اللہ اکبر دوم را ساکن بخواند یعنی و اگر در اللہ اکبر اول وقف کند راء کلمہ اکبر را ساکن بخواند و اکبر اللہ اکبر اول را بہ اللہ اکبر دوم وصل کند راء اللہ اکبر اول را مفتوح بخواند مثلیکہ در شامی ذکر شدہ کما فی الشامی وحاصلہا ان السنة یسکن الراء من اللہ اکبر الی الاول ووصلہا بہ اللہ اکبر الثاني فان سکھا کفی وان وصلہا نوى السكون فحک الرء بالفتحة فان ضمہا خالف السنة لان طلب الوقف علی اکبر الاول صیرہ کالساکن اصالة فحک بالفتح الخ شامی ^(۲) رسالة السيد عبد الغنی. فقط

سوال: (۱۶۶) از بسته شدن دستار امام تکبیر پیش ختم شد آیا دوبارہ تکبیر گفتہ شود؟ امام برجای نماز استاد بود دستار ویا رومال خود را بستہ میکرد کہ مؤذن اقامت را ختم کرد امام بہ مؤذن گفت کہ دوبارہ تکبیر بگوئید آیا بہ اقامت ضرورت بود یا نہ؟

جواب: دراین صورت بہ تکبیر دوبارہ ضرورت نبود. ^(۳) فقط

(۱) الاذان سنة لاداء المكتوبات بالجماعة الخ الاذان خمس عشرة كلمة واخره عسنا لا اله الا الله وهي الله اكبر الله اكبر الخ (عالمگیری مصري الباب الثاني في الاذان جلد اول ص ۵۰ - ۵۲، ط. ماجدیه ج ۱ ص ۵۶) قوله كالواجب بل اطلق بعضهم اسم الواجب عليه للمول محمد لو اجمع أهل بلدته على تركه فاعلمهم عليه ولو تركه واحد ضربته وحسنته الخ والقائل عليه لما انه من اعلام الدين وفي تركه استخفاف ظاهر به الخ (ردالمحتار باب الاذان ج ۱ ص ۳۶۷، ط.س. ج ۱ ص ۳۸۴). ظفر

(۲) ردالمحتار. باب الاذان جلد اول ص ۳۵۹، ط.س. ج ۱ ص ۳۸۶. ظفر

(۳) صلى السنة بعد الاقامة او حضر الامام بعدها لا يصلها بترزیه. وبني ان طال الفصل او وجد ما بعد طائفة كأكمل ان تعاد (درمختار) القول قال في اخر شرح المنية امام المؤذن ولم يصل الامام ركعتي الفجر يصلهما ولا تعاد الاقامة لان تكرارها غير مشروع اذا لم يقطعها قاطع من كلام كثير وعمل كثير مما يقطع المجلس في سجدة الصلاة :- (ردالمحتار باب الاذان ج ۱ ص ۳۷۱ - ۳۷۲، ط.س. ج ۱ ص ۴۰۰). ظفر

سوال: (۱۶۷) اگر شخصی بالغ نباشد اذان نابالغ جائز است یا نه؟ اذان پسر نابالغ در موجودیت شخص بالغ و یا نبودن شخص بالغ جائز است یا نه در هر دو صورت از حکم ما را معزز فرمائید؟

جواب: اذان پسر نابالغ مکروه تنزیہی است در هر دو صورت یک حکم است اذان اداء میشود مگر با کراهیت تنزیہی و در این باره تفصیل این است کہ اذان نابالغ مراہق مکروه تنزیہی است ^(۱) و اذان پس صغیر غیر عاقل مکروه تحریمی است کذا فی الشامی. ^(۲)

سوال: (۱۶۸) تکبیر از کدام طرف گفته شود؟ آیا اقامت گفتن به طرف چپ جائز است یا صرف بطرف راست گفته شود؟

جواب: اقامت ہم بطرف راست جائز است و ہم بطرف چپ برای اقامت شرعا کدام جای مخصوص تعین شده است. فقط

سوال: (۱۶۹) اگر بعد از اقامت در شروع جماعت تأخیر بیاید آیا اقامت اعاده شود؟ بعد از اقامت امام جماعت نان خورد یا با وقت زیاد مشغول سخن بود در این صورت برای شروع نماز به اعاده اقامت ضرورت است یا نه؟

جواب: از این عبارت شامی معلوم میشود کہ در صورت مسئلہ اعاده اقامت کردہ عبارت این است: لان تکرارها غیر مشروع اداء لم یقطعها قاطع من کلام کثیر وعمل کثیر ^(۳) در این صورت تنها قصور امام نیست بلکه اقامت کنندہ ہم قاصر است کہ عمل او موجب تأخیر نماز شدہ است.

سوال: (۱۷۰) اگر جاهلان باشند و هر کدام نماز خود را انفرادی بخواند آیا اذان برای شان نیست؟ در مسجد چند جهلاء با ہم جمع شدہ اند هیچ کدام آنها قابل نیست ہر کدام جدا نماز میخوانند در این حال اذان کردن ضرور است یا نه؟ نماز بہ جماعت اداء کنند یا انفرادی صحیح

(۱) و یجوز بلا کراهۃ اذان صبی مراہق (دومختار) المراد بہ العاقل وان لم یراق کما ہو ظاهر البحر وغیرہ، قولہ بلا کراهۃ ای تحریمیۃ لان التزییہۃ لاینبہ لما فی البحر عن الخلاصۃ ان غیرہم اولیٰ منهم آء الاول وقلنا اول کتاب الطہارۃ الکلام فی ان حلال الاولیٰ مکروه الخ (ردالمحتار باب الاذان ص ۳۹۳ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۳۹۱). ظہیر

(۲) ویکرہ اذان جبیب الخ و سکران ولو یمسح کمعہ و صبی لایقبل (دومختار) و ظاہرہ ان الکراهۃ تحریمیۃ (ردالمحتار باب الاذان جلد اول ص ۳۶۴، ط.س. ج ۱ ص ۳۹۲). ظہیر

(۳) ردالمحتار باب الاذان ص ۳۷۲ ج ۱. بہ دومختار کی دی: وینی ان ظال الفصل او وجد ماہد قاطعاً کاکمل ان لماد (ابہما ص ۳۷۱، ط.س. ج ۱ ص ۳۹۹). ظہیر

است؟

جواب: درحالت مذکوره اذان ترک نشود جماعت باشد و یا نباشد ^(۱) اول اینکه جماعت کردن ضرور است اگر کسی لائق و مناسب امامت باشد یا نباشد امامت جاهلان برای جاهل جائز است ^(۲) جماعت سنت مؤکد به واجب نزدیک است بدون عذر شرعی جماعت ترک نشود. فقط

سوال: (۱۷۱) درصورت تکرار جماعت اقامت گفته شود یا نه؟ اگر دریک مسجد جماعت اول اداء شده باشد اگر جماعت دوم در آن کرده شود آیا برای جماعت دوم اقامت گفتن ضرور است یا نه؟

جواب: اگر امام مؤذن معین در این مسجد مقرر نباشند دراین صورت جماعت دوم دراین مسجد جائز است و اقامت گفته شود ^(۳) والله اعلم.

سوال: (۱۷۲) دراذان درعوض حی علی الفلاح گفتن حی علی خیر العمل چی قسم است؟ در اذان پنج وقته درعوض حی علی الفلاح گفته حی علی خیر العمل جائز است یا نه؟ و در این باره عمل متقدمین و متاخرین چه قسم است؟

جواب: درهیچ کدام اذان درعوض حی علی الفلاح حی علی خیر العمل جائز نیست درتمام احادیث مربوطه اذان حی علی الصلاة و حی علی الفلاح وارد شده در اذان ملک نازل شده هم لفظ حی علی خیر العمل وجود ندارد ^(۴) و همان اذان فرشته نازل از رسول الله تا آخر ثابت و قائم مانده است و به همین اذان تمام اصحاب و تمام امت عمل میکردند و پیدا کردن یک سخن که بخلاف سنت متواتره و خلاف اجماع امت باشد سراسر گمراهی و ضلالت است من شدَّ شُدَّ فی النار ^(۵) در حدیث شریف وار شده، و مسلک و طریقه تمام اهلیمان دین همین است هیچ کس در

(۱) الاذان سنة للصلاة الخمس والجمعة لاسواها (هدایه باب الاذان ج ۱ ص ۸۲). ظفر

(۲) امامه الامی لوما امین جائزه کذا فی سراجیه (عالمگیری مصری باب الامامه ص ۸۰ ج ۱، ط. ماجدیة ص ۸۵ ج ۱). ظفر

(۳) بل بکوه فطهمنا و تکرار الجماعة الا فی مسجد علی طریق للاباس بذلك (درمختار) قوله الا فی مسجد علی طریق هو ما لبس له امام ومؤذن وائب فلا بکوه التکرار لیه باذان او اقامة بل هو الافضل خاتمه (ردالمحتار، باب الاذان مطلب فی تکرار الجماعة فی المسجد ص ۳۶۷ ج ۱، ط. س. ج ۱ ص ۳۹۵). ظفر

(۴) مشکوٰۃ باب الاذان ص ۶۳ - ۶۴، را مطالعه کنید، و همچنان در حدیث شریف صراحت شده که کدام اذان را نبی کریم ﷺ به مسلمانان و اصحاب تعلیم کرده و کلمات آن را نشان داده در تمام آن حی علی الفلاح است. عن ابی محذورۃ قال قال النبی علی رسول الله التاذین هو بنسبه فقال قل: الله اکبر، الله اکبر، الله اکبر، الله اکبر اشهد ان لا اله الا الله، اشهد ان لا اله الا الله، اشهد ان محمدا رسول الله اشهد ان محمدا رسول الله، حی علی الصلوة، حی علی الصلوة، حی علی الفلاح، حی علی الفلاح الخ رواه مسلم (ایضا). ظفر

(۵) مشکوٰۃ عن الترمذی، باب الاعتصام بالکتاب والسنة ص ۲۰. تفسیر

این خلاف نکرده بدون روافض ^(۱) خذلهم الله. فقط

سوال: (۱۷۳) اگر شخصی بلند اواز نباشد شخص پایین اواز اذان بگوید یا نه؟ اگر شخص

بلند اواز در وقت اذان موجود نباشد ومؤذن معین مسجد هم حاضر نباشد در این صورت اذان شخص کم اواز جائز است یا تا آخر وقت نماز به شخص بلند اواز انتظار کنند؟

جواب: جهر اواز مؤذن مستحب است برای انتظار مؤذن تأخیر نماز تا آخر وقت جائز نیست، قال النبی ﷺ: الوقت الاول رضوان الله تعالى ^(۲) الحديث. فقط

سوال (۱۷۴) برای ثبوت اذان بطرف چپ واقامت بطرف راست هیچ ثبوت نیست: اقامت

بطرف راست ضرور است یا بطرف چپ یک صاحب میگوید که اذان بطرف چپ واقامت بطرف راست را رسول الله ﷺ عملی کرده ودراین عمل ثواب زیاد است ودر عمل برعکس ثواب کم میشود شخص دیگری میگوید که هر دو طرف تفاوت ندارد حکم هر دو طرف برابر است و تعین کردن جای اذان واقامت بدعت است چرا که تعین جای برای اذان واقامت ثابت نشده؟

جواب: این شهرت بی اصل است در شریعت این حکم هیچ موجود نیست، که اذان بطرف چپ واقامت بطرف راست مسجد گفته شود بلکه به هر طرف که اتفاق افتد به همان طرف جائز است، هیچ طرف کدام کراهیت نیست کسی که در طرف راست ثواب را زیاد میدانند از او سوال شود که آیا شما در فقه کدام تصریح را مشاهده کرده اید آیا در کدام حدیث این ثبوت موجود است؟ این یک سخن جدا است که استاد شدن مقتدی بطرف راست صفت ثواب زیاد در حدیث ثابت شده مگر ثواب زیادی در اقامت راست هیچ از نظرم نگذشته. فقط والله اعلم

سوال: (۱۷۵) (۱) در نماز جمعه کدام شخصی اقامت بگوید و قنیه اذان اول را یک نفر

واذان دوم را شخصی دیگری گفته باشد؟ در روز جمعه اذان اول را یک نفر گفت و اذان دوم خطبه را شخص دیگری گفت در این صورت اقامت گفتن حق کدام شخص است؟

سوال: (۱۷۶) و قنیه اذان یا اقامت را غلط بگوید اعاده دوباره آن ضرور است یا نه؟ اگر

(۱) مشکوٰۃ عن الترمذی باب تمجیل الصلوة ص ۶۱. ظفر

(۲) فی شرح المذهب للشافعی بکرة ان یقال فی الاذان (حي على غير العمل) لانه لم یثبت عن النبی ﷺ والزيادة فی الاذان مکروهة وقد سمعنا الاذان عن الزیدية ببعض البلاد (البحر الرائق، باب الاذان ج ۱ ص ۲۷۵، ط.س. ج ۱ ص ۲۶۱). ظفر

(۳) مشکوٰۃ عن الترمذی باب تمجیل الصلوة ص ۶۱. ظفر

یک نفر تکبیر یا اذان را غلط بگوید دوباره آن را اعاده کند یا نه؟

جواب: (۱) در هر دو این دو نفر مؤذن که هر کدام بنخواهد اقامت را بگویند. ^(۱)

جواب: (۲) اذان و اقامت دوباره اعاده گردد. ^(۲) فقط

سوال: (۱۷۷) در اذان به وقت محمد رسول الله درود گفتن چه حکم دارد؟ در داخل اذان

در وقت محمد رسول الله درود گفتن چه حکم دارد؟

جواب: کسی که در اذان نام رسول الله را بشنود در این وقت گفتن درود شریف مستحب است

و تکیه از مؤذن کلمه اشهد آن محمد رسول الله را بشنود شنونده این کلمه را هم بگوید و صلی الله علیه وسلم را هم بگوید. ^(۳)

سوال: (۱۷۸) (۱) اگر دریای کسی بیزار باشد اذان گفتن اوجه حکم دارد؟ همراه بیزار

اذان کردن جائز است یا نه؟

سوال: (۱۸۹) (۲) اذان شخصی بی وضوء جائز است یا نه؟ بدون وضوء اذان جائز است یا

نه؟

جواب: (۱) جائز است. ^(۴)

جواب: (۲) جائز است مگر بهتر این است که بوضوء اذان بگوید. ^(۵)

(۱) ولی الفتاوی الطهریة والافضل ان یكون المؤذن هو الغیر جاز البحر الرائق باب الاذان جلد اول ص ۲۷۰ - ۲۷۱، ط.س. ج ۱ ص ۲۵۷ پس معلوم شد که اقامت گفتن مؤذن بهتر است و در روز جمعه اذان دوم اصل است که در وی منبر گفته میشود: و اختلف فی المراد بالاذان الاول فقل الاذان الاول باعتبار المشروعية وهو الذي بين يدي المنبر لانه الذي كان اولاً في زمنه عليه السلام وزمن ابي بكر وعمر حتى احدث عثمان الاذان الثاني على الزوراء حين كثر الناس والاصح انه الاول باعتبار الوقت (غنية المستملی فصل فی الجمعة ۵۱۹) باین خاطر کسی که پیش روی منبر اذان بگوید در اقامت حق اولیت دارد، والله اعلم. ظفر

(۲) اذان غلط که سنت به گن اداء نشود دوباره اعاده شود منلیکه اذان پسر غیر عاقل اعاده میشود، وصی غیر عاقل اذان اذن یجب دن یماد لعدم حصول المقصود الخ ولو قلم فی اذان واقامة شیتا علی محله يعود الی الترتیب ولا یستأنف غیبة المستملی: ص ۳۶۱. ظفر

(۳) به جواب دادن به کلمه اشهد آن محمد رسول الله در اذان به اشهد آن محمد رسول الله، صراحت شده حدیث مسلم است که پاک حضرت فرموده است اذا قال المؤذن الله اكبر، الله اكبر فقال احدهم الله اكبر، الله اكبر، ثم قال اشهد ان لا اله الا الذي، قلل: اشهد ان لا اله الا الذي، ثم قال اشهد ان محمد رسول الله، قال اشهد ان محمد رسول الله، الحديث. مشكوة باب فضل اذان واجابة المؤذن فصل اول البتة بعد از عزم اذان حکم درود خواندن است ارشاد بفری است اذا سمعتم المؤذن فقولوا مثل ما يقول ثم صلوا علی فانه من صلی علیه صلاة صلی الله بها عشرا الخ رواء مسلم ایضا والله اعلم. ظفر

(۴) و ینبی لئلا یخله تعاهد نعله وخفه و صلاته فیما الفضل (در مختار) قوله و صلاته فیما ای فی التعل والخف الظاهرین الفضل مخالفة للیهود و فی الحديث صلوا فی تعالکم ولا تشبهوا بالیهود رواء الطبرانی (رد المحتار مطلب فی احکام المسجد ص ۶۱۵ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۶۵۷) و تکیه نماز جائز شد پس اذان بدرجه اولی جائز است، والله اعلم. ظفر

(۵) و بکره اذان جنب واقامة واقامة محدث لا اذانه (المر المختار علی هامش رد المحتار باب الاذان ص ۴۰۷ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۳۹۲). ط.

سوال: (۱۸۰) اگر شخصی غیر مقلد برای نماز اقامت بگوید آیا در نماز کدام نقصان پیش

نمیشود؟ اگر شخص غیر مقلد بدون اجازه مؤذن اذان خطبه روز جمعه را به این طریق بگوید که در عرض دو کلمه صرف یک کلمه و در عرض چهار کلمه دو کلمه بگوید و بعداً مؤذن مقلد اذان گفت در این صورت در نماز احتناف کدام نقصان پیش شد یا نه؟

جواب: در این صورت در نماز احتناف کدام فرق و نقصان نیامد و شخص غیر مقلد که به اثر ضد با رسوم اذان گفت عمل بد کرد و او گناهکار شد از جهت اینکه در کار دین از ضد و نفسانیت کار میگیرد. فقط

سوال: (۱۸۱) اگر در اقامت وقت قیام شود ضرورت اعاده اقامت است یا نه؟ اگر بعد از

اقامت امام به خوردن نان مشغول شد یا با وقت زیاد به سخن مشغول شد در این صورت در وقت استاد شدن به جماعت اعاده اقامت ضرور است یا نه؟

جواب: از عبارت شامی معلوم میشود که در این صورت اقامت اعاده شود: لان تکرارها غیر مشروع اذا لم یقطعها قاطع من کلام کثیر و عمل کثیر ج ۱ ص ۳۷۲ و در این صورت گناه امام و گناه اقامت گریخته مساوی است که هر دو قصور نمودند و از وقت معین نماز مؤخر کردند و مؤذن بدون احضار امام اقامت گفته. ^(۱)

سوال: (۱۸۲) بدون اجازه امام متعین امامت و اذان جائز است یا نه؟ بدون اجازه امام

مسجد و مؤذن مسجد اذان کردن و امامت در همین مسجد جائز است یا نه؟

جواب: بدون اجازه امام و مؤذن مقرر شده اذان گفتن و امامت مکروه است و از این عمل اجتناب مناسب است. ^(۲)

(۱) صلی السنة بعد الاقامة او حضر الامام بعدها لا یبدها بزاز به و یبني ان طال الفصل او وجد ما بعد قاطعاً کاکل ان لعاد (در مختار) قلل فی اخر شرح المنية امام المؤذن ولم یصل الامام و کتمی الفجر بعلمها و لاتعاد الاقامة لان تکرارها غیر مشروع اذا لم یقطعها قاطع من کلام کثیر او عمل کثیر مما یقطع المجلس فی سجدة الصلاة اه (رد المحتار باب الاذان ج ۱ ص ۳۷۱ - ۳۷۲، ط. س. ج ۱: ص ۴۰۰). ظفر

(۲) قال رسول الله ﷺ لا یؤم الرجل فی سلطانه ولا یقعد فی بینه علی تکرمة الا یأذنه وراه مسلم (مشکوٰۃ باب الامامة) وصح عن ابن عمر ان امام المسجد مقدم علی غیر السلطان (الی قوله) ولا علی امام الحی و رب البیت الا بالاذن قاله الطیسی (مرقات جلد اول ص ۹۰) اقام غیره ای المؤذن ان اذن بینه ای المؤذن لا یکره مطلقاً وان بحضوره کره ان لحقه وحشة کما کره مشیه فی اقامته (در مختار) قوله ان لحقه وحشة ای بان لم یرض به و هذا احتیاط خواهر زاده و مشی علیه فی البرور و الخانیاة لکن فی الخلاصة ان لم یرض به بکره و یوجب الروایة انه لا یاس به مطلقاً آه قلت و به صرح الامام الطحاوی فی مجمع الآثار معزاً الی امتنا الثلاثة و قال فی البحر و بدل علیه اطلاق قول المجمع ولا تکرهها من غیره لما فی شرحه لابن ملک انه لو حفر ولم یرض بکره اتفاقاً، فیه نظر آه و کذا بدل علیه اطلاق الکافی معللاً بان کل واحد ذکر فلا یاس بان یاتی بکل واحد رجل اخر و لکن الافضل ان یكون المؤذن هو المقیم اه ای لعیدت من اذن فهو یتقیم و تمامه فی حاشیه نوح (رد المحتار، =

سوال: (۱۸۳) اذان صبح چی وقت گفته شود؟ بعض مردم به چهار بجہ صبح اذان میکنند اذان صبح در کدام وقت مناسب است؟

جواب: وقت اذان صبح بعد از طلوع صبح صادق، ضرور میشود در این زمان صبح صادق پنج بجہ میشود پیش از این اذان دادن جائز نیست و اگر پیش از دخول وقت اذان گفته شود اعاده آن لازم است در الدرالمختار گفته: فیعاد اذان وقع قبله ^(۱) الخ ص ۴۰۰ جلد اول شامی در الدر المختار نیز آمده: وانما يستحق ثواب المؤذن اذا كان عالما بالسنة والاقوات ^(۲) یعنی ثواب اذان در آن وقت حاصل میشود کہ بخواهد اذان را به طریقہ سنت بگوید و وقت را بشناسد. فقط

سوال: (۱۸۴) (۱) اذان بدون ترجیع بهتر است: اذان بدون ترجیع بهتر است یا با ترجیع؟

سوال: (۱۸۵) (۲) حدیث سنن ابی داود کہ در روز جمعہ اذان دوم بہ دروازہ مسجد در آن ثبت شدہ آن حدیث صحیح است یا ضعیف یا چہ درجہ دارد؟

جواب: (۱) بہ نزد احناف در اذان ترجیع نیست در الدر المختار فرمودہ است کہ ترجیع مکروہ است: ولا ترجیع فانه مکروہ ملقی، شامی فرمودہ: کہ مراد از آن مکروہ تنزیہی است و این قسم نیز در شامی آمدہ: لاتفاق الروایات علی ان بلالا لم یکن یرجع وما قبل انه رجع لم یصح او لانه لیس فی اذان الملک النازل من السماء بجمع طرقہ ^(۳) الخ.

جواب: (۲) اذان دوم روز جمعہ در نزدیک منبر پیش روی خطیب مسنون است در الدر المختار ذکر شدہ: ویؤذن ثانیاً بین یدیه ای الخطیب الخ اذا جلس علی المنبر قوله: ویؤذن ثانیاً بین یدیه ^(۴) الخ ای علی سبیل السنۃ ^(۵) پس برای احناف برای مقلدین بہ آن تحقیقات ضرورت نمیباشد موافق کتابہای فقہ عمل کردن مناسب است.

سوال: (۱۸۶) جواب اذان خطیب: علماء این ومفتیان شریعت چہ میفرمایند کہ آیا جواب دادن اذان خطیبہ جائز است یا نہ؟

= باب الاذان جلد اول ص ۳۹۷، ط.س. ج ۱ ص ۳۹۵. ظفر

(۱) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الاذان جلد اول ص ۳۵۸، ط.س. ج ۱ ص ۳۸۵. ظفر

(۲) ایضا ص ۳۹۶ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۳۹۲. ظفر

(۳) ردالمحتار ج ۱ ص ۳۵۹، ط.س. ج ۱ ص ۳۸۶، باب الاذان مع ہاشمہ. ظفر

(۴) الدر المختار علی هامش ردالمحتار ج ۱ ص ۷۷۰، ط.س. ج ۲ ص ۱۶۱ باب الجمعة. ظفر

(۵) ردالمحتار باب الجمعة جلد اول ص ۷۷۰. ظفر

جواب: جائز نیست کما فی الدر المختار وینفی ان لایجب بلسانه اتفاقا فی الاذان بین یدی الخطیب. ^(۱) فقط والله اعلم

سوال: (۱۸۷) برای خبر کردن اهل نماز در مسجد نفازه زدن چی حکم دارد؟ برای احضار اهل نماز نفازه زدن در مسجد چه حکم دارد؟

جواب: اذان بگوید ^(۲) نفازه برای احضار مردم در داخل مسجد جائز نیست.

سوال: (۱۸۸) به شنیدن کلمه محمد رسول الله بوسه کردن انگشت کوچک چه حکم دارد؟ به شنیدن کلمه اشهد ان محمدا رسول الله گفتن قره عینی بک یا رسول الله و بوسه کردن انگشت و مالیدن انگشتان به چشم چه حکم دارد؟

جواب: بعضی فقهاء نوشته اند که به شنیدن اشهد ان محمدا رسول الله، یا رسول الله قره عینی بک، مستحب است و بعضی روایات را نیز در این باره نقل کرده اند که ثابت نیست و از قول و فعل رسول الله ﷺ و قول و فعل اصحاب این عمل ثابت نشده لهذا ترک این عمل احوط است، در وقت اذان که کدام کلمات از روایات احادیث منقول است عمل کردن به همان کلمات مناسب است و احداث دردین نکند فقط این جواب صحیح است به متعلق این سوال خود را با این نکته هم بفهمانند که بعضی احادیث موقوفه نیز در این باب آمده است قطع نظر از صحت اسناد آن را این جا دو سخن قابل لحاظ است یک سخن این است که در این روایات این عمل یعنی بوسه کردن انگشتان و گفتن کلمه قره عینی بک یا رسول الله بطور علاج و حفاظت از درد چشم آمده است که در کار نبوی ممنوع است در این هیچ ثواب، فضیلت و غیره نیست حالا مردم نیز به گمان اینکه این یک عمل دینی و قابل ثواب و تعظیم است عملی میکنند و علاج و تدایوی بدنی را عبادت گفتن بدعت است از این جهت عملی کردن این سلسله به اعتقاد عبادت بدعت میباشد دوم اینکه التزام و مواظبت آن در عمل و عقیده و تارک این عمل و عقیده را مطعون و ملامت میدانند. ^(۳) فقط کعبه مولانا محمد اشرف علی تھانوی مد ظله.

سوال: (۱۸۹) عدد از اذان آواز کردن به مقتدیان چه حکم دارد؟ در این عصر و زمان حالت

(۱) الدر المختار مجتبی، باب الاذان جلد اول ص ۳۶۵، ط.س. ج ۱ ص ۳۹۹. ظفر

(۲) لان الاذان من اعلام الدین، کبیری ص ۳۵۷. ظفر

(۳) ولی الشامی ص ۲۹۳ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۳۹۸، يستحب ان یقال عند سماع الاولی من الشهادۃ صلی الله علیک یا رسول الله و عند الثانیۃ قره عینی بک یا رسول الله الی قوله و ذکر ذلک الجراحی و اطال ثم قال ولم یصح فی المرفوع من کل هذا شیء الخ. معر سبیل الریس

عوام بسیار خراب است اگر امام انتظار آنها را نکند بسیار تکلیف میدهند اگر امام جماعت بکند و بعض مردم از جماعت بماند به امام سخت تکلیف میدهند در این صورت یک طالب علم گفت که تثویب طریقه مسنونه است، در وقت نماز که تمام مقتدیان حاضر شود در این وقت امام خواسته میشود و این طریقه جاری شده علما متأخرین است که بعد از اذان و پیش از اقامه به مناره مسجد بالا میشود و به مقتدیان اواز میکند و این هم ثابت است که حضرت بلال رضی الله عنه در بین اذان واقامت رسول الله را به مسجد و جماعت دعوت می نمود: ان بلال کان یجیء بباب النبی ﷺ بین الاذانین ویؤذنه بالصلاة در این قسمت به ما قول فیصل تحریر فرمائید؟

جواب: در الدر المختار ذکر شده: و یثوب بین الاذان والاقامة فی الكل للكل "در المختار" قوله فی الكل ای کل الصلاة لظهور التواني فی الامور الدينية قال فی العناية احدث المتأخرون التثویب بین الاذان والاقامة علی حسب ما تعارفوه فی جمیع الصلاة سوى المغرب مع ابقاء الاول یعنی الاصل وهو تثویب الفجر وما رآه المسلمون حسنا فهو عند الله حسن شامی قوله للكل ای کل واحد وخصه ابو یوسف بمن یشغله بمصالح العامة كالقاضي والمفتي والمدرس واختاره قاضي وغيره نهر ^(۱) از این عبارت معلوم شد که تثویب از احداث متأخرین است، و امام ابو یوسف تثویب را برای قاضی و مفتی مخصوص کرده است پس اجتناب از این عمل بهتر است و اگر کدام ضرورت خاص باشد در آن وقت جائز است.

سوال: (۱۹۰) اذان پسر دوازده ساله جائز است یا نه؟ اگر پسر دوازده ساله اذان بگوید کدام حرج است یا نه؟

جواب: هیچ حرج نیست. ^(۲) فقط والله اعلم

سوال: (۱۹۱) برای نماز جمعه اواز کردن مؤذن ثابت است یا نه؟ برای سنت روز جمعه در مساجد منطقه گجرات صلاة سنت قبل الجمعة را همیشه به آواز بلند میگوید و بدون این اواز سنت قبل الجمعة را مردم نمیخوانند و برای این نماز قبلا مردم در مسجد جمع میشوند و انتظار میکنند تا اینکه مؤذن این صلاة را بگوید و قتیکه مؤذن این اواز بلند کند که الصلاة قبل الجمعة

(۱) مطالعه کنید: ردالمحتار باب الاذان ص ۳۹۱ - ۳۹۲ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۳۸۹. ظفیر

(۲) و يجوز بلاکراهة اذان منی مراقه (در مختار) المراد به المائل وان لم يراقه كما هو ظاهر البحر وغيره وقيل بکراهة لکنه خلاف ظاهر الرواية كما فی الامداد وغيره اهـ (ردالمحتار باب الاذان ص ۳۶۳ - ۳۶۴، ط.س. ج ۱ ص ۳۹۱). ظفیر

بعد از آن مردم و ابتداء این صلاة سنت از کجا شروع شده است؟ و اگر این صلاة سنت قبل الجمعه گفته نشود و سنت جمعه را بخوانند آیا سنت جمعه صحیح میشود در این صورت این اشخاص نجدی، وهابی میشوند یا نه؟ آیا از مذهب حنفی و اسلام خارج میشوند یا نه؟ و بی ایمان و دین میشوند یا نه؟ آیا توبیخ که فقهاء آن را مستحسن گفته است صرف برای نماز فرض مخصوص است یا برای سنت قبل الجمعه هم مستحسن است آیا صلاة مذکوره در شریعت محمدی ثابت است؟ از کتابهای معتبر حنفی ثبوت صلاة مذکور با دلایل شرعی و نقل اصل عبارت و نام کتابهای مستند و نام مصنف کتاب و غیره را بطور واضح به ما تحریر و اجر عظیم را حاصل نمایند.

جواب: برای دعوت صلاة سنت قبل الجمعه هیچ ضرورت نیست بلکه بعد از زوال و قتیکه اذان اول جمعه گفته شود برای نماز گذاران مناسب است که خود شان صلاة قبل الجمعه را اداء کنند بدون اینکه اواز برای شان کرده شود سنت شان اداء میشود و به ترک این اواز و یا به سنت خواندن پیش از این اواز هیچ غیر مقلد میشود و این خیالات و افکار جاهلان است و توبیخ که بعضی فقهاء^(۱) در بعضی نمازها برای بعضی اشخاص آن را مستحب گفته^(۲) خاص برای فرائض بود متروک شده از اینکه خلاف سنت است و اصحاب^(۳) کرام از آن انکار کرده اند^(۴) فقط کتب عزیز الرحمن عفی عنه مفتی مدرسه عالیہ دیوبند.

سوال: (۱۹۲) در وقت اذان انداختن انگشتان خاص برای اذان مسجد است و یا برای هر اذان؟ داخل کردن دو انگشتان سبابه در گوشها مخصوص اذان مسجد است و یا در همه اذانهای بدون مسجد هم مستحب است؟

جواب: برای همه اذانهای مستحب است کما هو مفاد الاطلاق. ^(۱) فقط

(۱) یعنی من المعاصرين كما في الهداية وغيرها و الا فالمتقدمون من الفقهاء الحنفية منعوا عنه كما في كتب الفقه والفاضل الكسوي فيه رسالة مستطلة (المحقق العجيب في التوبيع) فراجعها. ظهير

(۲) کتبی و ابن عمر رضی الله عنهم کما في كتب الحديث. ظهير

(۳) و التوبيع في الفجر حي على الصلوة حي على الفلاح بين الاذان والاقامة حسن لانه وقت نوم وغفلة وكره في سائر الصلوات ومعناه المرد الى الاعلام وهو على حسب متعارفه هذا توبيع احده علماء الكوفة بعد عهد الصحابة لتفير احوال الناس الخ و المتأخرون استحسنوه في الصلوة كلها لظهور التواني في الامور الجنبية وقلل ابويوسف لا ارى بأسا ان يقول المردن الخ واستعمده محمد لان الناس سواسية في امر الجماعة الخ (هداية، باب الاذان ص ۸۴ ج ۱). ظهير

(۴) و جعل لها اصبعه في صماخ اذنيه فاذا نه بدونه حسن و به احسن (در مختار) لقوله ﴿لَبَّ لَبَّ﴾ لبلا (جمل اصبعك في اذنيه فانه ارفع =

سوال: (۱۹۳) (۱) برای نماز قضائی حکم اذان واقامت چیست، آیا زن و مرد در حکم

اذان واقامت یک تفاوت دارند یا نه؟ برای نماز قضائی اذان واقامت ضرور است و یا نه؟ در این حکم زن و مرد چه فرق دارند یا نه؟

سوال: (۱۹۴) (۲) برای نماز در خانه و دوکان و جنگل اذان گفته شود و یا نه؟ اگر کسی

نماز پنجگانه را در دوکان یا خانه یا جنگل میخواند اذان واقامت بگوید یا نه؟

جواب: (۱) اگر نماز قضائی را در بیرون مسجد به جماعت میخوانند در این صورت اذان واقامت بگویند و نماز قضائی را در مسجد میخوانند در این صورت اذان واقامت را نگویند و برای زنان اذان واقامت نیست. (۱)

جواب: (۲) اگر در جنگل، خانه و یا دوکان نماز قضائی را به جماعت میخوانند اذان واقامت بگویند برای تنها گذار ضرور نیست اگر بگوید کدام حرج نیست.

سوال: (۱۹۵) پیش از اذان دوم استووا رحمکم الله چه دارد؟ پیش از اذان خطبه استووا رحمکم الله چه حکم دارد؟

جواب: به گفتن این کلمات کدام ضرورت نیست و اگر امام در وقت تکبیر تحریمه این کلمات را بگوید باک ندارد.

سوال: (۱۹۶) در وقت اذان سلام دادن به مؤذن و شنونده چه حکم دارد؟ در حالت اذان برای مؤذن و شنونده اذان سلام داد چه حکم دارد؟

جواب: در حالت اذان برای مؤذن سلام دادن مکروه است و جواب سلام بر مؤذن لازم نیست اگر در حالت اذان بدون مؤذن برای کسی دیگری سلام داده شود مکروه نیست کما فی الشامی فی جلد اول: و حاصلها انه یأثم بالسلام علی المشغولین بالخطبة الخ او الاذان والاقامة (۲) فقط و هكذا فی الکبیری للعلامة الحلبي: ص ۳۶۳ قال وفي التجنيس لا يكره الكلام عند الاذان بالاجماع

= لصریح (رد المحتار، باب الاذان ج ۱ ص ۳۶۰، ط.س. ج ۱ ص ۳۸۸). غیر

(۱) وفي العالمگیری ج ۱، باب الاذان: والضابطه عندنا ان كل فرض اداء كان او قضاء يؤذن له ويقام سواء اذاه منفردا او بجماعة الا الظهر يوم الجمعة في المصر الخ وان قضاها بعد الوقت قضاها في غير ذلك المسجد باذان واقامة الخ وليس على النساء اذان ولا اقامة وفي الشامی ص ۴۰۵ لو: ذن لنفسه عافت الخ وفيه لا (يسن) فيما يقضى من الفوات في مسجد الخ ص ۴۰۹ بخلاف مصل ولو بجماعة في بيته بمصر او بقرية لها مسجد فلا يكره تركهما اذ اذان الحي يكتفي لان اذان المحلة واقامتها اذانه واقامته الخ وفيه ص ۵۹۰ تكره تحريما جماعة النساء. ط

(۲) رد المحتار باب ما يفسد الصلوة مطلب الموضع التي لا يجب فيها رد السلام ص ۵۷۷ ج ۱. ط.س. ج ۱ ص ۶۱۸. غیر

الخ. جمیل الرحمن

سوال: (۱۹۷) بعد از شروع اذان رفتن برای قضاء حاجت خورد وکلان چه حکم دارد؟

بعد از شروع اذان رفتن به قضاء حاجت خورد وکلان جائز است یا نه یا وقتی که اذان شود بعد ازین برود و اگر بول به شدت اورا گرفته باشد چه حکم است؟

جواب: اگر زیاد ضرور باشد فوراً حاجت خود را رفع کند انتظار ختم اذان را نکند و اگر ضرورت بسیار شدید نبود بهتر است که بعد از ختم اذان به قضاء حاجت برود. ^(۱)

الباب الثالث في شروط الصلاة

فصل اول در بیان طهارت

سوال: (۱۹۸) اگر استخوان باخه یا کجور در کدام حصه بدن خود محکم کند نماز با

آن چه حکم دارد؟ اگر استخوان کجور را به کدام حصه بدن خود محکم کند نماز خواند با آن جواز دارد یا نه؟

جواب: سخن واضح این است که نماز با آن جواز دارد زیرا که استخوان او پاک است اگر چه گوشت او حلال نیست.

سوال: (۱۹۹) به کدام گاهیکه جانور مأکول اللحم ویا سرگین کند نماز کردن بر آن

جائز است و یا نه؟ اگر گاو و گاو میش و غیره حیوانات مأکول اللحم در وقت خرمن کوبی و غیره بر گیاه قطعه شده بول و سرگین کند در این صورت نماز خواندن بر آن جائز است یا نه؟

جواب: صورت پاک شدن آن را فقهاء چنین نوشته اند که یک حصه آن یعنی گندم، جو، شالی و غیره از آن جدا شود در این صورت هر دو حصه پاک میشود، یعنی کدام حصه که جدا و یا کدام حصه که باقی مانده هر دو حصه پاک میشود در الذر المختار ذکر شده: لو بال حمر خصها لتغلیظ بولها اتفاقاً علی نحو حنطة تدوسها فقسّم او غسل بعضه اودهب بهیه او اکل او بیع کما مر حیث یظهر الباقی وکذا الذاهب ولاحتمال وقوع التمسّس فی کل طرف کمسالة الثوب. ^(۲)

سوال: (۲۰۰) بعد از مالشی قبل ناپاک نماز کردن جائز است یا نه؟ مدت ده ماه میشود که

(۱) ویند البیام عند سماع الاذان بترایه (ردالمحتار) قال الشارح لم اراه فیها فلتراجع نسخة اخرى نعم رایت فیها سمع وهو یبشی فلا یقتل ان یلف للاجابة لیكون فی مکان واحد (ردالمحتار باب الاذان ج ۱ ص ۳۶۹، ط.س. ج ۱ ص ۳۹۷). جمیل الرحمن

(۲) شعر المیة الخ وعظمها الخ وکذا کل ما یتاحله الحیاة الخ طاهر (باب المیاه ص ۱۹۰ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۲۰۶ الدر المختار علی هامش و ردالمحتار). ظفر

زید برای تقویه باه یعنی تقویه قوت منی به روغن بیر بهوتی خود را مالش میکند وبدون شستن آن نمازهای پنجگانه را میخواند آیا نمازش جائز است یا نه؟ واگر جائز نباشد اعاده نمازهای ده ماهه بر او واجب است یا نه؟ آیا تدایي بالحرام جائز است وحشرات زمینی هم این حکم شامل است یا نه؟

جواب: تدایي بالحرام در وقت ضرورت بنا بر شرائط جائز است کما فی الشامی بجوز للعلیل شرب البول والدم والمیتة للتداوي اذا اخبره طبيب مسلم ان فيه شفاء ولم يجد من المباح مايقوم مقامه ^(۱) الخ، ودر تدایي بالحرام حشرات زمینی هم شامل است لقوله تعالى: ويحرم عليهم الخبائث، وهمن آیه مبارکه دلیل بر حرام بودن حشرات است نجس بودن وعدم نجاست این حشرات موقوف به خون جاری شونده وعدم خون سائل وجاری شونده انها است نظر به این قاعده کلیه اگر در بیر بهوتی خون سائل باشد بعد از مرگش نجس است وتیل آن نجس است بعد از شستن آن نماز مناسب است وکدام نمازها که بدون شستن آن شده باشد اعاده آن لازم است واین مسائل در کتابهای فقه مفصل ذکر شده.

سوال: (۲۰۱) در لتهائی بازاری وململ نماز جائز است ویانه؟ در لتهائیکه در بازار آن را میخریم ویا در ململ نماز کردن جائز است یانه؟

جواب: در این لباسها نماز جائز است. ^(۲)

سوال: (۲۰۲) آیا در رطوبت کم از درهم نماز صحیح است؟ اگر بعد از جماع فوراً ازار بسته شود همراه آن ازار نماز جائز است یانه؟

سوال: (۲۰۳) (۲) در لباسیکه مذی رسیده باشد نماز در آن جائز است یانه؟ بکدام لباس که مذی برسد نماز در آن جائز است یانه؟

جواب: (۱) اگر طوبت از مقدار درهم زیاد نباشد در این صورت ازار پاک و نماز در آن جائز است مگر شستن مقدار درهم نیز ضرور است چرا که باقی ماندن آن در ازار مکروه است. ^(۳)

(۱) المصنف المختار علی هامش ردالمحتار باب الانجاس ج ۳ ص ۳۰۲، ط.س. ج ۱ ص ۳۰۸، ظفر

(۲) زیرا که این لباسها پاک است وپوشیدنش جائز است: ولو شک فی نجاسة ماء اولوب الخ لم یعتبر، ردالمحتار، من شک فی اناته اولوبه اصابه نجاسة اولاهو طاهر ما یلم یتفق الخ وکذا ما یبذره اهل الشرک او الجهلة من المسلمین کالسمین والخیز والاطعمة واللباب (رد المحتار کتاب الطهارة قبل ایحاث الغسل. ج ۱ ص ۱۴۰) وقاعده مسلم فقهاء هم است که یقین به شک کردن زائل نمیشود، الاشیاء والظائر ج ۷ ص ۷۵، ظفر

جواب: (۲) مذی نجس است بکدام لباس کہ برسد نجس میشود نماز خواندن در آن لباس جائز نیست^(۱) و درمذی نیز مقدار درهم معاف است مگر شستن آن ضرور است در در المختار ذکر شده: وعفی الشارع عن قدر درهم وان کره تحريما فيجب غسله وما دونه تنزيها فيسن غسله.^(۲) فقط

سوال: (۲۰۴) نماز بر سر بروز: در روزهاي زمستان اکثر مردم درمساجد روي زمين مسجد را به بروز، کبل گياه وغيره فرش میکنند آیا نص زیر بر آن جائز است؟
جواب: اگر پاک باشد نماز بر آن جائز است.^(۳) فقط

سوال: (۲۰۵) به بورائی ساخت چمیاران نماز کردن جائز است یا نه؟ در این عصر وزمان که کدام بوریاها و غیره را چمیاران برای صفوف نماز میسازند نظافت را در آن مراعات نمیکنند آیا پیش از شستن نماز به آن جائز است؟

جواب: همان بوریاها و صفوف پاک است نماز بر آن جواز دارد و شک کردن مناسب نیست، چرا که یقین به شک زائل نمیشود فقط ولو فی نجاسة ماء او ثوب الخ لم يعتبر (الدرا المختار) من شک فی اناثه او ثوبه او بدنه اصابت نجاسة اولاً فهو طاهر الخ وکذا ما يتخذ اهل الشرک او الجهلة من المسلمين کالسمن والخبز والاطعمة والثياب. رد المحتار کتاب الطهارة قبیل اباحت الفسل.

سوال: (۲۰۶) اگر دریشی پوشیده باشد نماز در آن جائز است یا نه؟ آیا و تکیه پتلون و کورتی دریدن نماز در آن جائز است یا نه؟

جواب: اگر این لباس پاک باشد نماز در آن جائز است^(۴) مگر پوشیدن آن از این جهت ممنوع

(۳) وعفی الشارع عن قدر درهم وان کره تحريما فيجب غسله وما دونه تنزيها فيسن غسله وقوله يبطل لغيره (درمختار) قوله وان کره تحريما اشارة الى العفو عنه بالنسبة الى صحة الصلاة به فلا ينافي الاثم الخ لکن قال بعده والقرب ان غسل الدرهم وما دونه مسح مع العلم به والقدره علی غسله لفرکه حینئذ خلاف الاولی نعم الدرهم غسله أكد الخ ففي المحيط بکرة ان یصلي ومعه قدر درهم او دونه من النجاسة عالما به الخ : ردالمحتار باب الانجاس ص ۲۹۹ - ۲۹۲، ط.س. ج ۱ ص ۳۱۶. ظفر

(۱) کل ما یخرج من بدن الانسان مما یوجب خروجه الوضوء او الفسل فهو مغلف کالغائط والبول والنسی والمذی والودی والقیح والصدید (عالمگیری کشوری باب سابع فصل ثانی ص ۴۴). ظفر

(۲) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الانجاس ص ۲۹۱ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۳۱۶. ظفر

(۳) ثم الشرط لعل العلامة اللازمة وشرعا یعرف علیه الشیء ولا یدخل فيه می سنة طهارة بدنه الخ وثوبه الخ ومكانه الخ (الدرا المختار علی هامش ردالمحتار باب شروط الصلوة ص ۳۷۳ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۴۰۲). ظفر

(۴) طهارة بدنه الخ ولوبه (درمختار) اراد مالا یس بدن الداخل للصلوة والخف (ردالمحتار، باب شروط الصلوة ص ۳۷۳ ج ۱، ط.س. =

است کہ تشبیه به یہود مایید و این مشابہت ممنوع است. فقط

سوال: (۲۰۷) اگر به تیل حشرات زمینی خود را چوب کند نمازش جائز است یا نه؟ اگر به تیل جونک جھیلی یا روغن مورچہ صحرائی، یا روغن خراطین، برساتی، یا روغن بیر بهوتی کسی خود را چوب کند شرعا جائز است یا نه؟ و مانع نماز است یا نه؟ آیا تیل و روغن این حشرات و حیوانات نجاست مغلظہ است یا خفیفہ؟

جواب: تیل این حشرات و جانوران نجاست مغلظہ است استعمال جواز ندارد ^(۱) البتہ اگر بہ حسب ضرورت طیب حاذق مسلمان آن را تجویز کند و در ادویہ حلال بدیل آن دریافت نگردد در این صورت استعمال آن جائز است ^(۲) چونکہ نجاست مغلظہ است لہذا مقدار یک درہم معاف و نماز با آن جائز است مگر شستن آن بہتر است و اگر از یک درہم زیاد باشد شستن آن واجب است اگر نشستہ نشود نماز با آن جواز ندارد در الدر المختار ذکر شدہ و عفی الشارح عن قدر درہم ^(۳) الخ. فقط

سوال: (۲۰۸) در غسل خانہ نماز جائز است یا نہ؟ در حمام نماز جائز است یا نہ؟

جواب: در حمام نظر بہ دو علت نماز مکروہ است اول اینکہ حمام جانی ازالہ ناپاکی است دوم اینکہ حمام خانہ شیطاں است: قال العلامة نجم الدین الطرسوسی فی منظومۃ الفوائد فقال:

عن الصلاة في بقاع تعتبر

نهي الرسول احمد خير البشر

مزيله طريق ثم مجزوة

معائن الجمال ثم مقبره

والحمد لله على الطعام ^(۱) فقط

ولفوق بيت الله والحمام

سوال: (۲۰۹) بدون قول مفتی بہ حکم نماز بغیر غسل: از بسیار مدت یک مسئلہ پیش آمد و بہ هیچ قسم حل نشد من امید دارم کہ جناب آن را ضرور بالضرور حل خواہد کرد حالا من کمی عبارت فتاویٰ عالمگیری رانقل مینمایم کہ صورت سوال با آن واضح خواہد شد عبارت

= ج ۱ ص ۴۰۲). طبر

(۱) ولا یحل ذوات الخ ولا الحشرات هي معار دواب الارض (الدر المختار علی هامش رد المحتار باب الذبائح جلد ہفتم ص ۳۶۵، ط.س.

ج ۱ ص ۳۰۴). طبر

(۲) وقيل يرضى اذا علم فيه الشفاء ولم يعلم دواء اخر كما رخص الحمر للعطشان وعلیه الفتوى (الدر المختار علی هامش رد المحتار باب

المياه مغلق في التداوي بالمحرم ج ۱ ص ۱۹۴). طبر

(۳) طهارة بدن برای نماز گذار شرط است. و طهارة بدنہ (الدر المختار علی هامش رد المحتار باب شروط الصلاة ج ۱ ص ۳۷۳) طبر

^۴ علی هامش رد المحتار کتاب الصلوة جلد اول ص ۳۵۲. طبر

فتاویٰ مذکور ذیلاً تحریر شده یک نفر احتلام شد یا بطرف یک زن نظر کرد و منی او از جای خود به شهوت جدا شد بعد ذکر خود را محکم گرفت تا اینکه شهوت او ساکن و متوقف شد بعداً منی او از جاری شد در این صورت به نزد امام ابوحنیفه و امام محمد غسل واجب است، و به نزد امام ابو یوسف غسل واجب نمیشود، این مسئله در خلاصه درج است، حالا صورت مسئله این است که یک شخص احتلام شد و منی او به شهوت از جای خود جدا شد مگر او ذکر خود را محکم گرفت تا اینکه شهوت او آرام و سرد شد و بعداً منی جاری گردید چونکه شخص مذکور میلان است که در این صورت غسل واجب نمیشود از این جهت غسل نمیکرد و بدون غسل نمازها را اداء میکرد چندین مراتب این مسئله باو پیش آمد مگر غسل نکرد و این عمل را صرف به غلط فهمی از او سرزد شد چونکه حالا دانست که من سخت غلطی کرده ام بسیار پشیمان است حالا دریافت طلب این سخن است که نمازهای این شخص که درحالت مذکوره اداء شده صحیح است یا نه؟ اگر نمازهای اوصحیح نشده باشد صورت اداء آن چه خواهد بود و این شخص در این قسم عمل خود بکدام درجه گناهکار است؟

جواب: چونکه در این مسئله امام ابو یوسف اختلاف کرده و اکثر مشائخ احناف قول ابو یوسف را مفتی به گفته اگر چه محققین با این نظر موافق نیستند باز هم چونکه شخص مذکور از قول مختار و بهتر خبر نبود و با این عمل خود هم پشیمان است، و در نفس مسئله یک اندازه گنجایش هم است از این جهت از الله تعالی امید عفو است و نمازهای قبلی او که درحالت مذکوره ادا نموده از نظر به اختلاف ائمه و اختلاف علماء مرجحین، قول قاضی خان رحمۃ الله علیه این است و یؤخذ بقول ابی یوسف فی صلاة ماضیه فلا تعاد و فی مستقبله لا یصلی ما لم یغتسل آه رد المحتار^(۱) ص ۱۱۹ جلد اول مگر باز هم احتیاط در آن است که نمازهای قبلی را اعاده کند چرا که به نزد علماء محققین قول امام ابو حنیفه و قول امام محمد مختار است^(۲) چرا که در قول امام اعظم صاحب، و قول امام محمد اعاده نمازهای قبلی واجب است. والله اعلم بالصواب

سوال: (۲۱۰) در لباسی داغ شده نماز خواندن چه قسم است؟ در ازارم داغ برایم معلوم

(۱) رد المحتار ابواب الفسل جلد اول ص ۱۴۹، ط.س. ج ۱ ص ۱۶۱، ظفر

(۲) و لفرض الفسل عند خروج منی من الفضو والا فلا یفرض الاغلا الخ منفصل عن مقوله الخ بشهوة الخ ولانه لیس بشرط عندهما خلاصاً للثانی. و بقوله یفنی الخ (رد مختار) لکن اکثر الکتاب علی خلافه حتی البحر والهر ولا سیما قد ذکرُوا ان قوله قیاس و قولهما استحسان و انه الاحوط لیهنی الاثبات بقوله فی مواضع الضرورة فقط (رد المحتار ابواب الفسل ص ۱۴۸ - ۱۴۹ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۱۵۹)، ظفر

میشود و خواب دریادم نمی آید و من دوکان تمباکو دارم امکان دارد که داغ تمباکو بازارم رسیده باشد و در این لباس داغ دار مکمل یک هفته نماز خواندم و این داغ را بعد از یک هفته در آن وقت دیدم که برای نماز جمعه لباس خود را بدل می کردم بعد از آن غسل کردم و لباس خود را تبدیل نمودم در این صورت نمازهای یک هفته را که در لباس داغی اداء کرده ام صحیح است یا نه؟
جواب: اگر یقین داشت که این داغ منی است در این صورت بعد از دیدن داغ آن نمازها را که بعد از خواب آخری خوانده است اعاده نماید مثلاً شب خواب شد و بعد از آن در روز پیش از پیشین داغ را مشاهده کرد نماز صبح را اعاده کند و اگر داغ را بعد از نماز پیشین مشاهده کرد نماز پیشین را نیز اعاده کند و اگر در منی بودن آن شک بود که شاید داغ چیزی دیگری باشد در این صورت اعاده هیچ کدام نماز لازم نیست.^(۱)

سوال: (۲۱۱) در لباس ناپاک نماز جائز نیست: در بغل فاطمه طفل شیر خواره است از این جهت لباس او دائماً ناپاک می باشد پس در این حالت فاطمه در لباس ناپاک نماز کرده می تواند یا نه؟
جواب: لباس پاک را بپوشد یا لباس ناپاک را بشوید و نماز خواند در لباس ناپاک نماز جائز نیست.^(۲) فقط

سوال: (۲۱۲) استعمال جای نماز ساخت زندانیان درست است یا نه؟ جای نمازیکه بدست زندانیان ساخته و تهیه شده نماز بر آن جائز است یا نه؟
جواب: جائز است.^(۳) فقط

سوال: (۲۱۳) در لباس نو نماز جائز است یا نه؟ در لباس جدید که آب به او نرسیده باشد نماز جائز است یا نه؟

(۱) فرض العسل الخ عند رؤية مسيطر الخ صيا و مذي وان لم يذكر الاحتلام الا اذا علم انه مذي او شك انه مذي او ودي او كان ذكره متضررا قبل التوم فلا غسل عليه الخ او يقرن انه مذي او تذكر حلما فعليه العسل (الدر المختار على هامش رد المحتار ابحاث الفسل ص ۱۵۲ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۱۵۰ - ۱۶۳). ظهير

(۲) لم الشرط الخ شرعا ما يتوقف عليه الشيء ولا بدخل فيه هي ستة طهارة بدهنه اي جسده الخ وتوبه (الدر المختار على هامش رد المحتار، باب شروط الصلوة ص ۳۷۳ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۴۰۲). ظهير

(۳) از جهت اینکه پاک است (البقيين لا يزول بالشك الاشياء والنظائر ص ۷۵) لباسیکه بدست غیر مسلم یا مسلمان جاهل ساخته شده باشد پاک است و چیزی دیگری را که ساخته باشد هم پاک است باز در این اصل هم شامل است که در ناپاکی کدام چیز شک باشد یا این شک اعتداد داده نمیشود، ولو شک فی نجاسة ماء او ثوب الخ لم يعتبر وتماه فی الاشياء (الدر المختار) فی التارخاية من شك فی ائانه او توبه او بدهنه اصابتة نجاسة الا لو طهر الخ وكذا ما يتعذه اهل الشرك او الجهلة من المسلمين كالسوس والحيز والاطعمة والالباب آه (ملخصا رد المحتار قبل ابحاث الفسل ج ۱ ص ۱۴). ظهير

جواب: در لباس جدید نماز جائز است چرا که این لباس پاک است در این سلسله برای شک هیچ اعتبار نیست در الدر المختار ذکر شده: ولو شک فی نجاسة ماء او ثوب الخ لم يعتبر شامی ج ۱ ص ۱۴۰.

سوال: (۲۱۴) لباس ناباک پشمن بدون شستن پاک نمیشود و نه در این قسم لباس نماز جائز است: اگر به لباس پشمن سرگین و امثال آن برسد و بعدا خشک شود و خودش بشارد و یا به شامه و یا امثال آن تر شود و خشک شود بدون شستن در این لباس نماز جائز است یا نه؟
جواب: این لباس بدون شستن پاک نخواهد شد و این لباس پشمن سه بار شسته شود. ^(۱) فقط (و تا وقتی که شسته نشود پاک نمیشود و نماز به آن جائز نیست. ظفری)

سوال: (۲۱۵) کسی که بعد از وضوء پای لوج به زمین بگردد بدون شستن پای نماز اوجائز است؟ اگر کسی بعد از وضوء یک میل یا دومیل یا کم وزیاد پیاده بگردد و بعدا برای شستن پای خود آب را پیدا نکند آیا بعد از تکان دادن پاها نمازش جائز خواهد بود یا نه؟
جواب: در این صورت که پاهای خود را تکان دهد و خوب صفا کند نماز اوجائز خواهد شد. ^(۲)
سوال: (۲۱۶) اگر بدون استنجاء وضوء کند نماز اوجائز است یا نه؟ کسیکه بعد از بول خورد یا کلان استنجاء نکرد تنها وضوء نمود و نماز را اداء کرد بعد از آن دریاداش آمد که استنجاء نکرده آیا نماز او صحیح شده یا نه؟ یا بعد از وضوء در یادش آمد بعد از آن استنجاء بکند یا نه؟

جواب: اگر به کلوخ استنجاء کرده بود و نجاست از مخرج بقدر درهم تجاوز نکرده بود درین صورت بدون استنجاء آب نماز او صحیح شده. ^(۳) فقط

(۱) و از آنها ان كانت مرتبة بازالة عنها والره ان كانت شيئا يزول الره الخ وان كانت غير مرتبة يسهلها لث مرات ويشترط العصر في كل مرة فيما ينصير الخ و عالمگیری كشوري كتاب الطهارة باب ما يوجب غسل اول في تطهير الانجاس ص ۴۰ ج ۱، ط. ماجدة ج ۱ ص ۴۱. طفری
(۲) و طبق شارع الخ غفو (در مختار) وفي الفقه طين الشوارع غفو وان ملا الثوب للضرورة ولومختلطا بالملورات وتجوز الصلاة معه (رد المحتار باب الانجاس ص ۲۹۹ ج ۱، ط. ط. ج ۱ ص ۳۲۴) و در صورت مستوله بالكل سوال نجاست نیست محض شك و هم است. و اصول فقهاء این است که یقین به شك زائل نمیشود (الاشیاء والنظائر ص ۷۵). طفری
(۳) و غفی الشارع عن قدر درهم وان كره تحريما ليجب غسله وما دونه تنزيها فيمن غفوه بطل لغفر من (الدر المختار علی هامش رد المحتار باب الانجاس ص ۲۹۱ ج ۱، ط. ط. ج ۱ ص ۳۱۶) ذكر في الذخيرة اذا كانت النجاسة في موضع الاستنجاء اكثر من قدر الدرهم فاستجمر اي استحيى بثلثة احجار و اتفاقه اي موضع الاستنجاء ولم يسهل بالماء قال الفقيه ابو الليث في فتاويه بحريه يعني من غير كراهة وكان الغسل افضل قال صاحب الذخيرة و به اي بما قال ابو الليث نأخذ وفي هذا اشارة الى ان العصر بخالف في ذلك ولا اعلم فيه محائف الخ وهذا اذا كانت تلك النجاسة ما خرج من الحدث المعتاد ولم تصبه من الخارج (غبة المستعني ص ۱۸۹). طفری

سوال: (۲۱۷) به چهار پائی نماز پاک نماز جائز است؟ آیا برای شخص غیر مریض و غیر معذور در چهار پائی نماز جائز است یا نه؟ زید میگوید مثلیکه بالایی تحت نماز خواندن جائز است به چهار پائی هم جائز است و بکر میگوید که تا امروز نه در کدام کتاب دیده ام و نه از اقوال علماء ثابت است و نه بدون معذور کسی را بالایی چهار پائی به نماز دیده ام در این صورت شرعا چه حکم است؟

جواب: بالایی چهار پائی نماز جائز است مثلیکه بالایی تحت جائز است چونکه هر دوزانو در حال رفتن به سجده به چهارپائی مانده شود در این وقت در سجده مثل تحت محکم و استوار میگردد در این وقت در سجده هیچ حرج نمیشد چونکه چهارپائی اکثر اوقات پاک نمیشد از این بابت مردم راجع به خواندن نماز به آن میل و عادت ندارند اگر کدام چهار پائی یقینا پاک و یا جدید باشد در این صورت در خواندن نماز بر آن کدام حرج نیست. ^(۱) فقط

سوال: (۲۱۸) در زیر بالا خانه زن رقاصه و غزل خوان نماز جائز است یا نه؟ یک مسکن سرکاری به یک زن رقاصه و غزل خوان داده شده و در زیر آن دوکنایه کرایه است آیا در همین دوکان ها که در منزل بالای آنها زن رقاصه و غزل خوان سکونت دارد نماز خواندن جائز است و یا نه؟

جواب: در این جا نماز صحیح است ^(۲) مگر بهتر آن است که در مسجد نماز بخوانند. ^(۳)

سوال (۲۱۹) حکم نماز در لباس ناپاک: به لباس ام طفل شیرخوار بسیار زیاد شاشه کرده باشد و در همان لباس بدون شستن نماز داده باشد نماز صحیح شده یا نه؟

جواب: در این صورت اعاده نماز واجب است. ^(۴)

(۱) لو سجد علی الحشیش او التبن الخ ان اسطر جهنم والله وبعد حجه یجز (عالمگیری کشوری ص ۲۹ ج ۱، ط. ماجدیه ج ۱ ص ۷۰) اما شرایط ارکان الصلوة لسنها الطهارة بنوعها من الحقیقة والحکمة والطهارة الحقیقة هی طهارة الثوب والبدن ومكان الصلوة عن النجاسة الحقیقة (بدائع الصنائع شرائط الارکان ص ۱۱۴ ج ۱). ظفر

(۲) در این مکان و مسکن کدام قیاحت شرعی نیست والله اعلم

(۳) می ای شروط الصلاة ستة طهارة بدنه الی قوله وثوبه البدر المختار النجاسة ان كانت غلیظة وهي اکثر من ذاك الدرهم ففسلها فربضة والصلاة فيها باطلة وان كانت مقدار درهم ففسلها واجب الخ عالمگیری کشوری ج ۱ ص ۵۶ و اذا ظهر حدث امامه وكذا كل مفسد فی رای مقلد بطلت لیلزم اعادة الخ کما بین الی امام اخبار القوم اذا اهمم وهو محدث واجب ان فاقه شرط اورکن (البدر المختار علی هامش رد المختار باب الامامة ج ۱ ص ۵۵۳). ظفر

(۴) می ای شروط الصلاة ستة طهارة بدنه الی قوله وثوبه (ردالمختار ط. س. ج ۱ ص ۴۰۲). النجاسة ان كانت غلیظة وهي اکثر من قدر الدرهم ففسلها فربضة والصلاة فيها باطلة وان كانت مقدار درهم ففسلها واجب الخ (عالمگیری کشوری ص ۵۹ ج ۱، ط. ماجدیه ج ۱ =

سوال: (۲۲۰) (۱) بعد از جماع لباس را بدل نکرد و نماز خواند نمازش صحیح شده یا نه؟ اگر کسی بعد از جماع لباس خود را بدل نکرد یا صرف لنگ را بدل کرد و لباس دیگری را بدل نکرد در این صورت نمازش جائز است یا نه؟

سوال: (۲۲۱) (۲) ملازمین شفاخانه چه قسم نماز بخوانند؟ یک نفر ملازم شفاخانه است همیشه به ادویه ناپاک و مردم ناپاک دست میزند و به لباس آب ناپاک می چکد و خشک میشود و برای بعضی ادویه از روی حکم مذهب دست زدن حرام است در این صورت نماز را چه قسم اداء کند آیا بعد از غسل و تبدیل لباس نماز بخواند و یا بدون غسل و تبدیل لباس نمازش صحیح است؟

جواب: (۱) وقتی که غسل بکند و لباس ناپاک را بدل کرد نمازش صحیح میشود. ^(۱)

جواب: (۲) لباس ناپاک خود را بدل کند بعد از آن نمازش صحیح خواهد شد. ^(۲)

سوال: (۲۲۲) در لباس ناپاک نماز جائز نیست: برای یک شخص در عمر چهل سالگی قطرات بول پیش میشود یعنی به مرض چکصدیدن بول مبتلا شده و برای دفع بول یک لته را به آله تناسل بسته میکند و در بعضی اوقات لته مذکور شاشه آلود میگردد مگر در زیر لته کمر بند دیگری را هم بسته کرده در این صورت در همان لته نمازش جائز است یا نه؟

جواب: اگر بداند که پارچه زیرین زیاده از قدر درهم در شاش تر شده نمازش در آن صحیح نمیشود و اگر کمتر از قدر درهم تر شده بود نماز او جائز است. ^(۳) فقط

فصل دوم در بیان ستر عورت

سوال: (۲۲۳) اگر قدم زن لوج باشد نمازش صحیح خواهد شد؟ در کتاب صلاة الرحمن

= ص ۵۸، وإذا ظهر حدث امامه وكذا كل مفسد في رأي مفقد بطلت ليلزم اعادةها الخ كما يلزم للإمام اخبار القوم اذا اُهمهم وهو محدث او جنب او فاقط شرط او ركن (الدرا المختار على هامش والد المختار باب الإمامة ص ۵۵۳ ج ۱، ط. س. ج ۱ ص ۵۹۱). ظهير
(۱) در وقت جماع که یکدام حصه ناپاک می رسد همان حصه ناپاک میشود تمام لباس ناپاک نمیشود لهذا بدل کردن آن لباس ضرور است که ناپاک به آن رسیده باشد البته بعد از جماع تمام بدن ناپاک میشود و غسل فرض میشود، و فرض الغسل الخ عند اجماع حشقة هي ما فوق العتانة ادعي الخ في احد سبيلي ادعي حي لجامع مثله الخ (الدرا المختار على هامش والد المختار ابحاث الغسل ص ۱۴۹ ج ۱، ط. س. ج ۱ ص ۱۵۹). الشرط الخ شرعا مانع من طهره عليه الشئ ولا يدخل فيه هي سنة طهارة بدنه الخ من حدث بنوعه الخ وغيب مانع كذا لك ولو به الخ (الدرا المختار على هامش والد المختار باب شروط الصلوة ص ۳۷۳ ج ۱، ط. س. ج ۱ ص ۴۰۲). ظهير

(۲) ايضا. ظهير

(۳) رضى الشارع عن قدم درهم وان كره تحريمها فيجب غسله ومادونه تنزيها فليس يطل (در مختار) ففي المحيط بكرة ان يصلي ومعه قدر درهم او درنه من النجاسة عالما به لاختلاف الناس فيه (رد المختار باب الاتحاش ص ۲۹۱ ج ۱، ط. س. ج ۱ ص ۳۱۶). ظهير

نوشته کرده اگر در داخل نماز مقدار چهارم حصه قدم زن لوچ باشد نمازش جائز نیست آیا برای زنان پوشیدن موزه ها و یا جراب ضرور است؟

جواب: در الدر المختار نوشته است: که سخن معتمد این است که قدمین زن عورت نیست در لوچ شدن آن در نماز کدام خلل پیش نمی شود و حکم کتاب صلاة الرحمن هم یک قول است و مراد از آن باطن قدم است نه ظہر قدم کذا فی الشامی^(۱) ج ۱ ص ۴۲۱.

سوال: (۲۲۴) آیا زن برای ستر پاهای خود موزه ها بپوشد؟ تمام بدن زن حره عورت است و پوشاندن آن ضرور است این بدون دو کف دستان، روی و ظہر قدمین در این صورت برای پوشاندن پشت دستان و باطن قدمین دست کش و موزه پوشیدن ضرور است یا نه؟

جواب: پوشاندن هر دو قدم پاها پوشاندن کفین و پشت هر دو دست در نماز ضرور نیست.^(۲) فقط والله تعالی اعلم کتبہ عزیز الرحمن.

سوال: (۲۲۵) کسی که لباس غیر دوخته شده از خود تاو کرده باشد نمازش است یا نه؟ یعنی کسی که کورته و ازار را نبوشد صرف در لنگ و جادر خود را بپوشاند نمازش در آن صحیح است یا نه؟

جواب: اگر عورتش لوچ نشود صحیح است مگر این طریقہ خوب نیست.^(۳)

سوال: (۲۲۷) اگر به بالای نیکر لنگ بزند نماز در آن صحیح یا نه؟ کسی که دست مال رابه خود بسته کند یا نیکر بپوشد و در بالای آن لنگ یا ازار بپوشد نمازش در آن صحیح است یا نه؟ و اگر بعد از بستن رومال و نیکر نیم ازاره که تا زانو ها است بپوشد و در بالای آن لنگ سوم بزند نمازش در آن صحیح است یا نه؟

(۱) وللحرة ولو غشی جميع بدنہا الخ حلا الوجه والكفين الخ والقدمين على المعتمد (در مختار) اي من الاول ثلثة مصححة تأنيها عورة مغلطة، تأنيها عورة خارج الصلوة لا فيها، الول ولم يتعرض لظہر القدم وفي التمهني عن الخلاصة اختلفت الروايات في بطن القدم اهد وظاهره انه لا غلاف في ظاهره، ثم رأيت في مقدمة المحقق ابن الهمام المسماة بزياد الفقير قال بعد تصحيح ان انكشاف ربع القدم مانع ولو انكشاف ظہر قدمها لم يفسد الخ لم نقل عن الخلاصة ان الغلاف ان الغلاف انما هو نفي باطن القدم واما ظاهره فليس بعورة بلا غلاف الخ (ردالمحتار باب شروط الصلوة مطلب ستر العورة ص ۳۷۶ - ۳۷۷ ج ۱، ط.س. ص ۱۰۵ ص ۴۰۵). ظہر

(۲) وهي اي العورة للرجل ماتحت سترته الى ماتحت ركة الخ ولحرة ولو غشی جميع بدنہا الخ حلا الوجه والكفين الخ والقدمين على المعتمد (الدر المختار على هامش ردالمحتار ط.س. ج ۱ ص ۴۰۴). ظہر

(۳) والرابع ستر عورته الخ وهي للرجل ماتحت سترته الى ماتحت ركبته الخ (الدر المختار على هامش ردالمحتار باب شروط الصلوة ص ۴۷۴ - ۴۷۵ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۴۰۴). ظہر

جواب: در تمام صورتهای مذکوره بشرط ستر عورت نماز صحیح میشود. ^(۱) فقط

سوال: (۲۲۸) در لباسی مراعات ستر عورت ضرور است یا نه؟ در غلظت و رفاقت لباس شرط چیست اگر لباس آنقدر رقیق و باریک باشد که بدن انسان در آن دیده شود مگر پوست و موی در آن دیده نشود نماز در آن صحیح است یا نه؟ اگر از اثر رنگ لباس بدن انسان در آن دیده نشود و یا بعد از ازار ساختن بدن در آن دیده نشود در این صورت حکم این لباس چه خواهد بود؟
جواب: و قتیکه رنگ بشره انسان از آن دیده نشود ستر ثابت و نماز در آن صحیح است. ^(۲)

فصل سوم در بیان استقبال قبله

بحث سمت قبله

سوال: (۲۲۹) (۱) بحث سمت قبله: نظر به اصول علم هیئت و علم هندسه سمت عین کعبه کدام است آیا علم هیئت و علم هندسه در شریعت قابل لحاظ است یا نه؟
سوال: (۲۳۰) (۲) آیا در قطب و قتیکه بطرف راست دیده شود قبله از مقام خورجه عینا به مغرب رو برو است؟

سوال: (۲۳۱) (۳) آیا وسیله قطب مندرجه مذکور اصول عام و کلی برای هندوستان است؟

سوال: (۲۳۲) (۴) اگر در خورجه مساجد موافق طریقه مندرجه مذکور و یا به یک طریقه دیگری غلط تعبیر شده باشد آیا مساجدی دیگری جدید هم به همین طریقه غلط تعمیر گردد اطلاع عرض خدمت است که چند مساجد موافق مندرجه ذیل یعنی مطابق علم هیئت و علم هندسه تعمیر شده، خورجه مطابق علم هیئت به ۲۸ درجه به شمال عرض البلد واقع است و مکه معظمه به ۲۱ درجه و ۴ لمحه، عرض البلد واقع است لهذا با این طریقه تقریباً هفت ۷ درجه فرق است و نظر به این اصول هفت درجه به جانب مغرب و جانب جنوب اداء کردن نماز ضرور است علماء کرام نیز به همین قسم فتویٰ داده اند.

سوال: (۲۳۳) آیا برای ما معلوم کردن عین قبله ضرور است و یا صرف جهت قبله کافی است؟

جواب: (۱) درست قبله و جهت قبله شرعاً بسیار وسعت است و این ضرور نیست که عینا بطرف

(۱) و الرابع ستر عورت و وجوبه عام ولو فی الصلوة علی الصحيح الا لفرض صحيح (در مختار) و وجوبه عام ای فی الصلوة و خارجها الخ (رد المحتار باب شروط الصلوة جلد اول ص ۳۷۵ - ۳۷۶، ط. س. ج ۱ ص ۴۰۴) . ظفر

(۲) و عادم سائر لایصف ماتحه (در مختار) بان لا یری منه لون البشرة احترازاً عن الرقیق و نحو الرجاء (رد المحتار باب شروط الصلوة ص ۳۸۰ ج ۱، ط. س. ج ۱ ص ۴۰۹) . ظفر

کعبه روبرو باشد بلکه جهت کعبه هم کافی است و در این باره به کمی انحراف بطرف راست یا طرف چپ در استقبال قبله خلل پیش نمیشود مثلیکه در الدر المختار نیز همین قسم است: و لغيره اي غير معاینها اصابة جهتها بان یقی شینا من سطح الوجه مسامتة للكعبة او لهوائها ^(۱) الخ و در شامی از قهستانی منقول است: ولا بأس بالانحراف انحرافا لا تزول به المقابلة بالکلیة بان یقی شیء من سطح الوجه مسامتة للكعبة الى ان قال و ساقه في المتن في مفسدة الصلاة انها تفسد بتحويل صدره عن القبلة بغير عذر فعلم ان الانحراف اليسير لا یضر وهو الذي یقی معه الوجه او شیء من جوانبه مسامتة لعین الکعبة أو لهو لانها مستقیما ولا یلزم ان یكون الخط الخارج علی استقامة خارجا من جهة المصلي بل منهما او من جوانبها ^(۲) الخ، الحاصل چونکه بانحراف معمولی در استقبال قبله فرق پیش نمیشود استقبال قبله حاصل میگردد که قطب شمال را به جانب شمال قرار دادن و نماز خواندن استقبال قبله حاصل میگردد و مساجدیکه مطابق علم هیئت و یا علم هندسه تعمیر شده همه آنها بطرف صحیح قبله تعمیر شده در این باره به جستجوی باریکات زیاد حاجت نیست چرا که برای معلوم کردن سمت قبله در همه جاها آلات و اسباب مهیا و میسر نمیشود چونکه این ظنی هم است و به عامه مردم این تکلیف دادن مشکل است و مساجد قدیمه در این باره خودش من حیث حجت صحیحه است و تغیر دادن آنها از روی گمان بگشتاندن اندک روی در نماز مناسب نیست، قطب شمال را حجت گرفتن در این باره دلیل واضح علماء آکابر برای صحت آن کافی است. فقط

سوال: (۲۳۴) بحث استقبال قبله در داخل نماز داخل ریل: شخصی که داخل ریل است اگر در جریان رفتار روی ریل از قبله تغیر کند در این صورت اگر نماز را بقیام بخواند ارکان نماز مثل قیام و رکوع و سجده برای او سخت میشود و اگر نماز را با اشاره و قاعده بخواند قیام فرض از او ترک می شود در این حال چه قسم نماز بخواند؟

جواب: اگر کسی در ریل نماز فرض میخواند در این حال استقبال قبله و قیام و رکوع و سجده و غیره جمله ارکان نماز برای او ضرور است و از جهت تغیر خط ریل استقبال قبله ساقط نمیشود چرا که با وجود تغیر تختهای ریل در وقت کم و به تکلیف کم استقبال قبله ممکن است و اگر

۱ الدر المختار علی هامش رد المحتار باب شروط الصلوة استقبال قبله ص ۳۹۷ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۴۲۸. ظفر

۲ الدر المختار علی هامش رد المحتار باب شروط الصلوة استقبال القبلة ص ۳۹۷ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۴۲۹. ظفر

بدون مجبوریست استقبال قبله را ترک کند نماز او صحیح نمیشود و اگر در وقت تحریمه روی به قبله بود در داخل نماز خط ریل از قبله تغیر کرد برای نماز گذار ضرور است که متوجه تغیر باشد و او نیز خود را رو به قبله برابر کند که تمام ارکان نماز به جای خود اداء شود برای او در ریل نماز فرض قطعاً به قاعده جائز نیست و اگر نفل را به قاعده^(۱) بخواند جائز است و اگر در ریل هجوم مردم زیاد باشد که حرکت رکوع و سجده و غیره در آن ممکن نباشد در این صورت به قاعده نماز را بخواند.^(۲)

فصل چهارم در بیان نیت

سوال: (۲۳۵) آیا نیت به زبان شرط است؟ آیا نیت به زبان برای صحت نماز ضرور است و یا صرف در دل نیت کردن کافی است؟

جواب: نیت در دل برای صحت نماز کافی است.^(۳)

سوال: (۲۳۶) آیا نیت به زبان بدعت است؟ آیا تلفظ در نیت کردن بدعت است و بسم الله الرحمن الرحیم گفتن در بین فاتحه و سوره ممنوع است یا نه بیان فرمائید؟

جواب: تلفظ در نیت کردن نماز بدعت نیست^(۴) و بسم الله مابین فاتحه و سوره ممنوع نیست.^(۵)

سوال: (۲۳۷) نیت به زبان ضرور نیست: من در یک کتاب فقه دیده بودم که نیت هر نماز اول در دل کرده شود و بعد به زبان اداء کردن آن ضرور است برای من اداء کردن نیت به زبان بسیار تکلیف می باشد در این صورت چه عمل مناسب است؟

جواب: در این صورت در دل صرف این قسم نیت کافی است که مثلاً این نماز پیشین است و اداء

(۱) ردالمحتار باب شروط الصلوة بحث فی استقبال القبلة ص ۳۹۹ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۴۲۹. ظفر

(۲) و المربوطة ببلعة البحر إن كان الريح يحركها شيء كالمسألة والألحان والقبلة عند الافتتاح وكلما دارت (و در مختار) ای فی قولهم جميعاً وإن عجز عنه أمسك عن الصلوة لعله أمسك ما لم يخف خروج الوقت لما تقرر من أن قبلة العاجز جهة قدرته وهذا كذلك والأما الفرق (ردالمحتار باب صلاة المريض ص ۷۱۴ ج ۱). ظفر

(۳) والمستحب في النية أن يقرى بقصد بالقلب ويتكلم باللسان بأن يقول أصلي صلاة الخ ولو نوى بالقلب ولم يتكلم باللسان جاز بلا حلال بين الأئمة لأن النية عمل القلب لأعمال اللسان واستحباب ضمه إليه لما ذكرنا (غنية المستعني ص ۲۵۱ - ۲۵۲). ظفر

(۴) وتلفظ عند الأداة بها مستحب هو المختار الخ وقيل سنة يعني أحبه السلف أوسه علماءنا إذ لم ينقل عن المصطفى ﷺ ولا الصحابة ولا التابعين بل قيل بدعة (در مختار) نقله فی الفتح وقال فی الحلية ولعل الإشباه أنه بدعة حسنة عند قصد جمع العزيمة (ردالمحتار باب شروط الصلوة بحث النية ص ۳۸۶ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۴۱۵). ظفر

(۵) وسمى الخ سرا في أول كل ركعة أو جهرية لأن بين الفاتحة والسورة مطلقاً ولوسر به وتكره اتفاقاً (الد المختار على هامش ردالمحتار لصل في تأليف الصلوة ص ۴۵۷ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۴۹۰). ظفر

کردن الفاظ نیت به زبان هم بهتر است اگر به زبان تکلیف باشد تنها به دل کافی است.^(۱)

سوال: (۲۳۸) اجازه امام برای مقتدی شرط نیست؛ زید امام مسجد است و بکر میگوید که به عقب من نماز نخوانید آیا نماز بکر به عقب زید صحیح میشود یا نه؟ یا نماز بکر در آنوقت صحیح میشود که زید برایش اجازه کند؟

جواب: بکر به عقب زید نماز خوانده میتواند و نماز بکر صحیح است برای حکم و اجازه زید شرعاً هیچ ضرورت نیست و این گفتار زید بی جای و مخالف شریعت است.^(۲)

سوال: (۲۳۹) نیت به زبان ضرور است یا در دل؟ درمنیة المصلی نوشته است که الفاظ نیت نماز به زبان مستحب است و در دل نیت نماز فرض است و بعضی مردم میگویند که نیت کردن به زبان بدعت است؟

جواب: حکم صحیح این است که در نیت کردن به زبان هیچ باکی نیست بلکه مستحب است مگر نیت دل فرض است و این مذهب محقق احناف است.^(۳) فقط

سوال: (۲۴۰) آیینیت نماز به زبان بدعت است؟ زید میگوید که نیت نماز به زبان بدعت است و عمر میگوید که نیت نماز به زبان سنت است؟

جواب: اصل نیت در دل است گفتن آن را فقهاء کرام تلفظ آن مستحب گفته است در الدر المختار ذکر شده: والمعتبر فيها عمل القلب اللازم للإرادة الخ والتلفظ بها مستحب هو المختار.^(۴) فقط

سوال: (۲۴۱) آیا نیت نماز به زبان عربی ضرور است؟ آیا نیت نماز به زبان عربی ضرور است یا به زبانهای دیگری هم صحیح است؟

جواب: نیت اراده دل را میگوید به تلفظ زبانی در آن ضرورت نیست اگر به زبان آن بگوید بهتر

(۱) والعاصی النية بالاجماع وهي الإرادة المرجحة الخ والمعتبر فيها عمل القلب اللازم للإرادة الخ والتلفظ عند الإرادة بها مستحب هو المختار (الدر المختار على هامش رد المحتار باب شروط الصلوة ج ۱ ص ۳۸۵ - ۳۸۶، ط. س. ج ۱ ص ۴۱۴). ظهير

(۲) والامام يبري صلاحه لفظ ولا يشترط لصحة الإفتاء نية إمامة المقنني (الدر المختار على هامش رد المحتار باب شروط الصلوة ص ۳۹۴ ج ۱، ط. س. ج ۱ ص ۴۲۴). ظهير

(۳) والعاصی النية بالاجماع وهي الإرادة لا العلم والمعتبر فيها عمل القلب اللازم للإرادة الخ والتلفظ بها مستحب وهو المختار الخ بل قبل هو بدعة (رد مختار) نقله في الفتح وقال في الحلية ولعل الاشبه انه بدعة حسنة عند قصد جميع العزيمة الخ فلا جرم انه ذهب في السقوط والتبذير والكافي الى انه ان قلته لجميع عزيمة قلبه لحسن (رد المختار) باب شروط الصلوة بحث النية ص ۳۸۵ ج ۱، ط. س. ج ۱ ص ۴۱۴، ط

(۴) الدر المختار على هامش رد المختار باب شروط الصلوة بحث النية ص ۳۸۵ ج ۱، ط. س. ج ۱ ص ۴۱۵، ظهير

است^(۱) و برای هر قوم به هر زبان صحیح است.

سوال: (۲۴۲) اگر مقتدی زن باشد برای امام نیت امامت زن ضرور است؟ اگر کدام زن

در جماعت شریک باشد برای امام نیت این زن ضرور است یا نه؟

جواب: اگر این زن در محاذ مقتدی مرد استاده نباشد در این صورت برای امام نیت امامت آن

ضرور نیست.^(۲)

الباب الرابع في صفة الصلاة

فصل اول در بیان فرائض نماز

سوال: (۲۴۳) تکبیر تحریمه بدون فرق بر مرد وزن یک قسم فرض است؟ آیا تکبیر

تحریمه بر زن فرض است؟

جواب: تکبیر تحریمه بر زن و مرد ضرور است در این تکبیر برای مردان کدام تخصیص نیست

کما فی عامة الكتب الفقه.^(۳)

سوال: (۲۴۴) در ریل استقبال قبله حتی الامکان ضرور است: در ریل بنگال و روبرو استاد

شدن برای نماز ممکن نیست و در کدام جائیکه ممکن است در آنجا درجای قیام و سجده گرد

و غبار میباشد در آنجا قیام فرض است یا نه؟

جواب: در ریل حتی الموسع نماز به قیام و روی به قبله ضرور است^(۴) و درجانی قیام و سجده و هم

کرده نشود منتهی اینکه یک لته پاک را جای نماز کند.

سوال: (۲۴۵) سجده در نماز: آیا در تمام نماز سجده افضل است یا نه؟

(۱) البتة ارادة الدخول في الصلوة والشروط ان يعلم بقلبه اي صلاة يصلي الخ ولا عبرة للذكر باللسان فان فعله لتجتمع هزيمة قلبه فهو حسن كلها في الكافي وعالمگیری مصري الباب الثالث الفصل الرابع ص ۶۱ ج ۱، ط. ماجدة ج ۱ ص ۶۵ ظفر

(۲) وان أم نساء فان الفتى به المرأة محاذية لرجل في غير صلاة جازة فلا بد لصحة صلاتها من نية امامتها لتلا يلزم الفساد بالمحاذاة بلا التزام وان لم تفقد بلا محاذية اختلف فيه لقليل بشرط و قيل لا (الدر المختار على هامش رد المحتار باب شروط الصلوة مطلب في الية ج ۱ ص ۳۹۴، ط. س. ج ۱ ص ۲۵۵). ظفر

(۳) من الرضا التي لا تصح بدونها التحريمه قالوا وهي شرط (رد مختار) التحريمه المراد بها جمعة ذكر حائض مثل الله اكبر (الرد المختار على هامش رد المحتار باب صفة الصلوة ص ۴۱۱ ج ۱، ط. س. ج ۱ ص ۴۴۲). ظفر

(۴) والسادس استنباط القبلة حقيقة او حكما كما جاز والشروط حصول لاخله الخ (الرد المختار على هامش رد المحتار باب شروط الصلوة ص ۳۹۶ ج ۱، ط. س. ج ۱ ص ۴۲۷) والفرائض الباقية من الست هي القيام الخ لقوله تعالى: وقرموا لله فائتين (غنية المستملی ص ۲۵۴) ومسا القيام في الفرض الخ للآثار عليه (رد مختار) فلو عجز عنه حقيقة وهو ظاهر او حكما كما لو حصل له به الم شديد او خاف زيادة المرض الخ فانه يسقط الخ (رد المختار باب صفة الصلوة بحث القيام ص ۴۱۴ - ۴۱۵ ج ۱، ط. س. ج ۱ ص ۴۴۴). ظفر

جواب: در نماز سجده، رکوع و قیام فرض است ^(۱) نظریه بعض اعتبار سجده افضل و نظر به بعض اعتبار قیام افضل است. ^(۲) فقط

سوال: (۲۴۶) اگر در نماز انگشت کوچک پای حرکت کند حکم آن چیست؟ انگشت کوچک پای راست کسی که در نماز حرکت کند در این صورت در نماز کدام فرق میابد یا نه؟ اگر از امام این قسم حرکت صادر شود نماز مقتدیان صحیح میشود یا نه؟

جواب: به این حرکت هیچ خلل در نماز نمی آید و اگر از امام این حرکت صادر شود در این حال هم در نماز امام و نماز مقتدیان خلل پیش نمی شود. ^(۳)

سوال: (۲۴۷) اگر به قاعده نماز بخواند رکوع را چه قسم اداء کند؟ اگر کسی به قاعده نماز بخواند در حالت رکوع بلند کردن سرین ضرور است یا نه؟

جواب: ضرور نیست، قال فی رد المحتار ولو کان یصلی قاعدا ینبغي ان یحاذی جبهته قدام ركبته لیحصل الركوع آه قلت ولعله محمول علی تمام الركوع والا فقد علمت حصوله باصل طاء طاء الرأس مع انحناء الظهر الخ شامی. ^(۴)

سوال: (۲۴۸) آیا بالای کاه و گیاه نماز جائز است یا نه؟ اگر گیاه و غیره باندازه یک وجب بلند باشد که در وقت سجده بالا و پائین و یا پست و بلند میشود نماز بر آن جائز است یا نه؟

جواب: در الدر المختار در شرائط جواز سجده این هم نوشته شده: وان یجد حجم الارض، و تشریح این عبارت را علامه شامی چنین فرموده است: ان الساجد لہ بالغ لا یتسل رأسه أبلغ من ذلک الخ ^(۵) ج ۱ ص ۳۳۷. و اگر این کاه و گیاه آنقدر باشد که در وقت سجده به زمین محکم میشود و پیشانی به آن قرار میگیرد در این صورت سجده به آن صحیح است. فقط

(۱) ومن لفرائض التي لا تصح بدونها التحريمه قائما الخ ومنها القيام بحيث لومد يديه لا يبال ركبة الخ في فرض الخ لقادر عليه الخ ومنها القرائت لقادر عليها الخ ومنها الركوع الخ ومنها السجود الخ (والدر المختار على هامش) والدر المختار باب صفة الصلوة ص ۴۱۶ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۴۴۲ - ۴۴۴. طبر.

(۲) وكثرة الركوع والسجود أصب من طول القيام كما في المجتبى الخ وان مذهب الإمام المصطفى القيام (أيضا) باب الوتر والوافل ص ۲۳۳ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۲۴۷) وتفصيل لهارة والدر المختار حاشية در مختار باب وصفه أيضا وكوري. طبر.

(۳) وحررناه في شرح الملتقى وله يفرض وضع اصابع القدم ولو واحدة نحو القبله وإلا لم تجز (أي السجدة) والناس عنه غافلون (در مختار) والحاصل ان المشهور في كتب الملعب اعتماد الفرضية والأرجح من حيث الدليل والقواعد عدم الفرضية الخ ثم لا اوجه حمل عدم الفرضية على الوجوب والله اعلم (در المختار باب صفة الصلوة ص ۴۶۶ - ۴۶۷ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۴۹۸ - ۵۰۰). طبر.

(۴) والدر المختار، باب صفة الصلوة بحث الركوع والسجود ج ۱ ص ۴۱۶، ط.س. ج ۱ ص ۴۱۷. طبر.

(۵) والدر المختار باب صفة الصلوة فصل في تأليف الصلوة ط.س. ج ۱ ص ۴۹۷. طبر.

سوال: (۲۴۹) برای زنان جائز نیست کہ بدون عذر نماز را به قاعده بخوانند: در این جا

رواج است کہ زنان نماز را نہ شسته میخوانند آیا این عمل جائز است یا نہ؟

جواب: تا وقتی کہ انسان توان و طاقت قیام را داشته باشد بہ قاعده نمازش جائز نیست لہذا بدون

عذر قوی و شرعی نماز زنان بہ قاعده جواز ندارد و نماز شان صحیح نمیگردد. (۱) فقط

سوال: (۲۵۰) بہ چهار پائی نماز جائز است: آیا بہ چهارپائی آن وقت نماز صحیح است کہ

سخت و محکم باشد و یا بہ چهارپائی سست ہم جائز است؟

جواب: بہ چهارپائی بہ ہر حال نماز جائز است اگر چهارپائی سست ہم باشد در وقت رفتن بہ

سجدہ چونکہ بہ ماندن زانوہا جای سجدہ سخت و استوار میگردد لہذا نماز بہ آن جائز است. فقط

سوال: (۲۵۱) اگر مقتدی در قاعده آخر خواب شود و ہمراہ امام سلام بگرداند آیا

نمازش صحیح است؟ زید بہ جماعت نماز خواند. و در قاعده آخر او را خواب برد و ہمراہ امام

سلام گردانید مگر بعد از بیدار شدن بہ مقدار تشهد در قاعده نماند در این صورت نماز زید

صحیح شدہ یا نہ؟

جواب: احتیاط در این است قاعده را اعادہ نماید و گرنہ نمازش صحیح نخواہد شد و از تحقیق

شیخ ابن الہمام جواز این نماز معلوم میشود و از قواعد فقہیہ عدم جواز این نماز ظاہر میگردد از

این جہت احتیاط در سخن دوم است و تفصیل این مسئلہ در شامی واضح شدہ. (۲)

سوال: (۲۵۲) فاصلہ بین دو قدم در حال قیام چہ قسم است: اگر فاصلہ بین دو قدم در حال

قیام باندازہ چہار انگشت قرار گیرد چہ قسم خواہد بود اگر از این مقدار کم و زیاد شود در این

وقت در نماز کدام خلل پیش میشود و یا نہ؟

جواب: فقہاء نوشتہ اند کہ فاصلہ بین دو قدم در قیام باندازہ چہار انگشت بہتر است اگر

از مقدار مذکور کم و زیاد شود نماز صحیح است ہیچ کراہیت ندارد، شامی جلد اول، فنیغی ان

یکون بینہما مقدار اربع اصابع الید لانہ اقرب الی الخشوع الخ شامی. (۳)

(۱) من فرأیها التي لا تصح بدونها التحريم الخ ومنها القيام الخ في فرض وملحق به الخ للقاد عليه (والدر المحتار على هامش رد المحتار باب صفة الصلوة ص ۱۴۱ ج ۱، ط. س. ج ۱ ص ۴۴۴ - ۴۴۵). طبر

(۲) منها المقعد الاخير والذي يظهر انه شرط لانه شرع للخروج (رد المحتار) وبس في الامداد النمرة بانه لو هي بالقعدة تانسا تنسر على القول بشرطها لا ركنيتها وزعمه الى التحقيق والاصح عدم اعتبارها كما في شرح المنية (رد المحتار باب صفة الصلوة ص ۴۱۷ ج ۱، ط. س. ح ۱ ص ۴۴۸). طبر الدين غفرله

سوال: (۲۵۳) اگر در سجده دو پای بلند شود چه حکم دارد؟ اگر در سجده هر دو پای از زمین بالا شود در این صورت نماز صحیح است یا نه؟ اگر اندک بلند شود کدام خلل پیش نخواهد شد؟

جواب: در تمام نماز باید ضرور هر دو قدم به زمین استوار باشد اگر هر دو قدم از زمین بلند شود و باز به زمین مانده شود نماز صحیح شده. ^(۱)

سوال: (۲۵۴) کسی که گشت و گذر کرده میتواند برای اونماز به قاعده جائز است؟ کدام شخص که به گشت و گذر ضروریات و حوائج خود را به قسم خوب اداء کرده میتواند مگر نماز را به قاعده میخواند آیا نماز او جائز است؟

جواب: اگر اوبه قیام نماز خود را کرده بتواند به قاعده نمازش جائز نیست.

فصل دوم در بیان واجبات نماز

سوال: (۲۵۵) در نوافل قاعده اول واجب است یا نه؟ در نماز چهار رکعتی نفل قعده اول واجب است یا نه؟

جواب: واجب است کما فی الدرالمختار ولها واجبات الخ والقعود الاول وهو فی نفل فی الاصح. ^(۲) فقط

سوال: (۲۵۶) (۱) بعد از رکوع باید مستقیم استاد شود: بعض مردم بعد از رکوع مستقیم استاد نمیشوند و به سجده میروند نماز شان صحیح میشود یا نه؟

سوال: (۲۵۷) (۲) اگر در بین دو سجده مستقیم نه نشیند اعاده نماز واجب میشود؟ بسیار مردم از سجده اول اندک سر خود را بالا میکنند و فوراً به سجده دوم میروند نماز شان صحیح

(۱) ودرالمختار باب صفة الصلوة بحث القيام جلد اول ص ۴۱۴ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۴۴۴. طغیر

(۲) ولیه بغیر وضع اصابع القدم ولو واحدة نحو القبلة والا لم تجز والتم عنه غايلون (درمختار) قوله فيه اي في شرح المنقي وكذا قال في الهداية واما وضع القدمين فقد ذكر القدوري انه فرض في السجود آه فاذا سجد ووقع اصابع رجليه لاتجوز كذا ذكره الكرخي والحصاص ولو وضع احدهما جاز الخ فصار في المسئلة ثلاث روايات الاولى فرضية وصحهما، الثانية فرضية احدهما الثالثة عدم الفرضية الخ والحاصل ان المشهور في كتب المذهب اعتماد الفرضية والارجح من حيث الدليل والقواعد عدم الفرضية الخ لم الارجح حمل عدم الفرضية على الوجوب. والله اعلم الخ وفي التبريزية والمراد بوضع القدم ها وضع الاصابع او جزء من القدم وان وضع اصفا واحدة او طهر القدم سلا اصابع

ان وضع مع ذلك احدى قدميه صح والا لا (درالمختار، باب صفة الصلاة ج ۱ ص ۴۶۹، ط.س. ج ۱ ص ۴۹۹). طغیر

(۳) قوله وفي نفل لان له وان كان شفع منه صلاة فاذا قام الى الثالثة تنس ان ما قلها لم يكن اوان الحرج عن الصلوة فلم تنق القعدة فريضة (درالمختار باب ايضاً ص ۴۳۴ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۴۶۵). طغیر

است یا نہ؟

جواب: (۱) کسی کہ از رکوع بالا میشود و مستقیم استاد نمیشود در این صورت ترک واجب میشود و آن نماز قابل اعاده است. ^(۱) یعنی نماز صحیح نشده باید از سر نو دوباره خوانده شود.

جواب: (۲) بہ قول بعض محققین ترک جلسہ بین دو سجده ترک واجب است و اعادہ این نماز واجب است یعنی اگر ترک جلسہ کردہ نماز را بار دوم بخواند. ^(۲)

سوال: (۲۵۸) تشہد در نماز واجب است: تشہد در نماز افضل است یا نہ؟

جواب: تشہد یعنی التحیات تا عبودہ و رسولہ گفتن واجب است. ^(۳) فقط

سوال: (۲۵۹) حکمت چیست کہ در چہار رکعت فرض دورکعت خالی است و بدون

فرض تمام رکعتہای ہر نماز پُر است؟ در فرض دورکعت خالی خواندہ و تمام رکعتہای نماز بدون فرض پُر خواندہ میشود؟

جواب: در نماز چہار رکعتی فرض دورکعت بہ حکم حدیث شریف خالی خواندہ میشود. ^(۴) و در نماز سنت نفل و غیرہ اصلاً ہر شعبہ یعنی ہر دورکعت جدا است از این جہت تمام رکعتہای آن پُر یا بہ ضم سورہ خواندہ میشود و کسانی کہ چہار رکعت و زیادہ از آن نماز سنت نفل و غیرہ را بہ یک نیت میخوانند جائز است مگر دربارہ قرأۃ مراعت اصل برای شان واجب میباشد. ^(۵)

سوال: (۶۲۰) آیابہ کراہیت تحریمی اعادہ نماز واجب است؟ آیابہ ہر عمل مکروہ تحریمی

(۱) ولہا واجبات الخ وھی قرائت فاتحۃ الكتاب الخ وتعديل الاركان اي تسكين الجوارح فلو تسبحة في الركوع والسجود وكذا في الرفع منها على ما اختاره الكمال (درمختار) فلو وكذا الرفع الخ اي يجب التعديل ايضا في القومة من الركوع والجلسة بين السجدين وتضمن كلامه وجوب نفس القومة والجلسة ايضا حتى لو تركها او شينا منها ساهيا يلزمه السهو لو عمل يكره اشد الكراهة ويلزمه ان يعيد الصلاة الخ (رد المحتار باب صفة الصلاة مطلب واجبات الصلوة ص ۴۲۴ ج ۱ وص ۴۳۲ ج ۱، ط. س. ج ۱ ص ۵۹۶ - ۶۶۴) . ظفر

(۲) ولہا واجبات الخ وھی قرائت فاتحۃ الكتاب الخ وتعديل الاركان اي تسكين الجوارح فلو تسبحة في الركوع والسجود وكذا في الرفع منها على ما اختاره الكمال (درمختار) فلو وكذا الرفع الخ اي يجب التعديل ايضا في القومة من الركوع والجلسة بين السجدين وتضمن كلامه وجوب نفس القومة والجلسة ايضا حتى لو تركها او شينا منها ساهيا يلزمه السهو لو عمل يكره اشد الكراهة ويلزمه ان يعيد الصلاة الخ (رد المحتار باب صفة الصلاة مطلب واجبات الصلوة ص ۴۲۴ ج ۱ وص ۴۳۲ ج ۱، ط. س. ج ۱ ص ۵۹۶ - ۶۶۴) . ظفر

(۳) ومنها قرائت الشہد فانہا واجبة فی القعتین الأولى والاخيرة الخ فارجب السجود بترك الشہد فی القعدة الاخيرة كما فی القعدة الاخيرة وهو ظاهر الرواية (غنية المستملی ص ۲۹۹) . ظفر

(۴) وعن ابي قتادة قال قال كان النبی صلی اللہ علیہ وسلم یقرأ فی الظهر فی الأولین بام الكتاب وسورتین وفی الركعتین الاخیرین بام الكتاب .. وهكذا فی العصر (مشکوٰۃ باب القرائت فی الصلوة ص ۹۷) . ظفر

(۵) وضم سورة الخ فی الاولین من الفرض الخ وفي جمیع رکعات الفل لان کل شفع منه صلاة (المزمع المحتار علی هامش رد المحتار باب صفة الصلوة واجبات الصلوة ص ۳۲۷ ج ۱، ط. س. ج ۱ ص ۷۵۸) . ظفر

اعادہ نماز واجب است یا نہ؟

جواب: بدون شک در عملی مکروه تحریمی اعادہ نماز واجب است ^(۱) و برای تفصیل این سخن این وقت و موقع مناسب نیست.

سوال: (۱۶۱) نمازهاییکه بدون تعدیل ارکان اداء شده آن چیست؟ عمر یک نفر بیست سال است در این بیست سال او هیچ نماز درست و صحیح نخوانده اوصرف چند چیز میزند و نماز را ختم میکند در این صورت نمازهای اوصحیح شده یانه؟ اگر تمام نمازها را اعادہ کند صرف فرض را اعادہ کند و ی سنت را ہم اعادہ نماید؟

جواب: کدام نماز را کہ بدون تعدیل ارکان خواندہ است صحیح است، مگر اعادہ آنها بہتر است ^(۲) فرض و وتر را اعادہ کند سنت را اعادہ نکند.

فصل سوم در بیان سبب نماز و کیفیات آن

سوال: (۲۶۲) تعداد تسبیحات رکوع وسجده: اگر در رکوع وسجده زیاد تر از ده دفعہ وسہ دفعہ تسبیحات گفتہ شود مکروه میشود یا مستحسن، در قومه بعد از سماع اللہ لمن حمدہ، گفتن ربنا ولک الحمد مستحسن است یانه؟ و در جلسہ رب اغفر لی وارحمہنی وعافہنی وارزقہنی گفتن مستحسن است یانه؟

جواب: و تیکہ تسبیح رکوع وسجده گفتہ شود سنت تسبیح اداء میشود و در فرائض در تسبیحات حکم تخفیف است تا اینکه بہ خاطر مقتدیان تطویل زیاد نشود مثلیکہ بعض صحابہ را رسول پاک از جہت تطویل قرائت: أَفْتَانُ أَنتَ؟ ^(۳) گفتہ است یعنی بہ مردم قرائت را دراز میکنی و مردم را در فتنہ و مشقت میاندازی در حالیکہ قرائت از اجزاء الفضل نماز ہم است مگر احناف زیاد گفتن تسبیح را زیاد تر از سہ بار مکروه نمیگویند ^(۴) و بعد از سماع اللہ لمن حمدہ، گفتن ربنا

(۱) و کذا کلی صلاۃ ادیت مع کراۃ التحریم وجب اعادتها (الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب شروط الصلوۃ ج ۱ ص ۴۲۵، ط.س. ج ۱ ص ۴۵۷) . ظہیر

(۲) و لها واجبات لا تقصد بترکها وتعاد وجوبا فی العمد والسهو ان لم یسجد له وان لم یعدھا یكون لاسقا آثم الخ وهي قرائت فاتحۃ البخ وتعدیل الارکان (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب صفۃ الصلوۃ مطلب واجبات الصلوۃ ص ۴۲۴ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۴۵۶) . ظہیر

(۳) مشکوٰۃ باب القرائت فی الصلوۃ، فصل اول ص ۷۹ عن البخاری ومسلم. ظہیر

(۴) و یقول فی رکوع سبحان ربی العظیم ثلاثا وذلک ادناہ فلو ترک التسبیح اصلا والی بہ مرۃ واحدة یجوز وبکیرہ ((عالمگیری مصری ص ۷۹ ج ۱ ط. ماجدیہ ج ۱ ص ۷۴)) و یقول فی سجودہ سبحان ربی الاعلی ثلاثا وذلک ادناہ کذا فی المعبط ویستحب ان یزید علی الثلاث فی الركوع والسجود بعد ان یختم بالوتر کذا فی الہدایۃ للادنی فیہا ثلاث مرات والاروسط خمس مرات والاكمل سبع مرات کذا فی الزاد، =

لک الحمد مستحب است ^(۱) وبہ ہمیں قسم درجسہ دعاء رب اغفر لی الخ گفتن جائز و مستحسن است ^(۲) مگر بہتر آن است کہ دعاها واذان را در نوافل بخوانند ودر فرائض تخفیف را اختیار نمایند، مفلیکہ امر (فلیحفف آہ) در حدیث شریف ابن تخفیف را تقاضا میکند: واذ اراد اللہ بعبد خیرا یفقہہ فی الدین۔ ^(۳) فقط

سوال: (۲۶۳) رفع یدین در کدام حصہ نماز است: رفع الیدین در کدام حصہ نماز اداء میشود؟

جواب: رفع الیدین بدون تکبیر تحریمہ بہ نزد احناف در تمام نماز منسوخ است چرا کہ اصحاب جلیل القدر آن را ترک کردہ بودند عن براء بن عازب رضی اللہ عنہ قال: کان النبی صلی اللہ علیہ وسلم اذا کبر لا فتاح الصلاة رفع یدیه حتی یکون ابهاما قریبا من شحمتی اذنیہ ثم لا یعود ^(۱) عن الاسود قال رایت عمر بن الخطاب رضی اللہ عنہ یرفع یدیه فی اہل ثم لا یعود قال ابو جعفر الطحاوی فہذا عمر لم یکن یرفع یدیه ایضا الا فی التکبیر الاولی فی ہذا الحدیث وهو حدیث صحیح الخ وفعل عمر ہذا وترک اصحاب رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم ایہا علی ذلک دلیل صحیح ان ذلک هو الحق الذی لا ینفی لاحد خلافہ۔ ^(۵)

سوال: (۲۶۴) دلیل منسوخ شدن رفع الیدین چیست؟ تمام رفع الیدین بدون ہفت مقامات منسوخ شدہ است دلیل آن چہ می باشد؟

= وان کان اماما لا یزید علی وجہ یعمل القوم کذا فی الہدایۃ (عالمگیری مصری الباب الرابع فی صفۃ الصلاة فصل ثالث ص ۷۰ ج ۱ ط. ماجدیہ ج ۱ ص ۷۵) . ظہیر

(۱) ان کان اماما یقول سمع اللہ لمن حمدہ بالاجماع وان کان مقتدیا یاتی بالتحمید ولا یاتی بالتسمیع بلا خلاف. وان کان مفرد الاصح انه یاتی بہما کذا فی المحیط وعلیہ الاعتماد کذا فی التارحانیہ وهو الاصح ہکذا فی الہدایۃ ثم فی الروایات یجمع بآتی بالتسمیع حبل الارتفاع واذا استری قانما قال ولنا لک الحمد کذا فی الزاہدی وهو الصحیح کذا فی الفنیۃ (عالمگیری مصری باب ایضا ص ۷۰ ج ۱) . ظہیر

(۲) والسنۃ فیہ ان یرفع ان رأسہ حتی یتوی جالساً ولیس فی ہذا الجلوس ذکر مسنون عندنا ہکذا فی الجوہرۃ النیرۃ (عالمگیری مصری ج ۱ ص ۷۰، ط. ماجدیہ ج ۱ ص ۷۵) قال ابویوسف سألت الامام اہم قول الرجل اذا رفع رأسہ من الركوع والسجود اللہم اغفر لی! قال: یقول رداً لک الحمد وسکت الخ قول: بل فیہ إشارة إلی انه غیر مکروہ إلی ان یتبہا ان یتبہا الدعاء بالمغفرة بین السجدةین خروجاً من خلاف الإمام أحمد کونه مستزناً لابنابی الجواز کالتسمیۃ بین الفاتحة والسورة بل ینبی ان یتبہا الدعاء بالمغفرة بین السجدةین خروجاً من خلاف الإمام أحمد لا یطالہ الصلاة بترکہ عامداً ولم أر من صرح بذلك عندنا لکن صرحوا باستحباب مراعاة الخلاف (رد المحتار ساب صفۃ الصلاة ج ۱ ص ۴۷۲، ط. س. ج ۱ ص ۵۰۵) . ظہیر

(۳) مشکوٰۃ کتاب العلم فصل اول ص ۳۲، الفاظ مشکوٰۃ بہ حدیث کی د: دی: من یرد اللہ بہ حیرا یفقہ فی الدین . ظہیر

(۴) شرح معانی الآثار، باب التکبیر للركوع والتکبیر للسجود والرفع من الركوع هل مع ذلک رفع ام لا ص ۱۳۲ ج ۱ ظہیر

(۵) ایضا: ص ۱۳۳ و ۱۳۴ . ظہیرہ

جواب: رفع الیدین بدون هفت مقام منسوخ شدہ: والدلیل المحمل لكل روي عن النبي ﷺ انه قال لا ترفع الایدی الا فی سبیح مواطن وعد منها تکبیرة الاولى وتکبیرة القنوت والعیدین و ذکر الاربع فی الحج کذا فی الہدایة ثم هذا عندنا، وقال الشافعی: یرفع یدیه عند الركوع والرفع منه لانه علیہ السلام فعل ذلك ولنا ما روينا وما رواه محمول علی الابتداء وكذا نقل عن ابن الزبیر فانه رأى رجلا يفعل هذا فقال: لا تفعل لیس هذا بشیء فانه شیء فعله رسول الله ثم تركه كذا فی الہدایة (۱) والكفایة وقد روى الطبرانی بسنده عن ابن ابي لیلی عن الحکیم عن المقسم عن ابن عباس عن النبي ﷺ (۲) فقط

سوال: (۲۶۵) بعد از نیت ترتیب بستن دو دست: بعد از نیت نماز هر دو دست را اویزان بماند و بعد از زیر ناف آن را بماند و یا بگوشها بلند کند و بعد از زیر ناف بماند؟
جواب: دستهای خود را تا گوشها بلند کند و نیت نماز کند و بعد از دستهای خود را زیر ناف بماند. (۳)

سوال: (۲۶۶) (۱) ترتیب نماز به قاعده: شرائط نماز به قاعده چیست اما مدرسه ما مولوی حیدر علی صاحب میگوید کسانی که به قاعده نماز میخوانند و در سجده سیرین خود را بلند نمایند نماز آنها نمیشود بلکه سجده مثل سجده زنان ضرور است.

سوال: (۲۶۷) (۲) شرائط نماز با قاعده چیست؟ شرائط نماز با قاعده چیست؟
جواب: (۱) این سخن شان غلط است برای مردان مناسب نیست که مانند زنان نماز بخوانند مردان سیرین خود را در سجده بلند کنند. (۴)

جواب: (۲) نماز نقل بدون عذر به قاعده جائز است و نماز فرض و واجب بدون عذر به قاعده جائز نیست و سنت مؤکده را نیز بدون عذر به قاعده نخوانند. (۵) فقط

(۱) در هدایه باب صفة الصلاة جلد اول وهم در فتح القدیر باب صفة الصلاة: ج ۱ ص ۲۶۸ را مطالعه فرمائید.

(۲) القدیر باب صفة الصلاة: ج ۱ ص ۲۹۶ ظفر

(۳) و رفع یدیه الخ ما باهاهم شحمی الذی الخ و وضع الرجل یمنه علی یماره تحت سرته (الدر المختار علی هامش رد المحتار باب صفة الصلاة فصل ج ۱ ص ۴۵۰) ظفر

(۴) و یضع یدیه فی السجود حذاء الذی. الخ ولا یفرش فراجه و یجالی بطنه عن لعلیه و المرأة لا تجالی فی رگوها و سجدوها و یضع علی رجلها و فی السجدة تفرش بطنها علی لعلها عالمگیری باب رابع صفة الصلاة فصل ثالث ج ۱ ص ۷. و یضع عضدیه الخ و یبعد بطنه عن لعلیه الخ و امرأة تخلط فلابدی عضدیه و تلمص بطنها. الدر المختار علی هامش رد المحتار باب صفة الصلاة فصل تألیف الصلاة ج ۱ ص ۴۷۰ ط
(۵) و یقتل مع قدرته علی التمام لأعدا لا مضطجعا الا بهذر یقتل الخ ای فی غیر سنة الفجر فی الاصح كما قدمه المصنف بحلاف الترواح =

سوال: (۲۶۸) درسلسلہ رفع الیدین حال یک حدیث: روایت کرده وکیع از اعمش وار از مسیب بن رافع مسیب از تمیم بن طرفة وتمیم از جابر بن سمره او گفته است کہ رسول اللہ ﷺ بہ نزدیک ما تشریف آورد در حالیکہ ما در نماز دستہای خود را بالا میکردیم دراین وقت رسول اللہ ﷺ فرمود این چہ حال است کہ من شما را می بینم کہ دستہای خود را مثل اسپہای سرکش بلند میکنید درنماز باطمینان باشد این حدیث صحیح است یاضعیف؟

جواب: دراین حدیث اختلاف است وتحقیق درفتح القدیر بہ این قسم است: عن جابر بن سمره قال دخل علينا رسول الله والناس رافعوا ايديهم قال زهير اراه قال في الصلاة فقال: ما لي اراكم راغمي ايديكم كأنها اذاناب خيل شمس اسكنوا في الصلاة^(۱) این حدیث صحیح است ومطلقا در حال نماز است. فقط

سوال: (۲۶۹) زن درسجده وجلسہ پاہای خود را چہ قسم بماند؟ زن باید درسجده وجلسہ پاہای خود را چہ قسم بماند؟

جواب: برای زن درسجد وجلسہ استاد کردن پاها سنت نیست: فی الشامی انها لا تنصب اصابع القدمین^(۲) لہذا در سجده وجلسہ پاہای خود را استاد نکند ودر جلسہ سجده وتشہد وغیرہ تورک کند یعنی بہ سیرین خود پیوست بنشیند، فی الشامی: وتورک فی التشہد.^(۳)

سوال: (۲۷۰) درسلسلہ نماز خواندن بہ قاعدہ یک روایت غلط: من صلی قاعدا لا یرفع الالیتین فی الركوع والسجود فان رفع الالیتین فیہا تفسد صلاتہ الخ این روایت صحیح است یا نہ؟ **جواب:** این روایت مخالف قواعد وبی اصل است ودرہیج کتاب معتبر وجود ندارد بلکہ دراین بارہ حکم عام در کتابہای فقہ این است: ویظہر عضدیہ ویباعد عن فخذیہ^(۴) الدر المختار این حکم سجده ہم برای نماز گذار بہ قیام ہم برای نماز گذار بہ قاعدہ شامل است وبلند کردن سیرین درسجده لازم است. فقط

سوال: (۲۷۱) (۱) پیش از شروع سورۃ گفتن بسم اللہ چہ قسم است؟ آیا گفتن بسم اللہ

= لانہا دونہما فی التاکید فتصح قاعد وار ان خالف المتواتر الخ رد المختار رد المحتار باب الوتر والوافل ج ۱ ص ۶۵۲. ظہیر

(۱) جلد اول النباۃ فی شرح الہدایۃ کشوری ص ۶۶۲ را مطالعہ فرمائید

(۲) رد المحتار باب صفۃ الصلاۃ فی تألیف الصلاۃ ج ۱ ص ۴۷۱ ظہیر

(۳) رد المحتار باب صفۃ الصلاۃ فصل فی تألیف الصلاۃ ج ۱ ص ۴۷۱ ظہیر

(۴) الدر المختار علی هامش رد المحتار باب صفۃ الصلاۃ فصل اذا اراد الشروع ص ۴۷۰. ظہیر

الرحمن الرحیم بعد از الحمد لله شریفه و پیش از سوره در نماز جائز است یا نه؟

سوال: (۲۷۲) (۲) در تشهد حلقه کردن انگشت: آیا در تشهد حلقه کردن در وقت کلمه

شهادت جائز است یا نه؟

جواب: (۱) بعد از الحمد لله شریف گفتن بسم الله پیش از سوره جائز بلکه مستحب است. ^(۱)

جواب: (۲) در التحیات حلقه کردن انگشت وسطی و ابهام، و اشاره کردن توسط سیابه سنت

میباشد. ^(۲) فقط

سوال: (۲۷۳) اگر آمین را بطور بخواند که صرف یک دونفر بشنود چه خواهد بود؟ اگر

کسی در نماز آمین را طوری بگوید که به نزدیکش صرف یک دونفر بشنود در این صورت عند

الاحناف نمازش صحیح است یا نه؟

جواب: عند الاحناف آمین گفتن سنت است اگر به نزدیکش دو نفر آن را بشنود باز هم این قسم

گفتن جائز نیست بلکه در خفیہ گفتن داخل است کما قال فی الدر المختار و ادنی المخافة

السماع لنفسه ومن بقره ولو اسمع رجل او رجلا فليس بجهر ^(۳) الخ.

سوال: (۲۷۴) اداء کردن سجده شکر چه قسم است: حکم سجده شکر چه است آیا پیش او

خواندن نماز اداء شود یا چه وقت و بعد از نماز بدون سبب سجده کردن چه قسم است؟

جواب: سجده شکر عند تجدد النعمة مستحب است: فی الدر المختار و سجدة الشکر مستحبة

^(۴) و بعد از نماز بدون سبب مکروه است: کما فیہ ایضا لكنها تکره بعد الصلاة لان الجهلة

يعتقدونها سنة او واجبة وكل مباح يؤدي اليه فهو مكروه الخ. ^(۵) فقط

سوال: (۲۷۵) دروقت بلند شدن از رکوع مقتدی همراه ربنا لك الحمد اللهم بگوید یا نه؟

(۱) ولاتسن (ای التسمیة) بین الفاتحة و السورة مطلقا ولو سرية، ولا تکره اتفاقا وما صحح الراهدی من وجوبها صفة فی البحر (در مختار)

و قال محمد نسن ان خافت لا ين جهر الخ و ذکر فی المصنف ان القرطبي علی قول ابی یوسف انه یسمی فی اول کل رکعة و یخفیها و ذکر فی المحيط المختار قول محمد و هو ان یسمی قبل الفاتحة و قبل کل سورة فی کل رکعة الخ قوله: ولا تکره الخ و لهذا صرح فی الذخيرة و المجتبى بانه ان سمي بين الفاتحة و السورة المرفوعة سرا او جهراً كان حساً عند ابی حنيفة رجحه المحقق ابن الهمام و تلميذه الحلبي (رد المختار باب صفة الصلوة قبل مطلب قراءة السلسلة ص ۴۵۷ - ۴۵۸ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۴۹۰). ظفر

(۲) لكن المعتقد الخ انه يشير لفعله عليه الصلاة والسلام (در مختار) فهو صريح في ان المفتي به هو الإشارة بالمسبحة مع عقد الاصابع الخ

(رد المختار ج ۱ ص ۴۷۵، ط.س. ج ۱ ص ۵۰۸). ظفر

(۳) الدر المختار علی هامش و الدر المختار باب صفة الصلوة فصل في القرائت ص ۴۹۸ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۵۳۴ - ۵۳۵. ظفر

(۴) الدر المختار علی هامش و الدر المختار باب سجدات الصلاة مطلب في سجدة الشکر ج ۱ ص ۷۳۱، ط.س. ج ۲ ص ۱۱۹. ظفر

(۵) ایضا ظفر

وقتیکہ امام سمع اللہ لمن حمدہ بگوید در این وقت مقتدی صرف ربنا لک الحمد بگوید و یا کلمہ اللہم را ہم زیاد کند و بہتر کدام قسم است؟

جواب: وقتیکہ امام سمع اللہ لمن حمدہ بگوید مقتدی صرف ربنا لک الحمد بگوید و اگر کلمہ اللہم را ہمراہش زیاد کند بہتر است در حدیث شریف ہر دو قسم وارد شدہ در بعضی احادیث شریف زیاد کردن (وار) نیز وارد شدہ یعنی اللہم ربنا ولک الحمد پس ہر کدام الفاظ ذکر شدہ را کہ بگوید کافی است وسنت اداء میشود. ^(۱) فقط

سوال: (۲۷۶) اگر در وقت سلام دادن مقتدی پیش از امام فارغ شود: اگر در وقت سلام گشتاندن مقتدی پیش از امام فارغ شود یعنی سلام گشتاندن امام ختم نشدہ و سلام مقتدی ختم شد در این صورت نماز مقتدی صحیح است یا نہ؟

جواب: در این صورت در نماز مقتدی هیچ قسم خلل پیش نمیشود. ^(۲) فقط

سوال: (۲۷۷) در لفظ اللہ اکبر خواندن حرف (راء) بہ اواز بلند (دال) چہ حکم دارد؟ بگمان زید مردم عام در تکبیرات انتقالی نماز حرف (راء) را آنقدر کش میکند بہ سبب آن در نماز نقصان پیش میشود اداء کردن حرف (راء) در اللہ اکبر بہ این قسم کہ عام مردم آن را مثل (دال) فکر کنند شرعا چہ قسم است؟

جواب: این عمل مناسب نیست تبدیل حروف جائز نمیشد. ^(۳)

سوال: (۲۷۸) طریقہ سجده: در وقت سجده ران وساق یکدام اندازہ یکی از دیگری دور باشد آیا باندازہ زاویہ قائمہ مناسب است یا چہ قسم؟

جواب: در الدر المختار ذکر شدہ: ویظہر عضدیہ فی غیر زحمة ویباعد بطنہ عن فخذیہ لیظہر کل عضو بنفسہ الخ. ^(۴)

(۱) ویکشی بالتحمید المومن والفضلہ اللہم ربنا ولک الحمد لم حذف الواو ثم اللہم فقط (الدر المختار علی ہامش رد المحتار باب صفة الصلوة ص ۴۶۴ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۴۹۷). ظہیر

(۲) لو اتم المومن التشہد بان اسرع فیہ وافرغ منہ قبل اتمام امامہ فانی بما یخرجہ من الصلوة کسلام وکلام او قیام جاز ای صحت صلاتہ بمحصل بعد اتمام الارکان الخ وانما کرہ للمومن الذلک لفرکہ متابعة الامام بلا علو فلو بہ الخ فلا کراهة (رد المحتار باب صفة الصلوة ج ۱ ص ۴۹۰، ط.س. ج ۱ ص ۵۲۵). ظہیر

(۳) معنای تکبیر اللہ اکبر گفتن است اگر حرف (راء) را بہ دال بدل کند معنای تکبیر اداء نخواہد شد وجہر الامام بالتکبیر سفہر حاجت بالدخول والانتقال الخ. الدر المختار علی ہامش رد المحتار سنن صلا: ج ۱ ص ۴۴۳. ظہیر

(۴) الدر المختار علی ہامش رد المحتار باب صفة الصلوة ج ۱ ص ۴۷۰، ط.س. ج ۱ ص ۵۰۳. ظہیر

پس معلوم شد کہ در سجدہ ہمین قدر سنت است وباندازہ زاویہ قائمہ ضرور نیست وباندازہ زاویہ آن وقت صحیح است^(۱) کہ تنها گذار یا امام باشد اگر درصفت جماعت ہمراہ دیگران استاد باشد این عمل را نکند یعنی رانہا را ازساق باندازہ زاویہ قائمہ دور نکند کہ بہ مردم تکلیف پیش میشود . فقط

سوال: (۲۲۹) زنان درسجدہ انگشتان پاهای خود را چہ قسم پمانند؟ زنان دروقت سجدہ انگشتان پاهای خود را استاد نگاہ کنند ویا ہموار کنند؟

جواب: درحق زنان استاد کردن انگشتان پاها مشروع نیست: وذکر فی البحر انہا لا تنصب اصابع القدمین الخ شامی. ^(۱) فقط

سوال: (۲۸۰) امام کہ سبحانک بگوید متصل آن قرائت را شروع کند ویا باننتظار ثناء خواندین مقتدیان باشد؟ امام باید بعد ازخواندن ثناء قرائت را شروع کند ویا برای ثناء خواندن مقتدیان انتظار کند؟

جواب: قرائت را شروع کند انتظار ثناء خواندن مقتدیان را نکند. ^(۲)

سوال: (۲۸۱) کسی کہ در وقت سلام گشتانیدن درتشہد نماز جماعت شریک شود تشہد را مکمل بخواند یا نہ؟ کسی کہ در وقت سلام دادن امام اقتداء کند آیا بعد از سلام دادن امام تشہد را مکمل کند یا نہ؟

جواب: درشامی ج ۱ ص ۳۳۳ ذکر شدہ کہ قول مختار دراین مسئلہ این است کہ تشہد را مکمل کند بعد ازآن استاد شود و اگر تکمیل نکرد واستاد شد نیز جائز است. ^(۳)

سوال: (۲۸۲) اگر دروقت سلام گشتانیدن سلام کدام مقتدی دعا را مکمل نخواندہ باشد دراین صورت چہ کند؟ وقتیکہ امام سلام بگرداند ویک حصہ دعاء مقتدی ماندہ باشد دراین صورت مقتدی ہمراہ امام یکجاہ سلام بگرداند ویا بعد از ختم کردن دعاء سلام بگرداند؟

(۱) ردالمحتار باب صفة الصلوة ص ۴۷۱ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۵۰۸، طہر

(۲) وقرأ سبحانک اللهم الخ الا اذا شرع الامام فی القرائت سواء كان مسوقاً او مدركاً وسواء كان امامه بجهر بالقرائت او لا فانه لا ياتي به الخ ادرك الامام في القيام يعني مالم يبدء بالقرائت والدر المختار على هامش ردالمحتار باب صفة الصلوة فصل ص ۵۰۶ ج ۱، ص ۴۸۸، ط

(۳) وشمل باطلافة ما لو ائقدي به في اثناء التشهد الاول او الاخير فحين لعد قام امامه او سلم ومقتضاه انه يتم لم يقوم ولم ازه صريحا لم ياتيه في الذخيرة ناقلان عن ابي الليث المحتار عندني انه يتم التشهد وان لم يفعل اجراه (ردالمحتار باب صفة الصلوة بعد مظن في اطاعة الركوع

للجاني ص ۴۶۳ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۴۹۶، طہر

جواب: اگر مقدار کمی دعاء مانده باشد زودتر آن را تکمیل و کمی بعد سلام بگرداند در این عمل هم کدام حرج نیست. ^(۱) فقط

سوال: (۲۸۳) وقتی که شخص مقیم به امام مسافر اقتداء کند در رکعتهای باقی مانده تحمید بگوید یا تسمیع: شخص مقیم مقتدی است و امام مسافر است و وقتی که نماز امام ختم میشود حالا مقتدی در رکعتهای باقی مانده خود تنها ربنا لک الحمد میگوید و یا تنها سمع الله لمن حمده؟

جواب: از روی ظاهر تسمیع و تحمید هر دو افضل است. ^(۲) فقط

سوال: (۲۸۴) بعد از نماز فرض خواندن آیه الكرسي؟ امام بعد از نماز فرض در کدام مقدار وقت آیه الكرسي را بخواند اگر امام بسیار وقت بنشیند و اوراد بخواند آیا برای مقتدی پیروی امام لازم است یا بعد از دعا به خواندن سنت مشغول شود؟

جواب: اگر بعد از اداء فرض و پیش از سنت آیه الكرسي و تسبیحات بعد الصلاة و غیره اوراد مختصر را تکمیل کند و بعدا سنت بخواند کدام حرج نیست و در این باره کدام وقت محدود و معین نیست مگر امام تأخیر زیاد نکند ^(۳) اگر امام او را زیاد میخواند در این صورت برای مقتدیان اتباع او لازم نیست برای مقتدیان اختیار است که فوراً و یا کمی بعد از او را به سنت استاد شوند. فقط

سوال: (۲۸۵) (۱) در وقت سحر و دیگر به سمت جنوب رو برو شدن و دعاء کردن: زید بعد از نماز سحر و دیگر در بعض روزها رو به جنوب میشود دعاء میکند آیا این عمل از پاک حضرت ﷺ ثابت است و یا نه؟

سوال: (۲۸۶) (۲) رواج انصراف به طرف راست و چپ در هندوستان: آیا در هندوستان نیز

(۱) ولو سلم والمومن في ادعية الشهد لانه لاهل سنة والناس عنه غاللون (الدرالمختار على هامش ودرالمختار باب في صفة الصلوة فصل بعد مطلب في اطاعة ركوع للجاني ص ۴۲۳ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۴۹۶). طهیر

(۲) ويكفي بالتحميد المومن والفضل اللهم ربنا ولك الحمد ثم حذف الوارد ثم حذف اللهم فقط، ويصح بينهما لو مفردا على المعتمد بسمع والعا ويحمد مستويا (الدرالمختار على هامش ودرالمختار، باب صفة الصلوة ص ۴۲۴ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۴۹۷). طهیر

(۳) ويكره تاخير السنة الا بقدر اللهم انت السلام الخ قال الحلواني لا بأس بالفصل بالاوراد واختاره الكمطل فقلل الحلبي ان 'ربيد بالكرهة التنزيهية اوقع الخلاف (درمختار) فكان معناها ان الاولى ان لا يقرء قبل السنة ولو فعل لا بأس فافاد عدم سقوط السنة بذلك حتى اذا صلى بعد الاوراد نفع سنة لا على وجه السنة ولذا قالوا لو تكلم بعد الفرض لا نسقط لكن لو أبها أقل فلا الخ من كون قرائت الاوراد لا نسقط الخ

(درالمختار باب صفة الصلوة فصل ص ۴۹۴ ج ۱، ط.س. ح ۱ ص ۵۳۰). طهیر

علماء کرام بطرف جنوب دعاء میکنند یا نه؟

سوال: (۲۸۷) (۳) آیا انصراف موافق مذهب حنفی است یا نه؟ آیا این عمل زید موافق مذهب حنفی است و یا نه؟

سوال: (۲۸۸) (۴) در حدیث شریف مراد از نصف چیست؟ در حدیث شریف^(۱) که لفظ ینصرف

عن یمینه وعن یساره میاید آیاه این انصراف برای رفتن به خانه بود و یا انصراف برای دعاء بود؟

سوال: (۲۸۹) دلیل انصراف برای دعاء: چونکه انصراف برای دعا بطرف شمال ثابت نشده

پس روی آوردن بطرف شمال و دعاء کردن بکدام دلیل ثابت است؟

جواب: (۱) پاک حضرت ﷺ در اکثر اوقات بطرف راست و گاهی بطرف چپ دور میخورد،

^(۱) لهذا فقهاء کرام به هردو طرف نشستن و دعاء کردن را مستحب نوشته اند. ^(۲)

جواب: (۲) اکثر عوام و خواص زیادتر بطرف راست برای دعاء دور میکنند و گاهی بطرف چپ

برای دعاء دور میکنند. ^(۳)

جواب: (۳) گاه گاه بطرف چپ یعنی بطرف جنوب رو آوردن و نشستن از پاک حضرت ﷺ

ثابت شده است و مذهب امام ابو حنیفہ نیز همین است که گاه گاه بطرف چپ نشستن و دعاء

کردن مستحب است. ^(۴)

جواب: (۴) مطلب این انصراف برای دعاء نیز شده میتواند. ^(۵)

جواب: (۵) و قتیکه انصراف برای دعاء شامل است پس همین دلیل کافی است. فقط

سوال: (۲۹۰) در تسبیحات رکوع و سجده زیاد کردن (وبحمده) جائز است یا نه؟ زید در

نماز فرض و نفل خود در رکوع سبحان ربی العظیم و بحمدہ و در سجده سبحان ربی الاعلیٰ

و بحمدہ میگوید خالد میگوید کہ و بحمدہ در هیچ کتاب حنفی نیست، و نہ فقهاء این قسم گفته اند

(۱) عن انس کان النبی صلی اللہ علیہ وسلم ینصرف عن یمینہ وراہ مسلم. عن عبد اللہ بن مسعود قال لا یجعل احدکم لشیطان شینا من صلواتہ
یری ان حلا علیہ ان لا ینصرف الا عن یمینہ لقد رأیت رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم کثیرا ینصرف عن یساره. منقول علیہ (مشکوٰۃ باب الدعاء
فی الشہد ص ۸۷). ظہیر

(۲) فاذا تمت صلوة الإمام فهو مخیر ان شاء الحرف عن یساره وجعل القبلة عن یمینہ وان شاء الحرف عن یمینہ الخ وان شاء استقبل الناس
برجھ الخ هذا اذا لم یکن بعد الصلوة المکتوبة تطوع کالحجر والعصر (غنیة المستملی ص ۳۳۰). ظہیر

(۳) رد (۱) ایضاً. ظہیر

(۴) والمراد من الانصراف الالتفات عن جهة الصلوة وهي القبلة اعم ان یجلس بعده او لا، فلذا قال وان شاء ذهب الی حوائجہ لانه قضی صلواتہ
الخ (غنیة المستملی ص ۳۳۰). ظہیر

و نه از حدیث ثابت شده است آیا خالد حق میگوید یا زید؟

جواب: در احادیث شریف تسبیحات رکوع و سجده همین قسم وارد شده مثلیکه خالد میگوید و فقهاء حنفی نیز لفظ و بحمده را اختیار کرده اند ^(۱) اگر کسی لفظ و بحمده را زیاد کند کدام مسابقه ویدی ندارد این کدام سخن اختلاف نیست.

سوال: (۲۹۱) بعد از گشتاندن سلا رفتن مقتدی بدون دعاء چه است؟ ^{قسم} بعد از نماز پیش از امام دعاء کردن و از مسجد بیرون شدن چه قسم است؟

جواب: اگر این عمل مقتدی بدون ضرورت شرعی باشد در این صورت این عمل مکروه و خلاف سنت است و این عادت گرفتن گناه است قال علیه الصلاة والسلام: انما جعل الامام لیؤتم به، فقط. والله اعلم، فی مشکوٰۃ: عن انس رضی الله عنه ان النبی صلی الله علیه و آله حضهم علی الصلاة و نهامهم ان ينصرفوا قبل انصرافه من الصلاة رواه ابو داود، و قدوة المشائخ شیخ عبد الحق دهلوی در اشعة اللمعات ص ۴۴۷ فرموده: نهی کرد از اینکه بر گردند مقتدیان پیش از برگشتن او صلی الله علیه و آله به این معنی که پیش از آن حضور صلی الله علیه و آله سلام بگردانند و از نماز بیرون شوند و یا اینکه بعد از سلام گشتاندن بر خیزند پیش از آنکه رسول الله صلی الله علیه و آله بر خیزد و مقتدیان انتظار او صلی الله علیه و آله را نکنند و نهی در صورت اول تحریمی است که یعنی پیش از امام سلام بگردانند و از نماز بیرون شوند و نهی در صورت دوم تنزیهی است یعنی که مقتدیان پیش از دعاء امام دعا کنند و از مسجد بیرون شوند.

سوال: (۲۹۲) در خواندن درود شریف زیاد کردن (سیدنا): درود شریف که بعد از تشهد در نماز خوانده میشود و بدون لفظ (سیدنا) روایت شده آیا بدون لفظ سیدنا خوانده شود و یا کلمه سیدنا در آن زیاده شود؟

جواب: در زیاد کردن لفظ (سیدنا) باکی نیست مگر چونکه در حدیث بدون لفظ (سیدنا) در تشهد نماز وارد شده عمل به مطابق حدیث احسن و افضل است. ^(۲)

(۱) و یضع یدیه معیناً یهما علی رکتیه الخ و یسبح له و الله لفظة (در مختار) السنة فی تسبیح الركوع سبحان ربی العظيم (رد المحتار باب صفة الصلوة قبل مطلب فی احوال الركوع للحاجی ج ۱ ص ۶۹۰ - ۶۹۲، ط.س. ج ۱ ص ۴۹۳).

(۲) و علی علی النبی صلی الله علیه و آله الخ و ندب السیادة لان زیادة الاخبار بالواقع عن سلوک الادب فهو الفضل من ترک ذکره الرئی الشافعی و غیره و ما نقل لا تسودونی فی الصلوة لکذب (در مختار) قال سئل محمد عن الصلوة علی النبی صلی الله علیه و آله و سلم فقال یقول اللهم صل علی محمد و علی آل محمد الخ و فی الموافقة لما فی الصحیحین و غیرهما الخ و اعترض بان هذا مخالف لمذهبنا لعن من قول الامام من انه لو زاد فی تشهدہ او نقص فیہ کان مکروها قلت فیہ نظر فان الصلوة زائدة عل التشهد (رد المحتار باب صفة الصلوة ص ۴۷۸ - ۴۷۹ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۵۱۲). ظفر

سوال: (۲۹۳) وقتیکہ مقتدی دعاء بعد از درود را نخوانده باشد واما سلام بگرداند مقتدی چه کند؟ اگر امام سلام بگرداند و مقتدی تشهد و درود شریف را خوانده باشد مگر دعاء بعد از درود را نخوانده باشد در این صورت مقتدی همراہ امام یکجا سلام بگرداند و یا بعد از آنکہ دعا را بخواند؟

جواب: در این صورت مقتدی ہمراہ امام سلام بگرداند. ^(۱) فقط

سوال: (۲۹۴) بعد از نماز (لا اله الا الله) گفتن باواز بلند چه حکم دارد؟ بعد از جماعت نماز فرض متصل بہ گشتاندن سلام لا اله الا الله گفتن باواز بلند چه حکم دارد؟

جواب: این ہم جائز است مگر خفیہ خواندن آن بہتر است. ^(۲)

سوال: (۲۹۵) روایت تطبیق در رکوع؛ مرلوی ثناء الله در کتاب خود بنام (مذهب اہل حدیث) یعنی این کتاب بنام (مذهب اہل حدیث) میاشد در صفحہ ۵۳ کتاب مذکور نوشتہ کردہ کہ عبد الله بن مسعود رضی اللہ عنہ چونکہ در وقت رکوع تطبیق میکرد دستہای خود را بہ زانوہای خود نمیاندا

مثلیکہ در صحیح مسلم ہمین مذهب آنها ثابت است لہذا این سنت صحیح است یا لغو؟

جواب: این قصہ تطبیق در رکوع صحیح است تاویل این مسئلہ را علماء چنین فرمودہ است کہ شاید نسخ این حکم برای آنها معلوم نباشد و یا اینکه مذهب آنها تخییری خواہد بود والتفصیل فی الکتاب. ^(۳)

سوال: (۲۹۶) دعاهای ہمگفتار در قاعدہ نماز: اگر کسی در قاعدہ نماز بعض وقت یک دعا و بعض وقت دعاء دیگری را بخواند آیا در این بارہ بہ نزد احناف ممانعت است و یا نہ؟

جواب: ممانعت نیست. ^(۴) فقط

(۱) ولو سلم (الامام) والمؤتم فی ادعۃ التشہد تابعہ لانہا سنۃ الناس غافلون (الدردمختار) قوله فی ادعۃ التشہد یسئل الصلوۃ علی النبی صلی اللہ علیہ وسلم (رد المحتار باب صفۃ الصلوۃ فصل اراد الشروع ص ۴۶۳ ج ۱، ط. س. ج ۱ ص ۴۹۶). ظہیر

(۲) وعن المغیرۃ بن شعبۃ ان النبی صلی اللہ علیہ وسلم ان یقول فی دبر کل صلوۃ مکتوبۃ لا اله الا الله وحده لا شریک لہ الخ (مشکوٰۃ، باب الذکر بعد الصلوۃ ص ۸۸). ظہیر

(۳) عن عبد الرحمن السلمی قال قال لناہم بن الخطاب ان الرکب سنۃ لکم فخذوا بالرکب الخ والعمل علی هذا عند اہل العلم من اصحاب النبی صلی اللہ علیہ وسلم والتابعین ومن بعدهم لا اختلاف بینہم الا ما روی عن ابن مسعود وبعض اصحابہ انہم کانوا یطیفون، والتطبیق منسوخ عند اہل العلم، قال سعد بن ابی وقاص کنا نفعل ذلک فہبنا عنہ وامرنا ان نضع الکف علی الرکب (ترمذی، باب ما جاء فی وضع الیدین علی الرکتین فی الرکوع ص ۳۵ ج ۱). ظہیر

(۴) وصلى على النبي عليه السلام الخ ودعا بما يشبه الفاظ القرآن والادعية المتأورة لما روي من حديث ابن مسعود قال له النبي عليه السلام لم اعتر من الدعاء اطيبها واعجبها اليك (هدهد باب صفۃ الصلوۃ جلد اول ص ۱۰۳). ظہیر

سوال: (۲۹۷) اگر در تسبیحات رکوع گفته نتواند در عوض آن کریم بگوید و یا نه؟ کسی

که الفاظ سبحان ربی العظیم را اداء کرده نتواند در عوض آن ربی العجیم میگوید برای او در عوض عظیم تعلیم دادن سبحان ربی الکریم جائز است یا نه؟

جواب: در این صورت تعلیم دادن سبحان ربی الکریم در عوض سبحان ربی العظیم تا آن وقت جائز است که لفظ عظم را صحیح کند. ^(۱)

سوال: (۲۹۸) دعاء دربین دوسجده: در بین دوسجده خواندن دعا اللهم اغفر لي وارحمني واجبرني وارفعني جائز است یا نه؟

جواب: این دعاء در بین سجدهتین جائز است چونکه در حدیث شریف وارد شده الفاظ دعاء از این قرار است: اللهم اغفر لي وارحمني وعافني واهدني وارزقني وارفعني واجبرني الخ. ^(۲) فقط

سوال: (۲۹۹) سبب بلند کردن آنگشت شهادت: در تشهد به وقت کلمه شهادت سبب بلند کردن آنگشت چیست؟

جواب: در تشهد در وقت کلمه شهادت به توحید خداوند پاک ﷻ اشاره میشود چونکه در کلمه شهادت به زبان به توحید الله تعالی اقرار است در این وقت بافعال جوارح و اعضاء همین توحید ظاهر میگردد. ^(۳)

سوال: (۳۰۰) برای زنان در سجده کشیدن پاها بطرف راست ثابت است یا نه؟
در هندوستان زنان در حالت سجده هر دو پاهای خود را بطرف راست میکشند مگر این سخن را باوجود تلاش وجستجو در هیچ کتاب ندیدم، روایات عالمگیری و غیره معلوم میشود که در سجده برای زن پای هموار کردن مناسب است و پای خود را استاد نکند از این روایت کشیدن هردو پای بطرف راست ثابت نمیشود، تحقیق این مسئله چه قسم است؟

جواب: در این باره که شما چیزی نوشت کردید و روایات را نقل فرمودید در شامی نیز به همین

(۱) السنة في تسبیح الركوع سبحان ربی العظیم الا ان لا یحسن الظاء فیدل به الکریم لئلا یجری علی لسانه التزمین لفسد به الصلوة کذا فی شرح دور البحار للبحرانی (رد المحتار باب صفة الصلوة ج ۱ ص ۴۶۴). ظفر

(۲) وعن ابن عباس قال قال النبی ﷺ یقول بین السجدةین اللهم اغفر لي وارحمني واهدني وعافني وارزقني رواه ابو داود والترمذي (مشکوٰۃ باب السجود ولفظه ص ۸۴). ظفر

(۳) پس ان حضرت ﷺ اشاره میکرد به این آنگشت به وحدانیت حق تعالی. اشعة اللمعات باب الشاهد ص ۴۲۸، اشار باصبعه لم قبل رسول الله ﷺ لاهی اند علی الشیطان من الحدید مشکوٰۃ. به سبب اشاره کردن به آنگشت الات ایمان بر توحید خداوند و قطع طمع شیطان است از واقع شدن نماز گذار در شرک و کفر ایضا ج ۱ ص ۴۳۴. ظفر

قسم ذکر شده، ودر کبیری شرح منیه چنین ذکر شده: واما المرأة فانها تنخفض اي تنظامن وتنسفل في السجود وتلرق بطنها بفخذها وتضم ضبعها وهذا تفسير الانخفاض وذلك لان مبنى امرها على الستر كان السنة في حقها ما كان اسر من الهيئات^(۱) الخ چونکه غالبا به کشیدن باها بطرف بیرون پائین شدن وپیوست شدن زن زیارت عملی میشود وتورک برای حالت تشهد تمهید است از این لحاظ به همین ترتیب معمول گردید ودر این باره زیادت از این تحقیق برای احقر نیز معلوم نیست. فقط

سوال: (۳۰۱) در حال قیام ماندن دستها به سینه جائز است یا نه؟ ماندن دستها به سینه جائز است یا نه؟

جواب: به نزد احتلاف ماندن دستها زیر ناف سنت است.^(۲)

سوال: (۳۰۲) در تشهد بلند کردن آنگشت چی قسم است؟ در تشهد بلند کردن آنگشت چه قسم است در بین علماء احتلاف است بعض علماء برایش مستحب میگویند ودر خلاصه کیدانی این اشاره را حرام گفته این سخن معتبر است یا نه؟

جواب: فقهاء معتبر بلند کردن سبابه را سنت گفته اند در در المختار بنا بر حواله چند کتاب اشاره سبابه را تشهد سنت ثابت کرده است وعدم رفع سبابه را خلاف روایت ودرایت گفته است امام محمد در موطاء خود مذهب امام اعظم رفع سبابه را تأیید کرده بناء به حواله خلاصه کیدانی وغیره حرام گفتن به این عمل مسنونه گفتار عمل است وتفصیل این مسئله در کتابهای فقه بیان شده است در این باره شامی، فتح، در المختار وغیره کتابها را مطالعه فرمائید، در این مسئله به قول خلاصه اعتبار داده نشود چرا که او صریحا غلطی کرده از اینکه عمل سنت را حرام گفته.^(۳) فقط

(۱) غنیة المستملی ص ۳۱۳. ظفر

(۲) وضع الرجل یمنه علی سباده تحت سره الخ (در المختار باب صفة الصلوة ج ۱ ص ۴۵۴، ط.س. ج ۱ ص ۴۸۶).
(۳) ولا یشیر بسبابه عند الشهادة وعلیه الفتویٰ كما فی الولوجیة والتجنیس وعمدة المفتی وعامة الفتاویٰ، لكن المصنف ما صححه الشراح ولا سيما المناخرون كالكمال والحلي والبهسي والبالقاني وشيخ الاسلام الجذ وغيرهم انه یشیر لعله علیه الصلوة والسلام ونسوه إلى محمد والامام فی متن دروالباح وشرحه غرر الاذکار المفتی به عندنا انه یشیر باسقاط اصابعه كلها وفي الشرنلالية عن الرهان المصحيح انه یشیر مسبحه وحدها یرفعها عند الثني وبضمها عند الالتفات واحترز بالمصحيح عما قيل لا یشیر لانه خلاف الدرایة والرواية ويقولنا بالمسبحه عما قيل یفقد عند الإشارة انه وفي العیبي عن المتفحة الاصح انها مستحبة وفي المحيط سنة (در مختار) وفي المحيط انها سنة یرفعها عند الثني وبضمها عند الالتفات هو قول ابي حنيفة ومحمد ^{عليهما السلام} وكثر به الآثار والاحار فالعمل به اولى آه فهو صريح ان المفتی به هو الإشارة بالمسحة الخ (در المختار باب صفة الصلوة ص ۴۷۴ ج ۱). ظفر

سوال: (۳۰۳) رفع سبابه وحضرت مجدد صاحب: جواب نمبر (۲۵۱۶) موصول شد الحمد لله که مخالفین نیز آن را قبول کردند مگر این قدر گفتند که قول خلاصه کیدانی وغیره را تمام علماء رد کردند مجدد الف ثانی هندی درشرح مکتوب نمبر ۳۱۲ نوشته کرده درحاشیه مکتوب قول امام محمد را در باره رد الرفع سبابه نوشته کرده وعدم رفع سبابه را ترجیح داده شریعتاً جواب آن چیست؟

جواب: دراولاده امجاد الف ثانی بعض حضرات دراین مسئله نیز تحقیق کرده اند وگفته اند که رفع سبابه به سنت ثابت شده لهذا عملی کردن آن ضرور است چونکه بسیاری فقهاء محققین مطابق مذهب احناف به رفع سبابه ترجیح داده وآن را اختیار نموده اند لهذا برای مقلدین مذهب حنفی مطابق قول فقهاء حنفی عمل ضرور است مثلیکه خود مجدد الف ثانی صاحب درمکتوبات خود چندین جای تصریح کرده است که دراحکام شرعی به قول ائمه مجتهدین وفقهاء عمل کردن ضرور است، وگفته است که دراین قسم احکام قول حضرت جنید بغدادی وحضرت شبلی وقول اولیاء کرام ومجتهدین فی الطریقت معتبر نیست وتقلید آنها جائز نمیباشد. ^(۱)

سوال: (۳۰۴) اگر نماز را به قعدہ بخواند رکوع را چه اداء کند؟ اگر نماز را به قعدہ بخواند دراین صورت حد واندازه رکوع چیست؟

جواب: وقال فی الشامی ولو کان یصلی قاعدا ینبغي ان یحاذ بجہتہ قدام رکبتہ لیحصل الركوع آه قلت ولعله محمول علی تمام الركوع والا فقد علمت حصوله باصل طأطأة الراس ای مع انحناء الظهر، ^(۲) لهذا ازین معلوم شد که در نماز خواندن به قعدہ کمال رکوع این است که پیشانی مقابل زانوها شود.

سوال: (۳۰۵) بعد از تحریمہ دعاہای دیگری: بعد ازتکبیر تحریمہ درنماز فرض درعوض سبحتاک اللهم دعای دیگری که در کتابهای صحاح وارد شده خواندن آن درنماز فرض برای منفرد یعنی تنها گذار چه حکم دارد؟

جواب: علماء حنفیہ این دعاہا را در نوافل محمول کرده یعنی در نماز نفل آن را جائز گفته لهذا

(۱) والاصح كما في السراجیه انه یفنی بقول الامام علی الاطلاق ثم بقول الثانی ثم بقول الثالث الخ (الدر المختار علی هامش ردالمحتار مقدمة ص ۶۵ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۷۰). ظفیر

(۲) ردالمحتار باب صفة الصلوة بحث الركوع والسجود ج ۱ ص ۴۱۶، ط.س. ج ۱ ص ۴۴۷. ظفیر

صرف در نوافل گفته شود. ^(۱) فقط

سوال: (۳۰۶) اگر در نماز نفل خشوع ترک شود اعاده آن چه قسم است؟ اگر در نماز خشوع ترک شود آیا در اعاده آن کدام بدی نخواهد بود یا اینکه در فکر نماز گذار بدون الله کسی دیگر یا چیزی دیگر بیاید و نیت را بشکناند این عمل در نماز نفل چه حکم دارد؟

جواب: نه نماز را اعاده کند و نه نیت را بشکند چرا که در اعاده و نیت قطع کردن برای وسوسه شیطان موقع زیاد میسر میشود لهذا در نوافل نیز این عمل کرده نشود. ^(۲)

سوال: (۳۰۷) اگر تسبیح را پونخواند آیا کدام حرج است؟ مردم عوام در تسبیح رکوع سبحان ربی العظیم را هر نمیخوانند نماز شان صحیح میشود یا نه؟
جواب: نماز شان صحیح است. ^(۳)

سوال: (۳۰۸) قرائت چرا صرف در دو رکعت میشود؟ چرا دو رکعت پرو دو رکعت خالی خوانده میشود؟

جواب: از احادیث آثار صحابه همین قسم ثابت شده که پاک حضرت ﷺ دو رکعت اولی فرائض را به الحمد و سوره میخواند و در دو رکعت آخری صرف الحمد شریف را میخواند لهذا احناف این عمل را اختیار کرده اند. ^(۴)

سوال: (۳۰۹) در نماز دستها به کدام حوضه بسته شود؟ در داخل نماز دستها بسته کردن از کدام جا ثابت شده دلائل نقلیه را ارسال فرمائید؟

جواب: وعن وائل بن حجر انه رأى النبي ﷺ رفع يديه حين دخل في الصلاة كبر ثم التحف بثوبه ثم وضع يده اليمنى على اليسرى الحديث ^(۵) رواه مسلم وعن سهل بن سعد قال كان الناس

(۱) وقرء كما كبر سبحانه اللهم الخ مختصراً عليه فلا يضم وجهي ولا في الباقية الخ (در مختار) لحمل ما ورد في الاخبار عليها فبقراءتها اجماعاً الخ وفي الخزان وما ورد معمول على التالفة بعد التاء في الاصح (رد المحتار باب صفة الصلوة جلد اول ص ۴۵۵ - ۴۵۶، ط.س. ج ۱ ص ۴۸۸). ظهير

(۲) فلو اشتغل قلبه بفكر مسألة مثلاً في التاء الاركان فلا تسحب الاعادة وقال القائل لم ينقص اجره الا قصر (رد المحتار باب شروط الصلوة مطلب في حضور القلب والخشوع ج ۱ ص ۳۸۷، ط.س. ج ۱ ص ۴۱۷). ظهير

(۳) والنسب صحيح فيه لئلا (الدر المختار على هامش رد المحتار باب صفة الصلوة ج ۱ ص ۴۴۴، ط.س. ج ۱ ص ۶۷۴). ظهير

(۴) عن أبي قتادة قال قال النبي صلى الله عليه وسلم يقرء في الظهر في الاوليين بام الكتاب وسورتين وفي الركعتين الاخيرين بام الكتاب وبسمنا الآية احياناً الحديث متفق عليه (مشكوة باب الفرائض في الصلوة ص ۷۹) واكتفي المفترض فيما بعد الاوليين بالفتحة فانها سعة على الطاهر ولو زاد لاسيما به (الدر المختار على هامش رد المحتار باب صفة الصلوة ص ۴۷۷ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۵۱۱). ظهير

(۵) مشكوة باب صفة الصلوة ص ۷۵ ظهير

یومرون ان یضع الرجل الید الیمنی علی ذراعہ الیسری فی الصلاۃ رواہ البخاری ^(۱) از ابن دو حدیث شریف بستن دستہا در نماز ثابت شدہ.

سوال: (۳۱۰) اگر در اللہ اکبر ہمزہ بہ مد خوانندہ شود نماز میشود یا نہ؟ یک امام وغیرہ اگر در تکبیرات نماز ہمزہ را بہ مد بخواند مثلاً اللہ اکبر بگوید ویا مثلاً اللہ اکبر در ہمزہ لفظ اکبر مد بکند نماز او صحیح است یا نہ؟

جواب: اگر در نماز در ہمزہ اللہ اکبر ویا در ہمزہ اکبر مد کردہ شود نماز فاسد میشود از این قسم خواندن خود داری واجتنب، لازم است چرا کہ معنی چنین میگردد کہ آیا خداوند پاک کلان ذات است نعوذ باللہ من ذالک لہذا ضرور است کہ در کلمہ اللہ ودر کلمہ اکبر بہ ہمزہ مد دادہ نشود کہ خطرہ کفر وفسق است. ^(۲)

سوال: (۳۱۱) جواب یک استفسار: رسالہ اتمام الخشوع را برای شما روان میکنم امید است ان را ملاحظہ فرمائید واز تصدیق و تنقید ما را مطلع فرمائید.

جواب: بندہ رسالہ اتمام الخشوع را مطالعہ نمودم هیچ یک حدیث در این بارہ نقل شدہ کہ بستن دستہا بعد از رکوع بہ صراحت از آن معلوم شود بلکہ روایت حضرت علی رضی اللہ عنہ کہ در صفحہ ۷ منقول شدہ الفاظ آن از این قرار است: انه کان اذا قام الی الصلاۃ وضع یمینہ علی الشمال فلا یزال کذلک حتی یرکع، از این حدیث شریف معلوم شد کہ ماندن دست راست بہ دست چپ متعلق بہ قبل الركوع بود بہ ہر حال مذهب احناف (کثر ہم اللہ وزاد جماعتہم و قبل عبادتہم ویصلح امورہم واولادہم) و مذهب جمہور سلف و خلف ہمین است کہ بعد از رکوع دستہا اویزان ماندہ میشود و سخن تعجب این است کہ شما رای مرا معلوم میکنید آیا فکر و رای بندہ چہ قسم مخالف ائمہ و جمہور خود ممکن خواہد بود. فقط

سوال: (۳۱۲) لفظ آمین خفیہ گفتہ شود: آیا گفتن لفظ آمین بطور خفیہ مسنون است یا باواز بلند؟

جواب: گفتن لفظ آمین بطور خفیہ مسنون است و این مذهب احناف است، عن علقمہ بن وائل

(۱) مشکوٰۃ باب صفۃ الصلاۃ ص ۷۵ ظہیر

(۲) اذا اراد الشروع فی الصلاۃ کبر الخ بالحدف اد مد الہمزین مفسد و تعمده کفر والدیر المختار علی ہامش رد المختار باب صفۃ الصلوۃ ج ۱ ص ۴۴۸، ط.س. ج ۱ ص ۴۷۹. ظہیر

عن ابیه ان النبی ﷺ قرأ غیر المغضوب علیهم ولا الضالین فقال آمین ما روي ابن مسعود أنه كان يخفي فانه يفيد ان المعلوم منه عليه السلام الاخفاء قلت مع انه الاصل في الدعاء لقوله تعالى ادعوا ربكم تضرعا وخفية ولا شك ان آمین دعاء فعند التعارض ترجح الاخفاء بذلك وبالقياص على سائر الاذکار والادعية ولان آمین ليس من القرآن اجماعا فلا ينبغي ان يكون فيه صوت القرآن كما لا يجوز كتابه في المصحف. (۱)

سوال: (۳۱۳) رفع الیدین: عمل رفع الیدین چه حکم دارد؟

جواب: رفع یدین بدون تکبیر تحریمه به نزد احناف در نماز منسوخ است چرا که اصحاب جلیل القدر آن را ترک کرده بودند، عن البراء بن عازب قال کان النبی ﷺ اذا کبر لافتتاح الصلاة رفع یدیه حتی یشکون ابهاماه قریبا من شحمتی اذنه ثم لا یعود قال ابو جعفر فهذا عمر ولم یکن یرفع یدیه ایضا الا فی التکبیر الاولی فی هذا الحدیث وهو حدیث صحیح وفعل عمر ﷺ هذا وترك اصحاب الرسول ﷺ اياه على ذلك دلیل صحیح ان ذلك هو الحق الذي لا ينبغي لاحد خلافه. (۲)

سوال: (۳۱۴) دلیل منسوخ شدن رفع الیدین: رفع الیدین که بدون هفت جای منسوخ شده دلیل آن چیست؟

جواب: رفع الیدین بدون هفت جای منسوخ است، والدلیل المحمل لكل ما روي عن النبی ﷺ انه قال لا ترفع الايدي الا في سبع مواطن وعد منها تكبير الافتتاح وتكبير القنوت وتكبيرات العیدین وذكر الاربع في الحج كذا في الهداية ثم هذا عندنا وقال الشافعي یرفع یدیه عند الركوع والرفع منه لانه عليه السلام فعل ذلك ولنا ما روينا رجلا يفعل هذا فقال له لا تفعل لهذا بشيء فعله رسول الله ﷺ ثم ترك كذا في الهداية والكفاية وقد روى الطبراني بسنده عن ابن ابي ليلى عن الحكمين عن المقسم عن ابن عباس عنه عليه الصلاة والسلام. (۳)

سوال: (۳۱۰) بِسْمِ اللَّهِ بَيْنَ فَاتِحَةٍ وَسُورَةٍ: نماز بعد از سورة فاتحة و پیش از سورة بسم الله الرحمن الرحيم گفته شود و یا نه آیا به جهر خوانده شود یا خفیه؟

(۱) وأمن الإمام سرا كما مروي وسفر (الدور المختار على هامش رد المختار باب صفة الصلوة ج ۱ ص ۴۵۹، ط.س. ج ۱ ص ۴۹۲) ظهير

(۲) شرح معاني الآثار ج ۱ ص ۱۳۲ - ۱۳۳ تحت التكبير للركوع الخ. ظهير

(۳) رد المختار باب صفة الصلوة ج ۱ ص ۴۷۳، ط.س. ج ۱ ص ۵۰۶ وفتح القدير باب صفة الصلوة ج ۱ ص ۲۶۸. ظهير

جواب: عبارت در المختار در این باره این است: لا تسن بین الفاتحة والسورة مطلقا ولو سرية ولا تکره اتفاقا^(۱) الخ حاصل عبارت این است که درابتداء سورة گفتن بسم الله نه سنت است و نه مکروه و علماء محققین استحباب خواندن آن را ترجیح داده درشامی ذکر شده: ولذا صرح فی الذخيرة والمجتبی بانه من سمی بین الفاتحة والسورة المقرؤة سرا او جهرا کان حسنا عند ابي حنيفة ورجحه المحقق ابن الهمام الخ.^(۲) فقط

سوال: (۳۱۶) بستن دستها زیر ناف: احناف در نماز به حالت قیام دستهای خود را کجا میمانند زیر ناف یا بالا تر از نماز روایت مفتی به و معمول به کدام است و کدام قسم ان اولی میباشد؟

جواب: به نزد احناف حدیث تحت السرة عملي میشود و حدیث فوق السرة معمول به نیست و نماز درعمل خلاف اولی نیز جائز است^(۳) بضعهما اي الرجل تحت السرة الخ قال الشيخ کمال الدين بن الهمام کون الوضع تحت السرة او الصدر لم يثبت فيه حيث یوجب العمل فیحال علی الممهود من وضعها حال کون قصد التعظیم فی القيام والمعهود فی الشاهد منه تحت السرة مرة ذکره عن علي من السنة فی الصلاة وضع الکف علی الکف تحت السرة رواه ابو داود واحمد واللفظ له الخ غنية المستملی ص ۲۹۴.

سوال: (۳۱۷) مقدار جهر در قرائت و تکبیر: در نماز دادن قرائت امام وبعض تکبیرات را آنقدر باواز بلند خواندن که بیرون از مسجد تا سرک شنیده شود، وبعض تکبیرات را آنقدر باواز پائین خواندن که مقتدیان صف دوم و سوم هم شنیده نتوانند مثلا تکبیر رکوع را باواز نرم و تکبیر قومه را باواز بسیار بلند و تکبیر سجده را باواز نرم و تکبیر جلسه را به چیغ زدن پس این قسم عمل سنت است و یا بدعت یا کدام چیز دیگر آیا این عمل از قرون اولی ثابت است یا اختراعی است، ببنوا توجروا

جواب: برای امام در جهر قرائت و تکبیرات اختیار کردن طریقه درمیانه به قدر حاجت مناسب است و این قسم فرق و تفاوت که از حاجت زیاد و یا کم باشد بسیار مذموم، قبیح و بی اصل است

(۱) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب صلة الصلوة ج ۱ ص ۴۵۷، ط.س. ج ۱ ص ۴۹۰. طهری

(۲) ردالمحتار باب صلة الصلوة ج ۱ ص ۴۵۸، ط.س. ج ۱ ص ۴۹۰. طهری

(۳) و وضع لرجل ییمه علی یمار تحت سرته اخذ رسمها بنصهره و ابهامه هو المختار (الدر المختار علی هامش ردالمحتار، باب سرفه الصلوة ج ۱ ص ۴۵۴، ط.س. ج ۱ ص ۴۸۶). طهری

در شریعت برای این قسم فرق و تفاوت هیچ کدام اصل و حکم موجود نیست^(۱) صرف در باره گشتاندن سلام فقهاء کرام این قدر نوشته کرده اند که سلام دوم را نسبت به سلام اول اندازه باواز پائین بگویند: کما فی الدر المختار و سن جعل الثاني اخفض من الاول،^(۲) الخ پس بدون همین جا در کدام دیگری درجات جهر کدام تفاوت ندارد.

سوال: (۳۱۸) بلند کردن آنگشت شهادت در تشهد: در تشهد بلند کردن آنگشت شهادت مسنون است یا نه؟

جواب: روایات متعلق سبابه، فی الدر المختار: لکن المعتمد ما صححه الشراح ولا سيما المتأخرون کالکمال والحلی البهنسی والباقلانی وشیخ الام الجذ و غیرهم انه یشير لفعله علیه الصلاة والسلام ونسبه لمحمد والامام بل فی متن درر البحار و شرحه غرر الاذکار المفتی به عندنا انه یشير الخ وفي الشرنبلالية عن البرهان الصحيح انه یشير بمسبحته وحدها یرفعها عند النفي ویضعها عند الاثبات واحترز بالصحيح عما قيل لا یشير لانه خلاف الدراية والرواية^(۳) الخ الدر المختار ودر شامی آمده وفي المحيط انها سنة یرفعها عند النفي ویضعها عند الاثبات وهو قول ابي حنيفة ودر حمد وکثرت به الاثار والاخبار فالعمل به اولی فهو صریح فی ان المفتی به هو الاشارة بالمسبحة مع عقد الاصابع الخ وقال فی الشرح الكبير قبض الاصابع عند الاشارة المروي عن محمد فی كيفية الاشارة وكذا عن ابي يوسف فی الامالي وهذا فرع تصحيح الاشارة وعن كثير من المشائخ لا یشير اصلا وهو خلاف الدراية والرواية فعن محمد رحمة الله علیه ان ما ذكره فی كيفية الاشارة قول ابي حنيفة ومثله فی فتح القدير وفي القهستاني وعن اصحابنا جميعا انه سنة فيلحق ابهامه اليمنى ووسطاها ملصقا راسها براسها ويشير بالسبابة^(۴) الخ شامی ج ۱ ص ۳۲۴. از این روایات معلوم شد که در تشهد بلند کردن آنگشت شهادت مسنون است وطریقه

(۱) وبجهر الامام وجوبا بحسب الجماعة فان زاد علیه اسماء (در مختار) وفي الزاهدی عن ابي جعفر لو زاد علی الحاجة فهو افضل الا اذا جهد نفسه او اذى غيره قهستاني (رد المحتار فصل فی القرائت ج ۱ ص ۴۹۷. ط.س. ج ۱ ص ۵۳۲) وجهر الامام بالتكبير بقدر حاجة الاعلام بالدخول والانفعال وكذا بالنسج والسلام واما المؤتم والمفرد فيسمع نفسه (در مختار) قوله بقدر حاجة الاعلام الخ وان زاد كره قلت هذا اذا يفتش الخ والزائد على قدر الحاجة كما هو مكروه للامام يكره للمبلغ (رد المحتار باب صفة الصلوة مطلب في التبليغ خلف الامام ج ۱ ص ۴۲۳. ط.س. ج ۱ ص ۴۷۵). ظهير

(۲) الدر المختار على هامش رد المحتار باب صفة الصلوة ج ۱ ص ۴۹۱. ط.س. ج ۱ ص ۵۲۶. ظهير

(۳) الدر المختار على هامش رد المحتار باب صفة الصلوة ج ۱ ص ۷۴ - ۴۷۵. ط.س. ج ۱ ص ۵۰۸. مثير

(۴) رد المحتار، باب صفة الصلوة مطلب مهم في عقد الاصابع عند التشهد ص ۳۷۵. ط.س. ج ۱ ص ۵۱۰. ظهير

بلند کردن این انگشت چنین است که انگشت خورد و انگشت ما بینی دست راست را حلقه کند و با انگشت شهادت اشاره نماید.

سوال: (۳۱۹) زن درجلسه وسجده پاهای خود را چه قسم بماند؟ زن باید درجلسه وسجده پاهای خود را چه قسم بماند؟

جواب: برای زنان استاد کردن قدمها سنت نیست فی الشامی: انھا لا تنصب اصابع القدمین^(۱) نظر به این عبارت زن درجلسه، سجده وتشهد به زمین پیوست بنشیند، فی الشامی: وتترك فی التشهد^(۲) الخ.

سوال: (۳۲۰) به یک بوریا یا یک جای نماز زن ومرد نماز خوانده میتوانند؟ اگر به یک بوریا ویا یک جای نماز زن ومرد با هم استاد شوند خواه زن منکوحه این رد باشد ویا نباشد نماز شان صحیح است یانه؟

جواب: اگر هر کدام این زن ومرد نماز انفرادی بخوانند نماز صحیح است مگر همراه زن اجنبی دریک جای نماز استاد شدن بد است^(۳) واگر این زن ومرد درنماز شریک باشند، به امام اقتداء کرده باشد دراین صورت نماز شان صحیح نمیشود والتفصیل فی کتب الفقه. (۴) فقط

سوال: (۳۲۱) بِسْمِ اللَّهِ دربین فاتحه وسورة جهرا است یا سرا؟ دربین الحمد لله وسورة بسم الله خوانده شود یانه؟ به جهر خوانده شود ویاخفیه صاحب هدایه بسم الله را درابتداء سورة منع کرده ودرالمختار برایش مستحب میگوید دراین دو حکم کدام حکم صحیح وقابل عمل است وجواب حکم دوم چیست دیگر اینکه در ابتداء فاتحه حکم بسم الله گفتن موافق این حکم است یامخالف؟

جواب: عبارت درالمختار این است (لا تسن بین الفاتحة والسورة مطلقا ولوسریة ولا تکره اتفاقا^(۵) الخ حاصل عبارت این است که دراول سورة بسم الله گفتن نه مسنون است ونه مکروه وعلماء

(۱) ردالمحتار، باب صفة الصلوة ج ۱ ص ۴۷۱. ظفر

(۲) ردالمحتار، باب صفة الصلوة ج ۱ ص ۴۷۱. ظفر

(۳) لمعاداة المصلية لمصل ليس في صلاتها مكروهة لافسد (ردمختار) قول ليس في صلاتها بان صليا لمجردين او متعديا احدهما باسم لم يفتد به الاخر شرح المنية (ردالمحتار باب، الامامة ج ۱ ص ۵۳۷، ط.س. ج ۱ ص ۵۲۴). ظفر

(۴) واذا حاله ولو بعض واحد مرة ولو امة وشهادة الخ ولا حال بينهما في صلوة الخ مطلقا مشتركه تحريمه واداء الخ فسدت صلاته (الدر المختار على هامش ردالمحتار باب الامامة ج ۱ ص ۵۳۴، ط.س. ج ۱ ص ۵۷۲). ظفر

(۵) الدر المختار على هامش ردالمحتار باب صفة الصلوة ج ۱ ص ۴۵۷، ط.س. ج ۱ ص ۴۹۰. ظفر

محققین خواندن بسم الله را مستحب گفته اند در شامی ذکر شده: ولذا صرح فی الذخيرة والمجتبیٰ انه ان سمي بين الفاتحة والسورة المقرؤة سرا اوجهاً كان حسناً عند ابي حنيفة ورجحه المحقق ابن الهمام ^(۱) الخ بسم الله سري خوانده شود: اما الموضع الرابع فانها تخفي عندنا الخ عن النس رضی اللہ عنہ ان رسول الله كان يسر بيسم الله الرحمن الرحيم الخ. غنية المستملي ص ۳۰۱.

سوال: (۳۲۲) در نمازهای جهري منفرد چه کند؟ در نماز شام، خفتن و صبح شخص تنها گذار نماز خود را به جهري خوانده ميتواند يانه؟ و تنها گذار ربنا لك الحمد را به جهري بگوید يا به خفيه؟

جواب: براي تنها گذار در اين نمازها جائز است ^(۲) وبعد از سميع الله لمن حمده ربنا لك الحمد را خفيه بگوید. ^(۳)

سوال: (۳۲۳) ماندن دستها بالای ناف بعد از تكبير تحریمه ماندن دستها در حديث شريف زیر ناف ثابت است يا بالای ناف؟

جواب: بستن دستها در زیر ناف وبالاتر از ناف هر دو از احاديث ثابت شده مگر احناف حديث زیر ناف را معمول به کرده اند. ^(۴) فقط

سوال: (۳۲۴) بعد از فاتحه خاموشي وبعداً سورة: اگر امام بعد از خواندن فاتحه خاموش شود بعد از آن قرائت را شروع کند آیا در نماز کدام نقصان ميآید؟

جواب: اگر به قدر آمين وخفيه خواندن بسم الله سكوت کند وبه همین اندازه در نماز تأخير شود در اين صورت در نماز کدام نقصان پيش نمیشود. ^(۵)

^(۱) ردالمحتار، باب صفة الصلوة ج ۱ ص ۴۵۸، ط.س. ج ۱ ص ۴۹۰. ظهير

^(۲) ويغير المنفرد في الجهر وهو الفضل ويكتفي بآداه ان ادى (الردالمحتار على هامش ردالمحتار وفصل في القرائت ج ۱ ص ۴۹۸، ط.س.

ج ۱ ص ۵۳۳، ظهير

^(۳) جهري الامام بالتكبير الخ وكذا بالسمع الخ واما المزمع والمنفرد ليسمع نفسه (ايضاً باب صفة الصلوة جلد اول ص مطلب في التبليغ

خلف الامام، ط.س. ج ۱ ص ۴۷۵)، ظهير

^(۴) يضع يمينه على يساره بعد التكبير الخ تحت السرة الخ وذكر عن علي من السنة لي الصلوة وضع الكف تحت السرة رواه ابوداود واحمد

واللفظ له الخ (غنية المستملي ص ۲۹۴)، ظهير

^(۵) وامن الخ الامام سرا كما هو ومنفرد (الردالمحتار باب صفة الصلوة) ان سمي بين الفاتحة والسورة المقرؤة سرا او جهراً كان حساً عند

ابي حنيفة (ردالمحتار باب صفة الصلوة ص ۴۵۸، ط.س. ج ۱ ص ۴۹۲)، ظهير

خواندن بسم الله پیش از فاتحه وسوره: سوال: (۳۲۵): برای امام در هر رکعت ضم کردن

بسم الله همراه فاتحه وسوره واجب است یا نه؟ وبه نزد احناف برای امام ومنفرد این باره صورت است مستحب کدام است؟

جواب: ذکر فی المحيط: المختار قول محمد وهو ان یسمى قبل الفاتحة وقبل كل سورة في كل ركعة وفي الدر المختار وكما تعوذ سمي الخ سرا في اول كل ركعة الخ لا تسن بين الفاتحة والسورة مطلقا ولو سرية ولا تكره اتفاقا الخ قال في الشامي ولهذا في الذخيرة والمجتبى بانه ان سمي بين الفاتحة والسورة المقروءة سرا اوجها كان حسنا عند أبي حنيفة رحمه الله ورجحه المحقق ابن الهمام ^(۱) اتمام این عبارات معلوم شد که برای امام پیش از فاتحه خواندن بسم الله سنت است، وبعض علماء خواندن بسم الله را در این وقت واجب گفته اند وخواندن بسم الله اگر چه پیش از سوره مسنون نیست مگر مکروه هم نیست بلکه مستحب است. فقط

سوال: (۳۲۶) بعد از تکبیر تحریمه اویزان کردن دستها جائز نیست: آیا بعد از تکبیر

تحریمه اویزان کردن دستها جائز است یا نه؟ مولوی عبد الحی صاحب آن راجاز گفته است؟

جواب: در الدر المختار آمده: ووضع الرجل يمينه على يساره تحت سرتة أخذاً رسغها بختصره وابهامه الخ كما فرغ من التكبير بلا ارسال في الاصح الخ قوله بلا ارسال هو ظاهر الرواية، الخ از این روایت معلوم شد که اویزان کردن دستها بعد از تکبیر تحریمه صحیح نیست.

سوال: (۳۲۷) برای دور خوردن امام به طرف راست یا چپ تعداد مقتدیان محدود

نیست: این مسئله صحیح است یا نه که تعداد مقتدیان ده نفر یا باندازه کدام عدد مخصوص نباشند در این صورت امام بطرف راست یا بطرف چپ روی خود را بآنها دور ندهد؟

جواب: این مسئله صحیح نیست کما فی الشامی ولو دون عشرة اي ان الاستقبال مطلق لا تفصيل فيه بين عدد وعدد الخ ولا يلتفت الى ما ذكره بعض شراح المقدمة من ان الجماعة ان كانوا عشرة يلتفت اليهم ان هذا الذي ذكره لا اصل له في الفقه ^(۲) الخ.

سوال: (۳۲۸) در وقت بالا شدن از سجده بدست تکیه کردن جائز است یا نه؟ در وقت بالا

شدن از سجده تکیه کردن بدست بدون عذر جائز است یا مکروه و تکیه کردن به زانو ها اگر چه

(۱) ردالمحتار باب صفة الصلوة ج ۱ ص ۴۵۷ - ۴۵۸، ط.س. ج ۱ ص ۴۹۰، ظفر

(۲) ردالمحتار، باب صفة الصلوة جل ۱ ص ۴۵۴، ط.س. ج ۱ ص ۴۸۶، ظفر

ناجائز است مگر ترک این عمل مستحب است یا نه؟ در فتاویٰ عالمگیری آمده: لایعتمد علی الارض بل یعتمد علی الركبة و ترک الاعتماد مستحب الخ مطلب این عبارت چیست و در این صورت چه حکم است؟

جواب: در الدر المختار آمده: ویکبر للنهوض علی صدور قدمیه بلا اعتماد وقعود استراحة الخ در شامی آمده: قوله بلا اعتماد ای علی الارک الخ قال فی الکفاية اشار به الی خلاف الشافعي فی موضعین احدهما یعتمد بیدیه علی رکبتین عندنا وعنده علی الارض الخ شامی ج ۱ ص ۳۴۰، پس معلوم شد که اعتماد یعنی تکیه کردن به زانوها مذهب حنفی است و تکیه کردن به زمین مذهب شافعی است لهذا بدون عذر به زمین تکیه نکند بلکه به تکیه کردن به زانوها بالا شود و در عبارت: و ترک الاعتماد مستحب^(۱) مطلب این است که ترک تکیه به زمین مستحب است. فقط

سوال: (۳۲۹) بحث خواندن فاتحه خلف الامام وغیره: (۱) در کدام آیت الله تعالی و در کدام حدیث رسول الله ﷺ از خواندن فاتحه خلف الامام منع کرده است؟

سوال: (۳۳۰) (۲) رسول الله ﷺ در نماز دستها را بالای ناف بسته میکرد یا مانند دستها را به سینه منع میکرد؟

سوال: (۳۳۱) (۳) رسول الله ﷺ در نماز آمین را خفه میخواند و یا الله تعالی و رسول الله ﷺ مردم را از آمین بالجهر منع کرده اند؟

سوال: (۴) رسول الله ﷺ در وتر رفع الیدین کرده یا برای مردم این عمل را اجازه کرده؟

سوال: (۵) آیا رسول الله ﷺ در رکعت های طاق جلسه استراحت نکرده و یا از این جلسه ممانعت او ثابت است یا نه؟

جواب: (۱) الله تعالی هم آمین بالجهر را منع کرده الله تعالی فرموده است: و اذا قرئ القرآن فاستمعوا له وانصتوا^(۲) و در حدیث شریف مسلم آمده: و اذا قرئ فانصتوا^(۳)

جواب: (۲) و ذکر عن علي ؓ من السنة في الصلاة وضع الكف على الكف تحت السرة رواه ابو داود واحمد واللفظ له^(۴) از جهت اینکه حضرت علي ؓ مانند کف دست رابه کف دست

(۱) عالمگیری مصری الباب الرابع فی صفة الصلوة فصل ثالث ص ۷۰ ج ۱، ط. ماجدیه ج ۱ ص ۷۵. ظفر

(۲) سورة الاعراف رکوع ۲۴. ظفر

(۳) مشکوٰۃ باب القرائت فی الصلوة ص ۸۱ و انوار السنن باب فی ترک القرائت خلف الامام فی الجهریه. ظفر

(۴) غیة المستملی ص ۲۹۴، وعن علقمة بن وائل بن حجر عن ابيه قال رأيت النبی ﷺ يضع يمينه على شماله تحت السرة. رواه ابن ابي =

سنت گفته میکند براینکه این عمل معمول به رسول الله ﷺ است. فقط

جواب: (۳) خفیه گفتن آمین اولاً از قرآن پاک فهمیده میشود: ادعوا ربکم تضرعاً وخفیه^(۱) یعنی به خداوند عزوجل به عاجزی و خفیه دعا کنید، و در الفاظ حدیث (خفّض واخفی صوته) وارد شده است^(۲) کدام نص صریحی و روایت ابن مسعود رضی الله عنه که در این متعلق وارده شده دلالت میکند براینکه آمین به خفیه گفته شود و در شرح منیه از روایت حضرت وائل رضی الله عنه هم معلوم میشود که گفتن آمین به خفیه سنت است.

جواب: (۴) قال ابن قدامة فی المغنی: وقد روی عن ابن عمر رضی الله عنه انه كان اذا فرغ من القرائت کبر و فی الذخيرة و رفع یدیه حذاء اذنیه وهو مروی عن ابن مسعود وابن عمر وابن عباس و ابی عبدة رضی الله عنه الخ وقال قبیلہ: فان ذلك مروی عن علي وابن عمر وبراء بن عازب و القیاس يدل ان التكبير للفصل والانتقال من حال الى حال الخ، پس معلوم شده که تکبیر گفتن و رفع الیدین در رکعت سوم و تر از عبد الله بن مسعود و ابن عباس و ابن عمر و غیره هم ثابت است، پس معلوم میشود که این اصحاب کرام رسول کریم ﷺ راحتماً با این عمل دیده اند بعد از آن این حضرات هم این عمل را معمول به خود کرده اند.

جواب: (۵) وعن ابی هريرة رضی الله عنه قال قال النبی ﷺ ينهض فی الصلاة علی صدور قدمیه^(۳) واز بسیار اصحاب هم چنین منقول شده کذا فی شرح المنية فقط

سوال: (۳۳۲) تحقیق فاتحه خلف الامام، آمین بالجهر رفع الیدین وماندین دستها بر

سینه و بستن آن: نماز خواندن به طریق ذیل از روی احادیث و فعل صحابه کرام جائز است و یا نه؟ (۱) خواندن فاتحه خلف الامام (۲) گفتن آمین باواز بلند (۳) رفع الیدین (۴) ماندن دستها به سینه بنوا توجروا.

جواب: (۱) فاتحه خلف الامام و یا خواندن کدام سوره دیگر خلف الامام به قرآن کریم و احادیث صحیحه منع شده است؟ در قرآن کریم به آیه مبارکه (واذا قرئ القرآن فاستمعوا له وانصتوا)^(۴)

= شبة و اساده صحیح (آثار السنن، باب وضع الیدین تحت السررة). ظفر

(۱) سورة الاعراف رکوع ۱۰۴. ظفر

(۲) آثار السنن، باب ترک القرائت خلف الامام فی الجهرية ص ۸۵ ج ۱، مشکوة باب القرائت ص ۸۱. ظفر

(۳) مذهب باب صفة الصلوة ص ۱۰۱ ج ۱ عن البحاری. ظفر

(۴) سورة الاعراف رکوع ۱۰۴. ظفر

ودر احادیث به روایت مسلم (وإذا قرأ فانصتوا) ^(۱) ودر روایت دیگری آمده: من كان له امام فقرأت الامام قرأت له الحديث او كما قال ﷺ . فقط

جواب: (۴) در گفتن آمین اخفاء سنت و مستحب است اگر چه بلند گفتن آن هم در نماز جائز است مگر طریقه سنت این است که آمین خفیه گفته شود، لانه دعاء وقال الله تعالى (ادعوا ربکم تضرعاً وخفیة) ^(۲) والا احادیث متعارضة فتعین المصیر إلى الاصل وهو الاخفاء. فقط

جواب: (۳) رفع الیدین بدون تکبیر تحریمه منسوخ شده مثلیکه روایت (فترك) بر منسوخ شدن آن دلالت میکند ودر حدیث عبد الله ابن مسعود ذکر شده (عن علقمة قال لنا ابن مسعود رضی اللہ عنہ الا اصلي بکم صلاة رسول الله فصلي ولم يرفع يديه الا مرة واحدة مع تكبيرة الافتتاح) ^(۳) از این حدیث شریف معلوم میشود که عمل آخري آن حضرت رضی اللہ عنہ ترك رفع الیدین است بدون تکبیر افتتاح. فقط

جواب: (۴) دستها باید زیر ناف مانده شود قال في الهداية (ويعمل بيده اليمنى على يده اليسرى تحت السر لقوله ﷺ ان من السنة وضع اليمين على الشمال تحت السرة) الخ ولان الوضع تحت السرة اقرب الى التعظيم ^(۴) وفي حديث ابراهيم النخعي ما يدل عليه روى ابو حنيفة عن حماد عن ابراهيم النخعي ان النبي ﷺ كان يعتمد يده اليمنى على اليسرى تواضعاً الخ. ^(۵) فقط

سوال: (۳۳۳) رفع سبابه ضرور است یا نه ؟ بعض احناف رفع سبابه نمیکند و به نکردن آن یک قول امام صاحب را دلیل میگیرند؟

جواب: متعلق رفع سبابه در المختار و شامی خوب تفصیل کرده و به رفع سبابه ترجیح داده اند و از بسیار کتابها این تفصیل را نقل کرده اند که بعد از این تفصیل برای شخص مقلد گنجایش خلاف نیست، در موطا امام محمد خودش می فرماید که این قول ما و قول استاد الامام ابو حنيفة است. ^(۶) فقط

(۱) آثار السنن باب في ترك القرائت خلف الامام في الصلوة كلها ص ۸۷ ج ۱. ظهير

(۲) سورة الاعراف ركوع ۷. ظهير

(۳) آثار السنن، باب ترك رفع اليدين في غير الافتتاح ج ۱ ص ۱۰۳ و نیز مطالعه كنيد: غنية المستعني صفة الصلوة ص ۳۱۶. ظهير

(۴) هداية باب صفة الصلوة ج ۱ ص ۹۵ - ۹۶. ظهير

(۵) حاشیه هداية، باب صفة الصلوة تحت قوله وضع اليمين ج ۱ ص ۹۶. ظهير

(۶) لكن المعتمد ما صحح الشراح واسباه المتأخرون كالكمال والحلي والبهسي والباقياني وشيخ الاسلام البدر وغيره انه يشير لفعله عليه الصلوة والسلام الخ (الدرا المختار على هامش ردالمحتار باب صفة الصلوة ج ۱ ص ۴۷۴. ط.س. ج ۱ ص ۵۰۸). ظهير

سوال: (۳۳۴) حدیث آمین بالغفیه حدیث کدام درجه است: مخالفین میگویند که احادیث آمین بالا خفاء معلول و مجروح است لهذا آمین بالجهر اولی است و مخالفین میگویند که علماء احناف خودشان گفته اند که آمین به جهر به احادیث قوی ثابت شده جواب این اعتراض چیست، امید است که کدام حدیث قوی را نوشته کنید و باعث ترجیح را نیز تحریر فرمائید؟

جواب: احادیث اخفاء و جهر هر دو موجود است مگر ترجیح به احادیث اخفاء است بسبب قول الله تعالی: ادعوا ربکم تضرعاً و خفیه الاية ^(۱) حدیث صحیح هم موجود است: انک لا تدعون اصم ولا غائباً ^(۲) و ابن مسعود رضی اللہ عنہ فرموده است که: اربع یخفیهن امام و ذکر من جملتها التضرع و التسمیة و التأمین. ^(۳) فقط

سوال: (۳۳۵) در تشهد که انگشت را بالا کند بکدام کلمه آن را پائین کند؟ و تکیه در تشهد نماز به کل مات اشهد ان لا اله الا الله انگشت را بالا کند در کدام وقت انگشت را پائین کند؟

جواب: در شرح منیه از امام حلوانی نقل کرده اند که به لفظ لا اله الا الله انگشت را بالا کند و به لفظ الا الله انگشت را پائین کند. ^(۴) فقط

سوال: (۳۳۶) اشاره به انگشت شهادت: در نماز بلند کردن شهادت به بسیار احادیث ثابت شده مگر معلوم نیست که فقهاء رحمهم الله چرا آن را ممنوع و حرام میگویند اگر در مذهب حنفی جائز باشد تحریر فرمائید؟

جواب: فقهاء محققین حنفی هم اشاره بالسبابه را ترجیح داده اند و به همین قول فتوی و عمل میکنند در الدر المختار آمده بعد از اینکه روایت منع آن را نقل کرده: لکن المعتمد ما صححه الشراح و لاسیما المتأخرون کالکمال و الحلبي و الیهنسی و الباقلائی و شیخ الاسلام الجعد و غیرهم انه یشرع لفعله علیه الصلاة والسلام و نسیره لمحمد و الامام بل فی متن درر البحار و شرحه غرر

(۱) سورة الاعراف رکوع ۷. ظفر

(۲) مشکوة باب ثواب التسبیح فصل اول ص ۲۰۱. ظفر

(۳) هدایه باب صفة الصلوة ص ۹۲. ظفر

(۴) یرفعها عند التکی و یضعها عند الاثبات (در مختار) و فی المحيط انها سنة یرفعها عند التکی و یضعها عند الاثبات و هو قول امی حنیفة و محمد و کثرت به الآثار و الاخبار فالعمل به اولی (رد المحتار باب صفة الصلوة مطلب مهم فی عقد الاصابع عند التشهد ص ۱۷۵ ج ۱. ط. س. ج ۱

ص ۵۰۹. ظفر

الاذکار المفتی به عندنا انه يشير باسطا اصابعه كله والشرنبلالية عن البرهان الصحيح انه يشير بمسبحة وحدها الخ وفي الشامي فهو صريح في ان المفتی به هو الاشارة بالمسبحة مع عقد الاصابع على الكيفية المذكورة الخ ص ۳۴۱، شامي.^(۱)

سوال: (۳۳۷) (۱) از رکعت دوم چی قسم بالا شود؟ در رکعت دوم وفتیکه ازقعدہ به قیام میرود دستهای خود را به نانوها تکیه کند یا به زمین تکیه کرده بالا شود؟

سوال: (۳۳۸) (۲) بعد از سلام شرکت مقتدی در دعاء: برای مقتدی بعد از سلام گشتاندن امام در دعاء امام شرکت وافتداء ضرور است یا مستحب؟

جواب: (۱) اگر دستهای خود را به زانوهای خود بماند وبالا شود بهتر است واگر به اثر عذر و ضرورت دستهای خود را به زمین بماند وبالا شود هم جائز است.^(۲) فقط

جواب: (۲) اشتراک مقتدی در دعاء بعد از سلام مستحب است.^(۳)

سوال: (۳۳۹) جلسه استراحت جائز است یا نه؟ بعد از ختم دو سجده نماز پیش از رفتن به قیام قدر اندک نشستن جائز است یا نه؟

جواب: به نزد احتاف بعد از دو سجده پیش از قیام جلسه استراحت نیست.^(۴)

سوال: (۳۴۰) در وقت اشاره حلقه کردن انگشتان جائز است یا نه؟ به نزد امام اعظم صاحب در تشهد حلقه کردن انگشت ابهامه و انگشت وسطی وبعد از بند کردن آنگشت خنصره و بنصره اشاره کردن جائز است یا نه؟

(۱) ردالمحتار، باب صفة الصلوة جلد اول ص ۴۷۴، ط.س. ج ۱ ص ۵۰۸، ظهیر

(۲) ویکبر للنهوض علی صدور قدمیه باعتماد ولعقد استراحة ولو فعل لایاس (درمختار) بلا اعتماد ای علی الارض قال فی الکتابة اشار به الی خلاف الشافعی فی موضعین احدهما یتمتع بیده علی رکتیه عندنا وعنده علی الارض والثانی الجلسة الخفیة الخ (ردالمحتار باب صفة الصلاة جلد اول ص ۴۷۲، ط.س. ج ۱ ص ۵۰۶، ظهیر

(۳) ویمسحون ان یمسکوا لایلا ولیراء اية الكرسي الخ ویدعو ویتمتع یمسحان ربک (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب صفة الصلوة ص ۴۹۵ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۵۳۰) فاذا تمت صلوة الامام فهو مخیر ان شاء انحراف عن يساره الخ وان شاء انحراف عن يمينه الخ وان شاء ذهب الی حوائجه لانه قضی صلوة الخ وان شاء استقبل الناس بوجهه الخ (غنية المستملی ص ۳۴۰، ظهیر

(۴) ویکبر للنهوض بلا اعتماد ولعقد استراحة ولو فعل لایاس (درمختار) بلا اعتماد الخ ای علی الارض قبل فی الکتابة اشار به الی خلاف الشافعی فی موضعین احدهما یتمتع بیده علی رکتیه عندنا وعنده علی الارض والثانی الجلسة الخفیة قال شمس الائمة الحلواني العلاف فی الاقلیل حتی لو فعل كما هو منهجنا لایاس به عند الشافعی ولو فعل كما هو منهجنا لایاس به عندنا كما فی المحيط اه قال فی الحلیة والاشبه انه سنة او مستحب عند عدم العذر فیکره فعله تنزیها لمن لیس به عذر آه وتبعه فی البحر والیه یشیر قولهم لا یاس فانه یغلب فیما ترکه اولی

(ردالمحتار باب صفة الصلوة ج ۱ ص ۴۷۲، ط.س. ج ۱ ص ۵۰۶، ظهیر

جواب: اشارہ بہ آنگشت سبابہ بکدام شکل کہ در سوال نوشته شده در کتابهای فقه حنفی بہ همین قسم ذکر شدہ و جائز میباشد و در شامی آمدہ: فلذا قال فی منیۃ المصلی فان اشار بعقد الخنصر والبصر ویحلق الوسطی بالابهام^(۱) الخ ودر الدر المختار نقل کردہ: الصحیح انه یشر بمسبحة وحدها یرفعها عند النفی ویمسحها عند الالبات الخ^(۲) یعنی آنگشت سبابہ را در وقت لا الہ بالا کند ودر وقت الا اللہ پائین کند. فقط

سوال: (۳۴۱) اگر آنگشت دست راست را بالا کردہ نتواند چہ کند: یکی نفر بلند کردن آنگشت دست راست معذور است در تشہد آنگشت دست چپ را بالا میکند مگر زید او را منع میکند؟

جواب: اگر از بلند کردن آنگشت دست است معذور باشد در این صورت آنگشت دست چپ را بالا نکند بہ بلند کردن آنگشت دست چپ حکم نیست.^(۳) فقط

سوال: (۳۴۲) بعد از گشتاندن سلام امام باید روی خود را بکدام طرف دور دہد: امام بعد از سلام دادن آن نمازها کہ بعد از آن سنت نیست یعنی بعد از نماز دیگر و نماز صبح باید روی بکدام طرف بنشیند بطرف راست یا بطرف چپ یا پشت خود را بہ طرف قبلہ ورویش را بہ طرف مقتدیان دور دہد؟

جواب: در حدیث مسلم شریف آمدہ: وعن البراء قال کنا اذا صلینا خلف رسول اللہ ﷺ احبنا ان نكون عن یمینہ یقبل علینا بوجهہ قال فسمعتہ یقول رب فنی عذابک یوم تبعث او تجمع عبادک، رواہ مسلم^(۴) وفي حدیث عبد اللہ ابن مسعود ؓ قال لا یجعل احدکم شینا للشیطان فی صلاتہ یری أن حقا علیہ ان لا ینصرف عن یمینہ لقد رایت رسول اللہ ﷺ کثیرا ینصرف عن یسارہ رواہ البخاری ومسلم^(۵) وعن انس ؓ کان النبی ﷺ اذا صلی صلاة اقبل علینا بوجهہ رواہ البخاری ص ۷۹ مشکوٰۃ شریف^(۶) از این روایات معلوم شد کہ پاک حضرت ﷺ در اکثر اوقات بعد

(۱) رد المحتار، باب صفة الصلوة جلد اول ص ۴۷۵، ط.س. ج ۱ ص ۵۰۸. ظہیر

(۲) الدر المختار علی هامش رد المحتار باب صفة الصلوة ج ۱ ص ۴۷۴، ط.س. ج ۱ ص ۵۰۹. ظہیر

(۳) الصحیح انه یشر بمسبحة وحدها یرفعها عند النفی (در مختار) قوله بمسبحة وحدها فیکره ان یشر بالمسبحین کما فی الفتح وغیرہ

(رد المحتار باب صفة الصلوة ص ۴۷۴ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۵۰۸). ظہیر

(۴) مشکوٰۃ باب الدعاء فی التشہد فصل اول ص ۸۷. ظہیر

(۵) مشکوٰۃ باب الدعاء فی التشہد فصل اول ص ۸۷. ظہیر

(۶) مشکوٰۃ باب الدعاء فی التشہد فصل اول ص ۸۷. ظہیر

از ختم جماعت بطرف راست می نشستند و بعض اوقات بطرف چپ و بعض اوقات به مقتدیان روبرو می نشستند از این عبارت این مطلب هم حاصل شده می تواند که آن حضرت ﷺ بطرف قبله و رو بطرف مقتدیان می نشستند و این هم مراد شده می تواند که بانصراف طرف راست و یا بطرف چپ تعبیر شده است لهذا فقهاء کرام در این باره اختیار داده اند که خواه بطرف راست یا بطرف چپ یا رو به مقتدیان و پشت به طرف قبله بنشیند در الدر المختار آمده: وفي الخانية يستحب للامام التحول ليمين القبلة يعني يسار المصلي الخ وخيرة في المنية بين تحويلة يمينا وشمالا الخ واستقبله الناس بوجهه^(۱) الخ، و آن حضرت ﷺ در اکثر اوقات بطرف راست می نشستند: كما ذكره الشراح وعليه عمل اكابرنا كالشيخ المحدث گنگوهي ومولانا النانوتوي قدس الله اسرارهما. فقط

سوال: (۲۴۳) آیا امام باواز بلند دعاء کرده می تواند؟ آیا امام باواز بلند دعاء کرده می تواند

ولو مقتدیان به آواز بلند یا پاتین دعا بکند خواه دعا به آیاتهای قرآنی هم باشد؟

جواب: نظر به آیه مبارکه: ادعوا ربکم تضرعا وخفية، دعاء به خفیه بهتر است.^(۲) فقط

سوال: (۲۴۴) در لفظ السلام علیکم ورحمة الله از امام سبقت شدن: اگر کدام مقتدی

در گفتن السلام علیکم ورحمة الله پیش از امام فارغ یعنی امام هنوز لفظ السلام علیکم ورحمة الله را ختم نکرده و مقتدی این لفظ را ختم کرد یا در این وقت روی خود را پیش از روی گردانیدن امام بگرداند در این صورت نماز او صحیح شده یانه؟

جواب: نماز مقتدی در این صورت هم صحیح است مگر گشتاندن سلام پیش از سلام دادن امام مکروه است: وانما کره ذلک للمؤتم ترک متابعتة الامام بلا عذر الخ شامی جلد اول.^(۳)

سوال: (۲۴۵) اشاره آنگشت در تشهد: علماء سرحد در تشهد بلند کردن آنگشت را منع

میکند که گویا این عمل در نماز کرده نشود مگر ما میگوئیم که این فعل در نماز به سنت ثابت شده لهذا یکدام قسم که اشاره ثابت شده به سند صحیح آن را به ما تحریر فرمائید؟

جواب: صحیح در مذهب حنفی این است که اشاره به سیبیه در تشهد سنت است و کسی که مخالف

(۱) الدر المختار علی هامش رد المحتار باب صفة الصلوة جلد اول ص ۴۶۵، ط.س. ج ۱ ص ۵۳۱. برای تفصیل مطالعه کنید: غیبة المنصلي ص ۳۳۰. ظفر

(۲) سورة الاعراف رکوع ۷. ظفر

(۳) رد المحتار باب صفة الصلوة فصل اذا اوداء الشروع جلد اول ص ۴۹۵، ط.س. ج ۱ ص ۵۲۵. ظفر

جواب: صرف خواندن السلام علیکم ورحمة الله سنت است، کما فی الانوار الساطعة عن منیة المصلي وان يقول السلام علیکم ورحمة الله مرتین^(۱) آه و هم چنین در حدیث دیگر نیز وارد شده مگر^(۲) روایتیکه به نزد احتاف وارد شده مسنون مشهور است برای لفظ برکاته ضرورت نیست. فقط

سوال: (۳۵۱) بعد از آن نمازهای فرض که نماز سنت نباشد دعاء بعد از فرض را دراز کند: در کتاب گوهر بهشتی نوشته است بعد از کدام نمازهای فرض که سنت باشد یعنی بعد از فرض ظهر، شام و خفتن بعد از نماز فرض دعاء بطور مختصر خوانده شود و بعداً مشغول اداء سنت شوند و بعداً از آن نماز فرض که سنت نیست یعنی در نماز دیگر و صبح بعد از ختم این دو نماز امام اختیار دارد که حسب خواهش خود دعاء را دراز کند و یا نه کند این صورت شرعاً چه حکم دارد؟

جواب: کدام صورتیکه از گوهر بهشتی منقول شده با حدیث موافق است باین معنی که بعد از کدام نماز فرض سنت نباشد در آن نماز موافق روایت نور الایضاح عمل کرده شود^(۳) و بعد از کدام نمازهای فرض که سنت است یعنی بعد از فرض، شام، خفتن و ظهر بعد از آن امام و مقتدیان دعاء را به طور مختصر بخوانند و بعد از آن مشغول سنت شوند و قتیکه بعد از فرض دعاء خوانده شود و بعد از آن سنت اداء گردد بعد از سنت دعاء بطور اجتماعی ضرور نیست چرا که دعاء اجتماعی یک بار است و بعد از فرصت اداء گردید بعد از سنت برای مقتدیان انتظار دعاء امام ضرور نیست.^(۴) فقط

(۱) و يقول السلام علیکم ورحمة الله ولا يقول في هذا السلام اي في سلام الخروج من الصلوة سواء كان عن اليمين او اليسار وبركاته (منية المصلي ص ۳۲۶). ظفر

(۲) لم يسلم الخ قالنا السلام علیکم ورحمة الله هو السنة الخ وانه لا يقول هنا وبركاته وجعله النووي بدعة وزده الحلبي وفي العمري انه حسن (درمعا) و زده الحلبي حيث قال في الحلية شرح المنية بعد نقله قول النووي انها بدعة ولم يصح فيها حديث بل صح في تركها. ثم ما حدث مانعه لكنه متعقب في هذا فانها جاءت في سنن ابي داود من حديث الثعلبي بن حجر باسناد صحيح وفي صحيح ابن حبان من حديث عبد الله بن مسعود ثم قال اللهم الا ان يجاب بشؤدها وان صح مخرجها الخ (رد المحتار باب صفة الصلوة بعد الفصل ص ۴۹۱ ج ۱. ط س ج ۱ ص ۵۲۶). ظفر

(۳) وفي الحجة الامام اذا فرغ من الظهر والمغرب والعشاء بشرع في سنة ولا يشتغل بادعية طويلة كذا في التارحانیه (عالمگیری مصري کيفيت صلوة ج ۱ ص ۷۴، ط. ماجدية ج ۱ ص ۷۷). ظفر

(۴) مسجد اصلاً برای نماز فرض است خواندن ثقل و سنت در خانه بهتر است والا فضل في العمل غير التواضع المنزل. الا لحرف شمل عنها والاصح الفضيلة ما كان أعشع وأخلص المر المختار قوله والا فضل في الثقل الخ شمل ما بعد العريضة وما قبلها لحدثت الصبيحین علیکم -

سوال: (۳۵۲) لفظ آمین وغیرہ بہ خفیہ مناسب است: اگر مقتدی شخص حنفی مذهب باشد و لفظ آمین را بہ جہر بگوید و یا ربنا لک الحمد را باواز بلند بگوید دراین صورت نمازش بدون کراہیت جائز است یا نہ؟

جواب: قال فی الدر المختار فی بیان سنن الحج والثناء والتعوذ والتسمیة والتأمین وکونہن سرا الخ^(۱) وفيه ايضا وكذا في التسميع والسلام واما المؤتمر والمنفرد فيسمع نفسه الخ^(۲) وفيه ايضا ترك السنة لا يوجب فساد ولا سهو بل اساءة الخ وقالوا الاساءة ادون من الكراهية^(۳) في الشامي الاساءة افحش من الكراهية الخ^(۴) از این روایات معلوم شد کہ جہر بہ آمین و ربنا لک الحمد بہ نزد احناف خلاف سنت است و مرتکب این عمل بدکار و گناہ است. فقط

سوال: (۳۵۳) ہیئت رکوع درنماز بہ قعود چی قسم است؟ نماز بہ قعود در رکوع سیرین خود را از عقبین بالا کند یا پائین کردن سر کافی است؟

جواب: وقتیکہ سر خود را خوب پائین کند و کمال رکوع درنماز بہ قعود آن است کہ پیشانی مقابل زانوہا شود و اگر سر خود راصرف بانحناء کمر اندک پائین کند نیز کافی میباشد درشامی از بیرجندی منقول شدہ: ولو کان یصلی قاعدا ینبغي ان یحاذی جہتہ قدام رکبتہ لیحصل الركوع آہ قلت ولعلہ محمول علی تمام الركوع والا فقد علمت حصولہ باصل طأة الرأس ای مع انحناء الظهر، شامی.^(۵) فقط

سوال: (۳۵۴) بعد از نماز پنج وقتہ دعاء سنت است: بعد از نماز پنج وقتہ بالا کردن دستہا برای دعاء سنت است یا بدعت زید از این جہت دعاء را ترک کردہ کہ دراین بارہ کدام حدیث وارد شدہ این عمل چہ قسم است؟

جواب: بعد از اداء پنج وقت نماز دستہا بالا کردن و دعاء خواندن سنت نبوی ﷺ است حسن

= بالصلاة في بيوتكم فان صلاة المرأة في بيته الا المكتوبة وأخرج ابو داود وصلاة المرأة في بيته، الفضل من صلاته في مسجدي هذا الا ان مكتوبة وتماه في شرح النية والاحتياط باب الوتر والتوافل ج ۱ ص ۶۳۸ از این احادیث معلوم شد کہ معطل کردن نماز خوانان برای اداء سنت و دعاء کردن بمرور اجتماعی دردرور نبوی نبود و نہ حالا این التزام جائز است چرا کہ مخالف حدیث است والله اعلم. ظہیر

(۱) الدر المختار علی هامش و الاحتياط باب صفة الصلوة مطلب فی سنن الصلوة ص ۴۴۳ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۴۷۵. ظہیر

(۲) ايضا جلد اول ص ۴۴۴، ط.س. ج ۱ ص ۴۷۳ - ۴۷۴. ظہیر

(۳) ايضا ظہیر

(۴) و الاحتياط باب صفة الصلوة بحث الركوع والسجود جلد اول ص ۴۴۲، ط.س. ج ۱ ص ۴۷۴. ظہیر

(۵) و الاحتياط باب صفة الصلوة بحث الركوع والسجود جلد اول ص ۴۱۶، ط.س. ج ۱ ص ۴۷۴. ظہیر

حصین کہ یک کتاب معتبر احادیث است در این کتاب بالا کردن دستها در دعاء وبعد از ختم الفاظ دعاء کش کردن دستها به روی به احادیث مرفوعه ثابت شده وبعد از نماز مسنونیت دعاء هم در همین کتاب ذکر شده کہ باید مطالعه^(۱) شود لہذا این عمل زید کہ ترک دعاء بعد از نماز است مخالف سنت میباشد.^(۲) فقط

سوال: (۳۵۵) بعد از ازناء وتشہد وغیرہ خواندن بسم اللہ نیست: در نماز پیش از اثناء وتشہد و درود ودعاء اللهم ربنا آتنا ودعاء قنوت تسمیة یعنی بسم اللہ الرحمن الرحیم خوانده شود یا نہ؟
جواب: خواندن بسم اللہ الرحمن الرحیم در نماز صرف پیش از وفات و پیش از سورت میباشد و پیش از تشہد وغیرہ حکم بسم اللہ نیست مگر در بعض روایات در تشہد ودعاء قنوت بسم اللہ وارد شدہ اگر گفتہ شود کدام حرج نیست.^(۳)

سوال: (۳۵۶) بعد از اداء فرض پیش از خواندن سنت مقدار دعاء کدام است؟ بعد از فرض و پیش از سنت و نوافل در دعاء ہمراہ اللہ انت السلام زیاد کردن کدام دعاء دیگری جائز است یا نہ؟ شاہ ولی اللہ صاحب در حجة اللہ البالغة دعاهای دیگر را نقل شدہ و خواندن آن را اولی گفتہ است در این بارہ چہ حکم است؟

جواب: این دعاء و اذکار بعد از نماز فرض و پیش از خواندن سنت مؤکدہ جائز و مستحب است و در خواندن این دعاء هیچ کدام بدی نیست و بعض فقہاء کرام نوشتہ اند کہ بعد از نماز فرض ہمراہ اللہ انت السلام دعاء وغیرہ زیاد نکنند مطلب آنها این نیست کہ خواندن زیاد از این دعاء مذکورہ مکروہ است و نہ غرض از گفتہ آنها کدام تحدید است فرضاً اگر از روی ظاہر روایت بعض فقہاء آن را تعین و تحدید ہم بدانند فقہاء دیگری باثر روایات زیاد از احادیث اذکار ودعاهای ماثورہ دیگری را جائز و مستحب گفتہ اند^(۴) مثلیکہ حضرت شاہ ولی اللہ صاحب تحریر

(۱) قال رسول اللہ ﷺ اذا سألتم اللہ فاستلوه بظن اکثکم (الی قولہ) فاذا فرغتم فامسحوا بها وجوہکم رواہ ابوداؤد. وعن عمر قتل کان رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم اذا ولع بیدہ فی الدعاء لم یحطہما حتی یمسح بہما وجہہ رواہ الترمذی (مشکوۃ کتاب الدعوات فصل ثانی ص ۱۹۵). ظہیر

(۲) ودر الصلوات المکتوبات بحوالہ الترمذی (حصن حصین احوال الاجابہ ص ۳۰). ظہیر

(۳) وتعود الی سرِّ اللہ للقرائت الی وکما تعود فی سیر المیرم (درمختار) ذکر المصنف ثلاث مسائل تلزمنا علی قولہ للرائت بساء علی قول ای حنیفہ ومحمد ان تعود فی القرائت اما عند ابی یوسف فهو یبع للثناء الی لکن مختار قاضی خان والہدایہ وشرحہا والکافی والاعتبار واکثر الکتب ہو قولہما ان یبع للقرائت وبہ لاخذ شرح المنیۃ (ردالمحتار باب صلاۃ الصلوۃ بعد الفصل ج ۱ ص ۴۵۶ - ۴۵۷. ط.س. ج ۱ ص ۴۸۹). ظہیر

فرموده اند.

سوال: (۳۵۷) پیوست کردن کتبین در رکوع پیوست کردن بجای باها در رکوع مسنون**است یا نه؟** و در الدر المختار که درباره این مسئله کدام بحث شده آن روایت قابل اعتماد است یا نه؟**جواب:** عمل کردن به این مسئله جائز است چرا که کلام عالم شامی صرف در این است که این عمل سنت است یا نه لذا در جواز بلکه در استحباب این هیچ قسم شبه معلوم نمیشود مگر چونکه مسنونیت این عمل ثابت نیست لهذا تارک این عمل هیچ ملامت نیست. ^(۱) فقط**سوال: (۳۵۸) دعاء بعد از فرض:** امام که بعد از نماز جماعت دعاء میکند مقتدی صرف آمین بگوید یا دعاء موافق میل خود را خوانده میتواند؟**جواب:** هر مقتدی دعاء خوش کرده خود را بخواند ضرور نیست که دعاء امام را امین بگوید. ^(۲) فقط**سوال: (۳۵۹) ذکر رفع سبابه جائز نیست؟** در متون کتابها چرا بحث سبابه ذکر نشده و رفع سبابه جائز است یا نه؟**جواب:** تفصیل بحث سبابه را در الدر المختار مطالعه فرمائید در این کتاب متعلق رفع سبابه متون بعض کتابها را نقل کرده و رفع سبابه را به دلایل تصحیح نموده و امام محمد جواز و مسنونیت آن را قول خود و قول ابی حنیفه رحمۃ الله علیهم نوشته کرده. ^(۳)

(۱) و بکوه فاعبر السنة الا بقدر انت السلام الخ قال الحولاني لا بأس بالفصل بالاوراد واعتاره الكمال الخ ويستحب ان يستغفر ثلاثا وبقراءة الكرسي والمعوذات الخ ويدعو ويستمحسح بركب الخ (الدر المختار على هامش رد المحتار، باب صفة الصلوة فصل كيفية صلوة جلد اول ص ۴۹۴، ط.س. ج ۱ ص ۴۳۰)، ظفر

(۲) وسنن الخ رفع اليدين الخ وكثيره الركوع الخ والتسبيح فيه ثلاثا والواق كعبه الخ ويسن ان يلقى كعبه وينصب ساقيه ويبسط طهره ويسوى طهره بجمرة (الدر المختار على هامش رد المحتار باب صفة الصلوة ص ۴۴۴ ج ۱ و ص ۴۶۱ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۴۷۳ - ۴۷۶)، قال السيد ابراهيم وكذا في السجود ايضا وسبق في السنن ايضا اه والذی سبق هو قوله والواق كعبه في السجود سنة در آه ولا يخفى ان هذا سبق نظر فان شارحا لم يذكر ذلك لافي الدر المختار ولا في الدر المنقذ ولم أره لغيره ايضا فالهم نعم ربما يفهم ذلك من أنه إذا كان السنة في الركوع الواق الكتیین ولم يذكر لغيره بعده فالاصل بقاءهما ملتصقين في حالة السجود ايضا فاصل الخ (رد المحتار باب ايضا ج ۱ ص ۴۶۱، ط.س. ج ۱ ص ۴۹۳)، ظفر

(۳) بسم الخ مع الامام الخ ويدعو ويستمحسح بركب (الدر المختار على هامش رد المحتار باب صفة الصلوة جلد اول ص ۴۸۹، ط.س. ج ۱ ص ۵۲۴)، ظفر

(۴) حواله مفصله پیش گذشت: هو قول ابی حنیفه ومحمد (رحمهم الله) وكثيرت به الآثار والاحبار فالعمل به اولی (رد المحتار باب صفة

سوال: (۳۶۰) در عرضی الله اکبر یا الله گفتن جائز است یا نه؟ اگر در نماز به عرض الله اکبر

در تکبیرات انتقالی سهوا دو دفعه یا الله یا الله بگوید جائز است یا نه؟

جواب: این عمل جائز است و در این صورت نماز صحیح میشود^(۱). فقط

سوال: (۳۶۱) حلقه انگشت در تشهد تا کدام وقت باقی بماند: و تکیه در تشهد انگشت

شهادت را بلند کند و چهار انگشت دیگری را حلقه نماید آیا سلام دادن آنگشتان خود را بند بماند یا آنگشتان را دراز و هموار سازد؟

جواب: چون در وقت لا اله گفتن آنگشتان خود را حلقه کند تا وقت سلام دادن و فراغت از نماز آن را هم چنان به حال خود بماند: کما نقل شامی عن المحيط انها سنة یرفعها عند النفي و يضعها عند الالبات وهو قول ابي حنيفة وقول محمد رحمهم الله و کثرت به الاثار والاخبار فالعمل به اولی انتهى فهو صریح في ان المفتی به هو الاشارة بالمسبحة مع عقد الاصابع على الکيفية المذكورة، شامی^(۲) جلد اول هم چنین در عبارات متعدد آمده که حلقه آنگشتان و انگشت اشاره تا فراغت از نماز به حال خود مانده شود اینکه عبارات متعلقه این مسئله ذکر نکرده که پیش از فراغت و سلام دادن، آنگشتان خلاص شود عدم ذکر خلاص کردن حلقه دلیل بر آن است که پیش از سلام حلقه آنگشتان به حال خود باشد و خلاص کردن آن پیش از سلام دادن مناسب نیست.

سوال: (۳۶۲) در حال رکوع پیوستن بجلک پاها به شخص هم جوار سنت است یا نه؟

در حال رکوع پیوست کردن بجلک پاها سنت است یا نه اگر کسی باین عمل عادی باشد منع کردن او جائز است یا نه؟

جواب: اقول وبالله التوفیق در شامی آمده: ویکره القيام علی احد القدمین فی الصلاة بلا عذر وینبغي ان یكون بينهما مقدار اربع اصابع البید لانه اقرب الی الخشوع هكذا روی عن ابي النصر الدبوسی انه کان یفعله کذا فی الکبری وما روی عنهم الصقوا الکعب بالکعب اريد به الجماعة ای قام کل واحد بجانب الآخر کذا فی فتاوی سمرقندی الخ ج ۱ ص ۲۹۹^(۳) از این روایت معلوم

== الصلوة ص ۴۷۵ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۵۰۸. ظفر

(۱) وصح شروعه بنسب و تهلل و تحمید و سائر کلم العظیم العالصة له تعالى الخ کما صح لو شرع بغير عربية (الدر المختار علی هامش ردالمحتار فصل تالیف الصلاة ج ۱ ص ۴۵۰، ط.س. ج ۱ ص ۴۸۳. ظفر

(۲) ردالمحتار، باب صفة الصلوة بحث القيام جلد اول ص ۴۱۴، ط.س. ج ۱ ص ۵۰۹. ظفر

(۳) برای مطالعه این عبارات مراجع کنید به مشکوٰۃ باب تسوية الصفوف. ظفر

شد که در حال قیام فاصله بین دو قدم باندازه چهار انگشت ضرور است و مراد از این الصاق و یکجا کردن کعب به کعب محاذات که از حدیث مبارک: سوا صفوفکم، و حدیث مبارک: و تراصوا و سدوا الخلل، و غیره احادیث مستفاد و مراد شده پس و قتیکه در حالت قیام بین دو قدم مقدار چهار انگشت فاصله ضرور است پس در رکوع هم به همین حال ماندن آن مناسب است به هر حال معلوم میشود که اصل سنت پیوست شده در صف، برابر کردن صف و استقامت صف است و از تجربه ظاهر میشود که در رکوع و سجده پیوست کردن بجلک پاها متعذر است و یا اینکه به بسیار تکلیف و مشقت عملی میشود عقبن بجلک پاها پیوست شده میتواند مگر به تجربه ثابت شده که به پیوست کردن عقبن بجلک پاها پیوست شده نمیتواند البته برابر شدن کعبین در این صورت بطور مکمل حاصل میشود و مقصود شارع علیه السلام نیز همین قسم معلوم میشود از احادیث ثابت است: تحقیق زیاد و تفصیل این مسئله را با نقل عبارت مولوی میرک شاه صاحب مدرس این مدرسه در پارچه دیگری نوشته کرده که باید مطالعه شود و معلومات دیگری از مولانا میرک شاه صاحب مدرس دار العلوم طلب شود.

جواب: اقول وبالله التوفیق، این مسئله یعنی مسئله الصاق کعبین اگر چه در کتابهای علماء متأخرین حنفی درج است لکن به مذهب ائمه و به نزد علماء متقدمین حنفی اصل این عمل پیدا نشده یعنی دلیل شرعی برای این عمل دریافت نگردیده است لهذا در کتابهای معتبر علماء متقدمین ذکر و بحث این مسئله نشده است بلکه سخن حق این است که این مسئله را زاهدی در مجتبی از همه مسائل پیشتر ذکر کرده است و بعد از آن این مسئله را قهستانی، جامع الرموز، شرح کیدانی و حللی در شرح منیه و ابن نجیم در بحر و ترمذی تلمیذ صاحب بحر در نهج البلاغه نقل کرده است و در وقت نقل این مسئله کدام تردیدی هم در آن نکرده اند از این جهت این مسئله معمول به گردید لهذا صاحب بحر و صاحب در المختار به صیغه جزم این مسئله را نقل کردند و از طرف دیگر از کلام و توارث و تعامل بعضی آنها معلوم میشود که تفریح کعبین سنت است مثلیکه در سابعیه ذکر شده: و رأیت کلام الشیخ محمد حیات السندی یقتضی اثبات سنیه التفریح و نفی سنیه الاصلاق^(۱) آه اگر با این حالات نظر کرده شود در این صورت عبارت متأخرین مؤول یا مرجوح خواهد بود در طوابع الانوار شرح در مختار شیخ محمد عابد در این عبارت تأویلی کرده و مراد از الصاق کعبین محاذات کعبین گرفته است و در این باره از قول علامه

تأویل کرده و مراد از الصاق کعبین محاذات کعبین گرفته است و در این باره از قول علامه رحمتی هم استفاده کرده است مثلیکه نوشته کرده قوله: والصاق کعبیه ای حالة الركوع قال الشيخ رحمتی مع بقاء تفریج ما بین القدمین قلت لعله اراد من اللصاق المحاذاة وذلك بأن یحاذی کل من کعبیه لآخر فلا یقدم أحدهما علی الآخر^(۱) این تأویل آن قول متأخرین است که در طوابع الانوار شرح در المختار ذکر شده و کدام فقهاء که اراده این تأویل را نکرده اند آنها این را قول مرجوح و در جمله او هام زاهدی درج میکنند: كما في السعاية نقلا عن تعليق الشيخ ابي الحسن السندي على الدر المختار هذه السنة انما ذكرها من المتأخرين تبعاً للمجتبى وليس لها ذكر في الكتب المتقدمة ولم يرد في السنة على ما وقفنا عليه وكان بعض مشائخنا يرى انه من او هام صاحب مجتبى وكأنهم لو هموا بما ورد ان الصحابة كانوا يهتمون بسد الخلل في الصفوف حتى يضمنون الكعاب والمناكب ولا يخفى ان المراد هاهنا الصاق كل كعب بكعب صاحبه لا كعبه مع الكعب الاخر^(۲) آه خلاصه اینکه هر دو بجلک پای در رکوع بالکل پیوستن مثلیکه در کتابهای مجتبى و کتابهای اتباع مجتبى واقع شده به مفهوم ظاهر خود محمول نیست و اگر به مفهوم ظاهر محمول شود در این صورت از جمله او هام صاحب مجتبى خواهد بود در ساعیه شق اول را اختیار کرده و نفی ممنونیت پیوستن بجلک به بجلک را به دلائل متعدد ثابت کرده فلیراجع، کتبه میرک شاه فقط، در این باره مشکوة باب تسوية الصفوف را مطالعه فرمائید در طوابع الانوار و ساعیه بطور مفصل این مسئله بیان شده.

سوال: (۳۶۳) بحث رفع سبابه در تشهد: در تشهد متعلق رفع سبابه به نزد علماء مذهب حنفیه سنت است یا مستحب و رفع سبابه از کدام وقت تا کدام وقت کرده شود حضرت مجدد رحمه الله چرا مخالف رفع سبابه است و حلقه آنگشتان چه قسم است؟

جواب: صحیح آن است که رفع سبابه در تشهد سنت است و امام محمد در موطا^(۳) فرموده است: وهو قولی و قول ابی حنیفة رحمه الله، و مستحب این است که به نفی آنگشت سبابه را بالا کند و به اثبات آن را پائین کند: وفي المحيط انها سنة يرفعها عند النفي ويضعها عند الاثبات وهو قول ابی حنیفة و محمد رحمهما الله و كثرت به الابار والاخبار فالعمل به اولی،^(۴) و حضرت امام

(۱) طوابع الانوار.

(۲) ساعیه.

(۳) موطا امام محمد.

(۴) و در المختار باب صفة الصلوة فصل في لآلیف الصلوة جلد اول ص ۱۷۵، ط.س. ج ۱ ص ۵۰۹، طبر

ربانی رحمة الله تعالى عليه بناء برمتون عدم رفع سبابه را ترجیح داده لکن جمهور فقهاء ومحدثین مخالفت رفع سبابه تصحیح کرده اند وشرح متون این روایت را صحیح ومفتی به نگفته است واتباع و خلفای حضرت مجدد صاحب هم تاویل قول امام ربانی را کرده است و مستونیت اشاره سبابه را ثابت گفته است وحلقه کردن آنگشت ابهامه وسطی وحلقه کردن آنگشت خنصره و بنصره و اشاره کردن به مسبحه سنت است: وصفتها ان یحلق من یدہ الیمنی عند الشہادة الابهام والوسطی ویقبض البنصر ویشر بالمسبحۃ الخ شامی. ^(۱) فقط

سوال: (۳۶۴) از سجده بالا شدن مطابق سنت است: غیر مقلدین میگویند که حنفیان از سجده مستقیم به قیام میروند این عمل غیر مشروع است و در نماز خلل میاید بلکه بعد از سجده اندک جلسه خفیفه هم ضرور است این قول صحیح است یا نه؟

جواب: این مسئله را صاحب هدایه بالفاظ کوتاه ومختصر جواب داده است: ولنا حدیث ابی هريرة رضی الله عنه ان النبی صلی الله علیه و آله کان ینهض فی الصلاة علی صدور قدیہ وما رواه محمود علی الکبر. ^(۲)

سوال: (۳۶۵) رفع سبابه وحضرت مجدد صاحب: از اکثر کتابهای فقه ظاهر میشود که در التحیات بالا کردن آنگشت سبابه سنت وموجب ثواب است وحضرت شاه عبد العزیز رحمة الله علیه محدث دهلوی این عمل را سنت نبوی میگوید مگر حضرت امام ربانی مجدد الف ثانی رحمة الله علیه در ص ۳۱۲ از مکتوبات این عمل را حرام میگوید در این دو حضرات قول کدام شخص معتبر است؟

جواب: در این باره قول صحیح ومستند این است که اشاره به سبابه در تشهد سنت ومستحب است جمهور امت نیز به همین طرف است ودر الدر المختار روایت عدم رفع سبابه نقل کرده است وبعد به خلاف آن به روایات ودلائل زیاد مستونیت رفع سبابه را ثابت کرده است وامام محمد در موطاء به قول خود وقول امام صاحب مستونیت رفع سبابه را نقل کرده ^(۳) واز طرف

(۱) ایضاً: ظفر

(۲) هدایة باب صفة الصلاة. ج ۱ ص ۱۰۱ یعنی از ابو هريرة رضی الله عنه بیان شده که نبی کریم از سجده بالامشد مستقیماً به روض هر دو پای خود استاد میشود وبعد از سجده دوم جلسه خفیفه نمیکرد. بلکه بعد از سجده مستقیماً به قیام میرفت ودر کدام روایت که بعد از سجده دوم جلسه خفیفه استراحت آن حضرت ثابت شده این روایت محمود به کبر سن آن حضرت رضی الله عنه میباشد که از اثر کمزوری جیس میکرد نظر به این تاویل درین این دو روایت توافق حاصل میشود والله اعلم. ظفر

(۳) حواله تفصیلی پیشتر گذشت است.

امام ربانی مجدد الف ثانی رحمۃ اللہ علیہ بعض اولاد امجاد و خلفاء او معذرت خواسته اند و اعتراف نموده اند کہ حضرت امام ربانی از رفع سیبہ خلاف کرده مگر سخن حقیقی این است کہ رفع سیبہ سنت است و ترک آن مناسب نیست، هذا خلاصہ مافصلہ و حقیقہ العلماء المحققون من الاحناف فلا اشکال فان اختلاف الامة رحمة من الله.

سوال: (۳۶۶) اگر امام از قعدہ اول بالا شود و مقتدی تشہد را پورہ نکرده باشد در این

حال مقتدی چہ کند؟ اگر امام از قعدہ اول بالا شود و مقتدی تشہد را تمام نکرده باشد در این حال مقتدی چہ کند؟ و اگر مقتدی تشہد را تمام کرده باشد و امام تمام نکرده باشد آیا بنشیند و یا چہ کند؟

جواب: مقتدی تشہد را تمام کند و بالا شود ^(۱) و اگر مقتدی پیش از امام تشہد را تمام کرد در این وقفہ خاموش بنشیند و یا کلمات آخری تشہد را تکرار کند. ^(۲)

سوال: (۳۶۷) در درود شریف تشہد زیاد کردن کلمہ ازواج و ذریات چہ قسم است؟ یک

صاحب نوشته کرده کہ در درود نماز کلمہ ازواج و ذریات را زیاد کند کہ ثواب دارد مثلاً اللهم بارک علی محمد و علی ازواجہ و ذریاتہ الخ آیا زیاد کردن این الفاظ جائز است یا نہ؟

جواب: بہ کدام قدر کہ معمول است کافی میباشد اگر چہ در زیادت این الفاظ ہم کدام بدی نیست. ^(۳) فقط

سوال: (۳۶۸) در سلام دادن صرف روی را بگرداند سینہ را نگیرد اند: در وقت سلام

گشتاندن نماز صرف روی را از قبلہ بگرداند و یا سینہ را ہم؟

جواب: در گشتاندن سلام صرف گشتاندن روی بہ ہر دو طرف کافی است. ^(۴)

(۱) لو فرغ الامام واسم الخ قبل ان يتم المأموم المسبحات الثلاث وجب متابعه الخ بخلاف سلامه او قيامه لثالثة قبل اتمام المزمع الشاهد لانه لا يتابعه بل يتمه لوجوبه ولو لم يتم جاز (در مختار) اي صح مع كراهة التحريم الخ (رد المحتار باب صفة الصلوة فصل تأليف الصلوة جلد اول ص ۴۹۳، ط.س. ج ۱ ص ۴۹۵). نظیر

(۲) ولا يزيد في الفرض على الشاهد في القعدة الاولى اجماعا الخ ولو فرغ المزمع قبل اتمامه سكنت اتفاقا (ايضاً ج ۱ ص ۴۷۶ - ۴۷۷، ط.س. ج ۱ ص ۵۱۰). نظیر

(۳) ولذا قال في شرح الصية والياتين بما في الاحاديث الصحيحة اولى الخ (رد المحتار باب ايضاً جلد اول ص ۴۷۹، ط.س. ج ۱ ص ۵۱۳). ط

(۴) وتحويل الوجه بمنه وبسرة للسلام (أي من السنن والدر المختار على هامش رد المحتار باب صفة الصلوة مطلب سنن الصلوة ص ۴۴۵ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۲۴۷۷) ولها آداب تركه لا يوجب اساءة ولا عتابا لكن فعله افضل الخ والى منكه الايمن والايسر عند التسليمه الاولى والثانية لتحصل العشوع (ايضاً آداب الصلوة ص ۴۴۶ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۴۷۷). نظیر

سوال: (۳۶۹) ضم سورة واجب است: آیا ضم سورة فرض است یا واجب و یکدام مقدار؟

جواب: واجب است باندازه سه آیات. ^(۱) فقط

سوال: (۳۷۰) آیا امامت بدون دستار ثابت است یا نه؟ از رسول اکرم ﷺ یا از علماء بدون

دستار نماز کردن ثابت است یا نه؟

جواب: از حدیث شریف: او کلکم یجد ثوبین ^(۲) و غیره احادیث صفا ظاهر است کہ دستار از ضروریات نماز و امامت نیست.

سوال: (۳۷۱) وقتی کہ در رکوع امام جلالی کند نماز مقتدی میشود یا نه؟ امام در رکوع

و سجده انقدر جلتی میکند کہ مقتدیان سه دفعه تسبیح گفته نمیتوانند در این صورت نماز مقتدیان صحیح میشود یا نه؟

جواب: برای امام در رکوع و سجده آنقدر جلتی مناسب نیست کہ مقتدیان سه دفعه تسبیح گفته نتوانند فرضاً اگر تسبیحات مقتدیان سه دفعه مکمل نشود نیز نماز مقتدیان صحیح و کامل شده در نماز نقصان پیش نمیشود. ^(۳)

سوال: (۳۷۲) (۱) زنان چه قسم سجده کنند؟ زنان مثل مردان سجده کنند یا چه قسم؟

سوال: (۳۷۳) (۲) در حالت تشهد نظر نماز گذار به کجا باشد؟ نماز گذار در حال تشهد به کجا نظر کند؟

جواب: (۱) زن باید ضرور در سجده و غیره اندامهای خود را یک بدیگر پیوست کند ^(۴) سجده و غیر را مثل مردان نکنند کہ مکروه است.

جواب: (۲) در آداب نماز است کہ نماز گذار در حال قیام به جای سجده نظر کند و در حال رکوع به پشت پاها و در حال سجده به طرف بینی و در حال قعدہ و تشهد بطرف سینه خود نظر کند

(۱) ولها واجبات الخ (و منها) ضم الصر سورة کالکثر او مقام مقامها وهو ثلاث ايات قصار والدر المختار علی هامش ردالمحتار باب صفة الصلوة مطلب واجبات الصلوة جلد اول ص ۲۷، ط.س. ج ۱ ص ۴۵۶ - ۴۵۸.

(۲) دار لفظی، باب الصلوة فی القرب الواحد جلد اول ص ۱۰۵. ظفر

(۳) لورفع الإمام رأسه من الركوع والسجود قبل ان يتم المأمور بالصبيحات الثلاث وجب متابعتها (در مختار) بسج فيه ثلاثاً لانه سنة على المتمدن المشهور في المذهب لا فرض ولا واجب كما مر فلا يترك متابعتها الواجبة لاجلها، (ردالمحتار). باب صفة الصلوة جلد اول ص ۱۶۳، ط.س. ج ۱ ص ۴۹۵. ظفر

(۴) والمرأة تنخفض فلا يدي عضديها وتلتصق بطنها بفخذيها لانه استر (الدر المختار علی هامش ردالمحتار جلد اول ص ۴۷۱، ط.س. ح ۵۰۴). ظفر

الخ الدر المختار.^(۱)**سوال:** (۳۷۴) پیش از فرض (انی وجهت) گفتن چی قسم است؟ آیا پیش از فرض

گفتن آیه مبارکه انی جهت وجهی للذی فطر السماوات ضرور است یا نه؟

سوال: (۳۷۵) آمی چه قسم نماز بخواند؟ کسی که نماز را یاد گرفته نمیتواند او چه

کند؟

جواب: (۱) کدام حرج نیست پیش از بستن نیت آن را بگوید.^(۲)**جواب:** (۲) کوشش یاد گرفتن قرائت را جاری داشته باشد افعال نماز را اداء کند و مناسب استکه در جماعت شریک شود.^(۳)**سوال:** (۳۷۶) بعد از نمازهای فرض دعا جائز است یا نه؟ بعد از نماز فرض دعاء جائز است

یا نه؟ اگر جائز باشد تا کدام وقت میباشد؟

جواب: دعاء کردن بعد از هر فرض و بعد از هر نماز جائز و مستحب است به هر اندازه که مناسب

است دعاء کند مگر بعد از آن فرائض دعاء را دراز نکند که بعد از آن نماز سنت باشد تا اینکه

سنت زیاد مؤخر نشود.^(۴) فقط**سوال:** (۳۷۷) تحقیق آمین بالجهر و آمین به خفیه؟ در آمین به جهر و آمین به خفیه چه

تحقیق است؟ اگر غیر مقلدین در جماعت مشترک آمین به جهر بگویند در نماز مردم حنفی

مذهب خلل میاید یا نه؟ و در این باره در بین احناف و غیر مقلدین همیشه انواع میباشد حنفیان

میگویند که مسجد تقسیم شود و غیر مقلدین به مسجد ما نیایند و غیر مقلدین میگویند که مساجد

تقسیم شده نمیتواند در این صورت چه حکم است؟

(۱) نظره الی موضع سجوده حال قیامه والی ظهر قدیمه حال رکوع والی ارسه افه حال سجوده والی حجره حنل فموده (الدر المختار عنی هامش ردالمحتار جلد اول ص ۴۴۹، ط.س. ج ۱ ص ۴۷۷) - ظفر

(۲) ولکر الترقاشی یجب ان لا ینکر الامی اجتهاده انا لیه و بهاره لیتعلم قدر حاجوز به الصلوة ان قصر لم یقدر عند الله تعالی (غیبه المستملی ص ۴۸۴) ولا یلزم العاجز عن الطلک کاعرض و امی تحریرک لسانه و کذا فی حق القرائت هو الصحیح لعدم الواجب فلا یلزم غیره الا بدلیل فکری الثبوت لکن ینبغی ان یشرط فیها الیهام الخ (الدر المختار باب صفة الصلوة جلد اول ص ۷۴) - ظفر

(۳) والاولی ان یاتی بالتوجه قبل التکبیر لیتصل الثبوت به هو الصحیح (هذه باب صفة الصلوة جلد اول ص ۹۶) -

(۴) لم یسلم عن یمنه و یساره (الی قوله) و یستحب ان یتستفر ثلاثا و یقرء آیه الكرسي و المودعات و یسبح و یحمد و یکسر ثلاثا و ثلاثین و یهلل تمام المائدة و یدعو و یتیم سبحان ربک (الدر المختار علی هامش ردالمحتار جلد اول ص ۴۹۴، ط.س. ج ۱ ص ۵۲۴) و یرکع تأخیر السنة الا یقر الله لهم انت السلام الخ و قال الحلوانی لا یلزم بالفصل بالارواد و احتاره الکمال ایضاً ص ۴۹۴، ط.س. ج ۱ ص ۵۳۰) - ظفر

جواب: مذهب حنفیان این است که آمین به خفیه ضرور است فقهاء حنفیه اخفاء آمین را سنت میگویند و آمین به خفیه هم در حدیث وارد شده در شرح منیه آمده: وقد روی احمد و ابو یعلی والطبرانی والدارقطنی والحاکم فی المستدرک من حدیث شعبه عن سلمة بن کھیل عن حجر بن العنسی عن علقمه بن وائل عن ابیه انه صلی مع رسول الله ﷺ فلما بلغ غیر المفضوب علیهم ولا الضالین قال آمین واخفی بها صوته وقال الشافعی واحمد یجهر الامام والمأموم بآمین لما روی ابن ماجه كان علیه الصلاة والسلام اذا تلا غیر المفضوب علیهم ولا الضالین قال آمین حتی یسمع من فی الصف الاول فیرتج المسجد قلنا تعارض روایتان الجهر والاخفاء فی فعله فیرجح الاخفاء بإشارة قوله فان الامام یقوله وبأن الاصل فی الدعاء الاخفاء و آمین دعاء فان معناه استجب، ^(۱) از این عبارت واضح شد که آمین به خفیه سنت است لکن چونکه در این مسئله اختلاف است لهذا برای حنفیان تعصب مناسب نیست و به جهر خواندن آمین نماز کدام خلل پیش نمیشود مگر غیر مقلدین نیز تعصب نکند چونکه آمین به خفیه هم در حدیث وارد شده و ترجیح دارد پس در این صورت چرا صرف به فکر و خیال خود محکم میشوند اگر آمدن غیر مقلدین در مسجد حنفیان موجب فساد و فتنه میشود در این صورت آنها بند شوند و برایشان اجازه داده نشود که در مسجد احناف نماز بخوانند مثلیکه روافض بند کرده میشوند. فقط

سوال: (۳۷۸) بعد از فرضی ماندن دست به سر و دعا کردن ثابت است یا نه بعد از خواندن فرض ماندن دست به سر و دعاء کردن ثابت است؟ در رکوع و قیام و سجده چه مقدار فاصله بین دو قدم پاها مناسب است؟

جواب: بعد از نماز فرض ماندن دست بر سر و خواندن این دعا: بسم الله الذي لا اله الا الله هو الرحمن الرحيم، اللهم اذهب عني الهم والحزن، در حصن حصین ^(۲) ذکر شده و حدیث بر آن وارد است و پیوستن هر دو کعبین یعنی بجلک پاها در کتابهای فقه مسنون نوشته شده: و یسن ان یلصق کعبیه، ^(۳) الدر المختار و قال السيد ابو السعود و کذا فی السجود ایضا شامی ^(۴) و در حال قیام در

(۱) غیبة المستملی ص ۳۰۲. ظفر

(۲) مطالعه کنید: حصن حصین ص ۸۵ و كان صلی الله علیه وسلم اذا صلی و فرغ من صلوته مسح بيمينه علی رأسه و قلل الذي لا اله الا هو

الرحمن الرحيم اللهم اذهب عني الهم والحزن (ایضا). ظفر

(۳) الدر المختار علی هامش و الدر المختار، باب صفة الصلوة ص ۴۶۱ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۴۹۳. ظفر

(۴) و الدر المختار ص ۴۶۱ ج ۱، باب صفة الصلوة بحث القيام ط.س. ج ۱ ص ۴۹۳. ظفر

شامی نوشته است کہ درین ہر دو قدم مقدار چہار آنگشت فاصلہ مناسب است: وینیگی ان یکون بینہما مقدار اربع اصابع الید. ^(۱)

سوال: (۳۷۹) متعلق مسائل مختلف فیہا: امین بہ جہر و فاتحہ خلف الامام و رفع الیدین بہ

نزد احناف جائز است یا نہ؟ و در این مسائل دلائل حنفیان چیست؟

جواب: امین بہ جہر و فاتحہ خلف الامام و رفع الیدین بہ نزد حنفیان جائز نیست و ہمراہ حنفیان دلائل این مسائل بسیار زیاد است و ہم آیات قرآنی و احادیث نبوی در این بارہ موجود است کہ در بسیار کتابہا و رسالہ ہا نشر و شائع شدہ دربارہ اخفاء امین حدیث مبارک: و اخفی بہ صوتہ، وارد شدہ و دربارہ ممنوعیت قرائت فاتحہ خلف الامام آیہ مبارکہ: و إذا قرئ القرآن فاستمعوا لہ، و در روایت مسلم شریف موجود است ^(۲) و دربارہ رفع الیدین حدیث ابن مسعود در ترمذی و کتابہای دیگر ذکر شدہ است: قال لنا ابن مسعود رضی اللہ عنہ الا صلی بکم صلاة رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم یرفع یدبہ الا مرة واحدة مع تکبیر الافتتاح. ^(۳) فقط

فصل چہارم در بیان آداب نماز

سوال: (۳۸۰) و قییکہ امام بہ جای نماز حاضر باشد در آن وقت مقتدیان نشستہ باشند؟

و قییکہ امام بہ جای نماز حاضر باشد در این وقت برای امام مقتدی استاد شدن متعلق شنیدن حی علی الفلاح کہ قول امام اعظم صاحب در کتابہای فقہ ذکر شدہ آیا این روایت از قول امام اعظم صاحب است و یا نہ و این قول صحیح است یا غلط؟

سوال: (۳۸۱) (۱) آیا مسئلہ نو است و بہ لفظ حی علی الفلاح صف بندی نا ممکن است؟

سوال: (۳۸۲) (۲) کسانیکہ بہ این قول عمل میکنند و دیگران را ہم بہ این عمل تشویق میدہند چہ قسم است؟ و کسانیکہ خود شان این عمل را ترک کردہ اند و دیگران را از این عمل منع میکنند چہ قسم است؟

جواب: (۱ - ۳) بسم اللہ الرحمن الرحیم اقول و باللہ التوفیق: بدون شک فقہاء دربارہ آداب نماز این سخن را نوشتہ کردہ اند کہ کدام وقت اقامت گویندہ حی علی الفلاح بگوید مذهب ائمہ ثلاثہ یعنی امام صاحب و صاحبین این است کہ امام و مقتدیان بہ نماز استاد شوند: کذا فی

(۱) و فی المختار ص ۴۱۴ ج ۱ باب صفۃ الصلوة بحث القیام ط. س. ج ۱ ص ۴۴۴. ظہیر

(۲) مطالعہ کبید: غیۃ المستملی ص ۳۰۲. ظہیر

(۳) مسلم جلد اول ص ۱۷۴. مشکوٰۃ باب صفۃ الصلوة ص ۷۷. ظہیر

الدر المختار، واین سخن هم درالدر المختار آمده که این حکم در آن وقت مستحب است که امام قبل در محراب و یا به نزدیک محراب حاضر باشد و اگر امام کدام جای دیگری و یا در حجره خود باشد کدام وقت که امام داخل مسجد شود در آن وقت همه مقتدیان استاد شوند عبارت درالمختار این است: ولها آداب ترکه لا یوجب ساعة وعتابا کترک سنة الزوائد لکن فقله افضل ونظره الی موضع سجوده حال قیامه، الی ان قال: وقيام الامام والمؤتم حين قيل حي علی الفلاح الخ ان کان الامام یقرب المحراب والا فبقوم کل صف ینتهي الیه الامام علی الاظهر الخ، وشرع الامام فی الصلاة مذ قبل قد قامت الصلاة ولو اخر حتى اتمها لا بأس به اجماعا وهو قول الثاني والثالثة وهو احد المذاهب الخ وفي القهستاني الخ انه الاصح قوله انه الاصح لان فید محافظة علی فضیلة متابعة المؤذن واعانة له علی الشروع مع الامام شامي، ^(۱) پس معلوم شد که این امور از جمله آداب است به تارک این اعمال آنقدر سخت رفتار که برایش یعنی گفته شود بسیار ظلم است مثلیکه علامه شامی خودش در شروع امام به قد قامت الصلاة بحث کرده است که صحیح ومذهب انصاف این است که اقامت گوینده از اقامت بالکل فارغ نشود تا آن وقت امام نماز را شروع نکند چرا که در این صورت تمام اهل نماز جواب تمام اقامت را باسانی اداء خواهد کرد که جواب اقامت ممنون ومستحب است، در حدیث شریف آمده حضرت میگفت: اقامها الله وادامها ^(۲) واین هم در حدیث شریف آمده است که: سوا صفوفکم فان تسوية الصفوف من اقامة الصلاة ومن تمام الصلاة ^(۳) در حرمین شریفین وشهرهای دیگری این عادت است که کدام وقت مؤذن برای اقامت استاد شود اول این حدیث شریف را میخواند که: سوا صفوفکم، الحدیث عرض این است که در این باره شرعا بسیار وسعت میباشد ومراد از قول فقهاء که مردم در وقت حی علی الفلاح استاد شوند مطلب این است که امام ومقتدیان تا وقت شنیدن این کلمات استاد شوند مطلب این نیست که امام ومقتدیان تا وقت شنیدن حی الفلاح بالکل از جای خود بالا نشوند.

(۴)

(۱) ودرالمختار، باب صفة الصلاة فصل آداب الصلاة ص ۴۴۶ - ۴۴۷ ج ۱، ط.س. ج ۶ ص ۴۷۹ طبر

(۲) عن أبي امامة وبعض اصحاب رسول الله ﷺ قال ان بلالا اخذ في الاقامة الى ان قال قد قامت الصلاة قال رسول الله ﷺ اقامها الله وادامها وقال في سائر الاقامة كقول حديث عمر في الاذان رواه ابو داود (مشكوة)، باب فصل الاذان واجابة المؤذن فصل ثاني، طبر

(۳) مشکوة باب تسوية الصف فصل اول ص ۹۸ طبر

(۴) والقيام للامام ومؤتم الخ (درمختار) مسأوعة لا تتلذذ امره والطاهر انه احتراز عن التماهير للتقديم حتى لو قام اول الامة لاباس (الطحطاوي علی الدرالمختار باب صفة الصلاة آداب الصلاة ص ۲۱۵ ج ۱)، طبر

سوال: (۳۸۳) بستی نیت امام به قد قامت الصلاة: آیا قول مفتی به این است که در وقت قد

قامت الصلاة امام نیت خود را بسته کند؟

جواب: در شامی گفته قول اصح ان است که امام بعد از ختم اقامت نماز را شروع کند: وفي القهستانی معزیا للخلاصة انه الاصح لان فيه محافظة على فضيلة متابعة المؤذن واعانة له على الشروع مع الامام شامی. ^(۱) فقط

سوال: (۳۸۴) کسی که به قعده نماز میخواند در وقت رکوع و قعده به کجا نظر کند؟

کسی که نماز را به نشستن میخواند در وقت رکوع و قعده به کدام جا نظر کند؟

جواب: کسی که به قعده نماز میخواند فقهاء درباره این شخص مستحب میدانند که بطرف سینه خود نظر کند و در شامی گفته است که به قمیص روبروی خود نظر کند غرض این است که بکدام طرف خشوع حاصل میشود که نظر اوبیک سو و دیگر سو نباشد به همان قسم عمل کند و شامی نیز نوشته کرد در تاریکی و شخص نابینا فکر عظمت الله تعالی را داشته باشد ^(۲) بعد از این واضح باشد که فقهاء برای کسی که به قاعده نماز میخواند معلوم نکرده که در حال رکوع به کدام طرف نظر کند لهذا برای او مناسب است که در رکوع نظر او بکدام طرف می افتد به همان طرف نظر خود را نگاه کند و متوجه الی الله باشد حکم اصل این است که تمام نماز رابه آن قسم اداء کند که گویا الله تعالی رامی بیند: کما ورد ان تعبد ربک کانک تراه الحديث. ^(۳)

سوال: (۳۸۵) آیا در وقت اقامت ضرور است که امام و مقتدیان نشسته باشند؟ در وقت

مقرره نماز امام از حجره خود تشریف آورد و به جای نماز نشست و مقتدیان هم نشسته مؤذن استاد شد و اقامت را شروع نمود و قتیکه مؤذن حی علی الفلاح گفت در این وقت فوراً امام و مقتدیان استاد شدند و نیت را بسته کردند مگر امام به طرف راست و چپ صف نظر نکرد آیا در

(۱) و شروع الامام فی الصلوة مذ قبل قد قامت الصلوة ولو اخر حی تمها لابی به اجماعاً وهو قول الثاني والثالثة وهو اعدل المذاهب کما فی شرح المجمع لمصنفه و فی القهستانی معزیا للخلاصة انه الاصح (درمختار) قوله انه الاصح لان فيه محافظة على فضيلة متابعة المؤذن واعانة له على الشروع مع الامام (ردالمحتار باب صفة الصلوة اداب الصلوة ج ۱ ص ۴۴۷، ط.س. ج ۱ ص ۴۷۹). طبر

(۲) ای نظره الی موضع سجوده حال قيامه الخ والی حجره حال قعوده (درمختار) قوله الی حجره ما بین یدیک من ثوبک قاموس و نقل ابیسا الحیمر مطلق المنع و حسن الانسان و المناسب هذا الاول لانه لیس الحوض بما دون الابطال الی الکشف او الصدر و الصدران الخ قوله لنحصول الخشوع غلة للنسج لان المسعود الخشوع و ترک التالیف الخ و اذا کان فی الظلام او لم یکم بصیراً یحافظ علی عظمة الله تعالی لان المدار علیها (ردالمحتار باب صفة الصلوة فصل اداب الصلوة ج ۱ ص ۴۴۶، ط.س. ج ۱ ص ۵۷۷). طبر

(۳) مشکوة کتاب الإیمان فصل اول. طبر

این باره عمل رسول الله ﷺ و عمل اصحاب اوجه بود؟

جواب: در الدر المختار آمده: ولها آداب تركه لا یوجب اساءة ولا عتابا الى ان قال والقیام لامام ومؤتم حين قيل حي علی الفلاح، ^(۱) از این معلوم شد که استاد شدن امام ومقتدیان در وقت حي علی الفلاح از جمله آداب است و به تبرک این عمل عذاب وملامتی نیست و هم چنین در الدر المختار آمده: ویصف الامام بان یامرهم بذلك قال الشمني ویبغی ان یؤخرهم بان یتراصوا ویسندوا للخلل ویسوا مناکبهم، ^(۲) الخ از این حدیث معلوم شد که برای امام مناسب است که برای برابر استاد شدن مقتدیان واستقامت صف آنها حکم کند لهذا برای امام آنقدر جلّی مناسب نیست که صفوف برابر باشد و یاباشد تمام نماز گذاران به تحریمه اماده باشد و یا نباشد و تمام صفوف نیمه باشد و یا مکمل باشد، و او فوراً نیت بسته کند و باید هرگز این قسم تند و سرعت نکند و فقهاء کرام در وقت حی علی الفلاح به بستن نیت امام حکم نکرده اند بلکه در وقت قد قامت الصلاة نیت امام را کرده و در این باره در المختار، شامی و غیره چنین نوشته اند که بهتر آن است که امام بعد از ختم اقامت نیت و تکبیر تحریمه کند ^(۳) و در المختار و قهستانی به حواله نقل خلاصه گفته اند که انه الاصح و راجع به این قول علامه شامی نوشته کرده: لان فیہ محافظة علی فضیلة متابعة المؤذن و اعانة له علی الشروع مع الامام. ^(۴)

فصل پنجم در بیان قرآنت فی الصلاة

سوال: (۳۸۶) قرآنت خلف الامام: در قرائت خلف الامام چه قول است؟

جواب: به نزد احناف خواندن فاتحه خلف الامام جائز نیست: عن انس رضی الله عنه قال صلی رسول الله ﷺ ثم اقبل بوجهه فقال اتقراؤن والامام یقرأ فسکتوا فسالهم ثلاثا فقالوا انا لنفعل قال فلا تفعلوا قال علی رضی الله عنه من قرأ خلف الامام فلیس علی الفطرة عن عبد الله بن دینار عن عبد الله ابن عمر رضی الله عنهما قال یکفیک قرائت الامام فهو لاء جماعة من اصحاب رسول الله ﷺ قد اجمعوا علی ترک القراءة خلف الامام. ^(۵)

(۱) الدر المختار علی هامش و در المختار، باب صفة الصلاة فصل آداب الصلاة جلد اول ص ۴۴۹ - ۴۴۷، ط.س. ج ۱ ص ۴۷۷ - ۴۷۹، ط.

(۲) الدر المختار علی هامش و در المختار، باب الامامة جلد اول ص ۵۳۱، ط.س. ج ۱ ص ۵۶۸، طهر.

(۳) و شروع الامام فی الصلاة مذکور قدامت الصلاة و لو اخر حتی انها لا یاسی به اجماع الخ و فی القهستانی معزیه للحلاصة انه الاصل (الدر المختار، علی هامش و در المختار آداب الصلاة ص ۴۴۷، ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۴۷۹)، طهر.

(۴) و در المختار باب صفة الصلاة آداب الصلاة ص ۴۷۴، ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۴۷۹، طهر صدیقی.

(۵) شرح معانی الآثار جلد اول ص ۱۲۸ - ۱۲۹، طهر.

سوال: (۳۸۷) در نماز صبح خواندن سوره سجده وسوره دھر مسنون است؟ در نماز صبح جمعه سوره دھر وسوره سجده مسنون است زید در بیست صبح جمعه این هردو سوره را میخواند و در صبح بیست و یکم سوره دیگری را میخواند برای اینکه مردم عوام این دو سوره علی الدوام فرض گمان نکنند این عمل زید مخالف الفضلیت است یا نه؟

جواب: بدون شک در احادیث همین قسم آمده است لکن مردم حنفی مذهب در بعض اوقات به این مسئله عمل میکنند و همیشگی و مداومت را به این عمل خوش نمیکنند چرا که این مذهب تعین سوره را برای هر یک نماز ممنوع میفرماید لهذا اگر در بعض اوقات این مسئله و حکم را عملی کنند کدام حرج نیست و مداومت را بر آن نکنند در الدر المختار آمده: ویکره التعین کالسجدة وهل اتی لفجر کل جمعة بل یندب قرابتها احيانا. ^(۱) فقط

سوال: (۳۸۸) دراز کردن رکعت دوم از رکعة اول و ترک سوره درمابین مکروه است؟ یک نفر قرائت رکعت دوم را از قرأت رکعت اول دراز میکند وسوره کوتاه را در بین ترک میکند این عمل جائز است یا نه؟

جواب: دراز کردن رکعت دوم از رکعت اول زیاد تر از سه آیات و هكذا ترک کردن سوره کوتاه در بین دو سوره مکروه است کذا فی الدر المختار. ^(۲)

سوال: (۳۸۹) خواندن بسم الله پیش از سوره: اگر در نماز یک سوره را بخواند که تمام این سوره دو رکوع باشد در شروع سوره بسم الله را بخواند و در رکعت دوم که باقیمانده سوره را میخواند بسم الله بخواند و یا نه؟

جواب: در رکعت دوم در شروع بین سوره بسم الله را نگوید. ^(۳)

سوال: (۳۹۰) سوال متعلق چند صورتهای قرائت: اگر کسی در نماز فرض در رکعت اول سوره حمزه و در رکعت دوم سوره فیل یا در رکعت اول سوره حمزه و در رکعت دوم سوره قریش

(۱) الدر المختار علی هامش و در المختار فصل فی القرائت ص ۵۰۸ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۵۴۴. ظفر

(۲) و تظال اولی الفجر علی ثانیها فقط و قال محمد اولی الکمل حتی الترابیع قبل و علیہ الفتوی و اطالة الثانية علی الأول بکرة نیزها اجماعا ان ثلاث آیات ان تفاوت طولا وقصرا والا اعتبر الحروف والكلمات الخ وان باقل لا بکرة الخ ویکره الفصل بسورة قصيرة (الدر المختار علی هامش و در المختار فصل فی القرائت ص ۵۰۵ - ۵۰۶ - ۵۱۰ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۵۴۱ - ۵۴۶. ظفر

(۳) و لعمرو سوا الخ و سبی الخ سوا فی اول کل رکعة ولو جهرية (الدر المختار علی هامش و در المختار باب صفة الصلوة ص ۵۰۶ - ۵۰۷ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۴۸۹. ظفر

یا در رکعت اول سوره حمزه و در رکعت دوم سوره ماعون یا در رکعت اول سورت فیل و در رکعت دوم سوره حمزه یا در رکعت اول سوره قمریش و در رکعت دوم سوره فیل یا در رکعت اول سوره ماعون و در رکعت دوم سوره فیل را عمداً یا سهواً بخواند آیا در نماز کدام قسم خرابی پیش نمیشود؟

جواب: در صورت اول بدون کراهیت جائز است در صورت دوم مکروه، صورت سوم جائز و صورت‌های چهارم، پنجم و ششم مکروه است و کراهیت در آن صورت ثابت میشود که عمداً این قسم بخواند و اگر سهواً این سورتها را به این ترتیب بخواند کراهیت ثابت نمیشود و کراهیت آن مربوط به نماز فرض است اگر در نوافل باشد در همه صورت‌های ذکر شده نماز جائز است.

سوال: (۳۹۱) برای زن در نماز خواندن قرآن به جهیر جائز نیست: اگر زن حافظه قرآن در نماز نفلی یا تراویح قرآن را به جهیر در داخل خانه خود بخواند و در همین خانه بدون شوهر و محارمش دیگر هیچ کس نباشد در این صورت قرائت جهری برایش جائز است یا نه نمازش صحیح است یا نه؟

جواب: کدام زن که حافظه قرآن باشد از این جهت قرآن بالجهر برایش جائز نیست که به نزد بعض ائمه و علماء کلام و آواز زن عورت است شامی جلد اول و علی هذا قیل اذا جهرت بالقرائت فی الصلاة فسدت کان متجها الخ. ^(۱)

سوال: (۳۹۲) فتحه دادن در نماز فرض: یک نفر نماز فرض را میخواند بعد از فاتحه در قرائت سورت سهو شد یک مقتدی به او فتحه داد مقتدی دوم اعتراض کرد که در نماز فرض برای امام فتحه دادن جائز نیست اگر در تراویح و غیره به امام فتحه داده شود جائز است، آیا در نماز فرض فتحه دادن جائز است یا نه؟

جواب: فتحه دادن در نماز فرض هم جائز است و نماز صحیح است و تفصیل این مسئله در کتاب‌های فقه بیان شده در در المختار شامی و غیره آمده که نماز صحیح است. ^(۲)

سوال: (۳۹۳) آمین و فاتحه خلیف الامام: بعض معلمان میگویند که آمین گفتن به جهیر بعد از

(۱) ردالمحتار باب شروط الصلوة ج ۱ ص ۳۷۷، ط.س. ج ۱ ص ۴۰۶. ظفر

(۲) بحوال فتحه علی امامه لانه لا یفسد مطلقاً للفتح واحد بكل حقل (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب ینفسد الصلوة جلد اول ص ۵۸۲، ط.س. ج ۱ ص ۶۲۲). ظفر

فاتحه خلف الامام ناجائز است و خواندن فاتحه خلف الامام هم جائز نیست در این باره حکم شرعی را به ما تحریر فرمائید و هر دو دست را در داخل نماز به حال قیام به کدام جا بمانیم؟

جواب: بدون شک خواندن فاتحه خلف امام مناسب نیست مثلیکه در حدیث مسلم آمده که: و اذا قرء فانصتوا، ^(۱) یعنی کدام وقت که امام قرائت بخواند شما چپ و ساکت باشد و دستها را زیر ناف بسته کنید كما هو ظاهر الحدیث و آمین را به جهر نخوانید خفیه بخوانید: لانه دعاء والدعاء بالاخفاء قال الله تعالى ادعوا ربکم تضرعاً وخفیة. ^(۲) فقط

سوال: (۳۹۴) یک آیت را میخواند و آن را ترک کرد و از جای دیگری شروع کرد: امام قرائت را شروع کرد و بعد از خواندن یک آیت سهوا در قرائت بند شد آن جا را ترک کرد و از جای دیگر شروع کرد این نماز چه قسم شد؟

جواب: این را بسیار خوب کرد. ^(۳) فقط

سوال: (۳۹۵) مقدار قرائت بعد از فاتحه: برای امام بعد از خواندن سه آیات بعد از فاتحه رکوع کردن مناسب است یا یک آیت کافی است؟

جواب: کمتر از یک آیت جائز نیست. ^(۴) فقط

سوال: (۳۹۶) بعد از قرائت قنبر واجب شده فتحه دادن: وقتی که امام سه آیات را خوانده باشد و بعد از قرائت بند گردید در این حال مناسب است که به رکوع برود و مقتدی برایش فتحه ندهد مگر امام به رکوع نرفت و مقتدی برایش فتحه داد. در این صورت مقتدی کدام قسم فعل را مرتکب شد مکروه تنزیهی یا تحریمی یا حرام یا چیزی دیگری؟

جواب: نماز فاتح و نماز امام هردو صحیح است مگر بعد از اداء قدر واجب یا قدر مستحب قرائت فتحه دادن یا انتظار امام به فتحه گرفتن مکروه تنزیهی است کذا فی الدر المختار و الشامی. ^(۵)

(۱) مسلم باب الشهد فی الصلاة ج ۱ ص ۱۷۴. ظفر

(۲) سورة الاحزاب رکوع ۷. ظفر

(۳) بکره ان یفصح من ساعته كما بکره للامام ان یلجته الیه بل ینقل الی ایه اخرى لا یلزم من وصلها ما یفسد الصلوة او الی سورة اخرى او یرکع اذا قرء قدر الموضع الخ و فی رواية قدر المستحب الخ (رد المختار باب ما یفسد الصلوة جلد اول ص ۵۸۲، ط.س. ج ۱ ص ۶۲۲). ط

(۴) قرائت المصلی لو امام او منفرداً الفاتحه و قرائت بعدها وجوباً سورة اول ثلاث آیات و لو کانت الایة والاثنان تعدل ثلاث آیات فصار انفت کراهة التحريم ذکره الحلی ولا تنفی التزییه الا بالمستون (الدر المختار علی هامش رد المختار. باب صفة الصلوة جلد اول ص ۴۵۸ - ۴۵۹، ط.س. ج ۱ ص ۴۹۱). ظفر

(۵) بکره ان یفصح من ساعته كما بکره للامام ان یلجته الیه بل ینقل الی ایه اخرى لا یلزم من وصلها ما یفسد الصلوة او الی سورة اخرى او =

سوال: (۳۹۷) در رکعت دوم قرائت دراز مکروه تنزیہی است؟ مثلیکه مشہور است کہ در رکعت اول سورہ کوتاہ و در رکعت دوم خواندن سورہ دراز مکروه است این کدام مکروه است تحریمی یا تنزیہی و در بین سورہ کلان و کوتاہ کدام حد و اندازہ است کہ این مقدار کلان است و این مقدار کوتاہ و یا نیست؟ اگر کسی در رکعت اول سورہ کوثر و در رکعت دوم سورہ اخلاص بگوید مکروه است یا نہ؟

جواب: فی الدر المختار اطالۃ الثانیۃ علی الاولیٰ یکرہ تنزیہا اجماعاً بثلاث آیات ^(۱) الخ پس معلوم شد کہ کسی در رکعت اول سورہ کوثر و در رکعت دوم سورہ اخلاص را بخواند مکروه نیست چرا کہ در صورت دوم مقدار سہ آیات زیادت نیست. ^(۲) فقط

سوال: (۳۹۸) قرائت مکروهہ: یک امام بعد از فاتحہ در دورکعت از قل اللہم مالک الملک چند آیات را قرائت کرد و نماز را تمام نمود نماز مکروه شد یا نہ؟ در رد المحتار در قبیل باب الامامۃ نوشتہ است قولہ: وان یقرأ فی الاولیٰ من محل الخ قال فی التحر وینعی ان یقرأ فی الرکعتین آخر سورۃ واحده لا آخر سورتین فانہ مکروه عند اکثر آہ مطلب این عبارت چیست؟ **جواب:** در این صورت نماز مکروه تحریمی نیست چرا کہ در عبارت در المختار این قسم نوشتہ است کہ خواندن آخر دو سورہ در دورکعت مکروه است و خواندن آخر یک سورہ در دورکعت مکروه نیست یعنی مکروه تحریمی نیست مگر غیر اولیٰ است یعنی مکروه تنزیہی میباشد چرا کہ اولیٰ و افضل و سنت این است کہ در ہر رکعت بعد از فاتحہ سورہ مکمل گفتہ شود کما فی الدر المختار بان الافضل فی کل رکعۃ الفاتحۃ وسورۃ تامۃ ^(۳) و ظاہر است کہ عمل غیر اولیٰ مانع بسوی مکروه تنزیہی میباشد. فقط

سوال: (۳۹۹) در نماز خفیہ فاتحۃ خلف الامام: آیا در نماز خفیہ خواندن فاتحہ خلف الامام بہ نزد امام اعظم صاحب جائز است یا نہ اگر جائز نباشد سبب آن چیست؟ **جواب:** بہ حکم حدیث شریف و اذا قرا فانصتوا ، ^(۴) قرابت مقتدی خلف امام جائز نیست خواہ

= برکع اذا قرء للرد القرض الخ و فی روایۃ قدر المستحب الخ (رد المحتار باب ما یفسد الصلوۃ جلد اول ص ۵۸۲، ط.س. ج ۱ ص ۶۲۲، ط.

(۱) الدر المختار علی هامش رد المحتار فصل فی القرائت ص ۵۰۶ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۵۴۲، ظفر

(۲) و اطالۃ الثانیۃ علی الاولیٰ یکرہ تنزیہا اجماعاً ان بثلاث آیات الخ وان بالل لا یکرہ (ایضا ج ۱ ص ۵۰۶)، ظفر

(۳) رد المحتار فصل فی القرائت ج ۱ ص ۵۰۵، ط.س. ج ۱ ص ۵۴۲، ظفر

(۴) مشکوٰۃ باب القرائت فی الصلوۃ ص ۷۹ - ۸۱، ظفر

نماز جہری باشد و یا سہری. (۱) فقط

سوال (۴۰۰) لیحاط ترتیب در قرائت: در نماز کہ بہ سورہ فاتحہ ضم سورہ کردہ میشود آیا ترتیب آن حسب ذیل است یعنی در رکعت اول (اذا جاء) و در رکعت دوم تبت و یا در رکعت اول الم تر کیف و در دوم لایلاف قریش این صورت را مستنون و جائز گفتہ میشود آیا خلاف این ترتیب ہم جائز است مثلاً در رکعت اول تبت و در دوم اذا جاء خواند آیا این عمل جائز است یا نہ؟ یک نفر در رکعت اول نصف سورہ مزمل را میخواند بعد بہ قل ہو اللہ احد در نماز جمعہ رکوع میکند و در رکعت دوم ہردو معوذتین را بخواند و رکوع کند این عمل جائز است یا نہ؟

جواب: خواندن سورتها بہ ترتیب واجب است لذا در رکعت اول تبت و در رکعت دوم خواندن اذا جاء جائز نیست و در نماز فرض ترک سورہ کوتاہ مثلاً در رکعت اول خواندن اذا جاء و در رکعت دوم خواندن قل ہو اللہ مکروہ است و در نوافل این عمل مکروہ نیست و در یک رکعت خواندن نیم سورہ مزمل و بعداً ضم کردن قل ہو اللہ بہ این سورہ مکروہ است و خواندن معوذتین یعنی دوسورہ در یک رکعت مکروہ است اگر چہ نماز صحیح میشود. (۲)

سوال: (۴۰۱) بہ فاتحہ خلف الاما بحث عمل کردن: آیا در جملہ بزرگان دین کسی بہ فاتحہ خلف الامام و آمین بہ جہر و رفع الیدین عمل کردہ اند و یا نہ؟

جواب: بعضہا عمل کردہ اند مگر عمل اکثر اصحاب و تابعین و تبع تابعین مخالف آن است و احادیث مرفوعہ ہم بہ خلاف این اعمال وارد شدہ. (۳) فقط

سوال: (۴۰۲) (۱) خواندن سورتها در نماز بدون ترتیب مکروہ تحریمی است و اعادہ نماز

(۱) و المؤمن لا یقرء مطلقاً ولا الفاتحة في السرية قالوا وما نسب الي محمد (اي من استصحاب قرائت الفاتحة في السرية احتياطاً، ضاعف كما بسطه الكمال (الدر المختار) حاصله ان محمداً قال في كتابه الآثار لا تقرأ القرائت خلف الإمام في شيء من الصلوة بجهر له او سراً، ودعوى الاحتياط ممنوعة بل الاحتياط ترك القرائت لانه العمل بالقوي الدليلين وقد روى الفساد بالقرائت عن عدة من الصحابة فاقواهما المنع (ردالمحتار فصل في القرائت ص ۵۰۸ ج ۱، ط. س. ج ۱ ص ۵۴۴). ظهير

(۲) ويكره الفصل بسورة قصيدة وان يقرء منكوساً الا اذا ختم بقرء من البقرة الخ ولا يكره في الفل شيء من ذلك (ردمختار) وفي التارخانية اذا جمع بين سورتين في ركعة وأبت في موضع انه لا بأس به وركع شيخ الاسلام لا ينبغي له ان يفعل الخ (ردالمحتار فصل في القرائت ج ۱ ص ۵۱۰، ط. س. ج ۱ ص ۵۴۶). ظهير

(۳) و المؤمن لا يقرء مطلقاً ولا الفاتحة السرية قالوا وما نسب الي محمد فضعف كما بسطه الكمال فان قرء كره تحريراً ونصح في الاصح وفي در البحار عن مبسوط خواهر زاده انها تفسد ويكون لاساقا وهو مروى عن عدة من الصحابة فالتمع احوط (ردمختار) مروى عن عدة من الصحابة قال في الغزالي وسع المؤمن عن القرائت مألوفة عن ثمانين نفراً من كبار الصحابة منهم المرتضى والمبالدة وقد دون اهل الحديث اسامهم (ردالمحتار باب صلة الصلوة فصل في القرائت ج ۱ ص ۵۰۸، ط. س. ج ۱ ص ۵۴۴) واذا قرء فانصوا (مسلم باب الشهد).

واجب است: اگر امام یا منفرد در نماز فرض یا سنت در رکعت اول لایلاف قریش و در دوم سوره فیل یا در رکعت اول سوره فیل و در دوم الم نشرح بگویند در این صورت نماز مکروه تحریمی شد یا مکروه تنزیہی و این نماز قابل اعاده است یا نه؟

سوال: (۴۰۳) (۲) ترک سوره کوتاه مکروه است: اگر کسی در سورتہای کوتاه در یک رکعت یک سوره را بخواند و در رکعت دوم سوره سوم را بخواند و سوره دوم را نخواند یعنی سوره دوم ترک گردد، یا اینکه در رکعت اول سوره کوتاه و در رکعت دوم سوره دراز را بخواند حکم آن چه خواهد بود؟

جواب: (۱) در نماز فرض و واجب معکوس کردن سورتہا مکروه تحریمی و حسب عادت قاعده: کل صلاة اذیت مع کراهیة التحريم تجب اعادتها^(۱) اعاده این نماز واجب است^(۲) و در نوافل این عمل مکروه نیست: وان يقول معکوسا الخ ولا یکره فی النفل شیء من ذلک^(۳) الخ در المختار^(۴) و حکم امام و منفرد در این مسئله برابر است. فقط

جواب: (۲) ترک سوره کوتاه در فرائض مکروه است و اگر در رکعت دوم زیاد تر از سه آیات از قرائت رکعت اول خوانده شود هم مکروه تنزیہی است و اطالة الثانية علی الاولى یکره تنزیها اجماعا ان بثلاث آیات، در المختار.^(۵) فقط

سوال: (۴۰۴) در نماز ماندن آیت سجده مکروه است: و تیکه امام به آیت سجده برسد آیت سجده را نخواند و به رکوع برود حکم آن چیست؟

جواب: در در المختار آمده: و کره ترک آیت سجدة و قرائت باقی السورة^(۱) پس معلوم شد که ترک کردن آیت سجده قصدا مکروه است.

سوال: (۴۰۵) در آخر سوره آمین گفتن و کلمات دیگری در نماز جماعت جائز نیست: در

(۱) الدر المختار علی هامش رد المختار باب صفة الصلوة مطلب کل صلاة اذیت مع کراهیة التحريم الخ ص ۴۲۵ ج ۱ ط. س. ج ۱ ص ۴۵۷ ط.

(۲) شامی که در کدام جا تشریح این قاعده را کرده است در همان جا وضاحت این مسئله را کرده است که در صورت مذکور سجده سهر لازم نمیشود: قالوا يجب الترتیب فی سور القرآن فلو قرء معکوسا الم لاکن لا یلزمه سجود السهو لان ذلک من واجبات القرائت لامن واجبات الصلوة كما ذکره فی البحر فی باب السهو الخ (رد المختار باب صفة الصلوة م ۴۲۶ ج ۱ ط. س. ج ۱ ص ۴۵۸). ظفر

(۳) و یکره الفصل بسورة قصیرة الخ ولا یکره فی النفل شیء من ذلک ایضا ص ۵۱۰ ج ۱ ط. س. ج ۱ ص ۵۴۶ ط.

(۴) الدر المختار علی هامش رد المختار فصل فی القرائت ص ۵۱۰ - ۵۱۱ ج ۱ ط. س. ج ۱ ص ۵۴۶ ظفر

(۵) الدر المختار علی هامش رد المختار فصل فی القرائت ص ۵۰۶ ج ۱ ط. س. ج ۱ ص ۵۴۲ ظفر

(۶) الدر المختار باب سجود التلاوة ص ۷۲۹ ظفر

آخر فاتحه علاوه از آمین گفتن خفیه در آخر سوره بقره آمین گفتن در آخر سوره اسرائیل الله اکبر گفتن در آخر سوره ملک الله ربنا ورب العالمین گفتن و در آخر سوره قیامة ومرسلات والین کلمات مشهور مسنونہ را ذکر کردن و از سوره والضحی تا آخر قرآن در آخر سوره الله اکبر و در آخر بعضی آیاتہا بعضی الفاظ بطریقہ مسنونہ در دوران تلاوت گفته میشود مثلیکہ درسورہ طہ حضرت عبد الله ابن مسعود بعد از آية مبارکہ وقل رب زدني علما میگفت کہ اللهم زدني علما وایمانا ویقینا غرض اینکه این کلمات را امام و منفرد در نماز های فرض و نفل مثل آمین بطور خفیه بہ نزد احتناف گفته میتواند و یانہ؟

جواب: بہ نزد احتناف این کلمات واذکار در نوافل یا برای منفرد کہ بیرون نماز باشد محمول شدہ است در نماز جماعت فرض و نفل جائز نیست کذا فی شرح المنیة: لا باس للمتطوع المنفرد ان يتعوذ بالله من النار الخ وان كان المصلي المنفرد في الفرض كره له ذلك الخ واما الامام والمقتدي فلا يفعل ذلك السؤال والتعوذ لافي الفرض ولا في النفل الخ شرح منیہ کبیری فقط نام این کتاب غنیہ المستملی است مگر در بین علماء بنام کبیری شرح منیہ مشہور است.

سوال: (۴۰۵) آیا بسم الله جزء قرآن است یانہ؟ بسم الله جزء قرآن است یانہ، اگر باشد در نماز جہری چرا بہ جہر گفته نمیشود در این جا یک حافظ درماہ رمضان در وقت تلاوت قرآن صرف در شروع قل هو الله احد بسم الله را بہ جہر قرائت نمود؟

جواب: بہ نزد احتناف بسم الله جزء ہر سورہ نیست صرف برای فصل در بین دوسورہ نوشتہ میشود وبدون سورۃ توبہ در اول ہر سورہ نوشتہ او ثابت است مگر جزء شدن ہر سورہ او ثابت نیست از این جہت بہ جہر خواندن آن ہمراہ ہر سورہ حکم ندارد در تمام قرآن کریم بسم الله صرف یک آیت است لہذا وقتیکہ در تراویح رمضان قرآن بہ جہر خواندہ میشود در بسم الله ہم صرف یک دفعہ جہر میشود. (۱) فقط

سوال: (۴۰۷) تعریف سورہ گوناہ: کدام آیت کہ باندازہ سورہ کوثر باشد من حیث آیت کلان حساب میشود از عبارت کدام کتاب فقہ تحریر فرمائید کہ کم از کم آیت کلان چہ مقدار است؟

(۱) وهي اي بسم الله الخ اية واحدة من القرآن كله انزلت للفصل بين السور الخ وليست من العاتحة ولا من كل سورة في الاصح (والدرا المحتار على هامش رد المحتار. باب حمة الصلوة بعد الفصل ۴۵۸ ج ۱، ط س ح ۱ ص ۴۹۱).

جواب: در الدر المختار آمده وضم اقصر سورة کالکوتر او ماقام مقامها وهو ثلاث آیات فصار نحو ثم نظروهم عبس وبسر ثم ادبر واستکبر وفي الشامي قوله تعدل ثلاثا قصارا اي مثل ثم نظر الخ وهي ثلاثون حرفا فلور قرا آية طويلة قدر ثلاثين حرفا يكون قد اتى بقدر ثلاث آیات. ^(۱) فقط

سوال: (۴۰۸) قرائتهای متواتر در نماز: فن قرائت اصول وفروع بدو قسم است از هفت امامان وچهار ده راویان مروی شده است در داخل نماز قرائتهای نماز اجراء میشود یا نه یک کلمه به روایت یک راوی و کلمه دیگر به روایت راوی دیگری اجراء کرده میشود یا نه؟

جواب: نماز به تمام روایات متواتره صحیح است لکن خواندن روایات غریبه غیر معروفه در نماز خوب نیست اگر چه متواتر هم باشد چرا که در خواندن آن برای عوام ضرر است: کما فی الدر المختار و یجوز بالروایات السبع وفي الشامي بل یجوز بالعشر ايضا لکن الاولى ان لا یقرأ بالغریبه والامالات لان بعض السفهاء یقولون ما لا یعلمون فیقعون فی الائم والشقاء ولا ینبغي للائمة ان یحمل العوام علی ما فیہ نقصان دینهم ولا یقرأ عندهم مثل قرائت ابی جعفر وابن عامر وعلی بن حمزة و الکسانی صیانة لدینهم فلعلهم یتستخفون او یضحکون وان کان کل القرائت والروایات صحیحة فصحیحة ومثانخنا اختاروا قرائت ابی عمر وحفص عن عاصم الخ من التارخانیة عن فتاوی الحجة ^(۲) الحاصل کدام قرائت که حالا عموما مروج است ودر اوراق چاپ شده یعنی قرائت حفص از عاصم حالا همان قرائت لازم است. فقط

سوال: (۴۰۹) بیت استادن شدن وتیر شدن از رموز اوقاف: الحمد لله رب العالمین ^(۳) الرحمن الرحیم، من شر الوسواس الخناس ^(۴) الذي یسوس، علی کل شی قدیر ^(۵) بالذي خلق الموت والحیات، الایة، به علامه (لا) اگر نفس ختم شود ووقف کند و کلمه آخری دوباره خوانده نشود وپیش برود پس در نماز کدام خلل پیش میشود ودر مثال سوم اگر وقف کرده باشد بعدا الذي گفته شود یا بالذي خوانده شود؟

جواب: به علامه (لا) باثر ضرورت وقف کردن هیچ حرج نیست و به تکرار لفظ ما قبل هیچ ضرورت نیست ودر نماز هیچ قسم خلل پیش نمیشود ودر مثال سوم الذي، بالذي هر دو قسم تلفظ جائز است مگر در صورت وقف تلفظ بصورت (الذي) مناسب است.

(۱) ودر المختار باب صفة الصلوة مطلب واجبات الصلوة ص ۴۲۷ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۴۵۸. ظفر

(۲) ودر المختار فصل فی القرائت ص ۵۰۵ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۵۴۱. ظفر

سوال: (۴۱۰) از مسلک متفق علیه حنفی مخالفت قول شاه ولی الله معتبر نیست:

چونکه قول شاه ولی الله صاحب در اسرار شریعت ثبت شده که خواندن فاتحه خلف الامام از نخواندنش بهتر است و شاه صاحب هم از جمله علماء حنفی است در این رابطه اگر شخص حنفی مذهب فاتحه خلف الامام بگوید حکم آن چیست؟

جواب: برای شخص حنفی مذهب خواندن فاتحه خلف الامام هیچ مناسب نیست اگر هم چون شاه ولی الله محقق در یک مسئله مخالفت کند از این دو برای دیگران این عمل جائز نیست برای مردم تقلید امام متبوع خود لازم است در حالیکه دلائل قوی و حقه بطرف قول و تائید قول امام شان هم باشد. ^(۱) فقط

سوال: (۴۱۱) اگر امام به رموز اوقاف وقف نکنند هم صحیح است: امام در رکعت دوم

نماز صبح از اذا السماء انفطرت تا یا ایها الانسان ما غرک بر یک انکریم الذي، الفاظ را اداء کرد و به لفظ الذي استاد شد و نفس خود را تازه کرد یک شخص گفت که این قسم تلاوت ناجائز است؟

جواب: به این قرائت نماز صحیح شد و هیچ قسم خلل در نماز پیش نمیشود. ^(۲) فقط

سوال: (۴۱۲) اگر در سوره فاتحه سکنه نشود نام شیطان ساخته نمیشود: بعض مردم

میگویند که در سوره فاتحه هفت جا سکنه لازم است اگر در این هفت جا سکنه نشود نام شیطان پیدا میشود که نماز را فاسد میکند این قول صحیح است یا غلط؟

جواب: این قول باطل و بالکل لغوه است: کما حققه فی القول الفاصل بین الحق و الباطل للامام محمد بن عمر بن خالد المقرئ حيث قال اعلم ان هؤلاء القائلين عموما فيما زعموا وغفلوا فيما نقلوا بل ان ما زعموا وسواس صرف وما نقلوا افتراء محض. ^(۳) فقط

سوال: (۴۱۳) (۱) اگر وقف را در جای خود نکند یا جزء سوره را در نماز بخواند نماز

(۱) و لا یقره المؤتم خلف الامام الع لیا قوله علیه السلام من كان له امام فقرأت الامام له قرائت و علیه اجماع الصحابة و رکن مشرک بینها لكن حظ المقلدي الانصات والاستماع قال علیه السلام و اذا قرأ فانصتوا و يستحسن علی سبیل الاحتياط فيما يروي عن محمد و يكره عندهما لما فيه من الوعيد (هداية، فصل في القرائت ص ۱۵۹). طغیر

(۲) و منها زلة القاري فل في اعراب او لطيف مشدد و عكسه الع او يرقف و ابتداء لم يفسد و ان غير المعنى به بقى و البذر المختار علی هامش رد المحتار زلة القاري ص ۵۹۱ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۶۳۰. طغیر

(۳) كتاب مذكور القول الفاصل بين الحق و الباطل. طغیر

صحیح میشود؟ زید یک قاری است بسیار وقف اضطراری میکرد از جهت اینکه به نهایت ترتیل قرائت میکند در نماز خفتن و صبح در اکثر اوقات جزء سوره را میخواند در نماز خوانان مردم دیگری هم موجود اند که قرآن را صحیح بدون وقف اضطراری میخوانند و در جمله نماز خوانان بعضی مردم طبعاً این قسم قرائت را مکروه میدانند درایت کلان چند جای و درایت کوتاه یک و یا دوجا وقف میکند مثلاً درالذی اطعمهم به اطعمهم وقف میکند و در الفاظ من جوع و آمئهم به آمئهم وقف میکند و مثلاً درانا انزلناه فی لیلۃ القدر وما درلفظ وما وقف میکند یعنی لفظ (وما) را میخواند و نفس را تازه میکند بعداً (ادراک) را میخواند.

سوال: (۴۱۴) (۲) خواندن جزء سوره چه حکم دارد؟

سوال: (۴۱۵) (۳) اگر بعضی نماز گذاران نماز امام را مکروه بگویند برای ترک امامت دلیل شده میتواند یا نه؟

سوال: (۴۱۶) (۴) وقتی که قاری مذکور بدون وقف اضطراری قرائت خوانده میتواند آیا از این قرائت وقف اضطراری منع کرده شود یا نه؟

جواب: (۱) اگر دروقف اضطراری کلمه موقوفه دوباره تکرار شود هیچ قسم کراهیت باقی نمی ماند و برای مقتدیان مناسب نیست که این قسم قرائت را بد تعبیر کنند و اگر درمقتدیان کسی باشد که قرآن کریم را صحیح میخواند و درقرائت وقف اضطراری زیاد نمیکند امام شدن این شخص بهتر است چرا که رعایت مقتدیان هم بهتر است. ^(۱)

جواب: (۲) در نماز همیشه خواندن جزء سوره خلاف سنت و غیر اولی است بهتر آن است که در هر رکعت یک سوره مکمل خوانده شود در شامی آمده: صرحوا بان الافضل فی کل رکعة الفاتحة وسورة تامة ^(۲) الخ ج ۱ ص ۳۶۳ شامی.

جواب: (۳) اگر مقتدیان امامت امام را مکروه بدانند و سبب آن تقصیر امام باشد در این صورت امامت این امام مکروه است و اگر در امام کدام علت و خرابی نباشد برای مقتدی بد است که او را مکروه بدانند کذا فی الدر المختار. ^(۳)

(۱) وهو ما فی الصحیحین اذا علی احدکم للناس فلیخفف فان لهم الضعیف والسقیم والكبیر واذا صلی لنفسه فلیطول ماشاء الخ (ردالمحتار باب الامامة ص ۵۱۷ ح ۱، ط. س. ج ۱ ص ۵۳۵). طعیر

(۲) (ردالمحتار، باب صفة الصورة فصل فی القرائات جلد اول ص ۵۰۵، ط. س. ج ۱ ص ۵۴۱). طعیر

(۳) ولو ام قوما وهم له کارهون ان الکراهة لفساد فیہ او لانهم احق بالامامة منه کره له ذلک تحریماً الخ وان هو احق لا، والکراهة علیهم =

جواب: (۴) اگر امام به تدبیر بدون وقف اضطراری قرائت کرده میتواند بهتر است که همین قسم قرائت کند.

سوال: (۴۱۷) خواندن فاتحه امام به قصد ثناء چه حکم دارد: فلو قرأ المقتدي لزوم له قرأتان وهو غیر معهود وهذا انما يتم لو قرأ علی نية الثناء اما لو قرأ الفاتحة علی نية الثناء فيخرج من القرآنية فلا يلزم قراءتان كما تقول لو قرأ الفاتحة في صلاة الجنابة علی نية الدعاء لا بأس به الخ ارکان اربعة ص ۱۰۲، مطلب این است که فاتحه به خلف الامام به نزد احناف در نماز پنجگانه به قصد دعاء وثنا به مثل نماز که در نماز جنازه نیز به قصد دعاء وثناء خوانده میشود در نمازهای دیگری چرا ممنوع است بحر العلوم در ارکان اربعة این عمل را جائز نوشته کرده است اگر احناف، این مسئله را قبول کنند از وهابیان چه قسم نجات و احتراز خواهد نمود؟

جواب: قال في الدر المختار: ولمؤتم لا يقرأ مطلقاً ولا الفاتحة في السرية اتفاقاً وما نسب لمحمد ضعيف كما بسطه الكمال فان قرأ كره تحريماً وتصح في الاصح وفي درر البحار وعن مبسوط خواهرزاده انها تفسد ويكون فاسقاً وهو مروي عن عدة من الصحابة فالمنع احوط الخ درالمختار وفي الشامي قوله مروي عن عدة من الصحابة فالمنع احوط الخ قال في الخزانة وفي الكافي ومنع المؤتم من القرائت مأثورة من ثمانين نفرًا من كبار الصحابة منهم المرتضى والعبادلة^(۱) الخ وفيه قبيله وقد روي الفساد بالقرائت عن عدة من الصحابة فاقروهما المنع شامي^(۲) الخ پس معلوم شد که به نزد احناف هیچ اجازه خواندن فاتحه خلف الإمام نیست که در این عمل خوف فساد نماز است كما روى عن عدة من الصحابة قال الكمال: چونکه جنازه محل دعاء است لذا خواندن فاتحه در نماز جنازه به نیت ثناء جائز شده میتواند وصلاة پنجگانه محل قرابت است از این جهت سخن احتیاط این است که به هیچ وجه در نماز فاتحه خلف الامام خوانده نشود.

جواب: نماز صحیح شده. فقط

سوال: (۴۱۹) (۱) اگر در نماز ترجمه قرآن خوانده شود نماز صحیح میشود یا نه؟ اگر در داخل نماز ترجمه قرآن بکدام زبان دیگری خوانده شود در این صورت نماز صحیح خواهد شد یا

= (الدر المختار علی هامش ردالمحتار، باب الإمامة ص ۵۲۲ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۵۵۹). ظفر

(۱) ردالمحتار فصل في القرائت ص ۵۰۸ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۵۴۴. ظفر

(۲) ردالمحتار فصل في القرائت ص ۵۰۸ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۵۴۴. ظفر

نه؟

سوال: (۴۲۰) (۲) مقصود از قرآن لفظ است یا معنی؟ در قرآن شریف مقصود اصلی لفظ است یا معنی؟

جواب: (۱) مقصود اصلی در قرآن هم لفظ است و هم معنی و قرآن نام آن کلام و عبارت خاص است که در مصاحف به زبان عربی نوشته شده است، قال الله تعالی انا انزلناه قرآنا عربیا لعلکم تعقلون^(۱) پس کدام چیزی که نظم عربی نباشد قرآن هم نیست و نه حکم تلاوت قرآن به او صادق میشود و نه ثواب تلاوت به آن حاصل میشود در حدیث شریف آمده قال رسول الله ﷺ من قرأ حرفاً من کتاب الله فله به حسنة والحسن بعشر امثالها لا اقول الم حرف بل الف حرف و لام حرف و میم حرف، رواه الترمذی و غیره عن ابن مسعود رضی الله عنه^(۲) در شامی آمده: لان الامام رجع الی قولهما فی اشتراط القراءة بالعربية لان المأمور به قرائت القرآن وهو اسم للمنزل باللفظ العربي المنظوم بهذا النظم الخاص المكتوب فی المصاحف المنقول الینا نقلاً متواتراً^(۳) الخ حاصل عبارت این است که امام صاحب و صاحبین متفق شده اند که قرائت در داخل نماز بزبان همان کلمات عربی لازم است کدام کلماتی که حقیقت قرآن است و در مصاحف نوشته شده است الی آخره حاصل این است که به خواندن ترجمه قرآن در داخل نماز ترک فرضیت قرائت است و نماز صحیح نمیشود چرا که خواندن قرآن در نماز فرض است و قرآن نام لفظ عربی است به ترجمه قرآن اطلاق نمیشود مگر مجاز هر تفسیر و تعبیر قرآنی را مردم به نام قرآن یاد میکنند: كما قال فی رد المحتار والاعجمی انما یسمى قرآناً مجازاً ولذا یصح نفي اسم القرآن عنه الخ شامی.^(۴)

فقط

سوال: (۴۲۲) (۲) بعد از خواندن مقدار واجب در قرائت بند شد به رکوع نرفت و نماز را شکستند حکم آن چیست؟ امام نماز را شروع کرد مگر بعد از خواندن سه یا چهار آیت در قرائت بند شد در این وقت به رکوع نرفت و بعداً آن را از سر نو اعاده نمود حکم آن چیست؟

(۱) سورة يوسف: ۱. ظفر

(۲) مشکوٰۃ، کتاب فضائل القرآن، فصل ثانی ص ۱۸۶. ظفر

(۳) رد المحتار، باب صفة الصلوة مطلب فی حکم القرائت بالفارسیة جلد اول ص ۴۵۲، ط.س. ج ۱ ص ۴۸۵. ظفر

(۴) ایضاً، ط.س. ج ۱ ص ۴۸۵. ظفر

سوال: (۴۲۲) بعد از خواندن دو آیت در قرائت بندشد امام یک آیه را ترک کرد و آیه بعدی را قرائت نمود: امام نماز را شروع کرد بعد از خواندن دو آیت در قرائت بند شد

خواندن چهارم و یا پنجم آیت را شروع نمود در این صورت سجده سهو لازم است یا نه؟

سوال: (۴۲۳) اگر بعد از خواندن دو آیت در قرائت بند شد سوره دیگری را بگوید

یا نه؟ امام بعد از خواندن دو آیت در نیم آیت سوم بند شد در این وقت آیت چهارم یا پنجم و کدام سورت دیگری را شروع کرد نمازش صحیح شد یا نه؟ و سجده سهو بر آن لازم شد یا نه؟

جواب: (۱) در این وقت باید رکوع میرفت لیکن به دوباره خواندن هم نماز صحیح شده ^(۱).

جواب: (۲) نماز درست شده است، سجده هم لازم نمیباشد. ^(۲)

جواب: (۳) در این صورت هم نماز اداء شده و سجده سهو لازم نمیگردد. ^(۳)

سوال: (۴۲۴) در بعضی الفاظ دو قرائت: در بعضی جاهای قرآن شریف حروف کوچک نوشته

شده مثل بصطة، هم المصیطرون، علیهم بمصیطر در این قسم کلمات کدام حرف دو رفعه

خوانده شود در پنجاب این کلمات را مردم دو رفعه خوانند مطلب این چیست؟

جواب: در بالای لفظ بصطة، هم المصیطرون، علیهم بمصیطر، سین نوشته شده در این اشاره

و علامه مطلب این است که این الفاظ به سین هم خوانده شده و به صاد هم خوانده شده و تلاوت

کننده اختیار دارد که این الفاظ را به سین میخواند یا به صاد نماز در هر دو صورت صحیح است

مطلب این علامه این نیست که گویا این الفاظ دو دفعه خوانده شود بلکه متابعت کدام قاری که

کرده شود موافق آن این الفاظ را بخوانند قوله المصیطرون وفي قرائة لابن کثیر بالسین بمکان

الصاد، المتسلطون الجبارون الخ کمالین، لست علیهم بمصیطر وفي قرائة بالصاد بدل السین ای

بمسلط ^(۴) وفي القاموس البسط البسط فی جمیع معانی. فقط

(۱) وضم الفسر سورة الكافور او ما قام مقامه وهو ثلاث ايات لقار نعيم (لم نظر لم عيس وسر لم ادبر واستكبر) وكذا لو كانت الاية او الايات تعمل للثلاث لقار والذر المختار على هامش ردالمحتار باب صلة الصلوة مطلب واجبات الصلوة جلد اول ص ۴۲۷، ط.س. ج ۱ ص ۴۵۸. ظفر

(۲) بكرة ان يفتح من ساعته كما بكرة للامام ان يلجته اليه بل ينظر الي اية اخرى لا يلزم من وصله ما يفسد الصلوة زرد المحتار، باب ما يفسد الصلوة وما يكره فيها ص ۵۸۲ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۶۲۲ ولو قرأ اية تعدل الفسر سورة جاز الخ وقد رواه من حيث الكلمات عشر ومن حيث الحروف ثلاثون (ايضا فصل في القرائت ص ۵۰۲ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۵۳۸). ظفر

(۳) ايضاً، ط.س. ج ۱ ص ۵۳۸. ظفر

(۴) جلالين اصح المطابع سورة غاشية ص ۴۹۸. ظفر

سوال: (۴۲۵) درقرائت رعایت ترتیل ضرور است وبانہ؟ انا نشاهد کثیر من الحفاظ انہم یقرءون القرآن الکریم بالتعجیل فی صلاة وغیرہا کوقت الحفظ بحیث لا یفہم ما یتلفظون بہ من الاعراب والالفاظ وغیرہا والحال ان القرآن ناطق علی ترتیلہ: ورتل القرآن ترتیلا، فهل یجوز لہم القرائت علی سبیل التعجیل ام لا؟

جواب: قال فی الدر المختار ویجتنب المنکران ہذرمۃ القرائت وفي الشامی ہذرمۃ الخ سرعة الکلام والقراءة ^(۱) الخ فعلم ان القراءة بالکفۃ المذکوره من ترک الترتیل المأمور بہ والاستعمال المفضی الی الہزیمۃ من المنکرات التی ینبغي الاجتناب عنہ. فقط

سوال: (۴۲۶) در هر رکعت همراه سورہ خواندن سورہ اخلاصی چہ قسم است؟ یک امام در نماز جہری کہ بعد فاتحہ کدام سورت را خواند بہ تعقیب آن قل هو اللہ شریف را نیز قرائت نمود رکوع وسجدہ کرد ودر رکعت دوم بعد از فاتحہ یک سورہ دیگر را پیوست نمود بعد از آن قل هو اللہ را میگوید این عمل بہ نزد احتاف جائز است یا نہ؟

جواب: درفرائض بہ نزد احتاف این عمل مکروہ است درشرح منیہ آمدہ: والخاص ان تکرار السورۃ الواحدۃ فی رکعۃ واحدۃ مکروہۃ فی الفرض مذکرہ فی فتاوی قاضی خان وکذا تکرارہا فی رکعتین منہ بان قرءہا فی اولی ثم کررہا فی الركعۃ الثانیۃ یکرہ ذکرہ فی القنیۃ لکن هذا اذا کان بغير ضرورۃ بان کان یقدر قرائت سورۃ اخری اما اذا لم یقدر فلا یکرہ الخ ولا یکرہ تکرار السورۃ فی رکعۃ اورکعتین فی التطوع ^(۲) پس معلوم شد کہ درفرائض این عمل مکروہ است، ودر نوافل جائز است. فقط

سوال: (۴۲۷) اگر در رکعت اول کدام رکوع را قرائت کند در رکعت دوم کدام سورہ مکمل را بخواند چہ حکم دارد؟ کسی کہ در رکعت اول بک رکوع قرآن کریم ودر رکعت دوم یک سورہ را مکمل بخواند کہ از رکوع دراز نباشد این عمل جائز است یا مکروہ؟

جواب: دراین عمل هیچ کراہیت نیست البتہ فضیلت دراین است کہ در ہر رکعت یک سورہ را مکمل بخواند کذا فی الشامی. فقط

سوال: (۴۲۸) اگر در رکعت اول یک حصہ کدام سورت ودر رکعت دوم حصہ کدام سورت

(۱) رد المحتار باب الوتر والوافل مسحت التراجع جلد اول ص ۶۶۳، ط.س. ج ۲ ص ۴۷ طغیر

(۲) غیۃ المستملی. طغیر

دیگری بخواند این عمل جائز است یا نه؟ اگر امام در رکعت اول حصه اول یک سورت

و در رکعت دوم یک حصه سوره دیگری را بخواند جائز است یا نه؟

جواب: نماز جائز^(۱) است. (۲) فقط

سوال: (۴۲۹) اگر در نماز وتر سورت های کوتاه و کلان را بخواند نماز صحیح است یا نه؟

امام در اول سوره والعصر در دوم التکاور در سوم سوره همزه را قرائت نمود در حالیکه سورت سوم دو چند سورت دوم است در این صورت نماز وتر صحیح شده یا نه؟

جواب: نماز وتر صحیح شده به کوتاهی و طوالت این قدر سورتها در نماز هیچ کراهیت پیش نمی شود. (۳) فقط

سوال: (۴۳۰) در ما بین ترک سورت کوتاه مناسب نیست: در قرآن کریم بعد از سوره اذا

جاء سوره تبت مناسب است لذا بعد از سوره اذا در نماز تبت خوانده شود مگر نماز خوان یا امام دوست دارد که تبت را ترک میکند و بعد از اذا جاء قل هو الله احد را شرف میخواند در این صورت حکم چیست؟

جواب: فقهاء فاصله سوره کوتاه را در فرائض و واجبات مکروه میگویند اگر میخواهد که در رکعت دوم قل هو الله شریف را بخواند در این صورت در رکعت اول سوره قل یا ایها الکافرون را میخواند و اگر در رکعت اول اذا جاء را خوانده باشد در این صورت در رکعت دوم قل اعوذ برب الفلق را بخواند. (۴)

سوال: (۴۳۱) لحاظ ترتیب سورتها در نماز: ترتیب سورتها قرآن کریم در نماز چه حکم دارد

مثلا بعد از قل اعوذ برب الفلق قل هو الله را خوانده میتواند یا نه؟

(۱) و کذا لو قرأ فی الاولى من وسط سورة او من سورة اولها لم قرأ فی الثانية من وسط سورة اخرى الخ اوسورة قصيرة الاصح انه لا یکره (رد المحتار فصل فی القرائت جلد اول ص ۵۱۰، ط.س. ج ۱ ص ۵۴۹). طغیر

(۲) مع انهم صرحوا بان الافضل فی کل رکعة المفصلة وسورة تامة (رد المحتار فصل فی القرائت ص ۵۰۵، ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۵۴۱). طغیر
(۳) واطالة الثانية علی الاولى یکره تنزیها اجماعا ان ثلاث ايات ان تفاوتت طولا وقصرا والا اعتبر الحروف والتکلمات واعتبر الجنبی فحش الطول لا عدد الايات وامتنی فی البحر ما وردت به السنة واستظهر فی الفل عدم الکراهة وان باقل لا یکره (درمختار) قوله فحش الطول الخ کما لو قرأ فی الاولى والمصر وفي الثانية الهمزة فرمز فی القیة اولاً انه لا یکره ثم رمز ثانياً انه یکره وقال لان الاولى ثلاث ايات والثانية تسع ویکره الزيادة الکثیرة الخ (رد المحتار فصل فی القرائت ج ۱ ص ۵۰۹ - ۵۰۷، ط.س. ج ۱ ص ۵۴۲) از سوال معلوم میشود که خلاف ترتیب قرآن سورتها خوانده شود مکروه است از این عمل اجتناب مناسب است اگر چه مدار میشود: ویکره الفصل بسورة قصيرة وان یقرء مکوسا (درمختار) لان ترتیب السورة فی القرائت من واجبات التلاوة (رد المحتار فصل فی القرائت ص ۵۱۰، ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۵۴۶). ط

(۴) ویکره الفصل بسورة قصيرة (الدر المختار علی هامش رد المحتار فصل فی القراء جلد اول ص ۵۱۰، ط.س. ج ۱ ص ۵۴۶). طغیر

جواب: این قسم تقدیم و تاخیر را فقہاء در فرائض و واجبات مکروه گفته اند ^(۱) و این عمل در نوافل جواز دارد. ^(۲)

سوال: (۴۳۲) اگر وقت تنگ باشد در نماز صبح خواندن سورت‌های کوتاه صحیح میشود یا نه؟ امام در نماز صبح از جهت تنگی وقت در رکعت اول قل یا ایها الکافرون و در رکعت دوم سوره اخلاص را قرائت نمود بعد از نماز یک صاحب گفت که نماز مکروه تحریمی شد خواندن سورت‌های دراز لازم بود.

جواب: این نماز بدون کراهیت صحیح شده و این گفتار غلط است که گویا نماز مکروه تحریمی شده ان حضرت ﷺ یک دفعه در نماز صبح قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس را خوانده است، پس معلوم شد که اگر وقت کم باشد یا در سفر و غیره تنیدی و عجله باشد در این صورت در نماز صبح و غیره خواندن سورت‌های کوتاه جائز است. ^(۳) فقط

سوال: (۴۳۳) در رکعت اول یک حصه سوره مزمل و در رکعت دوم یک حصه سوره بقره را خواند نماز صحیح شد یا نه؟ امام در نماز شام بعد از فاتحه در رکعت اول رکوع اول سوره مزمل را و در رکعت دوم رکوع اول سوره بقره را قرائت نمود در این صورت نمازش صحیح شده یا نه؟

جواب: نماز صحیح شده و سجده سهو لازم نگردید مگر در آینده این قسم قرائت خلاف ترتیب قرآنی برایش مناسب نیست چرا که این قسم قرائت خلاف ترتیب در فرائض مکروه است کذا فی الدر المختار. ^(۴) فقط

سوال: (۴۳۴) تکرار کردن آیت نماز را فاسد نمی سازد: زید امام نماز شام است در رکعت اول بعد از سوره فاتحه سوره فیل را شروع کرد و کلمه طیرا اُباهیل را دو دفعه قرائت نمود دفعه اول به سکون لام و دفعه دوم به فتحه لام بعد از رکوع کرد و در رکعت دوم بعد از فاتحه تمام

(۱) و بکرة الفصل بسورة قصيرة وان بقرا منكوبا الخ ولا بکرة في النفل شيء (درمختار) بان بقرة في الثانية سورة اعلى مما قرء في الاولى لان ترتيب السورة في القرائت من واجبات الصلاة (ردالمحتار فصل في القرائت ص ۵۱۰ ج ۱). ظفر

(۲) فیس فی السفر مطلقا ای حالة قرار او قرار الخ الفاتحة وجوبا وای سورة شاء وفي الضرورة بقدر الحبل (درمختار) ای سواء كان فی الحضر او السفر الخ لانه علیه الصلاة والسلام قرأ فی السفر بالمعوفتين الخ (ردالمحتار فصل في القرائت ص ۵۰۳ - ۵۰۵ ج ۱). ط.س.

ج ۱ ص. ظفر

(۳) و بکرة الفصل بسورة قصيرة وان بقرا منكوبا (الدرالمختار) علی هامش (ردالمحتار فصل القرائت ص ۵۱۰ ج ۱). ظفر

(۴) و بکرة الفصل بسورة قصيرة وان بقرا منكوبا (الدرالمختار) علی هامش (ردالمحتار فصل القرائت ص ۵۱۰ ج ۱). ظفر

سوره قمری را قرائت نمود نماز صحیح شده یا نه یا سجده سهو لازم بوده؟

جواب: نماز صحیح شده به سجده سهو و اعاده نماز ضرورت نیست. ^(۱) فقط

سوال: (۴۳۵) در نماز فرض از حضور ﷻ خواندن جزء سورت ثابت نیست: رسول الله ﷺ

در کدام وقت بدون سوره مکمل رکوعها را هم خوانده و یانه؟

جواب: در کتابها فقه شریف نوشته است که در یک رکعت خواندن یک سورت مکمل مستحب

و سنت است رسول الله ﷺ در اکثر اوقات و اکثر نمازها در هر رکعت تمام سوره را میخواند شاید

در کدام نماز بدون سوره مکمل کدام رکوع را هم خوانده باشد مگر ثبوت و تصریح این عمل

شان ثابت نیست. ^(۲)

سوال: (۴۳۶) در سگتهای فاتحه خواندن ثناء جائز نیست: در سگتهای فاتحه ثناء افضل

است یا سگرت کردن؟

جواب: بعد از شروع کردن قرائت ثناء خواندن جائز نیست. ^(۳) فقط

سوال: (۴۳۷) فاتحه خلف الامام: شاه رفیع الدین صاحب دهلوی نوشته کرده که خواندن

فاتحه خلف الامام جائز است و در خواندنش کدام حرج نیست در نخواندنش ترس و خوف است

که نماز صحیح نشود، در این مسئله چه حکم است؟

جواب: چونکه در حدیث بصراحت حکم شده که: و اذا قرأ فانصتوا ^(۴) و در حدیث دیگری آمده

که: من كان له امام فقرأت الامام له قراءة، ^(۵) و به همین قسم در قرآن کریم ارشاد است که: و اذا

(۱) وقرأ بعدها وجوبا سورة اول ثلاث ايات ولو كانت الآية او الايمان تعدل ثلاث ايات فصار (المر المختار علی هامش ردالمحتار باب صفة الصلوة ص ۵۹۹ ج ۱) اذا كثر آية واحدة مرارا ان كان في النطق الذي يصله وحده فلذلك غير مكروه وان كان في الفريضة فهو مكروه وهذا في حالة الاختيار اما في حالة الضر والنسيان فلا بأس به (غنية المستعني ص ۴۲۴). ظهير -

(۲) مع انهم صرحوا بان الاصل في كل ركعة فاتحة وسورة تامة (ردالمحتار فصل في القرائت ص ۵۰۰ ج ۱) وان الغالب من قراءته ﷺ السورة التامة بل نال بعضهم لم يقل عنه ﷺ قرائت السورة الكاملة ولم يقل عنه التفريق الا في المغرب قرأ فيها الاعراف في ركعتين وركعتي العصر وقرأ بآتي البقرة وال عمران وقال اخرون اما هي الفصل الخ والفي بعض امتنا بان من قرأ سورة في ركعتين ان فرقها علوا كعرض حمل له ثواب السورة الكاملة والكلام في سورة طهولة كالاعراف بخلاف سورة ثلاث ايات او اربع فترفعها خلاف السنة اهـ (مرقات المفاتيح شرح مشكوة المصابيح باب القرائت في الصلوة فصل اول ص ۵۲۷ - ۵۲۸ ج ۱). ظهير

(۳) وقرء كما كبر سبحانك اللهم الخ الا اذا شرع الامام في القرائت سواء كان مسبوا او مدركا وسواء كان امامه بجهن بالقرائت او لا. فانه لا ياتي به لما في البهر عن الصغيري ادرك الامام في القيام يقضي ما لم يبدأ بالقرائت الخ (المر المختار علی هامش ردالمحتار باب صفة الصلوة فصل ثالث الصلوة ج ۱ ص ۴۵۵ - ۴۵۹، ط.س. ج ۱ ص ۴۸۸). ظهير

(۴) مشكوة باب القرائت في الصلوة ص ۸۱. ظهير

(۵) آثار السنن باب في ترك القرائت خلف الامام في الصلوة جلد اول ص ۸۷. ظهير

قارئ القرآن فاستمعوا له وانصتوا،^(۱) نظر به این دلائل گنجایش خواندن فاتحه و غیره خلف الامام نیست مثلیکه در کتابهای فقه به تفصیل این دلائل و حکم ذکر شده و برای احتیاط مناسب و ضرور است که به مذهب عام خود عمل کنند. فقط

سوال: (۴۳۸) اگر در رکعت اول اذا جاء را و در رکعت دوم قل هو الله را بخواند نقصان آمده یا نه؟ امام در رکعت اول اذا جاء خواند و در رکعت دوم قل هو الله پس در نماز چه نقصان پیش آمده؟

جواب: در فرائض فاصله سوره کوتاه مکرره است و نماز صحیح میشود و اگر این عمل سهوا از او صادر شد هیچ کراهیت نیست و در نوافل به این عمل کراهیت هم پیش نمیشود.^(۲)

سوال: (۴۳۹) قرائت بدون حرکت لبان معتبر نیست: اگر کسی الفاظ نماز را بدون حرکت لبها در دل خود میگوید نمازش صحیح خواهد شد یا نه؟

جواب: قرائت و غیره بدن حرکت لبان معتبر نیست.^(۳)

سوال: (۴۴۰) شروع قرائت از نیم آیه صحیح نیست: ید همیشه در نماز قرائت را از نیم آیت شروع میکند نماز درست میشود یا نه؟

جواب: نماز صحیح است مگر این عمل مناسب نیست چرا که این یک عادت نا مشروع و خلاف قواعد نماز است.^(۴)

سوال: (۴۴۱) در لفظ الحمد و ایاک تکان کردن: در لفظ الحمد و لفظ ایاک جتکه کردن چه حکم دارد؟

جواب: تلاوت قرآن کریم خلاف قواعد تجوید مکرره است اگر چه نماز میشود. فقط

(۱) سورة الاعراف رکوع ۲۴. طبر

(۲) و بکرة الفصل بسورة قصصة الخ ولا بکرة في الفعل شيء من ذلك (در مختار) الحاد ان التکسر او الفصل بالقصة اما بکرة اذا كان عن قصد فلو سهوا فلا كما في شرح المنية (رد المحتار فصل في القرائت ج ۱ ص ۵۹۰، ط. س. ج ۱ ص ۵۴۶)، طبر

(۳) و اداني الجهر اسماع غيره و اداني الصغلة اسماع نفسه الخ و يجري حالة المذكور في كل ما يتعلق بطق كتمية على ذبحة وجوب سجدة تلاوة و غنائ و طلاق و استثناء و غيرها (در مختار) اعلم انهم اختلفوا في حدود وجود القرائت على ثلاثة اقوال فشرط الهندواني و الفضلي لوجود خروج صوت بصل الى الله و به قال الشافعي و شرط بشر العربي و أحمد خروج الصوت من الفم و ان لم يصل الى الله الخ و لم بشرط الكرخي و ابو بكر بلحي السماع و اكتفى بتصحيح الحروف اهـ (رد المحتار فصل في القرائت ج ۱ ص ۴۹۸ - ۴۹۹، ط. س. ج ۱ ص ۵۳۵) ط

(۴) و الا فصل ان يقرء في كل ركعة سورة تامة (غنية المستملی ص ۴۶۲) خواندن بعض حصه سورت و افتها مکرره گفته اند لذا خواندن سه آیت چه قسم مناسب خواهد بود: و لو قرء بعض السورة في ركعتها و باقيها في ركعة ليل بکرة و الصحيح انه لا بکرة (ايضا). طبر

سوال: (۴۴۲) خواندن سه آیات فرضی است یا واجب؟ کدام سه آیات که در یک رکعت نماز خوانده میشود فرضی است یا چیزی دیگری؟

جواب: در الدر المختار در واجبات نماز حساب شده است که خواندن فاتحه و ضم سوره یاسه آیات کوتاه در واجبات میباشد: و ضم اقصر سورة الكوثر او ما قام مقامها وهو ثلاث آیات قصار الخ وكذا لو كانت الآية والايتين تعدل ثلاثا قصارا^(۱) الخ. فقط

سوال: (۴۴۳) اگر در رکعت اول از پاره بیست وهفتم ودر رکعت دوم از پاره اول قرائت کند حکم آن چه خواهد بود؟ اگر در رکعت اول نماز جمعه یک رکوع پاره بیست وهفتم ودر رکعت دوم یک رکوع را از پاره اول بخواند در این صورت نماز صحیح است یا نه؟

جواب: در فرائض این قسم قرائت مکروه است چرا که مخالف ترتیب قرآنی است، در الدر المختار آمده: ویکره الفصل بسورة قصيرة وان یقرأ منکوسا (الدر المختار) بأن یقرأ فی الثانية سورة اعلی مما قرء فی الاولى لان ترتیب السور من القرآن من واجبات التلاوة^(۲) الخ شامی ج ۱ ص ۳۶۷. فقط

سوال: (۴۴۴) خواندن فاتحه در نماز که در اولی بسم الله خوانده نشود: اگر در داخل نماز درس اول فاتحه بسم الله خوانده نشود نماز میشود یا نه؟

جواب: نماز میشود هیچ نقصان در آن پیش نمیشود.^(۳) فقط

سوال: (۴۴۵) (۱) کدام سوره را که در رکعت اول خوانده بود در رکعت دوم سهوا آن را باز خواند؟ کسی که در رکعت دوم سهوا آن سوره را بخواند که در رکعت اول نیز همان سوره خوانده باشد آیا در نماز کدام نقصان پیش میاید یا نه؟

سوال: (۴۴۶) (۲) اگر کسی در رکعت اول نیم در رکعت اول سوره الناس ودر رکعت دوم نیم دیگری آن را بخواند نماز او صحیح است یا نه؟

جواب: (۱) در نماز کدام نقصان نمی آید.^(۴)

(۱) الدر المختار علی هامش ردالمحتار، باب صفة الصلوة مطلب واجبات الصلوة ص ۴۲۷ ج ۱، ط. س. ج ۱ ص ۵۵۹. ظفر

(۲) ردالمحتار لشامی، باب صفة الصلوة، فصل فی القرائت ص ۵۱۰ ج ۱، ط. س. ج ۱ ص ۵۴۶. ظفر

(۳) و سنه ترک السنة لا یوجب فساد ولا سهوا بل اساءة لواعمال الخ، الثاء والتعود والسمیة والتامین (الدر المختار علی هامش ردالمحتار

باب صفة الصلوة مطلب سنن الصلوة ص ۴۴۲ - ۴۴۳ ج ۱، ط. س. ج ۱ ص ۴۷۳ - ۴۷۴. ظفر

(۴) لا بأس ان یقرأ سورة وبعدها فی الثانية (ردمختار) ماد انه یکره تنزیها وعلیه یحمل جزم القیة بالکراهة ویحمله فعله علیه الصلوة =

جواب: (۲) نماز صحیح شدہ۔^(۱) فقط

سوال: (۴۴۷) در هر رکعت نماز فرض تکرار سوره اخلاص مناسب نیست: در اطراف علاقه امرتسر ساکنین حضرات دہات در ہر رکعت تمام نمازها بعد از فاتحہ سوره اخلاص میخوانند برای آنها جائز است یا نہ؟

جواب: طریقہ سنت این است کہ یک سوره ہم در رکعت اول و ہم در دوم، سوم و چہارم خواندہ نشود بلکہ سورتہای مختلف را با رعایت ترتیب در ہر رکعت بخوانند نہ اینکہ در ہر رکعت صرف قل ہو اللہ را بخوانند این قاعدہ مردم غیر مقلد است کہ در ہر رکعت صرف سوره اخلاص را مکرر میخوانند^(۲) البتہ کسی کہ سوره دیگری را یاد نداشتہ باشد او مجبور و معذور است، پس شما مردم احناف مطابق طریقہ مسنونہ قرائت نمایند در ہر رکعت بعد از فاتحہ سورتہای مختلف را موافق ترتیب قرآنی بخوانید آن حضرت ﷺ ہمیشہ سورتہای مختلف را در نماز خواندہ است این قسم نکرده کہ در ہر رکعت صرف سوره اخلاص را خواندہ باشد.

سوال: (۴۴۸) (۱) بہ رب العالمین نفس نازہ کردن: امام بہ رب العالمین وقف کرد و نفس نازہ میکند آیا در نماز کدام حرج نیست؟

سوال: (۴۴۹) (۲) در لفظ فعال بہ حرف عین جزم کردن: امام در لفظ (فعال لما یزید) بہ حرف عین جزم میکند در این صورت نماز صحیح است یا نہ؟

سوال: (۴۵۰) (۳) وقف کردن بہ (یوم یقوم الروح والملائکۃ صفا) اگر امام بآیہ مبارکۃ (یوم یقوم الروح والملائکۃ صفا) وقف کند نمازش صحیح است یا نہ؟

سوال: (۴۵۱) (۴) وقف کردن بہ علامہ (لا) بہ آیت^(۳) وقف کردن کدام حرج میشود یا نہ؟ **جواب:** (۱) هیچ کدام کراہیت و غیرہ نیست.

جواب: (۲) در حرف عین لفظ فعال ادغام است یعنی در این کلمہ دو عین است اول ساکن دوم

= والسلام للک علی بیان الجواز ہذا اذا لم یحظر فان اضطر بان قرء فی الأولى لل اعود برب الناس اعدها فی الثانیۃ ان لم یختم (ردالمحتار فصل فی القرائت جلد اول ص ۵۱۰، ط.س. ج ۱ ص ۵۴۶). ظہیر

(۱) ولو قرء بعض السورۃ فی رکعۃ و بالقیۃ فی رکعۃ قبل یمکروہ والصحیح انہ لا یمکروہ (غنیۃ السمتلی تنمات ص ۱۶۲). ظہیر
(۲) ولا یبین شیء من القرآن لصلوۃ علی طریق الفرجۃ الخ و یمکروہ النہی (الدرالمختار علی هامش ردالمحتار فصل فی القرائت ص ۵۰۸، ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۵۴۴) لباس ان یقرء سورۃ و بعدہا فی الثانیۃ (درمختار) قوله لا لباس الخ اما ان یمکروہ فزیہا وعلیہ یحمل جزم القیۃ بالکراہۃ و یحمل فعلہ علیہ الصلوۃ والسلام للک علی بیان الجواز ہذا اذا لم یحظر (ردالمحتار باب ایضا ج ۱ ص ۵۱۰). ظہیر

متحرک کہ در اصل فَعَّ عَالٌ است اگر بہ همین قسم خوانندہ باشد صحیح است.

جواب: (۳) نماز صحیح است وبایۃ مبارکہ (صفا) وقف کردن درنماز کدام خلل نمیاید.

جواب: (۴) بہ علامہ (لا) یا بایت (لا) وقف کردن کدام حرج نیست و نماز صحیح است.

سوال: (۴۵۲) (۱) در نماز صبح طوال مفصل: فقہاء در نماز صبح خواندن طوال مفصل و یا

چہل آیات را طریقہ مستونہ میگویند و بعض سورتہای طوال مفصل بیست آیات میباشد اگر دو

سورت خوانندہ شود چہل آیات خواهد شد در این صورت چہ عمل مناسب است؟

سوال: (۴۵۳) (۲) ترک کردن آیتہای سجده: در آیتہای سجده ترک کردن یک یا دو آیات

از جہت سجده چہ حکم دارد؟

جواب: (۱) الفضل و بہتر این است کہ در ہر رکعت یک سورت مکمل گفتہ شود لہذا در نماز

صبح در ہر رکعت طوال مفصل مکمل خوانندہ شود پس سنت اداء خواهد شد لحاظ آیتہا را

نکنند خواہ چہل آیات باشد و یا کم و زیاد (لا). (۱)

جواب: (۲) خواندن آیت سجده و اداء کردن سجده او بہتر است آن را ترک نکنند. (۲)

سوال: (۴۵۴) سورت کوتاہ بہ کدام مقدار است و آن سورتہا کدام اند؟ آن سورتہای

کوتاہ کدامہا است کہ بہ فصل آنہا نماز مکروہ میشود؟

جواب: آن سورتہا از لم یکن تا آخر قرآن شریف است یعنی از سورہ لم یکن تا آخر قرآن کریم

ہر سورت قصار مفصل است. (۳) فقط

سوال: (۴۵۵) علامت آیت: سہ آیتہای کوتاہ قرآن شریف کہ باندازہ یک آیت کافی شدہ

میتواند بہ دائرہ گول معلوم میگردد یا بہ حروف (ج) (صل) (ز) (ط) معلوم کردہ میشود در مقابل

یک آیت کلان سہ آیۃ کوتاہ کافی شدہ میتواند یا چہ قسم؟

جواب: این ہم از واجبات نماز است کہ در ہر رکعت بعد از فاتحہ سہ آیات کوتاہ یا یک آیت

(۱) ویسن فی الحضرة الامام وسفرہ الخ طوال الملخص من الحجرات الى آخر البروج في الفجر والظهر الخ اي في كل ركعة سورة مما ذكر (ردالمحتار) اي من الطوال والارسط والقصار ومتنصفا انه لا نظر الى مقدار معين من حيث عدد الايات الخ (ردالمحتار لفصل في القرائت جلد اول ص ۵۰۵، ط.س. ج ۱ ص ۵۳۹ - ۵۴۰). ظہیر

(۲) کرہ ترک اربعہ سجدة والقرأت بالي السورة لان فيه قطع نظم القرآن وتغير تاليه واتباع النظم والتأليف مأمور به. بدائع ومفادہ ان الکراهة تحریمیة لا یکرہ حکمہ (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب سجود الصلوة جلد اول ص ۷۲۹، ط.س. ج ۲ ص ۱۱۷ - ۱۱۸). ظہیر

(۳) ومما الي اخر لم یکن اوساطه الخ وباليه قصاره (الدر المختار علی هامش ردالمحتار لفصل في القرائت جلد اول ص ۵۰۴، ط.س. ج ۱ ص ۵۴۰). ظہیر

کلان کہ باندازه سه آیات کوتاه باشد خوانده شود سورة کوتاه که همه سه آیات است سورة انا اعطیناک الکوتر است و قتیکه این سورت و یا امثال این سورت بعد از فاتحه در یک رکعت گفته شود واجب نماز اداء میگردد و علامه ختم ایت به این شکل حلقه دائروی است و مثال انتهایی کلان آیه الكرسي و آیه مداینه و امثال آن میباشد و مثال آتیهایی کوتاه ثم نظر ثم عبس و بسر ثم ادبر و استکبر میباشد. ^(۱) فقط

سوال: (۴۵۶) اگر به نستعین وقف نکند چه حکم است؟ زید به ایاک نعبد و ایاک نستعین با اینکه در نستعین وقف است وقف نمیکند و این قسم میخواند نستعین اهدنا الصراط المستقیم و قل هو الله احد یا الله الصمد میگوید آیا به این قسم قرائت در نماز کدام نقصان نمیداد و این قسم تلفظ از قراء ثابت است یا نه؟ به این قسم تلفظ در معنی کدام نقصان میاید یا نه؟

جواب: اصل حکم این است که به نستعین وقف کردن و نکردن هر دو جائز است و به همین قسم به قل هو الله احد وقف کردن و نکردن هر دو ثابت است پس اگر وقف کرده شود در این صورت (اهدنا) و (الله الصمد) خوانده میشود و اگر وقف کرده نشود در این صورت (اهدنا) و (الله الصمد) خوانده میشود در معنی هیچ فرق نمیداد و قاریان الفاظ مذکوره هم به وقف و هم بدون وقف میخوانند لکن در اکثر اوقات به نستعین واحده وقف میکنند و اهدنا الصراط المستقیم و الله الصمد را جدا جدا میخوانند لهذا به زید هیچ ضرور نیست که آن را (اهدنا) و (الله الصمد) بخواند بلکه هر قسم که قاریان آن را میخوانند زید هم آن را به همان قسم بخواند لکن اگر زید بطور اتفاقی آن را این قسم میخواند در این صورت بر او اعتراض کرده نشود و تلفظ آن را غلط گفته نشود.

سوال: (۴۵۷) اگر در رکعتی نماز رکوعهای سورتیهای مختلف خوانده شود هیچ بدی ندارد: اگر کدام امام از هر پاره یک یک رکوع را یاد داشته باشد و در هر نماز یک رکوع میگوید و به ترتیب همه رکوعها را ختم کند و بعد از سر آن را باز شروع کند به این قرائت نماز جائز است یا نه؟

جواب: به این قسم قرائت هم نماز جائز است مگر بهتر این است که در هر رکعت یک سورة

(۱) وسم العصر سورة الكافرون و هو ثلاث آیات قصار نحو: ثم نظر ، ثم عبس و بسر ، ثم ادبر و استکبر الخ (الدر المختار علی هامش رد المحتار باب صفة الصلوة و اجبات الصلوة ص ۴۲۷ ج ۱، ط. س. ج ۱ ص ۴۵۸). - فقیه

را مکمل بخواند موافق آن طریقہ کہ فقہاء آن را نوشته اند در نماز صبح و ظهر طوال مفصل و در نماز دیگر و خفتن اوساط مفصل و در نماز شام از قصار مفصل یک سوره را بخوانند. ^(۱)

سوال: (۵۸) جواب حدیث فاتحہ خلف الامام: عند الاحناف فاتحہ خلف الامام ناجز است مگر غیر مقلدین دو حدیث را پیش میکنند یک حدیث عبادہ رضی اللہ عنہ و یک حدیث ابو ہریرہ رضی اللہ عنہ کہ این مسئلہ در این دو حدیث ذکر شدہ قسمت الصلاة بینی و بین عبدي جواب این دو حدیث را مفصل تحریر فرمائید؟

جواب: جواب حدیث عبادہ رضی اللہ عنہ در مشکوٰۃ باب القرائت فی الصلاة بعد از حدیث عبادہ ذکر شدہ است و عبارت حدیث این است: وعن أبي هريرة قال قال رسول الله انما جعل الامام ليؤتم به فاذا كبر فكبروا واذا قرا فانصتوا ^(۲) در این حدیث مطلقا و عموما این حکم را فرمودہ است کہ امام قرائت میخواند شما چپ باشد پس معلوم شد کہ قبلا آن حضرت صلی اللہ علیہ وسلم صرف اجازہ سوره فاتحہ را داده بود بعدا در نماز جہری آن را ممنوع فرمود، مثلیکہ در حدیث ابو ہریرہ ذکر گردیدہ کہ فانتہی الناس عن القراءة مع رسول الله صلی اللہ علیہ وسلم فیہا جہر فیہ بالقرائت من الصلاة حين سمعوا ذلك من رسول الله صلی اللہ علیہ وسلم ^(۳) این حکم ثابت است بعدا آن حضرت صلی اللہ علیہ وسلم بہ امر: اذا قرا فانصتوا، در تمام نمازها اعم از جہری و خفیہ مطلقا خواندن فاتحہ وغیرہ را خلف الامام ممانعت فرمود و حکم سکوت وانصات را بر آنها استوار ساخت مثلیکہ این حکم از کلام پاک الله جل جلالہ: واذا قرئ القرآن فاستمعوا له وانصتوا ^(۴) این حکم ظاہر میگردد و ہمین جواب از جملہ: اقرأ بها فی نفسك ^(۵) ہم شدہ میتواند کہ در حدیث ابو ہریرہ رضی اللہ عنہ قسمت الصلاة بینی و بین عبدي، واقع است و مراد از اقرأ فی نفسك تصور در نفس ہم شدہ میتواند. فقط

سوال: (۵۹) بہ خواندن سوره فاتحہ فرض قرائت اداء میگردد: آیا بہ خواندن سوره فاتحہ فرض قرائت اداء میشود یا نہ؟

جواب: فرض قرائت بہ خواندن فاتحہ اداء میشود. ^(۶)

(۱) واستحسنوا فی الحضر طوال المفصل فی الفجر والظهر وواسطه فی العصر والمشاء وقصاره فی المغرب الخ الاصل ان یقرأ فی کل رکعة الفاتحة وسورة كاملة فی المكتوبة الخ (عالمگیری معری الفصل الرابع فی القرائت ج ۱ ص ۷۲ - ۷۳، ط. ماجدہ ج ۱ ص ۷۷). ظف

(۲) مشکوٰۃ باب القرائت فی الصلوة، فصل ثانی ص ۸۱. ظفر (۳) مشکوٰۃ باب القرائت فی الصلوة، فصل ثانی ص ۸۱. ظفر

(۴) سورة الاعراف رکوع ۲۴. ظفر (۵) مشکوٰۃ باب القرائت فی الصلوة، فصل اول ص ۷۸. ظفر

(۶) و فرض القرائت اہل علی المذہب لمی لہ العلامة و عرفا طائفة من القرآن مترجمة للہا ستة احرف ولو تقلبنا کلم یلد (درمختار) قوله =

سوال: (۶۰) صیغه واحد را به لفظ جمع و جمع را به لفظ واحد خواندن غلط است:

و تکیه در نماز در قرائت کلام پاک لفظ جمع مفرد و لفظ مفرد جمع تلفظ شود نماز صحیح خواهد شد یا نه؟ مثلاً کلمه (آیه) را (آیات) و کلمه (جنه) را (جنات) بخواند.

جواب: لفظ واحد را به صیغه جمع و جمع را بصیغه واحد خواندن غلط است قصداً این عمل ناجائز است و اگر به خطائی این قسم خوانده شود نماز صحیح است یعنی نماز جائز است مگر این عمل غیر مناسب است. ^(۱) فقط

سوال: (۶۱) قرائت و امامت در نماز منفرد: شخص مفرد که در کدام جا نماز میخواند قرائت و تکبیرات برای او به جهه مناسب است یا نه؟

جواب: در نماز جهری برای منفرد یعنی تنها گذار در این حالت در قرائت و تکبیرات جهه بهتر است مگر زیاد جهه نکند در جهه اندک حرج نیست. ^(۲)

سوال: (۶۲) در نماز فرض چرا دور رکعت پر و دو خالی است؟ در چهار رکعت فرض چرا دو پر و دو خالی خوانده میشود.

جواب: از احادیث ثابت شده و جناب رسول الله ﷺ همین قسم خوانده است لهذا به ما پیروی او در این باره چون و چرا مناسب نیست. ^(۳)

سوال: (۶۳) اگر قرائت رکعت دوم صبح از رکعت اول دراز شود نماز مکروه میشود یا نه؟ علماء دین و مفتیان شرع مبین در این مسئله چه میفرمایند که اگر امام در نماز صبح در رکعت دوم قصداً چند آیات را از رکعت اول زیاد بخواند آیا در این صورت بدون کراهیه نماز صحیح است؟

جواب: در این صورت دون کراهیت نماز صحیح است در شامی آمده که در سورت های کلان زیادت

= علی المذهب ای الذی هو ظاهر الروایة عن الامام (رد المحتار فصل فی القرائت جلد اول ص ۵۰۱ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۵۳۷). طغیر

(۱) قال فی الفرائز و لو زاد حرفاً لا یغیر المعنی لا تنفس عندهما الخ (رد المحتار زلة القاری ص ۵۹۱ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۹۳۷). طغیر

(۲) و بخر منفرد فی الجهر وهو الفصل و یکفی بادناه ان ادي وفي السرية یخالف حمداً علی المذهب (درمختار) قوله وهو الفصل لیکون الاداء علی هیئة الجماعة ولهذا کان اداءه باذان والامامة الفصل و روی فی الخبر من ان من صلی علی هیئة الجماعة صلت بصلاته صفوف الملائكة (رد المحتار فصل فی القرائت ص ۴۹۸ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۵۳۳). طغیر

(۳) القول قد اخرج البخاری و مسلم رحمهما الله عن عبد الله بن ابي قتادة عن ابيه ابي قتادة ؓ ان النبي صلى الله عليه وسلم كان یقرأ فی الركعتین الاولین من الظهر والعصر بفاتحة الكتاب وسورتین وفي اخرین بفاتحة الكتاب وبسمها الآية احياناً حاشبه هدایه الخ ودر ربیع آمده: ولما عدا الاولین اکتفاء بفاتحة الكتاب بقول ابي قتادة انه علیه الصلوة والسلام لره فی الاخرین بفاتحة الكتاب ص ۱۲۲ ج ۱، طغیر

سه آیات اعتبار ندارد البته در سورت‌های کوتاه اگر رکعت دوم زیاد تر از سه آیات دراز شود مکروه تنزیهی است ^(۱) فقط والله اعلم کتبہ عزیز الرحمن عفی عنہ.

سوال: (۴۶۴) کراهیت قرائت به خلاف ترتیب: استفتاء نمبر ۲۴۹۵ به ما وصول شد شما در شماره نمبر ۳ آن نوشته بودید که فقهاء تقدیم وتأخیر را در فرائض و واجبات مکروه نوشته کرده و در نوافل مکروه نیست من در این باره یک سخن دارم امروز یک حدیث شریف بخاری از نظرم تیر شد که یوسف بن مالک آن را روایت کرده که عائشه رضی به آن حضرت رضی اللہ عنہا گفت که قرآن خود به ما را نشان دهید آن حضرت رضی اللہ عنہ گفت که چرا؟ عائشه رضی گفت: تا اینکه موافق ترتیب آن تلاوت کنم چرا که مردم بی ترتیب قرائت میکنند حضور صلی اللہ علیہ وسلم فرمود که به شما هیچ حرج نیست کدام آیت را که خواسته باشد پیش بگوئید و به یاد دارم که در بخاری شریف یک حدیث است که حضرت عمر رضی اللہ عنہ نماز داد در رکعت اول سوره کهف و در رکعت دوم سوره یوسف را قرائت نمود از این معلوم شد که این تقدیم وتأخیر مکروه نیست؟

جواب: بنده که کدام چیز را درباره خلاف ترتیب در فرائض نوشته است مطابق مذهب حنفی است و در مراعات ترتیب احتیاط در نظر است و مطلب این نبود که در این باره کس اختلاف نکرده ممکن است بعضی حضرات خلاف این ترتیب بیان شده را مکروه نگویند مگر مذهب احناف آن است که بنده آن را تحریر نموده است مثلیکه در الدر المختار تشریح و وضاحت این مسئله شده است. ^(۲)

سوال: (۴۶۵) خواندن تمام قرآن در نمازهای چند ماهه: زید در نماز فرض امام شد و تمام قرآن کریم را در داخل نماز در سه یا چهار ماه ختم نمود درباره آخر چند سوره را در یک رکعت و در رکعت آخر پاره اول را از الم تا فلقون قرائت نمود در این صورت در نماز فرض کدام کراهیت است یانه؟

(۱) بل الذي ينبغي ان الزيادة اذا كانت ظاهرة ظهروا تاما نكره والا فلا للزوم الجرح في التحرز عن الخفية ايضا لقل والذي تحصل من مجموع كلامه وكلام القية ان اطلاق كراهية اطالة الثانية بلاث ايات مفيد بالسور القصيرة المتعارفة الايات لظهور الاطالة حينئذ فيها اما السور الطويلة والقصيرة المتعارفة فلا يعتبر العدد فيها بل يعتبر بظهور الاطالة من حيث الكلمات وان الحدوث ايات السورتين عددا، فقط رواه اعلم ص ۵۰۷ ج ۱، ط. س. ج ۱ ص ۵۴۳. ظهير.

(۲) وبكره الفصل بسورة قصيرة وان يقرء مكروا الخ ولا يكره في الغل شي، من ذلك (الدر المختار على هامش ردالمحتار فصل في الفرائض ص ۵۱۰ ج ۱، ط. س. ج ۱ ص ۵۴۶). ظهير.

جواب: در این عمل کدام حرج نیست اگر در رکعت اول قرآن کریم را ختم کند مثلاً قل اعوذ برب الناس را قرائت نمود و در رکعت دوم از سوره بقره چند آیات را قرائت نمود در این باره در شامی، چنین فرموده: **کما فی الشامی عن شرح المنیة من یختتم القرآن فی الصلاة اذا فرغ من المعوذتین فی الركعة الاولى یرکع ثم یقرأ فی الثانية بالفاتحة وشیء من سورة البقرة لان النبی ﷺ قال:** خیر الناس الحال المرتحل ای الخاتم المفتتح ^(۱) الخ لکن در یک رکعت فرائض خواندن چندین سورت خوب نیست یعنی خلافت اولی است. ^(۲) فقط

سوال: (۴۶۶) برای امام حکم کردن به سورتهای مخصوص: اگر به امام حکم کرده شود که در نماز سوره فلان و فلان را بخوان و امام مطابق فرمایش عمل نمود جائز است یا مکروه؟
جواب: اگر سوره موافق سنت را امر نمود کدام حرج نیست. ^(۳)

سوال: (۴۶۷) احادیث قرائت خلف امام و درجه آن و به عدم قرائت ثبوت استدلال به آیه: احادیث قرائت خلف امام که اکثر در صحاح وارد است منسوخ میباشد و یا نه؟ و این مسئله را واضح فرمائید که در اصول حدیث کدام مرتبه حدیث ناسخ حدیث صحیح شده میتواند و مسند این سخن که آیت (واذا قرئ القرآن فاستمعوا له وانصتوا لعلکم ترحمون) خاص درباره نماز نازل شده است در این باره احادیث معتبره و اقوال صحابه کرام را تحریر فرمائید که اطمینان حاصل شود، غیر مقلدین بدون صحیحین احادیث صحاح دیگری و مسندات کتابهای هستند لذا این موضوع را نیز تشریح فرمائید که بدون صحیحین بخاری و مسلم در کتابهای دیگر احادیث هم احادیث صحیحه موجود است بدون آن احادیث که بخاری و مسلم آن را استخراج نکرده اند و درباره منسوخیت حدیث آمین بالجهر نیز همین قسم فکر میشود بکدام احادیثی که حدیث آمین بالجهر منسوخ شده است:

اندکی پیش تو گفتم غم دل ترمیدم * که دل از رده شوی و رنه سخن بسیار است

(۱) ردالمحتار فصل فی القرائت ص ۵۱۰ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۵۴۷. ظفر

(۲) ولو جمع بین سورتن فی رکعة لا یبغی ان یفعل ولو فعل لایاس به (فتح القدیر فصل فی القرائت ص ۲۹۹ ج ۱). ظفر

(۳) رعن جابر قال کان معاذ بن جبل یصلی مع النبی ﷺ ثم یاتی فیروم قومه فصلی لیلۃ مع النبی ﷺ العشاء ثم اتی قومه فاصفح فافتتح بسورة البقرة فاتحرف رجل فسلم ثم صلی وحده وانصرف فقالوا له انما قلت یا فلان؟ قال لا والله ولانین رسول الله صلی الله علیه وسلم اسم اما اصحاب نواضح نعمل بالانبار وان معاذاً صلی معک العشاء ثم اتی قومه فافتح بسورة البقرة فاقبل رسول الله صلی الله علیه وسلم علی معاذ فقال یا معاذ انما انت؟ افره والشمس وضحاها، والضحی، واللیل اذا بغضی، وروح اسم ربک الاعلی متفق علیه (مشکوٰۃ باب القرائت ص ۷۶). ظفر

جواب: بسم الله الرحمن الرحيم، درقرائت خلف امام اختلاف ائمه است امام اعظم رحمه الله واتباع و موافقین اودرباره قرائت خلف امام به عدم وجوب وعدم جواز قائل اند ودلیل امام اعظم آیت قرآنی است که و اذا قرئ القرآن فاستمعوا له وانصتوا^(۱) وهم حدیث صحیح مسلم شریف: و اذا قرا فانصتوا^(۲) و حدیث شریف: من كان له اماما، الحديث^(۳) و در شامی از خزائن نقل شده: وفي الكافي منع المؤتم من القراءة مأثورا عن ثمانين نفرا من كبار الصحابة منهم المرتضى والعبادلة وقد دون في الحديث اساميه^(۴) و در باره نزول آیت قرآنی: و اذا قرئ القرآن الاية درفتح القدير منقول است: و اخرج ابو الشيخ من طريق سعيد بن جبير عن ابن عباس ؓ نزلت هذه الاية في صلاة الجمعة وفي العيدين قال محي السنة والاولى انها في القرائت في الصلاة لان الاية مكية والجمعة وجبت بالمدينة وهذا قول الحسن والزهري والنخعي و اخرج البيهقي عن احمد انه قال: اجمع الناس على ان هذه الاية في الصلاة و اخرج ابن مردويه في تفسير الخ عن معاوية بن قرة قال سئلت بعض اشياخنا من اصحاب رسول الله ﷺ واحسبه قال عبد الله بن مغفل ؓ كل متسمع القرآن وجب له الاستماع والانصات قال انما نزلت هذه الاية في القرائت خلف الامام كذا في فتح القدير^(۵) و آمین بالجهر وبه خفيه هر دو به حدیث ثابت است مگر امام ابو حنیفة نظر به آیه مبارکه: ادعوا ربکم تضرعا وخفية^(۶) به حدیث اخفاء ترجیح داده است. مثلیکه در شرح منیه آمده: و يخفونها اي و يخفى الامام والمقتدون آمین لقول ابن مسعود ؓ اربع يخفين الامام التعوذ والتسمية و آمین وربنا لك الحمد وهذه الاربعة رواها ابن ابي شيبه عن ابراهيم النخعي وقد روى احمد وابو يعلى والطبراني والدارقطني والحاكم في المستدرک من حدیث شعبة عن سلمة بن كهيل عن جعفر بن العثن عن علقمة بن وائل عن ابيه انه صلى مع رسول الله ﷺ فلما بلغ: غير المغضوب عليهم ولا الضالين قال: آمین و اخفى بها صوته، وقال الشافعي واحمد رحمهما الله يجهر الامام والمأموم لما روي ابن ماجه كان عليه الصلاة والسلام اذا تلا غير المغضوب عليهم

(۱) بارة ۹ ركوع. ظهير

(۲) مشکوة باب القرائت في الصلوة فصل اول ص ۷۹ وفصل ثاني ص ۸۱. ظهير

(۳) آثار السنن باب في ترك القرائت خلف الامام ص ۸۷ وفتح القدير فصل في القرائت ص ۲۹۸ ج ۱. ظهير

(۴) ردالمحتار باب صلة الصلوة فصل في القرائت ص ۵۰۸ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۵۴۴. ظهير

(۵) فتح القدير فصل في القرائت ص ۲۹۸ ج ۱. ظهير

(۶) الاعراف ركوع ۸. ظهير

ولا الضالین قال امین حتی یسمع من فی الصف الاول فیرجع المسجد قلنا تعارض روایتا الجهر والاختفاء فی فعله فیرجع الاختفاء بإشارة قوله: فان الامام یقولها بانه الاصل فی الدعاء و آمین دعاء فان معناه استجب ^(۱) انتهى علاوه از صحیحین در کتابهای دیگر در احادیث صحیحہ صرف در صحیحین غلط است عدم قبول صحاح و مسندات دیگر در جهالت واضح میباشد.

سوال: (۴۶۸) خواندن رکوعها و سورتهاى مختلف در نماز چه حکم دارد؟ اگر رکوع کدام سورت در رکعت اول و رکوع دیگری همین سورت یا رکوع سورت دیگری و یا کدام سورت مکمل در رکعت دوم با یک سوره در دو رکعت خوانده شود جائز است یا خلاف اولی؟

جواب: جواب اول این است که تمام این صورتهای خلاف استحباب است به نزد احناف مسنون و مستحب این است که در هر رکعت موافق ترتیب فقهاء خوانده شود کدام قسمیکه در کتابهای فقه مذکور و معروف است: قال فی الشامی لانه السنة فی الحضرة فی کل رکعة سورة تامة ^(۲) كما یأتی فیہ بعد صفحة مع انهم صرحوا بان الافضل فی کل رکعة الفاتحة وسورة تامة، لذا خواندن جزء سورت خلاف اولی و خلاف مستحب است که نتیجہ آن کراهیة تنزیہی است نه کراهیة تحریمی. ^(۳) فقط

سوال: (۴۶۹) در قرائت فاتحه خلف امام احناف نمیتوانند و چرا؟ در قرائت خلف امام چه قول است؟

جواب: به نزد احناف خواندن فاتحه خلف امام جائز نیست: عن انس رضی اللہ عنہ قال صلی رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم ثم اقبل بوجهه فقال اتقرأون والامام یقرأ فکتوا فسالهم ثلاثا فقالوا: انا لنفعل قال لا تفعلوا الخ، قال علی من قرأ خلف الامام فلیس علی الفطرة الخ عن عبد اللہ بن دینار عن عبد اللہ بن عمر رضی اللہ عنہ قال یکفیک قراءة الامام فہولاء جماعة من اصحاب رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم قد اجمعوا علی ترک القرائت خلف الامام. ^(۴) فقط

(۱) غنیة المستملی معروف بہ کبیری ص ۳۰۴. تشریح

(۲) ودالمختار فصل فی القرائت ج ۱ ص ۵۰۳، ط. س. ج ۱ ص ۵۳۹. ظہیر

(۳) وفي الخلاصة اذا قرأ سورة واحدة في ركعتين اختلف فيه والاصح انه لا يكره ولكن لا يبيح ان يفعل ولو فعل لابس به وكذا لو قرأ وسط السورة او آخر سورة في الاولى وفي الثانية وسط سورة او آخر سورة اخرى اي لا يبيح ان يفعل ولو فعل لابس به وفي نسخة الحلواني قل بعضهم يكره (فتح القدیر فصل فی القرائت ص ۲۹۹ ج ۱). ظہیر

(۴) شرح معانی الآثار باب القرائت خلف الامام جلد اول ص ۱۲۸ - ۱۲۹. ظہیر

سوال: (۴۷۱) برای زن در تراویح خواندن قرآن به جهر جائز است یا نه؟ اگر زن حافظه قرآن، نفل یا تراویح را در داخل خانه خود به جهر بخواند که در خانه بدون محارم شرعی زن کسی دیگری هم نباشد این عمل برای او جائز است یا نه؟ نمازش صحیح است یا نه؟

جواب: کدام زن که حافظه قرآنی هم باشد نماز به جهر برایش جائز نیست چرا که کلام و آواز زن به نزد بعض فقهاء عورت است: شامی جلد اول: و علی هذا لو قیل اذا جهرت بالقرآن فی الصلاة فسدت کان متجها^(۱) الخ. فقط

سوال: (۴۷۱) برای خواننده فاتحه خلف الامام کافر گفتن غلط است: یک مولوی صاحب از افغانستان به این جا آمده او میگوید که خواننده فاتحه خلف امام کافر است؟

جواب: در مذهب امام ابو حنیفه خواندن فاتحه برای مقتدی خلف الامام جائز نیست و مقتضای آیه کریمه و اذا قرئ القرآن فاستمعوا له وانصتوا^(۲) و مقتضای احادیث صحیحہ صریحہ: و اذا قرأ فانصتوا، و غیره نیز همین است با وجود این همه دلائل حقہ و منصوبہ برای خوانندہ فاتحہ مرتد و کافر گفتن سخت جهالت و گمراهی است کسی که چنین میگوید در حق خودش خوف کفر است باید بزودی از این زغم و قول توبه کند این مسئله در بین امامان دین مختلف فیها ست امام شافعی خواندن فاتحه خلف امام را واجب میگوید^(۳) لذا به کافر گفتن به خود او خوف کفر است الله تعالی ما را از این جهالت محفوظ بدارد فقط والله اعلم سبحانه و تعالی من کل عیب.

سوال: (۴۷۲) جواب آیتها در نماز: مردم غیر مقلد که جواب آیتها را میدهد مثلاً جواب آیت (سبح اسم ربک الاعلی) را به سبحان ربی الاعلی میدهند، این عمل جائز است یا نه؟

جواب: جواب سوال مذکوره در نماز به نزد احناف جائز نیست البته بیرون از نماز اگر کسی آیت مذکوره را بخواند در این صورت جواب دادن مسنون و مستحب است و از حضور سرور عالم ﷺ اکثر این جوابات بیرون از نماز منقول^(۴) شده است در کدام موارد که در نماز ثابت

(۱) و الداحتر باب شروط الصلوة مطلب فی ستر العورة ص ۳۷۷ ج ۱، ط. س. ج ۱ ص ۴۰۶. ظفر

(۲) سورة الاعراف رکوع ۲۴. ظفر

(۳) فقرات الفاتحة لا تبین رکنا عندنا الخ خلافاً للشافعی و رحمہ اللہ فی الفاتحة الخ و الشافعی قوله علیه السلام لا صلوة الا بفتح الکتاب (عندایه) قوله خلافاً للشافعی الخ حتی لو ترک منها فی رکعة لا تجزئ صلاته (حاشیہ هدایہ باب صفة الصلوة ص ۹۷ ج ۱). ظفر

(۴) عن ابن عباس رضی اللہ عنہما ان النبی صلی اللہ علیہ وسلم کان اذا قرأ سبح اسم ربک الاعلی قال سبحان رب الاعلی واه احمد لیل المظہری عند الشافعی یحوز مثل هذه الاشياء فی الصلوة و غیرها و عند ابی حنیفة لا یجوز الا فی غیرها قال الترمذی و کذا عند مالک یحوز فی التوافل

آدم (مرقاۃ المفاتیح شرح مشکوٰۃ المصابیح ص ۴۳۶ باب الفقرات فی الصلوة). ظفر

شدہ خاص برای تعلیم می‌باشد، یا اینکه این حال درابتداء اسلام بود که گویا مردم درنماز یکی همراه دیگری سخن میگفت و رکعت‌های رفته شده و یا فوت شده جماعت را زود میخواندند و همراه امام شریک میشدند و غیره و عمل میکردند که درآن زمان این قیودات و آداب درنمازها بمیان نیامده بود بعداً به تدریج به محنت انمه عظام رحمة الله علیهم تمام امور غیر مناسب دراین عبادت مطهر منع شد. فقط

سوال: (۴۷۳) در دراز شدن رکعت دواعتبار بکدام چیز است؟ چونکه درنماز زیادت قرائت رکعت دوم از رکعت اول مکروه است این کراهیت به حساب آیتها است یا به حساب حروف و یا به حساب کلمات؟

جواب: اگر آیتها با هم برابر باشد یا به برابری نزدیک باشد دراین صورت حساب آیتها معتبر است که دراین حال آیت‌های رکعت دوم از اول زیاد تر از سه آیات نباشد و اگر آیتها متفاوت باشد دراین صورت حساب حروف و کلمات معتبر است. ^(۱) فقط

سوال: (۴۵۵) خواندن دوسورت دریک رکعت چه حکم دارد؟ اگر امام درنماز صبح و خفتن دریک رکعت دو سورت را بخواند دراین صورت درنماز کدام کراهیت پیش نخواهد شد؟

جواب: خواندن دو سورت دریک رکعت خلاف اولی است اگر چه نماز صحیح میشود و مراد از خلاف اولی مکروه تنزیهی است: قال فی الشامي وذكر شيخ الاسلام لا ينبغي له ان يفعل على ما هو ظاهر الرواية وفي شرح المنية الاولى ان لا يفعل في الفروض ولو فعل لا يكره اي لا يكره تحريماً ^(۲) فقط قبل از این عبارت چنین آمده: اذا جمع بين سورتين في ركعة رابت في موضع انه لا بأس به.

سوال: (۴۷۵) (۱) قرائت خلف الامام جائز است یا نه؟ قرائت خلف الامام جائز است یا نه؟

سوال: (۴۷۶) (۲) آمین به جهر جائز است یا نه؟ گفتن آمین با آواز چه حکم دارد؟

جواب: (۱) به مذهب امام ابو حنیفه برای مقتدیان خواندن فاتحه و غیره ممنوع است ^(۳) امام

(۱) واطالة الثانية على الاولى بكرة تنزيها لجماعا ان ثلاث ايات ان تفاوتت طولاً ولصراً والا اعتبرت الحروف والكلمات الح بائلي لا يكره (الدر المختار على هامش ردالمحتار فصل في القرائت جلد اول ص ۵۰۶، ط.س. ج ۱ ص ۵۴۲)، ظهير

(۲) ردالمحتار فصل في القرائت ص ۵۱۰ ج ۱ وكذا لو جمع بين سورتين في ركعة واحدة الاولى ان لا يفعل في الفروض ولو فعل لا يكره (غنية المستعملي ص ۴۶۲) ولو جمع بين سورتين في ركعة لا ينبغي ان يفعل ولو فعل لا بأس به (فتح القدير فصل في القرائت ص ۲۹۹ ح ۱)، ظهير

(۳) والمؤلف لا يكره مطلقاً ولا الفاتحة في السرية اتفاقاً فان قرأه كره تحريماً (الى قوله) بل يستمع اذا جهر ويصت اذا سر لقول ابى هريرة =

شافعی خواندن فاتحه را برای مقتدی ضرور میگوید برای احناف جائز نیست که در این باره و غیره به مذهب شافعی عمل کنند در حدیث مسلم آمده: «وإذا قرأ فانصتوا»^(۱) یعنی کدام وقت که امام قرائت میکند شما چه باشد، در حدیث دیگری آمده که: قرائت امام قرائت مقتدی است.

جواب: (۲) گفتن آمین به جهر به نزد احناف مستون نیست^(۲) مثلیکه تقاضای کلام حق ادعوا ربکم تضرعاً و خفیه^(۳) هم مذهب احناف را تأیید میکند. فقط

سوال: (۴۷۷) حکم فاتحه خلف الامام است یا نه؟ خواندن الحمد لله خلف امام چه حکم دارد؟

جواب: خواندن فاتحه و سورت خلف الامام هیچ مناسب نیست مثلیکه در حدیث شریف و اذا قرأ فانصتوا^(۴) و حدیث شریف: من كان، له امام فقراءة الامام له قراءة^(۵) نیز این ادعاء حق را ثابت میسازد. فقط

سوال: (۴۷۸) اگر در نماز جهری چند آیات را خفیه بگوید چه کند؟ اگر امام سهوا در نماز جهری چند آیات ویا کم وزیادت را به خفیه بگوید در این صورت به مجرد یاد شدن قرائت را از اول به جهر اعاده کند ویا قرائت حصه باقی را به جهر بگوید و سجده سهو بکند یا نه؟

جواب: قرائت بعدی را به جهر^(۶) بگوید و سجده سهو بکند.^(۷)

سوال: (۴۷۹) فاتحه خلف الامام و دستیا را زیر ناف بسته کردن: خواندن الحمد شریف خلف الامام جائز است یا نه؟، و دستیا باید زیر ناف ویا بالاتر از ناف بسته شود و بستن زیر ناف را

= رضى الله عنه كان يقرأ خلف الامام فترى اذا قرأ القرآن فاستمعوا له وانصتوا (البرالمختار على هامش ردالمحتار ص ۵۰۸ ج ۱، ط. س. ح ۱ ص ۵۴۴ - ۵۴۵). ظفر

(۱) مشکوة باب القرائت في الصلوة ص ۸۱. ظفر

(۲) والقاء والوعود والتسمية والتأمين وكونهن سرا (درمختار) جعل سرا حر الكون المحذوف ليفيد ان الاسرار بها سنة اخرى (ردالمحتار ص ۴۴ ج ۱، ط. س. ح ۱ ص ۴۷۵ - ۴۷۶). ظفر

(۳) الاحراف ركوع: ۸. ظفر

(۴) عن ابي هريرة قال قال رسول الله ﷺ انما جعل الامام ليؤتم به فاذا كبر فكبروا واذا قرأ فانصتوا رواه ابو داود والسناني وابن ماجه (مشكوة ص ۸۱). ظفر

(۵) موطا امام محمد ص ۲۸. ظفر

(۶) درمختار: ويجهز الامام رجوا بحسب الجماعة فان زاد عليه اسماء ولو اتهم به بعد الفاتحة او بعضها سرا اعادها جهرا بحر ودر شامي آمده است: (قرئ اهاد جهرا) لان الجهر فيما بقي صار واجبا بالانشاء والجمع بين الجهر والمنفعة في ركعة واحدة شيع (ردالمحتار فصل في القرائت عند اول ص ۴۹۷، ط. س. ح ۱ ص ۵۳۲).

(۷) چونکه تاخير فرض شده براي آن سجده سهو کند: و تاخير الواجب عن محله ودر موجب لسجود السهو ظفر

بعض غیر مقلدین اعتراض و طعن میکنند؟

جواب: خواندن فاتحه و غیره تمام قرائت خلف امام به قرآن شریف واحادیث صحیحہ ممنوع ثابت شدہ است: قال الله تعالى: واذا قرأ القرآن فاستمعوا له وانصتوا، الآية وفي حديث مسلم: واذا قرا فانصتوا الحديث^(۱) ودر حدیث صحیح دیگر آمده: من كان له امام فقرأه الامام له قراءة^(۲) و بستن دستها در زیر ناف و یا زیر ناف هر دو قسم در احادیث موجود است البتہ یک امام به یک حدیث و امام دیگری به حدیث دیگری عمل کرده است، به هیچ کس اعتراض شدہ نمیتواند (ایضاح الادلة) را مطالعه فرمائید در این کتاب تمام این مسائل موجود است این کتاب بسیار اہم و در جواب غیر مقلدین بسیار بی مثل است در ہر مسئلہ اختلافی احادیث را جمع کردہ است و احادیث مؤید و مؤکد امام صاحب را مفصل تحریر فرمودہ است.

سوال: (۴۸۰) قرائت خلاف ترویج چه حکم دارد؟ اگر در رکعت اول فرض قل هو الله شریف و در دوم قل اعوذ برب الفلق بخواند جائز است یا مکروه؟ و در رکعت اول تراویح خواندن قل اعوذ برب الناس و در دوم به خواندن چند آیات سورہ بقرہ چه حکم است؟ و در رکعت اول سہوا رکوع پارہ پانزدہم را قرائت نمود و در دوم رکوع پارہ پانزدہم را قرائت نمود این صورت مکروه است یا چہ قسم؟

جواب: خواندن قل هو الله در رکعت اول و قل اعوذ برب الفلق در دوم بدون کراہیت جائز است.^(۳) و بہ ہمین قسم خواندن قل اعوذ برب الناس در رکعت اول تراویح و در دوم چند آیات اول سورہ بقرہ جائز است^(۴) و اگر سہوا در رکعت اول رکوع پارہ شانزدہم و در دوم رکوع پارہ پانزدہم خواندہ شود در این صورت نیز کدام کراہیت نیست البتہ در نماز فرض قصدا این عمل جائز نیست بلکہ مکروه است اگر سہوا باشد کدام حرج نیست.^(۵) فقط

(۱) مسلم ص ۱۷۴ ج ۱. ظہیر

(۲) موطا امام محمد ص ۷۸. ظہیر

(۳) در این صورت کدام سبب کراہیت نیست چرا کہ مطابق ترتیب است البتہ خلاف ترتیب مکروه است: بکرہ الفصل بسورۃ قصصہ وان یقرأ منکوسا. المنبر المختار علی هامش ود المختار باب صلف الصلاه فصل فی القرائت: ج ۱ ص ۵۱۰.

و اگر شبہ داشتہ باشد کہ قل هو الله شریف کو تاء و قل اعوذ برب الفلق فواز است این سخن صرف برای نام است و برای کراہیت زیاد شدن سہ آیات شرط است اطالۃ الثانیۃ علی الاولی بکرہ تنزیہا اجماعا ان ثلاث آیات الخ وان باقل لا بکرہ یعنی: ج ۱ ص ۵۰. ظہیر

(۴) و اذا قرء فی الاولی قل اعوذ برب الناس یبغی ان یقرأها فی الثانیۃ ایضا الخ وفي الرواۃ الجیدۃ من یختم القرآن فی الصلاه اذا فرغ من المعوذتین فی الرکعۃ الاولی یرکع ثم یقوم فی الرکعۃ الثانیۃ یقرء بفاتحة الكتاب وشيء من البقرہ (علیہ المستملی ص ۴۶۳). ظہیر =

سوال: (۴۸۱) منفرد در نماز قرائت را به جهر بخواند یا به خفیه؟ اگر کسی باهر کدام عذر به مسجد نرود و درخانه نماز بخواند برای او باآواز بلند یعنی به جهر نماز کردن جائز است یا نه؟

جواب: برای منفرد در نمازهای جهری مثل شام، خفتن و صبح جهر کردن بهتر است، لهذا در صورت مسئله جهرجائز بلکه افضل است ^(۱) البته ترک جماعت بدون عذر شرعی گناه است. ^(۲)

سوال: (۴۸۲) در نماز از پاره های مختلف قرائت جائز است؟ من در بسیار فرائض رکوعهای پاره های جدا جدا و آیتهای پاره ها و سوره های مختلف را خوانده ام این عمل جائز است یا نه؟ اگر جائز نباشد در نماز فرق بسیار آمده نخواهد بود؟

جواب: کدام عملیکه قبلا از شما صادر شده که آیتهای جدا جدا را در نماز فرض خوانده اید در این عمل شما گناهکار نشدید و در نمازهای شما هم هیچ فرق نیامده البته در آینده در هر رکعت فرائض جدا جدا سورت مکمل بخوانید که این عمل طریقه مستونه است یک سورت را در دو رکعت نخوانید رکوعا و آیتهای متفرق را هم نخوانید اگر درنفل بخوانید جائز است. ^(۳)

سوال: (۴۸۳) حکم خواندن آیتهای متفرق در وتر و سنت؟ درستست مؤکد و وتر خواندن آیتهای جدا جدا چه حکم دارد؟

جواب: در نماز وتر و سنت مؤکد بهتر این است که در هر رکعت سوره مکمل خوانده شود بلکه خواندن آیتهای متفرق در این نمازها نیز جائز است. ^(۴)

سوال: (۴۸۴) قرائت در نماز صبح جمعه: در نماز صبح جمعه سوره جمعه و سوره منافقون

(۱) الامان ان التکبیر او الفصل بالقصره انما یکبره اذا کان عن قصد فلو سهوا فلا کما فی شرح المنية (ردالمحتار فصل فی القرائت جلد اول ص ۵۱۰). ظفیر

(۲) وان کان منفردا فهو مخیر ان شاء جهر واسمع نفسه لانه امام فی حق نفسه وان شاء خافت لانه لیس خلفه من یسمعه والا ففضل هجر الجهر لیكون الاداء علی هيئة الجماعة (هدایه فصل فی القرائت ج ۱ ص ۱۰۵). ظفیر

(۳) والجماعة سنة مؤکدة للرجال قال الزاهدی اودوا بالتاکید الوجوب (ردمختار) قال فی البهر الا ان هذا یقتضی الاتفاق علی ان نکرها مرة بلا علی یوجب التام الخ (ردالمحتار باب الامامة، ط. ج. ۱ ص ۵۵۲). ظفیر

(۴) الافضل ان یقرأ فی کل رکعة الفاتحة وسورة كاملة فی المکتوبة الخ ولو قرأ بعض السورة فی رکعة قبل یکبره وقيل لا یکبره وهو الصحیح ولكن لا یبغی ان یفعل ولو فعل لا یاس به کذا فی الخلاصة ولو قرأ فی وسط سورة او من اخر سورة وقرأ فی الركعة الاخری من وسط سورة اخری او من اخر سورة اخری لا یبغی له ان یفعل ذلك علی ما هو ظاهر الرواية ولكن لو فعل ذلك لا یاس به (الی قوله) هذا کما فی الصرائض واما فی السنن لا یکبره وعالمگیری کشوری فصل رابع فی القرائت ج ۷۷، ۱، ط. ماجدیه ج ۱ ص ۷۸ - ۷۹). ظفیر

(۵) عالمگیری کشوری، فصل رابع فی القرائت ج ۷۷، ۱، ط. ماجدیه ج ۱ ص ۷۸ - ۷۹. ظفیر

سنت است آیا بدون این دوسوره خواندن سورت‌های دیگر خلاف سنت نیست؟

جواب: از رسول الله ﷺ اکثر خواندن این دوسوره ثابت است نه بطور همیشه اگر در نماز مذکور علاوه از این دوسوره سوره های دیگری خوانده شود خلاف سنت نیست ^(۱) بلکه به خواندن سورت‌های دیگر عوام زیاتر از غلطي محفوظ میماند و از همین سبب به نزد احناف تعیین سورت برای نماز معین ممنوع است. ^(۲)

سوال: (۴۸۵) فاتحه خلف الامام: برای مقتدی به قرائت خلف امام چه حکم است؟ بعض صاحبان میگویند که بدون فاتحه نماز مقتدی صحیح نمیشود و بعض صاحبان میگویند که قرائت امام برای مقتدی کافی است قول کدام شان صحیح است؟

جواب: کدام صاحب که میگوید که قرائت امام برای مقتدی کافی است قولش صحیح است برای مقتدی قرائت خلف الامام جائز نیست این مذهب امام ابو حنیفه است که به حدیث شریف: و اذا قرأ فاتحوا، موافق میباشد.

سوال: (۴۸۶) مقدار قرائت در نماز صبح: در نماز صبح چه مقدار قرائت سنت است؟

جواب: خواندن طوال مفصل در نماز صبح سنت است یعنی از سوره حجرات تا سوره البروج. ^(۳)

سوال: (۴۸۷) (۱) اگر ضاد را به ظا بخواند چه حکم است؟ اگر ضاد را در نماز به قسم ظاء بخواند نماز چه قسم میشود؟

سوال: (۴۸۸) (۲) که ضاد را در مخرج میانه میخواند املامت او جائز است یا نه؟ بکر

آمین بالجهر و رفع الیدین نمیکند و به مذهب حنفی کاملاً پابند است مگر در ولا الضّالّین حرف ضاد را طوری میخواند که نه دال ظاهر شود و نه ظاء، آیا اقتداء به این قسم امام جائز است یا نه؟

جواب: (۱) کسی که از مخرج به خواندن حرف قادر باشد اواز مخرج حرف را اداء کند و قصد ا تلفظ ظاء نکند در این مسئله بسیار احتیاط ضرور است در شرح فقه اکبر در بعض روایات ظاء

(۱) و اذا فرغ من الخطبة اقام الصلوة و صلی بالناس رکعتین علی ما هو المعروف المعروف و فی اسفله و غیرها یقره لیهما قدر ما یقرأ فی الظهر لانهما بدل منه ان قرء بسورة الجمعة و اذا جاءک المنافقون او سبح اسم او: هل انک حدیث الغاشیة یرکا بالمأثور عنه علیه الصلوة والسلام علی مامر فی صفة الصلوة کان حساً، لکن یرک احياناً لئلا یترحم العامة و جوبه (غنیة المستملی ص ۵۲۰). ظہیر

(۲) مشکوٰۃ ص ۷۹. ظہیر

(۳) و لیسن فی الحضر الامام و منفرد طوال المفصل من الحجرات الی اخر البروج فی الفجر و الظهر (الدر المختار علی هامش رد المحتار، ص ۵۰۳ ج ۱ مطلب السنة بکون سنة عن و کلامه). ظہیر

خواندنِ ضاد را کفر گفته است ^(۱) اعاذنا الله من ذلك.

جواب: (۲) برای امام جمعه در این امور احتیاط مناسب چه ضرورت است که او به خلاف عام علماء احناف چنین عمل را اختیار میکند که درعام نماز گذاران تشویش را ایجاد میکند آیا به نزد بکر نماز آن مردم صحیح نمیشود که به الرحمن الرحیم، واهدنا الصراط المستقیم وقف نمیکند یا ضاد را مثل طاء نمیخوانند اگر بکر این قسم فکر داشته باشد معنی این است که نماز تمام اهل اسلام عرب وعجم به نزد او باطل است درحالیکه این قسم فکر وعقیده خودش ظاهراً باطل است شما متوجه شوید که چه قسم علماء محقق ومختار وممتاز در احناف گذشته است آیا امام مذکور تحقیق خود را از همه آن علماء محققین زیاد میداند که در مقابل تحقیق خود سخن هیچ کس را نمیشنود وبه خلاف همه علماء محققین رای خود را قابل اعتماد و صواب میداند.

سوال: (۴۸۹) در رکعت سوم وتر سوره ضرور است یانه؟ در رکعت سوم وتر که دعاء قنوت هم در آن خوانده میشود ضم سوره هم در آن لازم است یانه؟

جواب: در هر سه رکعت وتر رضم سوره به فاتحه ضرور وفرض است در تمام رکعات وتر همیشه به فاتحه ضم سوره لازم است: هكذا في عامة كتب الفقه. ^(۲)

سوال: (۴۹۰) از اصحاب پاک حضرت ﷺ آمین بالجهر وبالاخفاء ثابت است یانه؟ از اصحاب رسول الله آمین بالجهر وآمین بالاخفاء ثابت است ویانه؟

جواب: در احادیث شریف آمین بالجهر وآمین به خفیه هردو روایت شده است وبعض ائمه مجتهدین آمین بالجهر را وبعض آمین بالاخفاء را را ترجیح داده اند ^(۳) وامام ابو حنیفه بالخفیه را سنت میگوید وآمین بالجهر را برای تعلیم ویا ضرورت محمول میکند. مثلیکه در بعض وقت رسول

(۱) وفي المحیط سنن الامام الفضلي عن يقرأ الطاء المعجمة مكان الصاد المعجمة هو يقرأ أصحاب الجنة مكان أصحاب النار فقلل لا يجوز امامته ولو تعمد بكفر قلت اما كون تعمده ككراً فلا كلام فيه اذا لم يكن فيه لغتان ففي ضمن الحلاف شامی، واما تبديل الطاء مكان الصاد فعليه تفصيل (شرح فقه اكبر ص ۲۵۵) . طبر

(۲) وهو ثلاث ركعات بتسليمه الخ ولكنه يقرأ في كل ركعة منه فاتحة الكتاب وسورة احتياطاً (المر المختار على هامش ردالمحتار ساب الوتر والذرائع ص ۶۶۲ ج ۱، ط. ب. ج ۲ ص ۵) . طبر

(۳) عن والي بن حجر قال كان رسول الله صلى الله عليه وسلم اذا قرأ ولا الضالين قال آمين ورفع بها صوته رواه ابراهيم والترمذي واخرون وهو حديث مضطرب وعن ابي هريرة قال كان النبي صلى الله عليه وسلم اذا فرغ من قراءة ام القرآن رفع صوته وقال آمين وقد قلل الله تعالى ادعوا ربكم تضرعاً وخفية عن ابي هريرة قال كان رسول الله صلى الله عليه وسلم يعلمنا بقول لا تبادروا الإمام اذا كسر لكسرواً واذا قلل ولا الضالين فقولوا آمين واذا ركع فاركعوا الخ رواه مسلم قال البيهقي يستفاد منه ان الإمام لا يجهر بآمين واخفى بها صوته رواه احمد والترمذي واسدأود واخرون واستاده صحيح وفي منه اضطراب (الار السن باب ترك الجهر بالآمين ص ۹۴ ج ۱) تفصيل در كتاب مذکور بين. طبر

اللہ ﷻ در نماز خفیہ یک ایت را به جهر قرائت نمود تا اینکه به مقتدیان معلوم شود که او فلانی سورۃ را میخواند وآیه مبارکه: ادعوا ربکم تضرعاً وخفیة، مذهب امام صاحب را تأیید میکند، والبحث فيه طویل فاکتفی علی هذا الدلیل.

سوال: (۴۹۱) در فرائض ونوافل به ترک یک سورۃ در مابین قرائت جائز است یا نه؟ در

فرائض ویا نوافل ترک سورت در مابین جائز است ویا نه؟

جواب: در فرائض ترک یک سورت کوتاه مکروه است و در نوافل ترک سورۃ کوتاه مکروه نیست کذا فی الدر المختار. ^(۱)

سوال: (۴۹۲) حصه اول آیت را ترک نمود و قرائت گرد نماز شد یانه؟ امام بعد از سورۃ

فاتحه آیت آخری رکوع آخر سورۃ انا فتحنا کلمات محمد رسول الله، را ترک کرد وبعد از این کلمات آیت متبای را تا آخر قرائت نمود یعنی تا: منهم مغفرة واجرا عظیما، آیت مذکور را تلاوت نمود نماز صحیح شده یانه؟

جواب: نماز صحیح شده مگر ترک ابتداء آیت عمل خوب نشده. ^(۲)

سوال: (۴۹۳) اگر در رکعت اول سورۃ اذا جاء ودر دوم سورۃ قل هو الله شریف بخواند

حکم چیست؟ امام در رکعت اول سورۃ اذا جاء ودر دوم سورۃ اخلاص را قرائت نمود در این صورت اعاده نماز لازم است یا چه قسم؟

جواب: در فرائض قصداً این عمل مکروه است اگر سهواً از پیش کسی این عمل سرزد کدام کراهیت نیست واعاده نماز لازم نمیشود. ^(۳)

سوال: (۴۹۴) اگر یک سورت را در مابین ترک کند یا بی موقع وقف کند حکم چیست؟

اگر کسی در قرائت نماز یک سورۃ را بخواند سورۃ دوم را ترک کند و سورۃ سوم را بخواند و در قرائت بی موقع وقف کند حکم ایت چیست؟

(۱) وبکرة الفصل بسورة قصيرة وان يقرء مكتوباً الخ ولا يكره في النفل شيء من ذلك (الدر المختار على هامش ودر المختار فصل في القراءة ص ۵۱۰ ج ۱، ط. ص. ج ۱ ص ۵۴۶). طغیر

(۲) الاصل ان يقرأ في كل ركعة الفاتحة وسورة كاملة في المكتوبة الخ ولو قرأ في ركعة من وسط سورة او من آخر سورة وقرأ في الركعة الاخرى من وسط سورة اخرى او من آخر سورة اخرى لا يبيح له ان يفعل ذلك على ما هو ظاهر الرواية ولكن لو فعل ذلك لا بأس به كذا في الذخيرة (عالمگیری مصري الباب الرابع في صفة الصلوة فصل رابع ص ۷۳ ج ۱، ط. ماجدية ج ۱ ص ۷۸ - ۷۹). طغیر

(۳) وبکرة الفصل بسورة قصيرة (الدر المختار على هامش ودر المختار، جلد اول ص ۵۱۰، افاد ان التنبیس او الفصل بالقصيرة انما يكره اذا كان عن قصد فلو سهواً فلا كما في شرح المنية (در المختار فصل في القراءة جلد اول ص ۵۱۰، ط. ص. ج ۱ ص ۵۴۶). طغیر

جواب: ویکره الفصل بسورة قصيرة الخ ولا يكره في النفل شيء^(۱) فی الدر المختار، حاصل این است که فاصله سورة کوتاه مکروه است مگر در نفل مکروه نیست اگر در مابین آیت نفس او ختم شد و از این جهت وقف کرد در آن صورت اعاده کلمه موقوفه ضرور است و احکام تفصیلی در این باره از کدام قاری صاحب متناوب است.

سوال: (۴۹۵) خواندن ترجمه قرآن در نماز چه حکم دارد؟ یک عالم زبر دست بیان کرده که کدام آیت در نماز خوانده شود نماز اداء میشود چرا که قرآن شریف کلام الله نیست بلکه ترجمه کلام خدا است که رسول مقبول به زبان عربی آن را ترجمه کرده است و ذریعه نزول را این قسم بیان میکند که خداوند قرآن را در قلب او انداخت و او به زبان خود آن را بیان و اظهار نمود، بیان این مولوی صاحب صحیح است یا غلط؟

جواب: کدام مسئله را که شما به حواله این مولوی زبردست نوشته کرده این بالکل غلط است از بیان او معلوم میشود که این صاحب عالم دین نیست بسیار افسوس است که این قسم مسائل غلط بیان یک عالم نامدار باشد به خواندن ترجمه الحمد شریف و یا کدام سوره دیگر نماز جائز نیست چرا که قرآن شریف نام آن کلام الله عربی است که در مابین دفتین یعنی در مابین دو وقایع ها میباشد همین قرآن شریف کلام الله است و عقیده اهل سنت والجماعة همین است^(۲) پس گفتار این مولوی صاحب که گویا این قرآن شریف عربی کلام الله نیست بلکه ترجمه آن است بالکل غلط است و به خداوند افتراء کرده و در حکم (ومن اظلم ممن افتری علی الله کذبا) شامل است. خداوند پاک فرموده است (انا انزلناه قرآنا عربیا)^(۳) به همین قسم خداوند پاک در بسیار آیت این کلام پاک را به نام کلام عربی یاد کرده و در ارشاد پاک (ولو جعلناه قرآنا اعجمیا لقالوا لو لا فصلت آیاته اعجمی و عربی) یعنی الله میفرماید که اگر قرآن را به زبان عربی نازل نمیکردیم و به زبان عجمی می بود یعنی بدون عربی بکدام زبان دیگری آن را نازل میکردیم

(۱) الدر المختار علی هامش و الدر المختار فصل فی الفراءه، جلد اول ص ۵۱۰، ط.س. ج ۱ ص ۵۴۶. ظفر

(۲) كما صح لورشع بغير عربية الخ او قرأ بها عاجز فحائز اجماعا قبل الفراءه بالعجز لان الاصح رجوعه الى قولها و عليه الفري قلت وجعل المعنى الشروع كالقراءة لاسلف له ولاسند له بقوله (در مختار) وانما المنقول انه رجع الى قولها في اشراط القراءة بالعربية الا بعد العجز الخ لان الامام رجع الى قولها في اشراط القراءة بالعربية لان المأمور به قراءة القرآن وهو اسم لمنزل باللفظ العربي المنظوم هذا العظم الخاص المكتوب في المصاحف المنقول البنا نقل متواتر الخ (در المختار، باب صفة الصلوة فصل تأليف الصلوة ص ۴۵۱ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۴۸۳

— (۴۸۴). ظفر

(۳) سورة يوسف: ركوع ۱. ظفر

پس کافران چنین اعتراضی میکردند که به پیغمبر عربی قرآن عجمی نازل گردیده است این سخن تعجب است و در کتابهای فقه واضح گردیده که اگر ترجمه قرآن را در نماز بخوانند نماز صحیح نمیشود و اگر بکدام شخص جدید الاسلام که زبان سخت دارد و کلمات عربی را به زبان آورده نمیتواند برای او روا است که در نماز ترجمه قرآن بخواند تا وقتی که الفاظ عربی نماز را یاد گیرد چرا که او معذور است و این گفتار مولوی صاحب مذکور که گویا الله تعالی قرآن را در دل پیغمبر انداخت و پیغمبر ﷺ به الفاظ عربی آن را بیان کرد این عقیده او بالکل خلاف اهل سنت است و نامبرده معتقد نیجرت و مرزائیت معلوم میشود عقیده اهل سنت این است که قرآن شریف به واسطه جبرئیل علیه السلام نازل شده است و در خود قرآن کریم آمده است: نزل به الروح الامین، یعنی جبرئیل ﷺ از طرف الله تعالی نازل کرده غرض اینکه شنیدن و قبول کردن کلام صاحب این قسم عقیده برای هیچ مسلمان مناسب نیست.

سوال: (۴۹۶) (۱) زن در نماز جهری قرائت را به جهر بخواند یا به خفیه؟ زنان در نماز خفیه و جهری قرائت را به جهری بخوانند و یا به خفیه؟

سوال: (۴۹۷) (۲) مقدار فرض قرائت کدام است؛ چونکه در نماز قرائت فرض است بر کدام اندازه؟

سوال: (۴۹۸) (۳) اگر در یک رکعت نماز صبح یک رکوع بخواند و در دوم جزء یا کلا یک سورت بخواند حکم چیست؟ که در نماز صبح و غیره در رکعت اول رکوع یک سورت و دوم جزء یا کلا یک سورت دیگری را بخواند جائز است یا نه؟

جواب: (۱) زنان در تمام نمازهای خود قرائت را به خفیه بخوانند: فی الکبیری قال ابن الهمام خرج بالنازل بان نعمة المرأة عورة إلى قوله وعلى هذا لو قيل اذا جهرت بالقرآن في الصلاة فسدت كان متجها. ^(۱)

جواب: (۲) مطلق قرائت باندازه یک آیت فرض است: كما في الشامي اي قرائت آية من القرآن وهي فرض عمل ^(۲) خواندن الحمد لله شریف و ضم سوره یا ضم یک آیه دراز و سه آیات کوتاه بی الحمد لله شریف واجب است و به ضم سوره کوتاه مثل انا اعطیناک واجب اداء میشود:

(۱) و در المختار باب شروط الصلوة مطلب فی ستر العورة جلد اول ص ۳۷۷، ط. بس. ج ۱ ص ۴۰۶. ظفر

(۲) و در المختار، باب صفة الصلوة مبحث القراءة جلد اول ص ۴۱۵، ط. بس. ج ۱ ص ۴۴۶. ظفر

وتجب قراءة فاتحه وضم سورة او ما يقوم مقامها من ثلاث آيات قصار او آية طويلة في الاولين عالمگیری ج ۱ ص ۶۶.

جواب: (۳) مستحب این است که در هر رکعت سوره مکمل قرائت کند: والا فضل آن یقراً فی کل رکعه سورة تامة ولو قرأ بعض السورة في رکعة وبقیها في رکعة قیل یکره والصحيح انه لا یکره کبیری ص ۴۶۲.

سوال: (۴۹۹) قرائت خلف الامام جائز است یا نه؟ قرائت خلف الامام جائز است یا نه؟ اگر جائز نباشد چه دلیل است؟

جواب: قرائت خلف الامام به نزد امام اعظم صاحب جائز نیست لقوله ﷺ: من كان له امام فقرأه الامام له قراءة، رواه الطحاوي والامام محمد في موطنه واسناده صحيح كما في آثار السنن وقوله ﷺ: واذا اقرأ فانصتوا الحديث رواه مسلم^(۱) وغيره، والله تعالى اعلم كتبه عزيز الرحمن مفتي مدرسه عاليه دیوبند. (ویکره عندهما لما فيه من الوعيد ويستمع وينصب، هدايه، قال العلامة بدر الدين العيني في شرح الهداية: وفي شرح التاويلات عن سعد بن ابي وقاص رضي الله عنه: من قرأ خلف الامام لا صلاة له، وروی ايضا نهی ذلك عن جماعة من الصحابة رضي الله عنهم. جميل الرحمن).

سوال: (۵۰۰) برای مسبوق در قرائت ترتیب امام لازم است یا نه؟ به ذمه مسبوق ترتیب امام لازم است یا نه؟ مثلاً امام یک سوره را خوانده است آیا مسبوق ما قبل از آن کدام سوره را بدون کراهیت خوانده میتواند یا نه؟

جواب: ترتیب امام به ذمه مسبوق لازم نیست چرا که مسبوق در نماز خود در حکم منفرد است: والمسبوق من سبقه الامام بها او ببعضها وهو منفرد فيما يقضيه در المختار.

سوال: (۵۰۱) در حدیث مشکوٰۃ وبخاری راه تطبیق چیست؟ درباره نخواندن سوره فاتحه لفظ خداج آمده ودر بخاری شریف: لا صلاة لمن لم یقرأ بفاتحة الكتاب، آمده مطلب این را واضح فرمائید.

جواب: این حکم برای امام ومنفرد است ممانعت قرائت برای مقتدی در احادیث صحیحہ دیگری موجود است مثل حدیث شریف: واذا قرأ فانصتوا^(۲)، الحدیث وحديث شریف: من كان له امام

(۱) مشکوٰۃ باب القراءة في الصلاة ص ۷۹ و ص ۸۱ او آثار السنن باب فی ترک القراءة خلف الامام جلد اول ص ۸۷. ظفر

(۲) مشکوٰۃ باب القراءة في الصلاة ص ۷۹ و ص ۸۱. ظفر

فقرء الامام له قرائت ^(۱) الحديث وقال الله تعالى: واذا قرئ القرآن فاستمعوا له وانصتوا. ^(۲)

سوال: (۵۰۲) قِرَاءَتِ خِلَافِ تَرْتِيبِ چہ حکم دارد؟ اگر در قرائت نماز اول سورة الم نشرح لك را بعدا سورة والضحي رابخواند جائز است يانه؟ واگر سهوا اين چنين کرده شود سجده سهو لازم است ويانه؟

جواب: قصدا الم نشرح را از والضحي پيش نكند واگر از روى سهو اين عمل صادر شده باشد سجده سهو نيست. في الدر المختار: ويكره الفصل بسورة قصيرة بان يقرأ منكوسا قال الشامي لان ترتيب السور في القرائت من واجبات الصلاة، الى ان قال: انما يكره اذا كان عن قصد فلو سهوا فلا، شامي ج ۱ ص ۵۱۰.

سوال: (۵۰۳) اگر ما بين سوره را بخواند بسم الله رابخواند يانه؟ هم چنين در قنوت وجنازه در شروع دعاء گفتن بسم الله چي حکم دارد؟ اگر کسی از ما بين کدام سورة قرائت را شروع کند وهكذا در وتر وجنازه كه دعاء قنوت ويا دعاء جنازه را شروع ميکند در اين وقت بسم الله را بگويد يا نه؟

جواب: اگر قرائت را از ما بين سورت شروع ميکند ويا در وتر دعاء قنوت ميخواند ويا در نماز جنازه دعاء ودرود ميگويد، وهر کدام آن را به بسم الله شروع کند کدام حرج نيست. ^(۳)
تَمَّتْ بِحَمْدِ اللَّهِ تَعَالَى



(۱) آثار السنن باب في ترك القراءة ص ۸۷. ظهير *

(۲) سورة الاعراف رکوع ۲۴. ظهير

(۳) يعني اگر چه در تمام اين صورنها گفتن بسم الله مستحسن نيست ليکن اگر گفته شود حرج هم نيست کما في الشامي ص ۵۸ ح ۱ في بيان مفصلات الصلوة: قوله سمع اسم الله تعالى فقال جل جلاله الخ لان نفس تعظيم الله تعالى والصلوة على النبي ﷺ لا يافي الصلاة ويزيده ما في الدر المختار في بيان تاليف الصلوة لا تسن البسملة بين الفاتحة والسورة مطلقا ولو سرية ولا نكره اتفاقا الخ. جميل الرحمن غفرله